
صحيفة الزهراء سلام الله عليها
جوادالقيومى الاصفهانى


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه اصفهان
السلام علیک یا صاحب الزمان
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

مشخصات کتاب

پدیدآور: فاطمه زهرا (س) 13 قبل از هجرت-11ق.
عنوان و شرح مسئولیت: صحیفة الزهراء سلام الله علیها / جواد القیومی الاصفهانی تحقیق موسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم
ناشر: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی
موضوع: "دعاها"
"فاطمه زهرا (س)، 8؟قبل از هجرت-11ق."
"کلمات قصار"
"خطبه ها"
شناسه افزوده: قیومی اصفهانی جواد 1342- گردآورنده
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم دفتر انتشارات اسلامی

مقدمه مؤلف

تقدیم به پیشگاه ارجمند تو، ای زهرای عزیز.
بتو ای محبوبه خدا.
بتو ای آرام جان و سرور دل خاتم انبیاء.
بتو ای دخت نبوت و امام ولایت.
بتو ای همسر و همتای علی.
بتو ای عطای خدای سبحان و کوثر پر بهای قرآن.
و بالاخره، بتو ای والاترین بانوی جهان آفرینش
ای عزیز دل و جان ما، اگر آنروز بر تو ستم کردند و از جسم پاک بخاک ناسپرده پیامبر شرم ننمودند، و حرمت خانه و کاشانه وحی را رعایت نکردند، وتو را در میان درهای بسته زندگیت بیرحمانه فشردند، اکنون دیده بگشای و ببین چگونه مردان و زنانی در اندوه تو، زانوی غم به سینه گذارده و سرشک تلخ بر دامن می‌ریزند.
اگر آن روز بسوز دل ناله برکشیدی، چه ناله‌ها که از دل ما در غم تو برخاست، ای محبوبه خدا و پیامبر او، اگر آن روز با تو چنان کردند معجزه خداوندی آنستکه پس از آن همه پرده‌پوشی، باز رخسارت از پس ابرهای قرون و اعصار نمایان گردیده و تو را به جهانیان می‌شناساند.
شناخت شخصیت حضرت فاطمه علیهاالسلام فصلی است از کتاب رسالت الهی، و مطالعه آن کوششی است در راه معرفت روح اسلام، و ذخیره‌ای گرانقدر برای انسان معاصر و تا آنگاه که خلقت باقی است.

[صفحه 10]

چرا که او پرورده شده در دامان وحی خداست، که پیامبر او را به عنوان «امّ‌أبیها» مفتخر فرمود، او بخشی است از اسلام که در وجود رسول اکرم تبلور یافته، و حیاتش سرمشق هر زن مسلمان، بلکه هرانسان با ایمان در هر زمان و مکانست.
چرا که فاطمه، چهره درخشان زن مسلمان، فروغ تابان معرفت، و نمونه روشن پرهیزکاری و خداپرستی است، این درخشندگی به ساعتی مخصوص و روزی معین اختصاص ندارد، از آن روز که وظیفه‌اش را تعهّد کرد تا امروز و برای همیشه چون گوهری بر تارک تربیت اسلامی می‌درخشد.
اوست فرشته‌ای انسانی با گوهری والا، که در والاترین نقطه وجود سرشته شده، اوست برتر از همه زنان گیتی که در روز قیامت پرتوهای نور او به همه جا می‌تابد، و بالاخره او فاطمه است، کسی که از خشم او خداوند

خشمگین و از خشنودیش خشنود است، اوست که گناهکاران را شفاعت کرده و در بهشت جایشان دهد، و اوست که وسیله تقرّب ما در روز قیامت است.
و اینها همه توصیفاتی است که جز بخشی اندک از دنیای پر فضیلت و شرافت او را نمایان نساخته، و جز مختصری از فضائل و مناقب وی را نمودار نمی‌سازد.
ولادت آن حضرت
شخصیت هر فرد تا حدود زیادی به اوضاع خانوادگی و شخصیت و اخلاق پدر و مادر و محیط اجتماعی او بستگی دارد، پدر و مادرند که شالوده و اساس ششخصیّت فرزند را پی‌ریزی می‌کنند، و او را در قالب روحیّات و اخلاق خودشان ریخته، تحویل جامعه می‌دهند.

[صفحه 11]

شخصیت فوق‌العاده و عظمت روحی و اخلاق پسندیده و همّت عالی و فداکاری و شجاعت پیامبر، بر هیچ مسلمان، بلکه بر هیچ فرد مطّلعی پوشیده نیست،در عظمت آن حضرت همین بس که خداوند درباره ایشان می‌فرماید: «ای محمد اخلاق تو بزرگ و شگفت‌آور است.»
مادر آن حضرت زنی بود بنام خدیجه، او زن ثروتمندی بود که به تجارت اشتغال داشت، و مردانی را برای این منظور اجیر کرده بود، بعد از آنکه پیامبر را به همین عنوان انتخاب کرد و امانت و صداقت او را دید، به او پیشنهاد ازدواج کرد، زیرا از بعضی از دانشمندان عصر خویش شنیده بود که ایشان پیامبر آخرالزمان است.
او نخستین انسانی است که دعوت پیامبر را اجابت نمود، و اموال و ثروت بسیار خود را بدون قید و شرط در اختیار او قرار داد.
عایشه گوید: از بس پیامبر خدیجه را بخوبی یاد می‌کرد روزی عرض کردم: یا رسول‌الله خدیجه پیرزنی پیش نبود، و خدا بهتر از او را به تو عطاء کرده است، پیامبر غضب نموده فرمود: بخدا سوگند خدا بهتر از او را بمن نداده است، خدیجه هنگامی ایمان آورده که دیگران کفر می‌ورزیدند، و مرا تصدیق نمود وقتی که دیگران تکذیبم کردند، اموالش را رایگان در اختیارم گذاشت وقتی که سائرین محروومم نمودند، وخدا نسل مرا در اولاد او قرار داد.
در روایات وارد شده: هر وقت جبرئیل بر پیامبر نازل می‌شد عرض میکرد: سلام خدارا به خدیجه برسان، وبگو خداوند قصر زیبائی در بهشت برای تو آماده کرده است، روزی جبرئیل بر پیامبر نازل شده عرض کرد: خداوند بزرگ بر تو سلام فرستاده، می‌فرماید: چهل شبانه‌روز از خدیجه

[صفحه 12]

کناره‌گیری کن و به عبادت و تهجّد مشغول باش، و پیامبر طبق دستور خداوند حکیم چهل روز به خانه خدیجه نرفت، و در آن مدت شبها به نماز و عبادت می‌پرداخت و روزها روزه‌دار بود.
چون چهل روز بدین منوال سپری شد فرشته خدا فرود آمده و غذائی از بهشت آورد و عرض کرد: امشب از این غذاهای بهشتی تناول کن، رسول خدا با آن غذاهای روحانی و بهشتی افطار کرد، هنگامیکه برخاست تا آماده نماز و عبادت شود جبرئیل نازل شده عرض کرد: ای رسول خدا امشب از نماز مستحبّی بگذر و بسوی خانه خدیجه حرکت کن، زیرا خدا اراده نموده که از صلب تو فرزند پاکیزه‌ای بیافریند.
امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: هنگامی که خدیجه با رسول خدا ازدواج کرد، زنان مکّه با وی قطع رابطه نموده و به خانه‌اش نمی‌رفتند، و این جهت اندوهناک بود، ولی هنگامیکه به حضرت فاطمه علیهاالسلام حامله گردید، از غم تنهائی نجات یافت، و با کودکی که در شکم داشت انس گرفت و با او سخن می‌گفت.
جبرئیل برای بشارت پیامبر و خدیجه فرود آمده و گفت: ای پیامبر کودکی که در رحم خدیجه می‌باشد دختر ارجمندی است که نسل تو از وی خواهد بود، او مادر امامان و پیشوایان دین است که بعد از انقطاع وحی جانشین تو خواهند شد، پیامبر پیام پروردگار جهان را به خدیجه ابلاغ نمود، و خدیجه بدان نوید فرحبخش دلش راشاد گردانید.
آری، اراده پروردگار جهان بر این تعلق گرفته بود که ذریه طاهر و سلاله مطهر نبوی تنها از طریق فاطمه علیهاالسلام بوجود آیند، واین زمین پاکیزه و منبت طیّب، آن درخت برومند شرف و مجد را در خود برویاند.

[صفحه 13]

سلاله پیامبر همان ذریّه و اولاد فاطمه‌اند، و رفتار خاص پیامبر نسبت به آنان بهترین گواه بر این دعوی است.
نامهای آن حضرت
از امام صادق علیه السلام روایت شده که آن حضرت را نه نام است: فاطمه، صدّیقه، مبارکه، طاهره، زکیّه، راضیه، مرضیه، محدّثه، زهرا.
نامهایی که بر آن حضرت نهاده شده به مناسبتهائی انجام پذیرفته، و سنخیّت بین اسم و مسمّی مورد عنایت واقع شده است، و احادیث فراوانی مؤید این مطلب می‌باشد، و در اینجا در مورد دو نام آن حضرت،

یعنی فاطمه و محدّثه مطالبی را ذکر می‌کنیم.
فطم در لغت بمعنی بریده شدن است، و فاطم و فاطمه بمعنی بریده شده است، امام رضا علیه‌السلام از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل فرموده که علت نامگذاری ایشان به فاطمه آنستکه وی و شیعیانش از آتش بریده شده‌اند.
و در روایتی از امام باقر علیه‌السلام می‌خوانیم که علت نامگذاری ایشان به فاطمه آنستکه ایشان را بوسیله علم از شیر گرفتند، یعنی ایشان مملوّ از علم و دانش می‌باشد.
و در روایتی از امام صادق علیه‌السلام وارد شده که علت نامگذاری ایشان آنستکه شر و بدی از ایشان بریده شده و در وجود ایشان راه ندارد.
یکی از نامهای دیگر ایشان محدَّثه است، محدَّث کسی است که فرشته بر او نازل می‌شود، چنانکه امامان دوازده گانه محدَّث بوده‌اند حضرت فاطمه علیهاالسلام نیز محدَّثه بوده است.

از امام صادق علیه‌السلام روایت شده که فرمود: فاطمه علیهاالسلام دختر پیامبر محدَّثه بود، امّا پیامبر نبود، و از این جهت او را محدَّثه نامیده‌اند که فرشتگان از آسمان بر او نازل شده و با او سخن می‌گفتند، همانگونه که با مریم دختر عمران گفتگو داشتند.
روایات وارده در این موضوع صریحاً حاکی از آنست که بعد از رحلت پیامبر، خداوند متعال برای تسلّی خاطر آن حضرت فرشتگان را هم صحبت و مأنوس او گردانید، و جبرئیل نزد ایشان می‌آمد و تمام حوادثی که بعد از زندگی ایشان اتفاق می‌افتد را بوی خبر می‌داد، و علی علیه‌السلام آنها را می‌نگاشتند، و نام آن مصحف فاطمه علیهاالسلام است، که نزد امامان علیهم‌السلام بوده و هم اکنون در دست امام زمان علیه‌السلام می‌باشد.
تعیین روز ولادت ایشان
فاطمه اطهر بانوی بزرگ اسلام از پدر و مادری بزرگ ولادت یافت، لیکن روز و بلکه سال ولادت ایشان بدرستی روشن نیست، یعنی تاریخ نویسان در آن همداستان نیستند، نه تنها در زاد روز ایشان چنین امری صورت گرفته، بلکه تاریخ پیشوایان دین و ائمه معصومین، و نیز تاریخ تولد و رحلت پیامبر اکرم هیچیک مورد اتفاق مورخّان نمی‌باشد.
بهر حال، در آنچه در مورد سال ولادت این اختر آسمانی گفته شده سه قول مشهور می‌باشد: پنج سال قبل از بعثت، دو سال بعد از بعثت، پنج سال بعد از بعثت.
قرینه‌ای قابل توجه و قوی در عموم روایتهای علماء و محدثان شیعه

[صفحه 15]

وجود دارد و نشان دهنده آنستکه ولادت آن حضرت پس از بعثت واقع شده است، و این قرینه ارتباط دادن ولادت ایشان با معراج پیامبر می‌باشد، چرا که در روایات آمده که پیامبر فرموده‌اند: در شب معراج سیب بهشتی بمن دادند و نطفه دخترم زهرا از آن مبدء تکوین یافته است.
با توجه به این نکته که علماء شیعه معراج را از دو سال بعد از بعثت تا شش ماه پیش از هجرت نوشته‌اند.
از طرف دیگر در روایتی که شیخ صدوق در امالی خود آورده هنگام ولادت آن حضرت کسی از زنان قریش و بنی‌هاشم برای یاری خدیجه نیامده و گفتند: ای خدیجه نصیحت ما را نشنیدی و به یتیم ابوطالب شوهر کردی.
و مسلماً اگر بپذیریم تولد پنج سال بعد از بعثت بوده، پیامبر در این زمان یارانی داشت، و دیگر یتیم ابوطالب تلقی نمی‌گردید، و گروهی بودند که از جان و دل پیرو ایشان بشمار می‌آمدند، و خدیجه نیازی به یاری غیر مسلمانان نداشت.
از سوی دیگر در چند روایت شیعه و سنی به همزمانی ولادت آن حضرت با نوسازی خانه کعبه اشاره شده است، و داستان تجدید بنای کعبه بر اثر سیل، و داوری پیامبر در نصب حجرالاسود مسلماً پیش از بعثت یا اوائل بعثت بوده است، زیرا در سال پنجم قریش با پیامبر حالت خصمانه داشته و چنین داوری را به پیامبر نمی‌دادند.
در روایات شیعه آمده است که ولادت آن حضرت پنج سال بعد از بعثت یا دو سال بعد از بعثت صورت گرفته، و روایات اهل سنت قول پنج سال قبل از بعثت را تأیید می‌کند.

[صفحه 16]

بدیهی است که زادروز و یا سال مرگ شخصیتهای بزرگ از نظر تحلیل شخصیت ایشان چندان مهم بنظر نمی‌رسد، آنچه از زندگانی افراد برجسته و استثنائی برای نسلهای بعد اهمیت دارد اینستکه بدانند آنان که بوده، چگونه زیستند، و چه کرده‌اند، و چه اثری در محیط اجتماعی خود و پس از آن نهادند.
دوران کودکی ایشان
حضرت فاطمه علیهاالسلام در آغوش پر مهر مادرش حضرت خدیجه علیهاالسلام پرورش یافت، و از شیر پاک او که از منبع شرافت و نجابت و بردباری و فداکاری سرچشمه می‌گرفت تغذیه شد.

دوران شیر خوارگی و ایام کودکی آن حضرت در محیط بسیار خطرناک و اوضاع بحرانی صدر اسلام گذشت، مدتی از ایام کودکی ایشان در شعب ابوطالب سپری شد، در حدود سه سال طول کشید که آن حضرت به غیر از زندان سوزان شعب چیزی ندید.
پس از آنکه پیامبر و بنی‌هاشم از تنگنای شعب نجات یافته و به خانه و زندگی خود مراجعت نمودند، مناظر زندگی جدید و نعمت آزادی برای ایشان تازگی داشت و شادمان و مسرور بود، امّا افسوس که روزگار شادمانی آن حضرت دوامی نداشت، چرا که مادر مهربانش خدیجه را از دست داد، و این حادثه روح حساس ایشان را افسرده نمود.
امّا هر چه محرومیت آن حضرت بیشتر می‌شد اظهار محبت پیامبر نسبت به ایشان فزونی می‌گرفت، و در روایات وارد شده که رسول خدا تا صورت آن حضرت را نمی‌بوسید بخواب نمی‌رفت.

[صفحه 17]

این حوادث سهمگین و گرفتاریهای مداوم است که روح افراد ممتاز و برجسته را تقویت می‌کند و استعدادهای درونی و نیروهای نهفته آنان را به عرصه ظهور و بروز می‌آورد، تا در مقابل مشکلات پایداری کنند.
آری، اوضاع بحرانی و خطرناک و حوادث دوران زندگی فاطمه علیهاالسلام نه تنها خللی در روح آن حضرت وارد نساخت، بلکه بر عکس گوهر وجودش را صیقلی داد و تابناک نمود، و برای هر گونه مبارزه ای دلاور و نیرومندش گردانید.
در وجود آن حضرت ذخائری از انسانیت، جوانمردی، عفت، بزرگواری که امکان داشت بانوئی به آن دست یابد، فراهم آمده بود، او مباهات می‌کرد که در مدرسه نبوت تربیت شده و در دانشگاه رسالت به کمال رسیده است.
در خانه پدرش که مهبط فرشتگان الهی، و جایگاه نزول وحی خداوند بود پرورش یافته، و آموزگارانی چون پدر و شوهرش که مجسمه انسان کامل بودند، داشت.
از مباحثاتی که آن حضرت با ابوبکر نموده و به آیات قرآن استناد کرده است،این واقعیت به ظهور می‌رسد که آن حضرت به آیات قرآنی احاطه کامل داشته، چرا چنین نباشد، در حالیکه قرآن را از زبان رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیده، و در وجود او و علی علیه‌السلام دیده بود، روح و روان خود را با مفاهیمش تلطیف و تصفیه نموده، واحکام و وظائف خود را از آن استخراج می‌کرد.
او همچون دیگر خاندان اهل‌بیت از موهبت فصاحت و بلاغت بهره‌ای وافر

داشت، با نیروی گفتار خود بر دلها فرمانروایی می‌کرد و با بیان استوار

جانها را در اختیار می‌گرفت، و با نیکوترین روشها سخن می‌گفت، همه این امتیازات در خطابه‌ای که آن حضرت به مخالفت با تصدّی مقام خلافت بوسیله ابوبکر و به محاجّه با وی در مسأله فدک ایراد کرد، خودنمائی دارد.

ازدواج آن حضرت

آنگاه که خورشید رخسار زهرا در آسمان رسالت بدرخشید،و در افق جلالت ماه تمام شد، افکار همگان به او معطوف گشت، و همه چشمها بسوی او نگران شد.

اصحاب پیامبر چون ارزش و موقعیت آن حضرت را نزد پدر می‌دانستند، از اینرو برای کسب شرافت و تقرب بیشتر به پیامبر خواستار ازدواج با ایشان شدند، لیکن پیامبر هر بار به نوعی روی موافقت از ایشان بر می‌تافت.

تشخیص کفو و همتا بودن بشری با بشر دیگر مطلبی است که فهم انسان از درک آن عاجز است، و تنها خدای تعالی که از ضمائر مخلوقات آگاه است می‌داند چه کسی کفو و نظیر کیست، و همتای هر موجودی در عالم کدام است.

از اینرو اختیار فاطمه علیهاالسلام برای همسری علی علیه‌السلام انتخابی است الهی، خدای تعالی خود برای زهرا زوجی که کفو و همتای اوست را برگزید و در این عقد آسمانی خود خطبه می‌خواند، و شهود این ازدواج مقدس پیامبر و جبرئیل وفرشتگان الهی هستند.

و در نتیجه همین جهل و نادانی و ناتوانی بشر در شناخت مقام شامخ

ایشان است که می‌بینیم ابوبکر و عمر نیز خواستار ازدواج با آن حضرت می‌شوند، و پیامبر در جواب ایشان چنین فرمود: فاطمه از آن خداست و در این مورد هیچگونه اختیاری ندارم و تنها خدا که خالق زهراست و می‌داند کفو و همسر و زوج شایسته او کیست.

امام ششم علیه‌السلام می‌فرماید:

«لَوْلا اَنَّ اَميرَالْمُؤْمِنينَ تَزَوَّجَها لَما كانَ لَها كُفْوٌ اِلى يَوْمِ الْقِيامَةِ عَلى وَجْهِ الْاَرْضِ، اَدَمَ فَمِنْ دُونِهِ».

اگر حضرت علی علیه‌السلام با حضرت زهرا علیهاالسلام ازدواج نمی‌کرد، از حضرت آدم تا روز قیامت برای آن حضرت کفو و همتایی نبود.

زندگی مشترک ایشان
زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام در خانه شوهر نمونه است، چون سراسر زندگانی او نمونه است، چون شوی او، پدر او، و فرزندان او نمونه‌اند، نمونه انسانهای آراسته به فضیلت و خوی اسلامی.
زندگانی مشترک حضرت علی و فاطمه علیهماالسلام در سایه ارشادات پیامبر اسلام می‌گذشت، آنان در امور زندگی با یکدیگر تعاون و همکاری داشتند.
زندگی ایشان غالباً در تنگی معیشت می‌گذشت، بطوری که توانائی مال برای استخدام خدمتکاری نداشتند، که در کارهای سنگین و سخت آن حضرت را یاری نماید،بسیار اتفاق می‌افتاد که این زوج مهربان شبها در بستر زبر و خشن خود از سرما آرام نداشتند، اگر بالاپوش بر سر می‌کشیدند پاهایشان از بستر بیرون بود، واگر پا را در زیر آن قرار میدادند سرشان از آن بیرون قرار می‌گرفت.

[صفحه 20]

او طبیعتی بی‌نیاز و روحی موقر و آرام داشت، از پدر خود شنیده بود که ثروت و مال موجب بی نیازی نیست، بلکه بی نیازی در بی نیازی نفس و استغنای طبع آدمی حاصل می‌شود.
همچنین از پدر خود شنیده بود که می‌فرماید: پروردگار خواست تا بیابان مکه را انباشته از طلا نماید و بمن دهد، گفتم پروردگارا دوست دارم که یک روز گرسنه و دیگر روز سیر باشم، تا آنروز که گرسنه‌ام ترا بخوانم و به نزد تو تضرّع و عرض نیاز کنم، و آن روز که سیر باشم شکر نعمت گذارم و حمد وثنای تو گویم.
او همچون دیگر خاندان اهل‌بیت از موهبت فصاحت و بلاغت بهره‌ای وافر داشت، با نیروی گفتار خود بر دلها فرمانروائی می‌کرد و با بیان استوار جانها را در اختیار می‌گرفت، و با نیکوترین روشها سخن می‌گفت، همه این امتیازات در خطابه‌ای که آن حضرت به مخالفت با تصدّی مقام خلافت بوسیله ابوبکر و به محاجّه با وی در مسأله فدک ایراد کرد خودنمائی دارد.
از انس بن مالک روایت شده که روزی پیامبر خدا از ما پرسید: زنان را چه چیز از همه نیکوتر باشد، کسی پاسخ آنرا نمی‌دانست، حضرت علی علیه‌السلام بی‌درنگ نزد حضرت فاطمه علیهاالسلام رفت و مسأله را از او پرسش کرد، ایشان فرمودند: چرا نگفتی که زنان را نیکوترین چیز آنستکه به مردان نظر نکنند، و مردان نیز ایشان را دیدار ننمایند، حضرت علی علیه‌السلام بازگشت و پاسخ پیامبر را بهمان صورت که از همسر خود شنیده بود عرضه داشت، پیامبر فرمود: ای علی چه کسی ترا بر آن آگاه

ساخت؟ گفت: فاطمه، آنگاه پیامبر فرمود حقا که فاطمه پاره تن من است.
چندی نگذشت که تولد کودکانی عزیز فرح‌افزا و روشنی بخش آن خانه

[صفحه 21]

محقر گردید، و این زوج صالح از نعمت وجود پسران و دخترانی گرامی چون حسن و حسین و محسن، و زینب و ام‌کلثوم بهره‌مند شدند. نام این سه پسر را پیامبر تعیین فرمودند، و آن دو دخت را زهرا به یادگار دو خواهر از دست رفته خود و بخاطر محبتهائی که در کودکی از ایشان دیده بود زینب و ام‌کلثوم نام نهاد.
رحلت پدر بزرگوارش
حضرت فاطمه علیهماالسلام به زندگی خود ادامه میداد، امّا تحوّلی دیگر در زندگی آن حضرت در شرف وقوع بود، تحوّلی که سر منشأ بسیاری از تحولات زندگی ایشان در آینده بشمار می‌آید، و آن واقعه رحلت پیامبر می‌باشد.
زهرا در آن موقع که رسول خدا در بستر بیماری قرار داشت پیوسته در کنار او بود و به کارها و حوائج وی رسیدگی می‌کرد، چون سایه مرگ بر آن حضرت افتاد فرمود: وای ازاندوه و غم، فاطمه از شنیدن سخن غم‌آلود پدر در حزنی عمیق فرو رفت و با ناله گفت: وای ازاندوه پدر.
پیامبر از حال زار فاطمه پریشان شد و برای آرامش دل رمیده دختر خود فرمود:دخترم پس از امروز دیگر برای پدرت غصه مخور.
او به خاطر می‌آورد که پدرش رازگونه به وی فرموده بود:دخترم زمان مرگ تو نیز نزدیک است و تو نخستین کسی هستی که از اهل‌بیت بمن ملحق می‌گردد، و نیز بیاد آورد که به ایشان بشارت داده بود که فاطمه جان راضی نیستی سرور زنان عالم باشی.
حضرت فاطمه علیهاالسلام پس از مرگ پدر دیگر لب به خنده نگشود و آنقدر بگریست که یکی از شش تن بسیار گریه‌کننده در تاریخ محسوب گردید،

[صفحه 22]

و آنقدر گریه کرد که مردم مدینه تحمّل گریستن او را نداشتند و خواستار آن شدند که روز یا شب گریه کند و بالاخره آن حضرت برای گریستن به قبرستان بقیع روانه گردید.
در ماتم پیامبر حضرت فاطمه علیهاالسلام اشعاری را بدین مضمون سرود:

ماذا عَلَی مَنْ شَمَّ تُرْبَةَ اَحْمَدا
اَنْ لا یَشُمَّ مَدَی الزَّمانِ غَوالِیا

قُلْ لِلْمُغَیَّبِ تَحْتَ اَطْباقِ الثَّری
اِنْ کُنْتَ تَسْمَعُ صَرْخَتی وَنِدائِیا

صُبَّتْ عَلَیَّ مَصائِبُ لَوْ اَنَّها
صُبَّتْ عَلَی الْاَیَّامِ صِرْنَ لَیالِیا

قَدْ کُنْتَ ذاتِ رَحِمی بِظِلِّ مُحَمَّدٍ
لا اَخْشَ مِنْ ضَیْمٍ وَ کانَ حِما لِیا

فَالْیَوْمَ اَخْضَعُ لِلذَّلیلِ وَ اتَّقی
ضَیْمی، وَ اَدْفَعُ ظالِمی بِرِدائِیا

فَاِذا بَکَتْ قُمْرِیَّةٌ فی لَیْلِها
شَجْناً عَلی غُصْنٍ، بَکَیْتُ صَباحِیا

فَلاَ جْعَلَنَّ الْحُزْنَ بَعْدَکَ مُونِسی
وَلَاَجْعَلَنَّ الدَّمْعَ فیکَ وَ شاحِیا

[صفحه 23]

چه باکی است بر آنکه خاک قبر پیامبر را بوئیده، که در تمام عمر هیچ عطری را نبوید، به آنکه رخ در نقاب خاک نهان کرده بگو آیا صدای ناله و فریاد مرا می‌شنوی، آنچنان مصیبتها بر من باریدن گرفته، که اگر اینگونه بر روزها می‌باریدند چون شبهای تار میگردیدند، من در سایه پیامبر و در حمایت و یاری او بودم، از هیچ دشمنی و کینه‌ای تا زمانیکه او یاورم بود، نمی‌ترسیدم،اما امروز در برابر فرومایگان خاضعم، و می‌ترسم بمن تعدّی شود، و ستمگر را به تنهائی دفع میکنم، اگر قمری شب هنگام بر شاخسار گریه و ناله سر می‌دهد، من هر بامداد نیز در ناله و گریستنم، پدر جان، بعد از تو حزن واندوه را مونس خود خواهم ساخت و در سوگت سرشک غم زینت دامان من گردیده است.
فاطمه با مرگ پدر مهربان و دلسوزش بسیار گریست، حسرت واندوه

آسمان دلش را در غبار تیره فرو کشید، و زبانه‌های غم و ماتم آتش بجان وی افکند.
و آنگاه که جسم پاک پیامبر را در خاک نهادند به یکی از یاران پیامبر فرمود: چگونه دلتان راضی شد که آن حضرت را در زیر خاکها پنهان کنید، واینگونه ناله سرداد:

اِغْبَرَّ آفاقُ السَّماءِ وَ کُوِّرَتْ
شَمْسُ النَّهارِ وَ اَظْلَمَ الْعَصْرانِ

وَ الْاَرْضُ مِنْ بَعْدِ النَّبِیِّ کَئیبَةٌ
اَسَفاً عَلَیْهِ کَثیرَةُ الرَّجَفانِ

کرانه‌های آسمان تیره و تار گردید و خورشید روز به تاریکی افتاد، و روزگار به سیاهی گرائید، و زمین بعد از او به نشانه تأسف بر آن حضرت اندوهناک بوده،وبراو می‌لرزد.
شهادت آن حضرت
حضرت فاطمه علیهاالسلام بعد از پیامبر نود روز و به روایتی هفتاد و پنج روز زندگی کرد، در این مدت هرگز شادمان دیده نشد و گویند در روز آخر از زندگیش در بستر ساده خود قرار گرفته بود، ساعتی از ساعات آن روز را خوابید، و ظاهراًدر آن لحظات پدر خویش را در خواب دید که فرمود: دختر عزیزم بسوی من بیا که مشتاق تو هستم، آن حضرت عرض کرد: من به دیدار شما مشتاقتر و آرزومندترم، پس پیامبر فرمود: تو امشب در نزد من خواهی بود.
زهرا علیهاالسلام از خواب خویش بیدار شد، چشمانش را گشود،نشاطش بازگشت، گوئی که وی در درخشش شمع زندگانی خویش لحظاتی قبل از مرگ قرار گرفته است.
او از اینکه می‌دانست بزودی از غمها و غصه‌های دنیا رها شده و به پدر بزرگوارش ملحق خواهد گردید خرسند و شادمان بود، از طرف دیگر قلبش را آتش فرا گرفته بود، چرا که وی بزودی باید همسر عزیز و کفو و شوی خود را ترک می‌کرد، شوهری که در این دنیای پر از قساوت و سنگدلی یاور و یاوری جز خدای تعالی و او نداشت، چرا که در آن حوادث سهمگین تنها زهرای مرضیه حامی و ناصر مدافع و مونس او بود، اگر او از دنیا می‌رفت چه کسی جای او را برای علی علیه‌السلام می‌گرفت.

[صفحه 25]

دیگر مسأله‌ای که در ذهن او بود فرزندان کوچکش بوند، از جمله اسامی ایشان «حانیه» است، چرا که نسبت به همسر و فرزندانش مهربان و دلسوز بود، و او بزودی می‌بایست پاره‌های جگر خود را رها سازد.
او در تمام مراحل زندگی تسلیم امر خدا و قضاء الهی بود و در برابر آن سر تسلیم فرود می‌آورد، و به رضای او راضی بود.
او در بستر مرگ قرار گرفته بود، زهرائی که قلبش از کینه کینه‌توزان و حسد حسودان و قساوت و سنگدلی دشمنان پدر و شویش پاره پاره شده بود، از کینه آنانکه منافقانه ایمان آوردند و بر پشت اسلام خنجر زدند.
زهرائی که مجسمه صبر و بردباری است اکنون آرزوی مرگ می‌کند، و امید به لقای الهی دارد، پس از رحلت پدر یک لحظه روی خوش ندید، از هنگامی که پدرش بر بستر مرگ افتاده بود آن دیو سیرتان انسان‌نما را دیده بود که در فکر و خیال خیانت بودند، تا وصایای پیامبر اسلام را در حق شوهرش زیر پا گذارده و اسلام را از مسیر خود منحرف سازند.
او در بستر مرگ قرار گرفته است با قلبی مالامال از غصه‌ها واندوهها، از خیانت مسلمانان که به حمایت او بر نخواسته و دختر و داماد پیامبرشان را تنها رها ساختند.
آری او در بستر مرگ قرار گرفته، مرگی که در راه حمایت از امام زمانش، شوهرش،پدر فرزندانش پذیرای آن گردیده است.
او در بستر مرگ قرار گرفته بود، مرگی که مسلمانان در پاسخ به ندای پیامبرشان: «من در مقابل کارهایم تنها دوستی اهل‌بیتم را خواستارم»، ایشان را متحمّل آن ساخته بودند، وچه خوب پاسخی به ندای مقتدا و راهبر

[صفحه 26]

و مولایشان دادند،و تنها مالی که پدرش برای دختر خود و پاره تنش بجای گذاشته بود را غاصبانه از او ربودند، خانه‌اش را به آتش کشیدند، واو را در میان در ودیوار، یا در حقیقت مرگ و زندگی قرار دادند، و حتی جان فرزند شش ماهه‌اش را گرفتند، تا آنجا که مجبور شد در آن بی‌کسی و تنهائی به کنیزش فضه پناه برده و بگوید: فضه مرا دریاب که محسنم را کشتند.
او در بستر مرگ قرار داشت، مرگی که از ناحیه افرادی که از دو لب پیامبر و با دو گوششان شنیده بودند که می‌فرماید:«هر کس فاطمه را بیازارد مرا آزرده، و خداوند برای غضب او غضبناک است»، بر آن حضرت وارد آمده بود، آنانکه زندگی زودگذر دنیا چشمانشان را پر کرده و عشق به

ریاست دنیوی وجودشان را لبریز ساخته، وخدای خود را به فراموشی سپرده بودند، آنانکه خود را والیان امر مسلمانان بشمار آورده، و در واقع هنوز زنّار کفر برگردنشان آویزان بود.
مگر میشود دین الهی به کسانی تفویض شود که در گرداب کفر و بت‌پرستی غوطه‌ور بوده و در برابر بتهای سنگی و چوبی سر فرود آورده، و صحیفه اعمالشان مشحون از هر کار زشت و پلیدی باشد.
مگر می‌شود دین خدا به کسانی سپرده شود که نقطه روشنی در زندگیشان وجود ندارد، زنان پشت پرده را از خود داناتر بشمار می‌آورند، در جنگها با خفّت و خواری رو به فرار می‌گذارند، پیامبرشان را متّهم به نسبتهای ناروا می‌سازند، و از شناخت آیات قرآنی بی بهره‌اند، تو گوئی اصلاً آنرا نخوانده‌اند.
او در بستر مرگ قرار داشت و لحظه وداع با شوهر وفادار و کودکان

مهربانش فرا رسیده بود، پس از چندی که قدرت برخاستن از بستر را نداشت، بستر بیماری را ترک گفته و به کارهای خانه مشغول می‌شود، حضرت علی علیه‌السلام وارد شده و علت را جویا می‌شود، آن حضرت خواب خود را نقل می‌کند.
اکنون زمان آن رسیده است که شوهر خویش را از آنچه در طول این مدت در دل انباشته و مخفی نموده، آگاه سازد و وصایای خود را با او در میان گذارد.
حضرت علی علیه‌السلام همه را از اتاق بیرون نمود، و در کنار بستر همسر مهربانش قرار گرفت، حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:
ای پسر عمو در طول زندگی مرا دروغگو و خائن نیافته‌ای، و نیز در این مدت هیچگاه مخالفت ترا ننموده‌ام، امیرالمؤمنین فرمود: تو داناتر و با تقواتر و گرامیتر از آن هستی که من ترا بخاطر مخالفت کردنت با خود مورد سرزنش و توبیخ قرار دهم، دوری از تو و نبودنت بر من بسی گران و دشوار خواهد بود، ولی چه باید که این مسأله‌ای است که کسی را از آن راه گریزی نیست، سوگند به خدا که با رفتنت مصیبت رسول خدا برایم تجدید می‌شود، انا لله و انا الیه راجعون، از این مصیبت بس بزرگ و دردناک، این مصیبتی است که از آن دلداری نتوان یافت، و سوگی است که جایگزینی ندارد.
حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: بتو وصیت می‌کنم که در تشییع جنازه‌ام کسانی که بمن ستم نمودند شرکت نکنند، مبادا بگذاری کسی از آنان بر جنازه من نماز بگذارد، ومرا شب هنگام آنگاه که چشمها آرام گرفته و

مردمان به خواب رفته‌اند بخاک سپار.

[صفحه 28]

از برخی از روایات استفاده می‌شود که در لحظات احتضار امیرالمؤمنین علیه‌السلام در خانه حضور نداشت، و فقط اسماء در خانه بود، وپس از آنکه از دنیا رفتند، امام حسن وحسین علیهماالسلام وارد خانه شدند و گفتند: اسماء مادر ما هیچ وقت در این ساعت نمی‌خوابید، اوگفت: ای فرزندان رسول خدا مادر شما نخوابیده بلکه ازدنیا رفته است.
با شنیدن این سخن فریاد کودکان برخاست و بروی مادر افتادند، و با او به سخن گفتن پرداختند، اسماء از آنان خواست که پدرشان را که در مسجد حضور داشت آگاه سازند، حضرت علی علیه‌السلام در کنار همسر وفادارش قرار گرفت و گفت: بعد از این به چه کسی خود را تسلّی دهم.
فریاد گریه و شیون تمام مرد و زن مدینه را فرا گرفت، همانند روزی که پیامبر اسلام از دنیا رفت، مردم در انتظار بودند که جنازه را تشییع و بر آن نماز گذارند، امام تشییع را به تأخیر انداخت تا به وصیت همسر عمل نماید.
هنگامی که دیدگان در خواب رفت و صداها به خاموش گرائید امام آن بدن نحیف را که مصیبتهای فراوان آنرا چون هلال ماه خمیده ساخته بود را غسل داد، و درون کفن جای داد، و او را با حنوط بهشتی که پیامبر داده بود حنوط کرد.
پس از مراسم به فرزندانش فرمود: ای حسن ای حسین ای زینب و ای ام‌کلثوم بیائید و با مادرتان خداحافظی کنید که وقت جدائی رسیده، تا بار دیگر در بهشت با وی ملاقات و دیدار نمائید.
کودکان که منتظر چنین فرصتی بودند بسرعت آمده و خود را روی آن بدن پاک افکندند، آنگونه که پروانه روی شمع می‌افتد، با صدائی آهسته

[صفحه 29]

گریسته و کفن مادرشان را با اشکهای ریزانشان خیس نمودند.
بهر حال قبری را برای همسرش زهرا آماده ساخت که مکانش مجهول است، و تا روز ظهور فرزندش مهدی علیه‌السلام همچنان مخفی خواهد ماند، و زهرا را در آن قبر نهاد، و آن مجموعه مواهب و فضائل الهی را دفن نمود، و گفت: ای زمین امانت خود را بتو سپردم، این دخت رسول خداست، ای فاطمه ترا به کسی تسلیم کردم که از من بتو سزاوارتر و شایسته‌تر است، و راضی شدم برای تو آنچه را که خدای تعالی برای تو راضی شد.

امیرالمؤمنین علیه‌السلام در این لحظه سخت‌ترین لحظات زندگیش را می‌گذراند، چرا که عزیزترین کس خود را در ابتدای عمر و شکوفائی زندگانیش از دست داده بود، در این لحظه بود که غمها و اندوهها به شدت به آن حضرت روی آورد و هنگامیکه دست خود را تکان داد تا خاکهای قبر را از دست بیفشاند قطرات اشک بر چهره‌اش جاری گردید و چنین ناله سر داد:

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یا رَسُولَ‌اللَّهِ عَنی، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ عَنْ اِبْنَتِکَ وَ زائِرَتِکَ وَ الْبائِتَةِ فی الثَّری بِبُقْعَتِکَ، وَ الْمُخْتارِ اللَّهِ لَها سُرْعَةَ اللَّحاقِ بِکَ، قَلَّ یا رَسُولَ‌اللَّهِ عَنْ صَفِیَّتِکَ صَبْری، وَ عَفا عَنْ سَیِّدَةِ نِساءِ الْعالَمینَ تَجَلُّدی....

بَلی وَ فی کِتابِ اللَّهِ لی اَنْعَمُ الْقَبُولِ، اِنَّا لِلَّهِ وَ اِنَّا اِلَیْهِ راجِعُونَ، قَدِ اسْتُرْجِعَتِ الْوَدیعَةُ وَاُخِذَتِ الرَّهینةُ وَ اخْتُلِسَتِ الزَّهْراءُ، فَمااَقْبَحَ الْخَضْراءُ وَ الْغَبْراءُ.

[صفحه 30]

یا رَسُولَ‌اللَّهِ! اَمَّا حُزْنی فَسَرْمَدٌ، وَ اَمَّا لَیْلی فَمُسَهَّدٌ، وَ هَمٌّ لا یَبْرَحُ مِنْ قَلْبی، اَوْ یَخْتارَ اللَّهُ لی دارَکَ الَّتی اَنْتَ فیها مُقیمٌ، کَمَدٌ مُقَیَّحٌ وَ هَمٌّ مُهَیَّجٌ، سَرَعانَ ما فَرَّقَ اللَّهُ بَیْنَنا، وَ اِلَی اللَّهِ اَشْکُو.

وَ سَتُنَبِّئُکَ اِبْنَتُکَ بِتَضافُرِ اُمَّتِکَ عَلَیَّ، وَ عَلی هَضْمِها حَقِّها، فَاحْفِهَا السُّؤالَ وَ اسْتَخْبِرْهَا الْحالَ.

فَکَمْ مِنْ غَلیلٍ مُعْتَلِجٍ بِصَدْرِها لَمْ تَجِدْ اِلی بَثِّهِ سَبیلاً، وَ سَتَقُولُ، وَ یَحْکُمُ اللَّهُ وَ هُوَ خَیْرُ الْحاکِمینَ.

وَ السَّلامُ عَلَیْکُما یا رَسُولَ اللَّهِ، سَلامَ مُوَدِّعٍ، لا سَئِمٍ وَ لا قالٍ، فَاِنْ اَنْصَرِفْ فَلا عَنْ مَلالَةٍ، وَ اِنْ اُقِمْ فَلا عَنْ سُوءِظَنٍّ بِما وَعَدَ اللَّهُ الصَّابِرینَ.

واهاً واهاً، وَ الصَّبْرُ اَیْمَنُ وَ اَجْمَلُ، وَ لَوْلا غَلَبَةُ الْمُسْتَوْلینَ عَلَیْنا لَجَعَلْتُ الْمُقامَ عِنْدَ قَبْرِکَ لِزاماً، وَ التَّلَبُّثَ عِنْدَهُ عُکُوفاً، وَ لَاَعْوَلْتُ اِعْوالَ الثَّکْلی عَلی جَلیلِ الرَّزِیَّةِ.

فَبِعَیْنِ اللَّهِ تُدْفَنُ اِبْنَتُکَ سِرّاً، وَ یُهْتَضَمُ حَقُّها قَهْراً، وَ یُمْنَعُ اِرْثُها جَهْراً، وَ لَمْ یَطُلْ مِنْکَ الْعَهْدُ، وَ لَمْ یَخْلِقْ مِنْکَ الذِّکْرُ.

[صفحه 31]

فَاِلَی اللَّهِ یا رَسُولَ‌اللَّهِ الْمُشْتَکی، وَ فیکَ یا رَسُولَ‌اللَّهِ اَجْمَلُ الْعَزاءِ، فَصَلَواتُ اللَّهِ عَلَیْها وَ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُاللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ.

سلام بر تو ای رسول خدا، سلام بر تو از دخترت و زیارت کننده‌ات، وآن کس که در بقعه شما در خاک آرمیده، و خدا زود رسیدن او را نزد تو

برایش برگزیده، ای رسول خدا شکیبائیم از فراق محبوبه‌ات کم شد، و خودداریم در فراق سرور زنان جهان از بین رفت...
آری، در برابر تقدیر خدا جز قبول چاره‌ای نیست که می‌فرماید: «از مائید و بسوی ما باز می‌گردید»، پس امانت پس گرفته شد، و گروگان دریافت گشت، و زهرا از ستم ربوده شد.
ای رسول خدا آسمان نیلگون و زمین تیره در نظرم بسیار زشت جلوه می‌کند،اندوهم همیشگی و شبهایم در بیخوابی میگذرد، و غم پیوسته در دلم خانه کرده است، تا خدا خانه‌ای که تو در آن اقامت داری را برایم برگزیند، غصهائی دارم که دل را خون می‌کند و اندوهی دارم که به جوشش درآمده است.
چه زود خدا میان ما جدائی انداخت، و من از این فراق بخدا شکایت می‌برم، و بزودی دخترت برای شما خبر می‌آورد که امتت بر علیه من با همدیگر همدست شدند، و از خوردن حق وی سؤال کن و با اصرار ازاو بخواه تااحوال بازگوید.
زیرا چه بسا درد دلهائی داشت که چون آتش در سینه‌اش می‌جوشید

[صفحه 32]

و در دنیا راهی برای گفتن آن نیافت، ولی بزودی خواهد گفت و خدا داوری خواهد کرد که او بهترین داوران است.
و سلام بر هردوی شما ای رسول خدا، سلام وداع کننده‌ای که نه دلتنگ است و نه خشمگین، اگر از اینجا بازگردم بواسطه دلتنگیم نیست، و اگر بمانم بخاطر بدگمانی به آنچه خدا به صابران وعده فرموده، نمی‌باشد.
صبر و بردباری مبارک‌تر و پسندیده‌تراست، و اگر بیم چیرگی دشمنان برما نبود در کنار قبر تو اقامت می‌کردم و درنگ در نزد ترا مانند معتکفان برمی‌گزیدم، و مانند مادری که جوانش مرده باشد بر این مصیبت بزرگ می‌گریستم.
آری پیامبر، در محضر خدا دخترت مخفیانه بخاک سپرده شده، و با زور و قهر حقّش را خوردند، آشکارا وی را از ارثش بازداشتند، باآنکه زمان رفتن شما ازدنیا طولانی نشده بود، و یا نامت از یادها نرفته بود.
پس ای رسول خدا من شکایت فقط به سوی خدا می‌برم، و بهترین دلداری از جانب توست، پس درودهای خداوند و رحمت و برکات او بر فاطمه و بر تو ای رسول خدا باد.
کتاب حاضر
در پهنه بیکران جهان هستی انسان چون قطره آبی است سرگردان و ناتوان، سرگردان در جهت یافتن راهی روشن، و ناتوان و عاجز در برابر

امواج حوادث و ناکامیها، و تنها با اتصال و پیوند یافتن با سرچشمه بیکران اقیانوس حیات، و توکّل و تمسّک به منبع واقعی قدرتها و کمالات است که مفهوم عجز

[صفحه 33]

و فقر درهم می‌شکند، و قلب آدمی کانونی مطمئن و تسلّی‌بخش گشته و می‌تواند با اعتماد و اطمینان هر چه بیشتر بسوی آینده هر چه بهتر گام بردارد.
آنگاه که دیده از همه جا بریده و آدمی خسته و ناتوان می‌گردد، آن هنگام که بالهای امید درهم می‌شکند، و پرنده آرزو بدنبال آشیانه‌ای است، آن زمان که آدمی با وجود تمامی وسائل متعارف و اسباب و قوای مادی بازمانده و مأیوس می‌شود، بی اختیار دست نیاز بسوی وجودی برمی‌دارد که منبع تمامی قدرتها بوده و از او یاری و مدد می‌جوید.
راستی، اگر دعا نباشد و اگر بشر خدا را نخواند، چگونه می‌تواند بر حوادث پیروز شود، و در سختیها و شدائد چه پناهگاهی دارد.
آری! انوار دعا ضمائر آدمی را روشن، و تیرگیهای قلبش را برطرف می‌سازد، خستگیها را از تن او زدوده، و فشار آلام و مصائب را سبک می‌سازد.
انسانی که در جهانی پر از شدائد و مشکلات قدم می‌نهد، دنیائی که دائماً در آغوش امواج بلاها و گرداب حوادث عظیمه است، رحمت بیکران الهی ایجاب می‌کند، که دستاویزهای محکم و عروةالوثقای ناگسستنی در اختیار این بشر سرگردان قرار دهد، تا در مسیر ناهموار زندگانیش امیدگاهی خداپسند و پناهگاهی دور از گزند داشته باشد.
از همان زمان که آدم علیه‌السلام آفریده شد، و بوسیله جبرئیل برای استجابت دعا و رفع مشکلاتش توسّل به پنج تن علیهم‌السلام و شفیع قراردادن آنها در پیشگاه پروردگار بی‌همتا، به او آموخته شد، تکلیف بنی‌آدم روشن گردید.
در این مجموعه دعاها و نیایشهای وارده از محور آل‌کساء حضرت فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام و خطبه‌ها و احادیث آن حضرت گردآوری شده است،

[صفحه 34]

مضامین این مجموعه خود گواه صادقی است بر بالا بودن افق آنها و دانش بی‌انتهای پدید آورنده آن، وچرا چنین نباشد در حالیکه به صریح روایات، او دانائی است که دانش خود را از منبع بیکران علم الهی اخذ نموده است.

ای زهرا! این صحیفه توست، صحیفه نور، بدان شرافت جسته و در پرتو انوار آن راه هدایت الهی را می‌یابیم.
ای زهرا! ای برگزیده خدای جهانیان، ای پاره تن برترین رسولان، ای همسر امیر مؤمنان، ای پرورنده معصومان، ای مظلومه دوران، ای مقهور ظالمان، ای ستم‌کشیده از دشمنان، این اثر ناقابل را به تو تقدیم می‌دارم، تا مارا مشمول فضل و عنایت خود قرار داده، و تحیات و ثنایمان را در حق خود بپذیری.
اکنون با قلبی سرشار از خلوص و امید، به درگاه خدا روی آورده و وجود مقدس و آبرومند تو را شفیع و واسطه فیض او قرار داده و عرضه می‌داریم:
«بسوی تو روی آورده و شفاعت تو را خواهانیم، و پیشاپیش حاجتهایمان تو را نزد خداوند شفیع قرار می‌دهیم، ای کسی که نزد خدا آبرومند می‌باشی نزد او شفاعت مارا بنما».
در پایان از تلاشهای همسر خود که در انجام این اثر و سائر آثار اینجانب، از هرگونه همکاری دریغ نورزیدند، صمیمانه قدردانی می‌نمایم، توفیقات روزافزون ایشان را از درگاه ایزد متعال خواستارم.
جواد قیومی‌اصفهانی
4/ 6/ 1373

نیایشها و ادعیه‌ی آن حضرت

اشاره

1- ادعیه آن حضرت در ثناء الهی و درخواست حوائج از او
2- ادعیه‌ی آن حضرت در مورد نماز و آنچه بدان ارتباط دارد
3- ادعیه آن حضرت در زوال اندوهها و قضاء حوائج
4- ادعیه‌ی آن حضرت در رفع خطرات و بیماریها
5- ادعیه آن حضرت در ایام هفته و ماه
6- ادعیه‌ی آ ن حضرت در آداب خواب
7- ادعیه آن حضرت در مدح یا مذمت افراد
8- ادعیه آن حضرت در روز قیامت
9- ادعیه آن حضرت در امور متفرقه

[صفحه 37]

ادعیه‌ی آن حضرت در ثناء الهی و درخواست حوائج از او

اشاره

در تسبیح و تنزیه خداوند
در تسبیح و تنزیه خداوند در روز سوم ماه
در مورد بدست آوردن اخلاق نیکو و کارهای پسندیده
در حاجتهای جامعی برای دنیا و آخرت

[صفحه 38]

سُبْحانَ ذِی الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنیفِ، سُبْحانَ ذِی‌الْجَلالِ الباذِخِ الْعَظیمِ، سُبْحانَ ذِی‌الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدیمِ، سُبْحانَ مَنْ لَبِسَ الْبَهْجَةَ وَالْجَمالَ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدَّی بِالنُّورِ وَالْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ یَری اَثَرَ النَّمْلِ فِی الصَّفاءِ، سُبْحانَ مَنْ یَری وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَواءِ، سُبْحانَ مَنْ هُوَ هکَذا وَ لاهکَذا غَیْرُهُ.
و فی روایة:
سُبْحانَ ذِی‌الْجَلالِ الباذِخِ الْعَظیمِ، سُبْحانَ ذِی‌الْعِزِّ الشَّامِخِ الْمُنیفِ، سُبْحانَ ذِی‌الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدیمِ، سُبْحانَ ذِی‌الْبَهْجَةِ وَالْجَمالِ، سُبْحانَ مَنْ تَرَدّی بِالنُّورِ وَالْوَقارِ، سُبْحانَ مَنْ یَری اَثَرَالنَّمْلِ فِی الصَّفا وَ وَقْعَ الطَّیْرِ فِی الْهَواءِ.

[صفحه 39]

(1) دعای آن حضرت در تسبیح و تنزیه خداوند
پاک و منزّه است خداوند صاحب عزّت و سربلندی و سرافرازی، پاک و منزّه است خداوند صاحب جلالت و بزرگی، پاک و منزّه است خداوند صاحب فرمانروایی با افتخار و ازلی، پاک و منزّه است آنکه لباس خرّمی و زیبایی بر خود پوشانیده است، پاک و منزّه است آنکه خود را با نور و وقار مستور ساخته است، پاک و منزّه است آنکه جای پای مورچه را روی سنگ سخت می‌بیند، پاک و منزّه است آنکه گذر پرنده را در هوا می‌نگرد، پاک و منزّه است آنکه این چنین است و کسی همانند او نیست.
و در روایتی دیگر چنین نقل شده است:
پاک و منزّه است خداوند صاحب جلالت و بزرگی، پاک و منزّه است خداوند صاحب عزّت و سربلندی و سرافرازی، پاک و منزّه است صاحب فرمانروایی با افتخار و ازلی، پاک و منزّه است خداوند صاحب خرمی و زیبایی، پاک و منزّه است آنکه با نور و وقار خود را پوشانیده است، پاک و منزّه است آنکه جای پای مورچه را روی سنگ سخت، و گذر پرنده را در هوا می‌بیند.

[صفحه 40]

سُبْحانَ مَنِ اسْتَنارَ بِالْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ،
سُبْحانَ مَنِ احْتَجَبَ فِی سَبْعِ سَماواتٍ، فَلاعَیْنَ تَراهُ، سُبْحانَ مَنْ اَذَلَّ الْخَلائِقَ بِالْمَوْتِ، وَاَعَزَّ نَفْسَهُ بِالْحَیاةِ، سُبْحانَ مَنْ یَبْقی وَ یَفْنی کُلُّ شَیْءٍ سِواهُ.
سُبْحانَ مَنِ اسْتَخْلَصَ الْحَمْدَ لِنَفْسِهِ وَارْتَضاهُ، سُبْحانَ الْحَیِّ الْعَلیمِ، سُبْحانَ الْحَلیمِ الْکَریمِ، سُبْحانَ الْمَلِکِ الْقُدُّوسِ، سُبْحانَ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، سُبْحانَ اللَّهِ وَ بِحَمْدِهِ.
(2) دعای آن حضرت در تسبیح و تنزیه خداوند در روز سوم ماه
پاک و منزّه است کسی که با نیرو و قدرت جهان را منوّر ساخت، پاک و منزّه است کسی که در آسمانهای هفتگانه مستور شده، و از اینرو چشمی او را نمی‌بیند، پاک و منزّه است کسی که بندگان را با مرگ ذلیل ساخت، و با زندگی جاویدان خود را عزیز و گرامی نمود، پاک و منزّه است کسی که جاودان بوده و هر چیز جز او فانی می‌گردد.
پاک و منزّه است کسی که حمد و ستایش را ویژه خود قرار داده، و از آن خشنود شده است، پاک و منزّه است خداوند زنده دانا، پاک و منزّه است خداوند بردبار و بزرگوار، پاک و منزّه است خداوند قدرتمند و مقدس، پاک و منزّه است خداوند برتر و والا، پاک و منزّه است خداوند، و حمد و ستایش مخصوص اوست.

اَللَّهُمَّ بِعِلْمِکَ الْغَیْبِ وَقُدْرَتِکَ عَلَی الْخَلْقِ، اَحْیِنی ما عَلِمْتَ الْحَیاةَ خَیْراً لی، وَ تَوَفَّنی اِذا کانَتِ الْوَفاةُ خَیْراً لی.
اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ کَلِمَةَ الْإِخْلاصِ، وَ خَشْیَتَکَ فِی الرِّضا وَالْغَضَبِ، وَالْقَصْدَ فِی الْغِنی وَالْفَقْرِ.
وَ اَسْأَلُکَ نَعیماً لایَنْفَدُ، وَاَسْأَلُکَ قُرَّةَ عَیْنٍ لا تَنْقَطِعُ، وَاَسْأَلُکَ الرِّضا بِالْقَضاءِ، وَ اَسْأَلُکَ بَرْدَ الْعَیْشِ بَعْدَ الْمَوْتِ، وَاَسْأَلُکَ النَّظَرَ اِلی وَجْهِکَ، وَ الشَّوْقَ اِلی لِقائِکَ مِنْ غَیْرِ ضَرَّاءٍ مُضِرَّةٍ وَ لا فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ.
اَللَّهُمَّ زَیِّنّا بِزینَةِ الْایمانِ، وَاجْعَلْنا هُداةً مَهْدیّینَ، یا رَبَّ الْعالَمینَ.
(3) دعای آن حضرت در مورد بدست آوردن اخلاق نیکو و کارهای پسندیده
پروردگارا! بحقّ آنکه غیبها را می‌دانی، و بر تمامی موجودات قادر و توانائی، مرا زنده بدار تا آن هنگام که می‌دانی زندگی برایم نیکوست، و بمیران تا آن زمان که خیر و نیکی‌ام را در مرگم می‌دانی.
خداوندا! اخلاص و ترس از خودت را در هنگام خشنودی و غضب، و میانه‌روی در زمان بی‌نیازی و فقر را از تو خواستارم.
و از تو نعمتی را می‌خواهم که پایانی ندارد، و نیز از تو جویا هستم آنچه مرا خشنود می‌سازد و پایان نمی‌پذیرد، بارالها! خشنودی به قضاء و حکم تو را می‌خواهم، و زندگی نیکو بعد از مرگ را از تو در خواست می‌کنم، و نیز دیدار رویت و شوق به ملاقات تو، بدون آنکه پریشان حالی و رنجی در آن باشد یا در آشوبی فراگیر قرار گیرم، را خواستارم.
پروردگارا! ما را به زینت ایمان مزیّن فرما، و ما را هدایتگرانی قرار ده که مشمول هدایت تو قرار گرفته باشیم، ای پروردگار جهانیان.

اَللّٰهُمَّ قَنِّعْنی بِما رَزَقْتَنی، وَ اسْتُرْنی وَ عافِنی اَبَداً ما اَبْقَیْتَنی، وَ اغْفِرْلی وَ ارْحَمْنی اِذا تَوَفَّیْتَنی، اَللّٰهُمَّ لا تُعْیِنی فی طَلَبِ ما لَمْ تُقَدِّرْ لی، وَماقَدَّرْتَهُ فَاجْعَلْهُ مُیَسَّراً سَهْلاً.
اَللّٰهُمَّ کافِ عَنّی والِدَیَّ، وَ کُلَّ مَنْ لَهُ نِعْمَةٌ عَلَیَّ خَیْرَ مُکافاةٍ، اَللّٰهُمَّ فَرِّغْنی لِما خَلَقْتَنی لَهُ، وَ لا تَشْغَلْنی بِما تَکَفَّلْتَ لی بِهِ، وَلا تُعَذِّبْنی وَاَنَا اَسْتَغْفِرُکَ، وَلا تَحْرِمْنی وَ اَنَا اَسْأَلُکَ.
اَللّٰهُمَّ ذَلِّلْ نَفْسی، وَ عَظِّمْ شَأْنَکَ فی نَفْسی، وَ اَلْهِمْنی طاعَتَکَ، وَ الْعَمَلَ بِما یُرْضیکَ، وَ التَّجَنُّبَ لِما یُسْخِطُکَ، یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

[صفحه 43]

(4) دعای آن حضرت در حاجتهای جامعی برای دنیا و آخرت
پروردگارا! تا آنگاه که مرا زنده می‌داری، به آنچه داده‌ای قانعم گردان، و عیوبم را بپوشان، و مرا سلامت دار، و آن زمان که مرا میمیرانی مرا بیامرز، و مشمول رحمتت قرار ده، بارالها! مرا بر آنچه برایم مقدّر ساخته‌ای به رنج نینداز، و آنچه برایم مقدّر نموده‌ای را سهل و آسان گردان.
پروردگارا! پدر و مادر و هر که بر من حقی دارد را به بهترین وجه پاداش ده، خداوندا! مرا تنها در آنچه بجهت آن مرا خلق کرده‌ای مشغول نما، و در آنچه خود متکفّل آن برایم شده‌ای مشغول نساز.
پروردگارا! نفسم را ذلیل، و مقامت را در نفسم افزون فرما، و طاعتت و عمل به آنچه مورد رضایت توست، و دوری از آنچه مورد غضب تو می‌باشد، را بمن الهام کن،ای بهترین رحم کنندگان.

[صفحه 45]

ادعیه‌ی آن حضرت در مورد نماز و آنچه به آن ارتباط دارد

اشاره

بعد از نماز وتر
در تعقیب نماز ظهر
در تعقیب نماز عصر
در تعقیب نماز عشاء
بعد از هر نماز
بعد از هر نماز
هنگام صبح
در صبح و شام

عن فاطمة علیهاالسلام: رغّب النبیّ صلی الله علیه وآله فی الجهاد و ذکر فضله، فسألته الجهاد، فقال: ألا أدلّک علی شیء یسیر و اجره کبیر، ما من مؤمن و لا مؤمنة یسجد عقیب الوتر سجدتین و یقول فی کل سجدة:
سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلائِکَةِ وَ الرُّوحِ- خمس مرات.
لا یرفع رأسه حتّی یغفر اللّه ذنوبه کلها و استجاب اللّه دعاءه و ان مات فی لیلته مات شهیداً.
(5) دعای آن حضرت بعد از نماز وتر
روایت شده: بعد از آنکه پیامبر اصحابش را برای جهاد ترغیب کرد، آن حضرت قصد شرکت در جهاد را داشت، پیامبر فرمود: آیا تو را راهنمائی کنم به چیزی که کوچک است اما پاداشش بسیار، هیچ زن و مرد مؤمنی نیستند که بعد از نماز وتر دو سجده انجام دهند، و در هر سجده پنج بار گویند:
منزه و پاک است پروردگار فرشتگان و روح.
جز آنکه خداوند قبل از آنکه سرش را بلند کند گناهانش را بخشیده و دعایش را اجابت می‌کند، و اگر همان شب بمیرد شهید مرده است.

سُبْحانَ ذِی‌الْعِزِّ الشّامِخِ الْمُنیفِ، سُبْحانَ ذِی‌الْجَلالِ الْباذِخِ الْعَظیمِ، سُبْحانَ ذِی‌الْمُلْکِ الْفاخِرِ الْقَدیمِ، وَ الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذی بِنِعْمَتِهِ بَلَغْتُ ما بَلَغْتُ مِنَ الْعِلْمِ بِهِ وَ الْعَمَلِ لَهُ، وَ الرَّغْبَةِ اِلَیْهِ وَ الطّاعَةِ لاِمْرِهِ.
(6) دعای آن حضرت در تعقیب نماز ظهر
پاک و منزّه است خداوندی که دارای عزت بسیار بوده و سربلند و سرافراز است، منزّه است خداوندی که جلالت او بسیار بزرگ می‌باشد، منزّه است خداوندی که فرمانروائیش با افتخار است، و ستایش مخصوص خداوندی است که به لطف نعمتهایش به شناخت او، و عمل برای او و رغبت و توجه بسوی او، و اطاعت اوامر او، دست یافتم.

[صفحه 48]

وَ الْحَمْدُلِلّهِ الَّذی لَمْ یَجْعَلْنی جاحِداً لِشَیْ‌ءٍ مِنْ کِتابِهِ، وَلا مَتَحَیِّراً فی شَیْ‌ءٍ مِنْ اَمْرِهِ، وَ الْحَمْدُلِلّهِ الَّذی هَدانی لِدینِهِ، وَ لَمْ یَجْعَلْنی اَعْبُدُ شَیئاً غَیْرَهُ.
اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ قَوْلَ التَّوّابینَ وَ عَمَلَهُمْ، وَ نَجاةَ الْمُجاهِدینَ وَ ثَوابَهُمْ، وَ تَصْدیقَ الْمُؤْمِنینَ وَ تَوَکُّلَهُمْ، وَ الرّاحَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَ الْأَمْنَ عِنْدَ الْحِسابِ، وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ خَیْرَ غائِبٍ اَنْتَظِرُهُ، وَ خَیْرَ مُطَّلِعٍ یَطَّلِعُ عَلَیَّ.
وَ ارْزُقْنی عِنْدَ حُضُورِ الْمَوْتِ وَ عِنْدَ نُزُولِهِ، وَ فی غَمَراتِهِ، وَ حینَ تُنْزِلُ النَّفْسُ مِنْ بَیْنِ التَّراقی، وَ حینَ تَبْلُغُ الْحُلْقُومَ، وَ فی حالِ خُرُوجی مِنَ الدُّنْیا، وَ تِلْکَ السّاعَةُ الَّتی لا اَمْلِکُ لِنَفْسی فیها ضَرّاً وَ لا نَفْعاً، وَ لا شِدَّةً وَ لا رَخاءً، رُوحاً مِنْ رَحْمَتِکَ، وَ حَظّاً مِنْ رِضْوانِکَ، وَ بُشْریً مِنْ کَرامَتِکَ.
قَبْلَ اَنْ تَتَوَفّی نَفْسی، وَ تَقْبِضَ رُوحی، وَ تُسَلِّطَ مَلَکَ الْمَوْتِ عَلی اِخْراجِ نَفْسی، وَ بِبُشْریً مِنْکَ یا رَبِّ لَیْسَتْ مِنْ اَحَدٍ غَیْرِکَ، تَثْلُجُ بِها صَدْری، وَ تَسُرُّ بِها نَفْسی، وَ تَقِرُّ بِها عَیْنی، وَ یَتَهَلَّلُ بِها وَجْهی، وَ یَسْفُرُ بِها لَوْنی، وَ یَطْمَئِنُّ بِها قَلْبی، وَیَتَباشَرُ بِها عَلی سَرائِرِ جَسَدی.

[صفحه 49]

و او را سپاس می‌گویم که مرا منکر آیات کتابش، و نیز حیران در کارهایش قرار نداد، و سپاس او را سزاست که مرا به دین خود هدایت کرده، و مرا آنگونه قرار داد که چیزی جز او را نپرستم.
خداوندا! گفتار توبه‌کنندگان و عمل آنانرا، و نجات تلاشگران و ثواب آنانرا، و تصدیق مؤمنان و توکّل آنانرا، و نیز آسودگی در هنگام مرگ، و در امان

بودن هنگام حسابرسی در قیامت را از تو خواستارم، و مرگ را بهترین غائبی که در انتظار اویم، و بهترین چیزی که با او برخورد پیدا می‌کنم، قرار ده.
و هنگام فرارسیدن مرگ، و آنگاه که مرا در خود فرو می‌برد، و زمانی که جانم در میان استخوانهای سینه‌ام قرار دارد، و آنهنگام که به زیر گلویم می‌رسد، و در آن حال که از دنیا بیرون می‌روم، و در ساعتی که هیچ اختیاری از خود نداشته، و هیچ نفع و ضرر و نیز سختی و آسایشی را نمی‌توانم برای خود فراهم سازم، نسیمی از رحمت خود، و بهره‌ای از خشنودیت را بمن عطا فرما.
و قبل از آنکه جانم را بگیری، و روحم را قبض نمایی، و فرشته مرگ را بر خارج ساختن جانم مسلّط نمایی، بشارتی از کرامت خود را بمن ارزانی‌دار، بشارتی که تنها از جانب تو باشد، تا قلبم را مطمئن گرداند، و جانم را خشنود سازد، و دیدگانم را نورانی کند،و چهره‌ام را مسرور سازد، و رنگ رخسارم را درخشندگی عطا کند، و جانم را آرامش بخشد، بشارتی که باعث آسودگی تمام اعضای بدنم گردد.

[صفحه 50]

یَغْبِطُنی بِها مَنْ حَضَرَنی مِنْ خَلْقِکَ، وَمَنْ سَمِعَ بی مِنْ عِبادِکَ، تُهَوِّنُ بِها عَلَیَّ سَکَراتِ الْمَوْتِ، وَ تُفَرِّجُ عَنّی بِها کُرْبَتَهُ، وَتُخَفِّفُ بِها عَنّی شِدَّتَهُ، وَتَکْشِفُ عَنّی بِها سُقْمَهُ، وَ تَذْهَبُ عَنّی بِها هَمَّهُ وَ حَسْرَتَهُ، وَتَعْصِمُنی بِها مِنْ اَسَفِهِ وَ فِتَنِهِ، وَتُجیرُنی بِها مِنْ شَرِّهِ وَ شَرِّ ما یَحْضُرُ اَهْلَهُ، وَ تَرْزُقُنی بِها خَیْرَهُ وَ خَیْرَ ما یَحْضُرُ عِنْدَهُ، وَ خَیْرَ ما هُوَ کائِنٌ بَعْدَهُ.
ثُمَّ اِذا تُوُفِّیَتْ نَفْسی وَ قُبِضَتْ رُوحی، فَاجْعَلْ رُوحی فِی الْاَرْواحِ الرَّائِحَةِ، وَ اجْعَلْ نَفْسی فِی الْاَنْفُسِ الصَّالِحَةِ، وَ اجْعَلْ جَسَدی فِی الْاَجْسادِ الْمُطَهَّرَةِ، وَ اجْعَلْ عَمَلی فِی الْاَعْمالِ الْمُتَقَبَّلَةِ.
ثُمَّ ارْزُقْنی مِنْ خِطَّتی مِنَ الْاَرْضِ، وَ مَوْضِعِ جُثَّتی، حَیْثُ یُرْفَتُ لَحْمی، وَ یُدْفَنُ عَظْمی، وَ اُتْرَکُ وَحیداً لا حیلَةَ لی.
قَدْ لَفَظَتْنِی الْبِلادُ وَ تَخَلاَّ مِنّی الْعِبادُ، وَ افْتَقَرْتُ اِلی رَحْمَتِکَ، وَ احْتَجْتُ اِلی صالِحِ عَمَلی، وَ اَلْقی ما مَهَّدْتُ لِنَفْسی، وَ قَدَّمْتُ لاِخِرَتی، وَ عَمِلْتُ فی اَیَّامِ حَیاتی، فَوْزاً

[صفحه 51]

تا هر مخلوقی از مخلوقاتت که مرا می‌بیند، و هر بنده‌ای از بندگانت که توصیف مرا می‌شنود، بر آن غبطه خورد، و شدائد مرگ را بر من آسان

گرداند، و رنج آنرا از من بر طرف سازد، و شدّت آنرا از من دور گرداند، و بیماری آنرا از من برطرف نماید، و همّ و غمّ آنرا از من دور سازد، و مرا از بلاهای آن بر حذر دارد، و از شرّ آن و کسانی که در آن هنگام حضور دارند پناه دهد، و از خیر آن و خیر کسانی که در آن زمان حاضر هستند، و خیر آنچه بعد از آن واقع می‌گردد، بهره‌مند نماید.
و آنگاه که جانم گرفته شد، و روحم از کالبدم خارج گردید، روحم را در میان ارواح پاک، و جانم را در بین جانهای صالح، و جسدم را در میان جسدهای پاکیزه،و عملم را در بین اعمال مقبول قرار ده.
و از جایگاه قبرم، و محلّ پوشانده شدن بدنم، آنجا که گوشتهایم کوبیده شده، و استخوانهایم دفن می‌گردد، و تنها و بی‌کس رها شده، و هیچ قدرتی برخود ندارم.
شهرها مرا ازخود دور ساخته، و بندگان مرا رها کرده‌اند، و نیازمند رحمت تو و محتاج اعمال صالح خود هستم، و آنچه را برای خود آماده ساخته، و برای سفر آخرت خود پیش فرستاده و در زندگی دنیا انجام داده‌ام

[صفحه 52]

مِنْ رَحْمَتِکَ، وَ ضِیاءً مِنْ نُورِکَ، وَ تَثْبیتاً مِنْ کَرامَتِکَ، بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِی الْحَیاةِ الدُّنْیا وَ الْاخِرَةِ، اِنَّکَ تَضِلُّ الظَّالِمینَ وَ تَفْعَلُ ما تَشاءُ.
ثُمَّ بارِکْ لی فِی الْبَعْثِ وَ الْحِسابِ، اِذَا انْشَقَّتِ الْاَرْضُ عَنّی، وَ تَخَلاّ الْعِبادُ مِنّی، وَ غَشِیَتْنِی الصَّیْحَةُ، وَ اَفْزَعَتْنی النَّفْخَةُ، وَ نَشَرْتَنی بَعْدَ الْمَوْتِ، وَ بَعَثْتَنی لِلْحِسابِ.
فَابْعَثْ مَعِی یا رَبِّ نُوراً مِنْ رَحْمَتِکَ، یَسْعی بَیْنَ یَدَیَّ وَ عَنْ یَمینی، تُؤْمِنُنی بِهِ، وَ تَرْبِطُ بِهِ عَلی قَلْبی، وَ تُظْهِرُ بِهِ عُذْری، وَ تُبَیِّضُ بِهِ وَجْهی، وَ تُصَدِّقُ بِهِ حَدیثی، وَ تُفْلِجُ بِهِ حُجَّتی، وَ تُبَلِّغُنی بِهِ الْعُرْوَةَ الْقُصْوی مِنْ رَحْمَتِکَ، وَ تُحِلَّنِی الدَّرَجَةَ الْعُلْیا مِنْ جَنَّتِکَ.
وَ تَرْزُقُنی بِهِ مُرافَقَةَ مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، فِی اَعْلَی الْجَنَّةِ دَرَجَةً، وَ اَبْلَغِها فَضیلَةً، وَ اَبَرِّها عَطِیَّةً، وَ اَرْفَعِها نَفْسَةً، مَعَ الَّذینَ اَنْعَمْتَ عَلَیْهِمْ مِنَ النَّبِیّینَ وَ الصِّدّیقینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحینَ، وَ حَسُنَ اُولئکَ رَفیقاً.
اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ خاتَمِ النَّبیّینَ، وَ عَلی جَمیعِ الْاَنْبِیاءِ وَ الْمُرْسَلینَ، وَ عَلَی الْمَلائِکَةِ اَجْمَعینَ، وَ عَلی الِهِ

[صفحه 53]

را می‌یابم؛ به من بهره‌ای از رحمتت، و درخششی از نورت را ارزانی دار، و نیز مرا از کرامت خود، با سخن درست در زندگانی دنیا و آخرت،

ثابت‌قدم گردان، بدرستیکه تو ستمکاران را گمراه کرده و بر هر کار قادر هستی.
و در قیامت و موقع حسابرسی بر من مبارک گردان، آنگاه که قبرم شکافته شده، و بندگان از من دور می‌شوند، و صیحه آسمانی مرا فراگرفته، و نفخه صور مرا بوحشت درآورده، و بعد از مرگ مرا مبعوث ساخته و برای حساب برانگیخته‌ای. پروردگارا! همراه من نوری از رحمتت را برانگیز، که پیشاپیش و از طرف راست من حرکت کند، تا مرا در امنیت قرار داده، و قلبم را مطمئن سازد، و عذرم را ظاهر کرده، و چهره‌ام را درخشان، و گفتارم را تصدیق، و دلیلم را قاطع گرداننده، و مرا به آخرین درجه رحمتت برساند، و به برترین مرتبه بهشتت نائل گرداند.
و همنشینی حضرت محمد، بنده و رسولت را در بالاترین درجه بهشت، و با فضیلت‌ترین آن، و نیکوترین مرتبه آن، و ارزشمندترین قسمت آن روزیم گردان، همراه کسانی که به آنان نعمتت را ارزانی داشته‌ای، از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحین، و اینان بهترین دوستان هستند.
پروردگارا! بر محمد خاتم پیامبرانت، و بر تمامی انبیاء و رسولانت، و بر

الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ، وَ عَلی اَئِمَّةِ الْهُدی اَجْمَعینَ، امینَ رَبَّ الْعالَمینَ.
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما هَدَیْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما رَحِمْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما عَزَّزْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما فَضَّلْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما شَرَّفْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما نَصَرْتَنا بِهِ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ کَما اَنْقَذْتَنا بِهِ مِنْ شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النّارِ.
اَللّٰهُمَّ بَیِّضْ وَجْهَهُ، وَ اَعْلِ کَعْبَهُ، وَ اَفْلِجْ حُجَّتَهُ، وَ اَتْمِمْ نُورَهُ، وَ ثَقِّلْ میزانَهُ، وَ عَظِّمْ بُرْهانَهُ، وَ افْسَحْ لَهُ حَتّی یَرْضی، وَ بَلِّغْهُ الدَّرَجَةَ وَ الْوَسیلَةَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَ ابْعَثْهُ الْمَقامَ الْمَحْمُودَ الَّذی وَعَدْتَهُ، وَ اجْعَلْهُ اَفْضَلَ النَّبِیّینَ وَ الْمُرْسَلینَ عِنْدَکَ مَنْزِلَةً وَ وَسیلَةً.
وَ اقْصُصْ بِنا اَثَرَهُ، وَ اسْقِنا بِکَأْسِهِ، وَ اَوْرِدْنا حَوْضَهُ، وَ احْشُرْنا فی زُمْرَتِهِ، وَ تَوَفَّنا عَلی مِلَّتِهِ، وَ اسْلُکْ بِنا سُبُلَهُ، وَاسْتَعْمِلْنا بِسُنَّتِهِ، غَیْرَ خَزایا وَ لا نادِمینَ، وَ لا شاکّینَ وَ لا مُبَدِّلینَ.
یا مَنْ بابُهُ مَفْتُوحٌ لِداعیهِ، وَ حِجابُهُ مَرْفُوعٌ لِراجیهِ، یا ساتِرَ الْاَمْرِ الْقَبیحِ وَ مُداوِی الْقَلْبِ الْجَریحِ، لا تَفْضَحْنی

تمامی فرشتگانت، و بر خاندان پاک و مطهّر پیامبرت، و بر تمامی پیشوایان

هدایت درود فرست، ای پروردگار جهانیان اجابت فرما.
پروردگارا! بر محمّد درود فرست، همانگونه که ما را بوسیله او هدایت کردی، و بر او درود فرست، آنگونه که بوسیله او بما رحمتت را ارزانی داشتی، و بر او درود فرست، همانطور که ما رابوسیله او گرامی داشتی، وبر او درود فرست، آنگونه که ما را بوسیله او برتری دادی، و براو درود فرست، همانطور که ما را بوسیله او شرافت عطا کردی، و بر او درود فرست، آنچنانکه ما را بوسیله او یاری نمودی، و بر او درود فرست، همانگونه که ما را بوسیله او از پرتگاه آتش نجات دادی.
پروردگارا! چهره‌اش را درخشان، مقامش را افزون، دلیلش را قاطع، پرتوش را کامل، میزان اعمالش را سنگین، برهانش را برتر، و نعمتت را براو گسترده ساز، تا خشنود گردد، و او را به برترین مقام بهشت برسان، و به مقام محمودی که به او وعده داده‌ای نائل گردان، و او را برترین پیامبران و رسولان از حیث مقام و منزلت قرار ده.
و ما را رهرو راه او قرار ده، و از جام او سیراب گردان، و بر حوض او وارد ساز، و در گروه او محشور نما، و بر دین او بمیران، و ما را در راه او قرار ده، و عامل به فرامین او بگردان، بدون آنکه تحقیر شده و پشیمان شویم، ومشکوک گردیده و راه او را تغییر دهیم.
ای آنکه درگاهش برای خوانندگانش گشوده، و حجابش برای امیدواران برطرف شده، ای پوشاننده کار زشت و مداواکننده قلبهای مجروح، در روز

فی مَشْهَدِ الْقِیامَةِ بِمُوبِقاتِ الْاثامِ.
یا غایَةَ الْمُضْطَرِّ الْفَقیرِ، وَ یا جابِرَ الْعَظْمِ الْکَسیرِ، هَبْ لی مُوبِقاتِ الْجَرائِرِ، وَ اعْفُ عَنْ فاضِحاتِ السَّرائِرِ، وَ اغْسِلْ قَلْبی مِنْ وِزْرِ الْخَطایا، وَ ارْزُقْنی حُسْنَ الْاِسْتِعْدادِ لِنُزُولِ الْمَنایا.
یا اَکْرَمَ الْاَکْرَمینَ وَ مُنْتَهی اُمْنِیَّةِ السَّائِلینَ، اَنْتَ مَوْلایَ، فَتَحْتَ لی بابَ الدُّعاءِ وَ الْاِنابَةِ، فَلا تُغْلِقْ عَنّی بابَ الْقَبُولِ وَ الْاِجابَةِ، وَ نَجِّنی بِرَحْمَتِکَ مِنَ‌النَّارِ، وَ بَوِّئْنی غُرُفاتِ الْجِنانِ، وَ اجْعَلْنی مُتَمَسِّکاً بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقی، وَ اخْتِمْ لی بِالسَّعادَةِ.
وَ اَحْیِنی بِالسَّلامَةِ یا ذَاالْفَضْلِ وَ الْکَمالِ، وَ الْعِزَّةِ وَ الْجَلالِ، وَ لا تُشْمِتْ بی عَدُوّاً وَ لا حاسِداً، وَ لا تُسَلِّطْ عَلَیَّ سُلْطاناً عَنیداً وَلا شَیْطاناً مَریداً، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِهِ وَ سَلَّمَ تَسْلیماً.

قیامت به گناهان هلاکت‌آور مرا تحقیر نکن، و از من روی مگردان.
ای امید بیچاره فقیر، و ای التیام‌دهنده استخوان شکسته، گناهان بزرگ را بر من ببخشای، و از کارهای زشتم درگذر، و جانم را از عواقب خطاها پاک گردان، و آمادگی نیکو برای مرگ را به من ارزانی دار.
ای بخشنده‌ترین بخشندگان، و ای منتهای آرزوی خواهندگان، تو مولای من هستی، درگاه دعا و نیایش را بر من گشودی، پس راه قبول و اجابت رابرمن نبند، و به رحمتت مرا از آتش نجات ده، و در غرفه‌های بهشت ساکن گردان، و مرا متمسک به دستگیره محکم قرار ده، و سعادتمندم گردان، ای کسی که صاحب فضیلت و کمال و عزّت و جلالت هستی.
مرا با سلامتی زنده بدار، و دشمن و حسودی را از جهت من شادمان مکن، و پادشاه کینه‌توز و شیطان رانده شده‌ای را بر من مسلّط مفرما، به رحمتت ای بهترین رحم‌کنندگان، و حول و قوّه‌ای جز از جانب خداوند برتر و والاتر نمی‌باشد، و درود خدا بر محمد و خاندان او باد.

سُبْحانَ مَنْ یَعْلَمُ جَوارِحَ الْقُلُوبِ، سُبْحانَ مَنْ یُحْصی عَدَدَ الذُّنُوبِ، سُبْحانَ مَنْ لا یَخْفی عَلَیْهِ خافِیَةٌ فِی الْاَرْضِ و لا فِی السَّماءِ، وَ الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی لَمْ یَجْعَلْنی کافِراً لِأَنْعُمِهِ، وَ لا جاحِداً لِفَضْلِهِ، فَالْخَیْرُ فیهِ وَهُوَ اَهْلُهُ.
وَ الْحَمْدُلِلَّهِ عَلی حُجَّتِهِ الْبالِغَةِ عَلی جَمیعِ مَنْ خَلَقَ، مِمَّنْ اَطاعَهُ وَ مِمَّنْ عَصاهُ، فَاِنْ رَحِمَ فَمِنْ مَنِّهِ، وَاِنْ عاقَبَ فَبِما قَدَّمَتْ اَیْدیهِمْ، وَمَا اللَّهُ بِظَلَّامٍ لِلْعَبیدِ. وَ الْحَمْدُلِلَّهِ الْعَلِیِّ الْمَکانِ، وَ الرَّفیعِ الْبُنْیانِ، الشَّدیدِ الْاَرْکانِ، الْعَزیزِ السُّلْطانِ، الْعَظیمِ الشَّأْنِ، الْواضِحِ الْبُرْهانِ، الرَّحیمِ الرَّحْمانِ، الْمُنْعِمِ الْمَنَّانِ.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی اِحْتَجَبَ عَنْ کُلِّ مَخْلُوقٍ یَراهُ بِحَقیقَةِ الرُّبُوبِیَّةِ وَ قُدْرَةِ الْوَحْدانِیَّةِ، فَلَمْ تُدْرِکْهُ الْاَبْصارُ، وَ لَمْ تَحُطْ بِهِ الْاَخْبارُ، وَ لَمْ یُعَیِّنْهُ مِقْدارٌ، وَ لَمْ یَتَوَهَّمْهُ اِعْتِبارٌ، لِاَنَّهُ الْمَلِکُ الْجَبَّارُ.

[صفحه 59]

(7) دعای آن حضرت در تعقیب نماز عصر
پاک و منزّه است پروردگاری که به اندام دلها آگاهی دارد، پاک و منزّه است کسی که شماره گناهان را می‌داند، پاک و منزّه است آنکه هیچ امری در آسمان و زمین بر او پوشیده نیست، سپاس خداوندی را سزاست که مرا آنگونه قرار نداد که نعمتهایش را بپوشانم، و فضل او را انکار نمایم، پس خیر و برکت در اوست و او اهل آنست.
و سپاس خداوندی را سزاست که حجّت و برهانش بر تمامی انسانها، اعمّ از فرمانبران و گناهکاران، گسترده است، اگر کسی را مورد رحمت خود قرار دهد از جود و بخشش اوست، و اگر مجازات نماید در مقابل اعمال خود آنانست، و خداوند نسبت به بندگانش ستم روا نمی‌دارد.
و سپاس شایسته خداوندی است که مکانش فراز، بنیانش برتر، ارکانش محکم، سلطنتش پایدار، مقامش رفیع، برهانش روشن بوده، بخشنده و مهربان و مُنعم و منّان است.
ستایش از آنِ خداوندی است که از هر مخلوقی که او را به حقیقت ربوبی و قدرت خداوندی شناخت، مستور مانده، دیدگان او را نمی‌یابد، واخبار او را احاطه نمی‌کند، و مقدار او را تعیین نمی‌نماید، و اعتبار او را بتوهّم در نمی‌آورد، چرا که او پادشاهی جبّار است.

[صفحه 60]

اَللّهُمَّ قَدْ تَری مَکانی وَ تَسْمَعُ کَلامی، وَ تَطّلِعُ عَلی اَمْری، وَ تَعْلَمُ ما فی نَفْسی، وَ لَیْسَ یَخْفی عَلَیْکَ شَیٌ مِنْ اَمْری، وَ قَدْ سَعَیْتُ اِلَیْکَ فی طَلِبَتی، وَ طَلِبْتُ اِلَیْکَ فی حاجَتی، وَتَضَرَّعْتُ اِلَیْکَ فی مَسْاَلَتی، وَ سَاَلْتُکَ لِفَقْرٍ وَ حاجَةٍ، وَ ذِلَّةٍ وَ ضیقَةٍ، وَ بُؤْسٍ وَ مَسْکَنَةٍ.
و انت الرب الجَوادُ بِالْمَغْفِرَةِ، تَجِدُ مَنْ تُعَذِّبُ غَیْری، وَ لا اَجِدُ مَنْ یَغْفِرُلی غَیْرُکَ، وَ اَنْتَ غَنِیٌّ عَنْ عَذابی وَ اَنَا فَقیرٌ اِلی رَحْمَتِکَ.
فَاَسْاَلُکَ بِفَقْری اِلَیْکَ وَ غِناکَ عَنّی، وَ بِقُدْرَتِکَ عَلَیَّ وَ قِلَّةِ امْتِناعی مِنْکَ، اَنْ تَجْعَلَ دُعائی هذا دُعاءً وافَقَ مِنْکَ اِجابَةً، وَ مَجْلِسی هذا مَجْلِساً وافَقَ مِنْکَ رَحْمَةً، وَطَلِبَتی هذهِ طَلِبَةً وافَقَتْ نَجاحاً.
وَ ما خِفْتُ عُسْرَتَهُ مِنَ الْاُمُورِ فَیَسِّرْهُ، وَ ما خِفْتُ عَجْزَهُ مِنَ الْاَشْیاءِ فَوَسِّعْهُ، وَ مَنْ اَرادَنی بِسُوءٍ مِنَ الْخَلائِقِ کُلِّهِمْ فَاَغْلِبْهُ، امینَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.
وَ هَوِّنْ عَلَیَّ ما خَشیتُ شِدَّتَهُ، وَ اکْشِفْ عَنّی ما خَشیتُ کُرْبَتَهُ، وَ یَسِّرْلی ما خَشیتُ عُسْرَتَهُ، امینَ رَبَّ الْعالَمینَ.

[صفحه 61]

پروردگارا! مکان و جایگاهم رامی‌بینی، و کلامم رامی‌شنوی، و بر کارهایم اشراف داری، و بر آنچه در جانم می‌باشد آگاهی، و هیچیک از کارهایم از تو پوشیده نمی‌باشد، با نیاز بسوی تو آمده‌ام، و حاجتهایم را از تو می‌خواهم، و برای آنها بسوی تو تضرّع و زاری می‌کنم، و با فقر و نیاز و ذلّت و شدّت و مسکنت از تو یاری می‌جویم.
و تو پروردگاری هستی که گناهان را می‌بخشی، به غیر از من کسانی را می‌یابی که عذاب کنی، ولی من جز تو آمرزنده‌ای را نمی‌یابم، و تو از عذاب من بی‌نیازی، و من نیازمند رحمت و لطف تو هستم.
پس به سبب نیازم بسوی تو، و بی‌نیازیت از من، و قدرت و تسلّطت بر من، از تو می‌خواهم که این دعایم را دعائی قرار دهی که مقرون به اجابت باشد، و جایگاهم را جایگاه نزول رحمتت قرار دهی، و این در خواست و حاجتم را قرین موفّقیّت بنمایی.
و کارهایی که از سختی آنها در هراسم را آسان فرما، و برای کارهایی که از انجام آنها ناتوانم بمن قدرت و نیرو ارزانی دار، و هر یک از بندگانت که نسبت بمن قصد بدی دارد را مغلوب ساز، ای بهترین رحم‌کنندگان دعایم را اجابت فرما.
هر چه که از شدّت آن نگرانم را آسان فرما، و رنج آنچه مرا در هراس انداخته را بر طرف ساز، و هرچه از سختی آن هراسانم را آسان فرما، پروردگار جهانیان اجابت فرما.

[صفحه 62]

اَللَّهُمَّ اَنْزِعِ الْعُجْبَ وَ الرِّیاءَ، وَ الْکِبْرَ وَ الْبَغْیَ، وَ الْحَسَدَ وَ الضَّعْفَ وَ الشَّکَّ، وَ الْوَهْنَ وَ الضُّرَّ وَ الْاَسْقامَ، وَ الْخِذْلانَ وَ الْمَکْرَ وَ الْخَدیعَةَ، وَ الْبَلِیَّةَ وَ الْفَسادَ، مِنْ سَمْعی وَ بَصَری وَ جَمیعِ جَوارِحی، وَ خُذْ بِناصِیَتی اِلی ما تُحِبُّ وَ تَرْضی، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.
اللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ ذَنْبی، وَ اسْتُرْ عَوْرَتی، وَ امِنْ رَوْعَتی، وَ اجْبُرْ مَعْصِیَتی، وَ اَغْنِ فَقْری، وَ یَسِّرْ حاجَتی، وَ اَقِلْنی عَثْرَتی، وَ اجْمَعْ شَمْلی، وَ اکْفِنی ما اَهَمَّنی، وَ ما غابَ عَنّی وَ ما حَضَرَنی، وَ ما اَتَخَوَّفُهُ مِنْکَ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.
اَللَّهُمَّ فَوَّضْتُ اَمْری اِلَیْکَ، وَ اَلْجَاْتُ ظَهْری اِلَیْکَ، وَ اَسْلَمْتُ نَفْسی اِلَیْکَ بِما جَنَیْتُ عَلَیْها، فَرَقاً مِنْکَ وَ خَوْفاً وَطَمَعاً، وَ اَنْتَ الْکَریمُ الَّذی لایَقْطَعُ الرَّجاءَ، وَ لا یُخَیِّبُ الدُّعاءَ.
فَاَسْاَلُکَ بِحَقِّ اِبْراهیمَ خَلیلِکَ، وَ مُوسی کَلیمِکَ، وَ عیسی رُوحِکَ، وَ مُحَمَّدٍ صَفِیِّکَ وَ نَبِیِّکَ، اَلاَّ تَصْرِفَ وَجْهَکَ الْکَریمَ عَنّی، حَتّی تَقْبَلَ تَوْبَتی، وَ تَرْحَمَ عَبْرَتی، وَ تَغْفِرَلی خَطیئَتی، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ، وَ یا اَحْکَمَ الْحاکِمینَ.

[صفحه 63]

خداوندا! خودبینی و ریا و تکبّر و تجاوز و حسد، و ناتوانی و شک و سستی، و ضرر و انواع بیماریها، و نیز خذلان و مکر و حیله و خدعه و نیرنگ و فساد را، از گوش و چشم و تمام اندامم دور دار، و مرا بسوی آنچه دوست می‌داری و تو را خشنود می‌سازد، راهنمایی کن، ای رحم‌کننده‌ترین رحم‌کنندگان.
پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و گناهم را ببخش، و عیبم را پوشیده‌دار، و ترسم را ایمنی بخش، و گناهانم را جبران فرما، و فقرم را به بی‌نیازی مبدّل ساز، حاجتم را آسان و از لغزشم درگذر، و آنچه را که در پی آن هستم، و نیز هر چه از من پنهان و آشکار است، و مواردی که از تو در هراسم را کفایت فرما، ای بهترین رحم‌کنندگان.
بارالها! کارهایم را بتو واگذار کردم، و خود را در پناه تو قرار دادم، و بسبب گناهانی که انجام داده و بیم و امیدی که بتو دارم، خود را بتو سپردم، و تو بزرگواری هستی که امید را قطع نکرده و دعا را ناامید نمی‌گردانی.
بحقّ دوستت ابراهیم، و هم‌صحبتت موسی، و روح تو عیسی، و برگزیده و پیامبرت محمد، از تو می‌خواهم که از من روی نگردانده، و بزرگواریت را از من دریغ ننمایی، تا آنکه توبه‌ام را قبول، و بر اشکهایم رحم بنمایی، و از اشتباهم درگذری، ای بهترین رحم‌کنندگان و عادلترین حکم‌کنندگان.

[صفحه 64]

اَللَّهُمَّ اجْعَلْ ثاری عَلی مَنْ ظَلَمَنی، وَ انْصُرْنی عَلی مَنْ عادانی، اَللَّهُمَّ لا تَجْعَلْ مُصیبَتی فی دینی، وَ لا تَجْعَلِ الدُّنْیا اَکْبَرَ هَمّی وَ لا مَبْلَغَ عِلْمی.
اِلهی اَصْلِحْ لی دینِیَ الَّذی هُوَ عِصْمَةُ اَمْری، وَ اَصْلِحْ لی دُنْیایَ الَّتی فیها مَعاشی، وَ اَصْلِحْ لی اخِرَتِیَ الَّتی اِلَیْها مَعادی، وَ اجْعَلِ الْحَیاةَ زِیادَةً لی مِنْ کُلِّ خَیْر، وَ اجْعَلِ الْمَوْتَ راحَةً لی مِنْ کُلِّ شَرٍّ.
اَللَّهُمَّ اِنَّکَ عَفُوٌّ تُحِبُّ الْعَفْوَ فَاعْفُ عَنّی، اَللَّهُمَّ اَحْیِنی ما عَلِمْتَ الْحَیاةَ خَیْراً لی، وَ تَوَفَّنی اِذا کانَتِ الْوَفاةُ خَیْراً لی، وَ اَسْأَلُکَ خَشْیَتَکَ فِی الْغَیْبِ وَ الشَّهادَةِ، وَ الْعَدْلَ فِی الْغَضَبِ وَ الرِّضا.
وَ اَسْأَلُکَ الْقَصْدَ فِی الْفَقْرِ وَ الْغِنی، وَ اَسْأَلُکَ نَعیماً لا یَبیدُ، وَ قُرَةَّ عَیْنٍ لا یَنْقَطِعُ، وَ اَسْأَلُکَ الرِّضا بَعْدَ الْقَضاءِ، وَ اَسْأَلُکَ لَذَّةَ النَّظَرِ اِلی وَجْهِکَ.
اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْتَهْدیکَ لِاِرْشادِ اَمْری، وَ اَعُوذُبِکَ مِنْ شَرِّ نَفْسی، اَللَّهُمَّ عَمِلْتُ سُوءً وَ ظَلَمْتُ نَفْسی، فَاغْفِرْلی اِنَّهُ لا یَغْفِرُ الذُّنُوبَ اِلاَّ اَنْتَ، اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ تَعْجیلَ عافِیَتِکَ، وَ صَبْراً عَلی بَلِیَّتِکَ، وَ خُرُوجاً مِنَ الدُّنْیا اِلی رَحْمَتِکَ.

[صفحه 65]

پروردگارا! از کسی که بر من ستم روا می‌دارد انتقام گیر، و مرا بر هر که با من دشمن است یاری فرما، خداوندا! مصیبت و گرفتاریم را در دینم مقرر مگردان، و دنیا را مهمترین مقصود و نهایت شناختم قرار نده.
خداوندا! دینم که مهمترین کارم، و دنیایم که راه بدست آوردن معاشم، و آخرتم که سرانجامم بسوی آنست، را اصلاح گردان، و زندگی‌ام را راهی بسوی بدست آوردن هر خیر و برکت، و مرگم را راه رهایی از هر شرّ و بدی قرار ده.
پروردگارا! تو آمرزنده‌ای و بخشایش رادوست داری، پس از من درگذر، بارالها! مرا زنده بدار تا آنگاه که می‌دانی زندگانی برایم خیر و برکت در بر دارد، و مرا بمیران آن هنگام که می‌دانی مرگ برایم نیکو است، و از تو می‌خواهم که در آشکار و نهان، ترس و بیم از خودت را بمن ارزانی داری، و در غضب و رضا، عدل و انصاف بمن عطا فرمائی.
خداوندا! از تو می‌خواهم در فقر و بی‌نیازی میانه‌روی بمن عطا کنی، واز تو نعمتی بی‌نهایت و خرسندکننده که قطع نگردد، و نیز خشنودی به قضا و قدرت را خواهانم، و از تو لذّت دیدارت را جویا هستم.
پروردگارا! برای ارشاد در کارهایم از تو هدایت می‌جویم، و از شرّ نفسم به تو پناه می‌برم، خداوندا! کار زشت انجام داده و بخود ستم کردم، پس از

من درگذر که جز تو کسی گناهان را نمی‌بخشد، بارالها! از تو تعجیل در سلامتی، و صبر در مصائب، و خروج از دنیا بسوی رحمتت را خواستارم.

[صفحه 66]

اللَّهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ وَ اُشْهِدُ مَلائِکَتَکَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِکَ، وَ اُشْهِدُ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ مَنْ فِی الْاَرْضِ، اَنَّکَ اَنْتَ اللَّهُ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ، وَ اَسْأَلُکَ بِاَنَّ لَکَ الْحَمْدُ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، بَدیعُ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ، یا کائِنَ قَبْلَ اَنْ یَکُونَ شَیْءٌ، وَ الْمُکَوِّنَ لِکُلِّ شَیْءٍ، وَ الْکائِنَ بَعْدَ ما لا یَکُونُ شَیْءٌ.
اَللَّهُمَّ اِلی رَحْمَتِکَ رَفَعْتُ بَصَری، وَ اِلی جُودِکَ بَسَطْتُ کَفّی، فَلا تَحْرِمْنی وَاَنَا اَسْأَلُکَ، وَ لا تُعَذِّبْنی وَ اَنَا اَسْتَغْفِرُکَ، اَللَّهُمَّ فَاغْفِرْلی فَاِنَّکَ بی عالِمٌ، وَ لا تُعَذِّبْنی فَاِنَّکَ عَلَیَّ قادِرٌ، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.
اَللَّهُمَّ ذَاالرَّحْمَةِ الْواسِعَةِ وَ الصَّلاةِ النَّافِعَةِ الرَّافِعَةِ، صَلِّ عَلی اَکْرَمِ خَلْقِکَ عَلَیْکَ، وَ اَحَبِّهِمْ اِلَیْکَ، وَ اَوْجَهِهِمْ لَدَیْکَ، مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ، الْمَخْصُوصِ بِفَضائِلِ الْوَسائِلِ، اَشْرَفَ وَ اَکْمَلَ، وَ اَرْفَعَ وَ اَعْظَمَ، وَ اَکْرَمَ ما صَلَّیْتَ عَلی مُبَلِّغٍ عَنْکَ، مُؤْتَمِنٍ عَلی وَحْیِکَ.
اَللَّهُمَّ کَما سَدَدْتَ بِهِ الْعَمی، وَ فَتَحْتَ بِهِ الْهُدی، فَاجْعَلْ مَناهِجَ سُبُلِهِ لَنا سُنَناً، وَ حُجَجَ بُرْهانِهِ لَناسَبَباً، نَأْتَمُّ بِهِ اِلَی الْقُدُومِ عَلَیْکَ.

[صفحه 67]

پروردگارا! تو و فرشتگانت و حاملان عرشت، و آنچه در آسمانها و زمین است را شاهد می‌گیرم، که تو خداوندی هستی که جز تو خدایی نیست، و برای تو شریکی وجود ندارد، و محمّد بنده و فرستاده توست، و از تو حاجتهایم را می‌خواهم، چرا که ستایش مخصوص تو بوده و معبودی جز تو نیست، و آفریننده آسمانها و زمین هستی، ای کسی که قبل از وجود هر موجودی وجود داشته، و هر چیز را ایجاد کرده،و بعد از آنکه هیچ موجودی وجود ندارد، وجودداری. خداوندا! چشمانم را بسوی رحمتت دوخته، و دستهایم را بسوی بخشش تو گشوده‌ام، مرا محروم مکن آنگاه که از تو درخواست می‌کنم، و مرا عذاب منما آنهنگام که از تو طلب بخشایش دارم، بارالها! مرا ببخشای، چرا که تو به کارهایم دانائی، و مرا عذاب مکن، چرا که تو بر من قادر و توانائی، به رحمتت ای بهترین رحم‌کنندگان.
پروردگارا! ای دارای رحمت گسترده، و درودهای نافع و بالابرنده، بر گرامی‌ترین بنده‌ات و دوستدارترین آنان نزد تو، و ارزشمندترین ایشان در مقابل تو، محمد، بنده و فرستاده‌ات، که او را به وسایل و اسباب ارزشمند

مخصوص گردانده‌ای، درود فرست، شریفترین، و کاملترین، و برترین، و فزونترین، و گرامیترین درودی که بر مبلّغین فرامینت، و امینان بر وحیت فرستاده‌ای.
خداوندا! همچنانکه کوری و جهالت را با او برطرف کرده، و چشمه‌سارهای هدایت را بوسیله او جاری ساختی، ما را در راههای هدایت او قرار ده، و براهین روشن او را برای ما اسبابی قرار ده که برای رسیدن بتو از آنها پیروی کنیم.

[صفحه 68]

اَللَّهُمَّ لَکَ الْحَمْدُ مِلْأَ السَّماواتِ السَّبْعِ، وَ مِلْأَ طِباقِهِنَّ، وَ مِلْأَ الْاَرَضینَ السَّبْعِ، وَ مِلْأَ ما بَیْنَهُما، وَ مِلْأَ عَرْشِ رَبِّنَا الْکَریمِ وَ میزانَ رَبِّنَا الْغَفَّارِ، وَ مِدادَ کَلِماتِ رَبِّنَا الْقَهَّارِ، وَ مِلْأَ الْجَنَّةِ وَ مِلْأَ النَّارِ، وَ عَدَدَ الْماءِ وَ الثَّری، وَ عَدَدَ ما یُری وَ ما لا یُری.
اَللَّهُمَّ وَ اجْعَلْ صَلَواتِکَ وَ بَرَکاتِکَ، وَ مَنَّکَ وَ مَغْفِرَتَکَ، وَ رَحْمَتَکَ وَ رِضْوانَکَ، وَ فَضْلَکَ وَ سَلامَتَکَ، وَ ذِکْرَکَ وَ نُورَکَ، وَ شَرَفَکَ وَ نِعْمَتَکَ وَ خِیَرَتَکَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، کَما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلی اِبْراهیمَ وَ الِ اِبْراهیمَ، اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ.
اَللَّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسیلَةَ الْعُظْمی، وَ کَریمَ جَزائِکَ فِی الْعُقْبی، حَتَّی تُشَرِّفَهُ یَوْمَ الْقِیامَةِ، یا اِلهَ الْهُدی.
اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَ عَلی جَمیعِ مَلائِکَتِکَ وَ اَنْبِیائِکَ وَ رُسُلِکَ، سَلامٌ عَلی جَبْرَئیلَ وَ میکائیلَ وَ اِسْرافیلَ، وَ حَمَلَةِ الْعَرْشِ وَ مَلائِکَتِکَ الْمُقَرَّبینَ، وَ الْکِرامِ الْکاتِبینَ وَ الْکَرُّوبِیّینَ، وَ سَلامٌ عَلی مَلائِکَتِکَ اَجْمَعینَ.

[صفحه 69]

پروردگارا! ستایش برای توست، به گنجایش آسمانهای هفتگانه و طبقه‌های آن، و به گنجایش زمینهای هفتگانه و آنچه در بین آنهاست، و به گنجایش عرش پروردگار بزرگ ما، و به تعداد مخلوقات پروردگار ما، و به گنجایش بهشت و جهنم، و تعداد آب و خاک، و به میزان آنچه دیده شده و آنچه دیده نمی‌شود. خداوندا! درودها و برکات، و منّت و بخشش و رحمت، و خشنودی و فضل و سلامت، و ذکر و نور و شرف و نعمت خود را، بر محمد و خاندانش قرار ده، همچنانکه درود و برکت و رحمت خود را بر ابراهیم و خاندان او ارزانی داشتی، بدرستیکه تو ستوده و بزرگوار می‌باشی.
بارالها! وسیله برتر و بهترین پاداشت را در قیامت، به محمد ارزانی دار، تا آنکه او را در آن روز شرافت عطا فرمایی، ای خداوند هدایت‌کننده.

پروردگارا! بر محمد و خاندان او، و بر تمامی فرشتگان و پیامبران و رسولان، درود فرست، سلام بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و حاملان عرش و فرشتگان مقرب، و فرشتگان بزرگوار نویسنده اعمال مردم، و سلام بر تمامی فرشتگان.

[صفحه 70]

وَ سَلامٌ عَلى اَبينا ادَمَ وَ عَلى اُمِّنا حَوَّاءَ، وَ سَلامٌ عَلَى النَّبِيّينَ اَجْمَعينَ، وَ الصِّدّيقينَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحينَ، وَ سَلامٌ عَلَى الْمُرْسَلينَ اَجْمَعينَ، وَ الْحَمْدُلِلَّهِ رَبِّ الْعالَمينَ، وَ لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظيمِ، وَ حَسْبِىَ اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكيلُ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلى مُحَمَّدٍ وَالِهِ وَسَلَّمَ كَثيراً.
و سلام بر پدر ما آدم، و مادر ما حوّا، و سلام بر تمامی پیامبران و راستگویان و شهیدان و صالحین، و سلام بر تمامی رسولان، و سپاس مخصوص خداوند جهانیان است، و هیچ حول و قوه‌ای جز از جانب خدای برتر و والاتر نمی‌باشد، و خداوند مرا کفایت می‌کند، و او بهترین نگهبان است، و درود خدا بر محمد و خاندانش باد.

[صفحه 71]

اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى لا یُحْصى مَدْحَهُ الْقائِلُونَ، وَ الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى لا یُحْصى نَعْماءَهُ الْعادُّونَ، وَ الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى لایُؤَدّى حَقَّهُ الْمُجْتَهدُونَ، وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ الْاَوَّلُ وَ الْاخِرُ، وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ الظّاهِرُ وَ الْباطِنُ، وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ الْمُحْیِى الْمُمیتُ، وَ اللَّهُ اَكْبَرُ ذُوالطَّوْلِ، وَ اللَّهُ اَكْبَرُ ذُوالْبَقاءِ الدَّائِم.
وَ الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى لا یُدْرِکُ الْعالِمُونَ عِلْمَهُ، وَ لا یَسْتَخِفُّ الْجاهِلُونَ حِلْمَهُ، وَ لا یَبْلُغُ الْمادِحُونَ مِدْحَتَهُ، وَ لا یَصِفُ الْواصِفُونَ صِفَتَهُ، وَ لا یُحْسِنُ الْخَلْقُ نَعْتَهُ.
(8) دعای آن حضرت در تعقیب نماز مغرب
سپاس و ستایش خداوندی را سزاست که ستایش او را گویندگان به شمارش در نیاورند، و نعمتهایش را شمارندگان نشمارند، و سپاس شایسته خداوندی است که حقّش را تلاشگران ادا ننمایند، و جز او معبودی نیست، اول و آخر است، و جز او معبودی نیست، ظاهر و باطن است، و جزاو معبودی نیست، زنده‌کننده و میراننده است، و خداوند صاحب فضل برتر است، و خداوند باقی و جاودان برتر است.
و سپاس مخصوص خداوندی است که دانایان به ژرفای علم او نرسیده، و جاهلان حلم او رااندک نشمارند، و ستایشگران به مدح او دست نمی‌یابند، و توصیف‌کنندگان در توصیف او عاجز، و مخلوقات از دست یافتن به کمالاتش ناتوان می‌باشند.

[صفحه 72]

وَ الْحَمْدُلِلَّهِ ذِى‌الْمُلْكِ وَ الْمَلَكُوتِ، وَ الْعَظَمَةِ وَ الْجَبَرُوتِ، وَ الْعِزِّ وَ الْكِبْریاءِ، وَ الْبَهاءِ وَ الْجَلالِ، وَ الْمَهابَةِ وَ الْجَمالِ، وَ الْعِزَّةِ وَ الْقُدْرَةِ، وَ الْحَوْلِ وَ الْقُوَّةِ، وَ الْمِنَّةِ وَ الْغَلَبَةِ، وَ الْفَضْلِ وَ الطَّوْلِ، وَ الْعَدْلِ وَ الْحَقِّ، وَ الْخَلْقِ وَ الْعُلاءِ، وَ الرَّفْعَةِ وَ الْمَجْدِ، وَ الْفَضیلَةِ وَ الْحِكْمَةِ، وَ الْغِناءِ وَ السَّعَةِ، وَ الْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ الْحِلْمِ وَ الْعِلْمِ، وَ الْحُجَّةِ الْبالِغَةِ، وَ النِّعْمَةِ السَّابِغَةِ، وَ الثَّناءِ الْحَسَنِ الْجَمیلِ وَالْالاءِ الْكَریمَةِ، مَلِکِ الدُّنْیا وَ الْاخِرَةِ وَ الْجَنَّةِ وَ النَّار،وَ ما فیهِنَّ تَبارَکَ وَ تَعالى.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى عَلِمَ اَسْرارَ الْغُیُوبِ، وَ اطَّلَعَ عَلى ما تَجِنُّ الْقُلُوبُ، فَلَیْسَ عَنْهُ مَذْهَبٌ وَ لا مَهْرَبٌ، وَ الْحَمْدُلِلَّهِ الْمُتَكَبِّرِ فى سُلْطانِهِ، الْعَزیزِ فى مَكانِهِ، الْمَتَجَبِّرِ فى مُلْكِهِ، الْقَوِىِّ فى بَطْشِهِ، الرَّفیعِ فَوْقَ عَرْشِهِ، الْمُطَّلِعِ عَلى خَلْقِهِ، وَ الْبالِغِ لِما اَرادَ مِنْ عِلْمِهِ.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى بِكَلِماتِهِ قامَتِ السَّماواتُ الشِّدادُ، وَ ثَبَتَتِ الْاَرَضُونَ الْمِهادُ، وَ انْتَصَبَتِ الْجِبالُ الرَّواسِى الْاَوْتادُ، وَجَرَتِ الرِّیاحُ اللَّواقِحُ، وَ سارَ فى جَوِّ

السَّماءِ السَّحابُ، وَ وَقَفَتْ عَلى حُدُودِهَا الْبِحارُ، وَ وَجِلَتِ

[صفحه 73]

و سپاس از آن خداوندی است که دارای ملک و ملکوت، و عظمت و جبروت، عزت و کبریاء، و بهاء و جلالت، و مهابت و جمال، و عزت و قدرت، و نیرو و منّت، و غلبه و فضل و نعمت، و عدل و حق، و آفرینش و برتری، و رفعت و مجد، و فضیلت و حکمت، و بی‌نیازی و وسعت، و بسط و قبض، و حلم و علم می‌باشد، کسی که دارای دلیل روشن، و نعمت گسترده، و توصیف زیبا، و نعمتهای گرامی است، و پادشاه دنیا و آخرت، و بهشت و جهنم و آنچه در آنهاست، می‌باشد.
سپاس و ستایش شایسته خداوندی است که رازهای پنهان را می‌داند، و بر اسرار قلبها آگاهست، و راه فراری از او یافت نمی‌شود، سپاس خداوندی را سزاست که در سلطنتش متکبّر، و در جایگاهش محکم، در پادشاهیش قدرتمند، در مجازات دادن نیرومند، از عرش برتر، و آگاه به اعمال مردم، و توانا بر آنچه می‌خواهد، می‌باشد.
ستایش از آن خداوندی است که به نیروی او آسمانهای محکم بر پاایستاده، و زمینهای گاهواره مانند بر جای خود ثابت گردیده‌اند، کوههای محکم که باعث تثبیت زمین هستند استوار شده، و بادهای بارورکننده جریان می‌یابند، ابرها در آسمان بحرکت در آمده، و دریاها در محدوده خود متوقف

[صفحه 74]

الْقُلُوبُ مِنْ مَخافَتِهِ، وَ انْقَمَعَتِ الْاَرْبابُ لِرُبُوبِيَّتِهِ، تَبارَكْتَ يا مُحْصى قَطَرِ الْمَطَرِ وَ وَرَقِ الشَّجَرِ، وَ مُحْيِى اَجْسادِ الْمَوْتى لِلْحَشْرِ.
سُبْحانَكَ يا ذَاالْجَلالِ وَ الْاِكْرامِ، ما فَعَلْتَ بِالْغَريبِ الْفَقيرِ اِذا اَتاكَ مُسْتَجيراً مُسْتَغيثاً، ما فَعَلْتَ بِمَنْ اَناخَ بِفِنائِكَ وَ تَعَرَّضَ لِرِضاكَ، وَ غَدا اِلَيْكَ، فَجَثا بَيْنَ يَدَيْكَ، يَشْكُو اِلَيْكَ ما لا يَخْفى عَلَيْكَ، فَلا يَكُونَنَّ يا رَبِّ حَظّى مِنْ دُعائى الْحِرْمانُ، وَلا نَصيبى مِمَّا اَرْجُو مِنْكَ الْخِذْلانُ.
يا مَنْ لَمْ يَزَلْ، وَ لا يَزُولُ كَما لَمْ يَزَلْ، قائِماً عَلى كُلِّ نَفْسٍ بِما كَسَبَتْ، يا مَنْ جَعَلَ اَيَّامَ الدُّنْيا تَزُولُ، وَ شُهُورَها تَحُولُ، وَ سِنِيَّها تَدُورُ، وَ اَنْتَ الدَّائِمُ لا تُبْليكَ الْاَزْمانُ، وَ لا تُغَيِّرُكَ الدُّهُورُ.
يا مَنْ كُلُّ يَوْمٍ عِنْدَهُ جَديدٌ، وَ كُلُّ رِزْقٍ عِنْدَهُ عَتيدٌ، لِلضَّعيفِ وَ الْقَوِىِّ وَ الشَّديد، قَسَّمْتَ الْاَرْزاقَ بَيْنَ الْخَلائِقِ، فَسَوَّيْتَ بَيْنَ الذَّرَّةِ وَ الْعُصْفُورِ.
اَللَّهُمَّ اِذا ضاقَ الْمُقامُ بِالنَّاسِ، فَنَعُوذُبِكَ مِنْ ضيقِ الْمُقامِ، اَللَّهُمَّ اِذا طالَ يَوْمَ الْقِيامَةِ عَلَى الْمُجْرِمينَ، فَقَصِّرْ ذلِكَ الْيَوْمَ عَلَيْنا كَما بَيْنَ الصَّلاةِ اِلَى الصَّلاةِ.

[صفحه 75]

گردیده‌اند، و قلبها از بیم او بلرزه درمی‌آیند، و خداوندگاران موهوم با ربوبیّت او از جای برکنده شده‌اند، خجسته باد ای شمارنده تعداد قطره‌های باران و برگهای درختان، و زنده‌کننده مردگان برای برانگیخته شدن.
منزّه باد خداوندی که دارای جلالت و کرم است، خداوندا! در مقابل غریب و نیازمند، آنگاه که بتو پناهنده شود و از تو یاری جوید، چه می‌کنی، در برابر کسی که بدرگاه تو آمده و خشنودیت را می‌جوید، و در پیشگاه تو بر زمین افتاده،و از آنچه را که بدان دانائی شکایت می‌کند، چه‌می‌کنی، پروردگارا! پس بهره‌ام را از دعایم نا‌امیدی قرار مده، و نصیبم را از آنچه که از تو امید دارم بیچارگی مقرّر مفرما.
ای کسی که همواره بوده و جاودانه است، و بر اعمال بندگان آگاه می‌باشد، ای کسی که روزهای دنیا را در گذر، و ماههای آن را در تحّول، و سالهای آنرا در گردش قرار داد، و تو همواره بوده و زمانها تو را نابود نساخته، و دورانها تو را تغییر نمی‌دهند.
ای کسی که هر روز برای او تازه است، و روزی هر کسی، از ضعیف و قوی و شدید، نزد او آماده می‌باشد، روزیها را بین بندگان تقسیم می‌کنی، و بین مخلوقات عدالت را بر قرار می‌نمایی.
پروردگارا! آنگاه که میان مردم بودن دشوار می‌باشد از دشواری آن به تو پناه می‌برم، بارالها! آنگاه که روز قیامت بر گناهکاران طولانی می‌گردد، آن روز را بر ما کوتاه گردان، مانند فاصله بین دو نماز.

[صفحه 76]

اَللَّهُمَّ اِذا اَدْنَیْتَ الشَّمْسَ مِنَ الْجَماجِمِ، فَکانَ بَیْنَها وَ بَیْنَ الْجَماجِمِ مِقْدارُ میلٍ، وَ زیدَ فی حَرِّها حَرَّ عَشْرَ سِنینَ، فَاِنَّا نَسْأَلُکَ اَنْ تُظِلَّنا بِالْغَمامِ، وَ تَنْصِبَ لَنا اَلْمَنابِرَ وَ الْکَراسِیَّ نَجْلِسُ عَلَیْها، وَ النَّاسُ یَنْطَلِقُونَ فِی الْمَقام، امینَ رَبَّ الْعالَمینَ. اَسْأَلُکَ اللَّهُمَّ بِحَقِّ هذِهِ الْمَحامِدِ، اِلاَّ غَفَرْتَ لی وَ تَجاوَزْتَ عَنّی، وَ اَلْبَسْتَنی اِلْعافِیَةَ فی بَدَنی، وَ رَزَقْتَنی السَّلامَةَ فی دینی.
فَاِنّی اَسْأَلُکَ، وَ اَنَا واثِقٌ بِاِجابَتِکَ اِیَّایَ فی مَسْأَلَتی، وَ اَدْعُوکَ وَ اَنَا عالِمٌ بِاِسْتِماعِکَ دَعْوَتی، فَاسْتَمِعْ دُعائی وَ لا تَقْطَعْ رَجائی، وَ لا تَرُدَّ ثَنائی، وَ لا تُخَیِّبْ دُعائی، اَنَا مُحْتاجٌ اِلی رِضْوانِکَ، وَفَقیرٌ اِلی غُفْرانِکَ، وَاَسْأَلُکَ وَ لا ایِسٌ مِنْ رَحْمَتِکَ، وَ اَدْعُوکَ وَ اَنَا غَیْرُ مُحْتَرِزٍ مِنْ سَخَطِکَ.
یا رَبِّ وَ اسْتَجِبْ لی وَ امْنُنْ عَلَیَّ بِعَفْوِکَ، وَ تَوَفَّنی مُسْلِماً وَ اَلْحِقْنی بِالصَّالِحینَ، رَبِّ لا تَمْنَعْنی فَضْلَکَ یا مَنَّانُ، وَ لا تَکِلْنی اِلی نَفْسی مَخْذُولاً یا

حَنّانُ.

[صفحه 77]

بارالها! آنگاه که خورشید در روز قیامت بشدّت تابیده و نزدیک مردم می‌گردد، و فاصله بین آن و مردم یک میل می‌شود، و به‌اندازه حرارت ده سال حرارت آن افزایش می‌یابد، از تو می‌خواهم که ما را در سایه رحمت خود قرار داده، و در حالیکه مردم برای حسابرسی می‌روند جایگاههایی را برای ما مقرّر فرمایی که بر آنها قرار گیریم، پروردگار جهانیان دعایم را اجابت فرما.
خداوندا! بحقّ این ستایشها از من درگذر، و مرا مورد غفران خود قرار ده، و سلامتی در بدن و دین را بمن عنایت فرما.
پروردگارا! در حالیکه به اجابت خواسته‌ام از طرف تو اطمینان دارم، از تو حاجتم رامی‌خواهم، و در حالیکه‌می‌دانم سخنم رامی‌شنوی، تو رامی‌خوانم، پس دعایم را بشنو، و امیدم را قطع نکن، و مدح و ثنایم را ردّ ننما، و ناامیدم مکن، من نیازمند خشنودی و بخشش تو هستم، و از تو حاجت خواسته و از رحمتت مأیوس نیستم، و تو را می‌خوانم در حالی که از غضبت هراسان می‌باشم.
خداوندا! دعایم را اجابت فرما، و با بخششت بر من منّت گذار، و مرا مسلمان بمیران، و به صالحین ملحق فرما، پروردگارا! مرا از فضل خود منع مکن ای منّان،و مرا به حالت بیچارگی بخود وامگذار، ای مهربان.

[صفحه 78]

رَبِّ ارْحَمْ عِنْدَ فِراقِ الْأَحِبَّةِ صَرْعَتی، وَعِنْدَ سُکُونِ الْقَبْرِ وَحْدَتی، وَفی مَفازَةِ الْقِیامَةِ غُرْبَتی، وَ بَیْنَ یَدَیْکَ مَوْقُوفاً لِلْحِسابِ فاقَتی.
رَبِّ اَسْتَجیرُکَ مِنَ النّارِ فَاَجِرْنی، رَبِّ اَعُوذُبِکَ مِنَ النّارِ فَاَعِذْنی، رَبِّ اَفْزَعُ اِلَیْکَ مِنَ النّارِ فَاَبْعِدْنی، رَبِّ اَسْتَرْحِمُکَ مَکْرُوباً فَارْحَمْنی.
رَبِّ اَسْتَغْفِرُکَ لِما جَهِلْتُ فَاغْفِرْلی، رَبِّ قَدْ اَبْرَزَنِی الدُّعاءُ لِلْحاجَةِ اِلَیْکَ فَلا تُؤْیِسْنی، یا کَریمُ ذَاالْالاءِ وَ الْاِحْسانِ وَ التَّجاوُزِ.
سَیِّدی یا بَرُّ یا رَحیمُ، اِسْتَجِبْ بَیْنَ الْمُتَضَرِّعینَ اِلَیْکَ دَعْوَتی، وَ ارْحَمْ بَیْنَ الْمُنْتَحِبینَ بِالْعَویلِ عَبْرَتی، وَ اجْعَلْ فی لِقائِکَ یَوْمَ الْخُرُوجِ مِنَ الدُّنْیا راحَتی، وَ اسْتُرْ بَیْنَ الْاَمْواتِ یا عَظیمَ الرَّجاءِ عَوْرَتی، وَ اعْطِفْ عَلَیَّ عِنْدَ التَّحَوُّلِ وَحیداً اِلی حُفْرَتی، اِنَّکَ اَمَلی وَ مَوْضِعُ طَلِبَتی، وَ الْعارِفُ بِما اُریدُ فی تَوْجیهِ مَسْأَلَتی.
فَاقْضِ یا قاضِیَ الْحاجاتِ حاجَتی، فَاِلَیْکَ الْمُشْتَکی وَ اَنْتَ الْمُسْتَعانُ

وَالْمُرْتَجی، افِرُّ اِلَیْکَ هارِباً مِنَ الذُّنُوبِ فَاقْبِلْنی، وَاَلْتَجِیءُ مِنْ عَدْلِکَ اِلی مَغْفِرَتِکَ فَاَدْرِکْنی، وَ اَلْتاذُ

[صفحه 79]

بارالها! رحم کن زمین خوردنم را هنگام مرگ و فراق دوستان، و تنهائیم را هنگام جای گرفتن در قبر، غربتم را در روز قیامت، و نیازم را در آن هنگام که برای حسابرسی در پیشگاهت قرار می‌گیرم.
خداوندا! از آتش به تو پناه می‌برم، پناهم ده، بارالها از آتش از تو نجات می‌خواهم، نجاتم ده، پروردگارا از هراس آتش بتو روی می‌آورم، مرا از آتش دور دار، خداوندا با بیچارگی از تو رحمت می‌طلبم مرا از رحمت خود مأیوس مفرما.
پروردگارا! در برابر نادانیهای خود از تو طلب بخشش دارم، مرا مورد بخشش خود قرار ده، خداوندا خواسته‌ام مرا در مقابل تو برای طلب حاجت قرار داد، پس مرا مأیوس نکن، ای بزرگوار و صاحب نعمتها و احسان و در گذشتن از خطاها، مولای من! ای نیکوکار و ای مهربان، در بین زاری‌کنندگان دعایم را اجابت فرما، و در میان فریاد زنان اشکم را مورد رحمت خود قرار ده، و آسایشم را هنگام ملاقاتت،در زمانیکه از این دنیا خارج می‌شوم، مقرّر مفرما.
ای نهایت امید امیدواران! در میان مردگان عیبم را بپوشان، و آنگاه که به تنهایی در میان قبر قرار می‌گیرم بر من لطف نما، بدرستیکه تو آرزوی من، و جایگاه ابراز خواسته‌هایم، و دانا به حاجتهایم هستی. ای برآورنده حاجتها، خواسته‌هایم را برآور، شکایتم بسوی توست، و تو یاور و امید من هستی،از گناهانم بسوی تو می‌گریزم، مرا بپذیر، و از عدالتت

[صفحه 80]

بِعَفْوِکَ مِنْ بَطْشِکَ فَامْنَعْنی، وَ اَسْتَرُوحُ رَحْمَتَکَ مِنْ عِقابِکَ فَنَجِّنی. وَ اَطْلُبُ الْقُرْبَةَ مِنْکَ بِالْاِسْلامِ فَقَرِّبْنی، وَ مِنَ الْفَزَعِ الْاَکْبَرِ فَامِنّی، وَ فی ظِلِّ عَرْشِکَ فَظَلِّلْنی، وَ کِفْلَیْنِ مِنْ رَحْمَتِکَ فَهَبْ لی، وَ مِنَ الدُّنْیا سالِماً فَنَجِّنی، وَ مِنَ الظُّلُماتِ اِلَی النُّورِ فَاَخْرِجْنی.
وَ یَوْمَ الْقِیامَةِ فَبَیِّضْ وَجْهی، وَ حِساباً یَسیراً فَحاسِبْنی، وَ بِسَرائِری فَلا تَفْضَحْنی، وَ عَلی بَلائِکَ فَصَبِّرْنی، وَ کَما صَرَفْتَ عَنْ یُوسُفَ السُوءَ وَ الْفَحْشاءَ فَاصْرِفْهُ عَنّی، وَ ما لا طاقَةَ لی بِهِ فَلا تُحَمِّلْنی.
وَ اِلی دارِالسَّلامِ فَاهْدِنی، وَ بِالْقُرْانِ فَانْفَعْنی، وَ بِالْقَوْلِ الثّابِتِ فَثَبِّتْنی، وَ مِنَ الشَّیْطانِ الرَّجیمِ فَاحْفَظْنی، وَ بِحَوْلِکَ وَ قُوَّتِکَ وَ جَبَرُوتِکَ فَاعْصِمْنی، وَ

بِحِلْمِکَ وَ عِلْمِکَ وَسَعَةِ رَحْمَتِکَ مِنْ جَهَنَّمَ فَنَجِّنی، وَ جَنَّتَکَ الْفِرْدَوْسَ فَاَسْکِنّی، وَ النَّظَرَ اِلی وَجْهِکَ فَارْزُقْنی، وَ بِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ فَاَلْحِقْنی، وَ مِنَ الشَّیاطینَ وَ اَوْلِیائِهِمْ وَ مِنْ شَرِّ کُلِّ ذی شَرٍّ فَاکْفِنی.
اَللَّهُمَّ وَ اَعْدائی وَ مَنْ کادَنی اِنْ اَتَوْا بَرّاً فَجَبِّنْ شَجْعَهُمْ،

[صفحه 81]

بسوی غفران وبخششت پناه می‌برم، مرا دریاب، و از غضبت به بخششت پناه می‌جویم،پناهم ده، و از عقابت بوسیله رحمتت آسودگی می‌طلبم، مرا نجات ده.
و با اسلام خواستار نزدیکی به توام، مرا بخود نزدیک گردان، و از هراس روز قیامت مرا ایمن دار، و در سایه عرشت جایگاهم ده، و مرا مشمول رحمتت گردان، و با سلامتی مرا از دنیا نجات ده، و از تاریکیها بسوی نور خارج ساز.
و در روز قیامت چهره‌ام را درخشان گردان، و با محاسبه‌ای آسان مرا مورد حسابرسی قرار ده، و به عیوبم شرمگینم مفرما، و بر بلاها صبورم گردان، و آنگونه که از حضرت یوسف بدی و زشتی را دور ساختی، زشتی و بدی را از من دور ساز، و آنچه بدان طاقت ندارم رابر من تحمیل منما.
و مرا بسوی بهشت رهنمون گردان، و از قرآن بهره‌مندم ساز، و با گفتار صحیح مرا ثابت قدم بگردان، و از شیطان رانده شده حفظ فرما، و در بهشت فردوس ساکن گردان، و دیدار رویت را نصیبم نما، و به پیامبرت ملحق کن، و از شیاطین و دوستان آنها و از شرّ هر شروری کفایت فرما.
پروردگارا! دشمنانم و کسانی که نسبت بمن کینه دارند، اگر قصد آزار مرا

[صفحه 82]

فَضِّ جُمُوعَهُمْ، کَلِّلْ سِلاحَهُمْ، عَرْقِبْ دَوابَّهُمْ، سَلِّطْ عَلَیْهِمُ الْعَواصِفَ وَ الْقَواصِفَ اَبَداً حَتّی تُصْلیهِمُ النّارَ، اَنْزِلْهُمْ مِنْ صَیاصیهِمْ، وَ اَمْکِنّا مِنْ نَواصیهِمْ، امینَ رَبَّ الْعالَمینَ.
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، صَلاةً یَشْهَدُ الْأَوَّلُونَ مَعَ الْأَبْرارِ وَسَیِّدِ الْمُرْسَلینَ، وَ خاتَمِ النَّبِیّینَ، وَ قائِدِ الْخَیْرِ وَ مِفْتاحِ الرَّحْمَةِ.
اَللّهُمَّ رَبَّ الْبَیْتِ الْحَرامِ وَالشَّهْرِ الْحَرامِ، وَ رَبَّ الْمَشْعَرِ الْحَرامِ، وَ ربَّ الرُّکْنِ وَ الْمَقامِ، وَ رَبَّ الْحِلِّ وَ الْاِحْرامِ، بَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ مِنَّا التَّحِیَّةَ وَ السَّلامَ.
سَلامٌ عَلَیْکَ یا رَسُولَ‌اللّهِ، سَلامٌ عَلَیْکَ یا اَمینَ اللّهِ، سَلامٌ عَلَیْکَ یا مُحَمَّدَ بْنَ عَبْدِاللّهِ، اَلسَّلامُ عَلَیْکَ وَ رَحْمَةُ اللّهِ وَ بَرَکاتُهُ، فَهُوَ کَما وَ صَفْتَهُ بِالْمُؤْمِنینَ رَؤُوفٌ رَحیمٌ.

اَللّٰهُمَّ اَعْطِهِ اَفْضَلَ ما سَأَلَکَ، وَ اَفْضَلَ ما سُئِلْتَ لَهُ، وَ اَفْضَلَ ما اَنْتَ مَسؤُولٌ لَهُ اِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ، امینَ یا رَبَّ الْعالَمینَ.

[صفحه 83]

نمودند، قلب شجاعانشان را ضعیف، لشگریانشان را متفرق، سلاحهایشان را از کار افتاده، و حیواناتشان را ناتوان گردان، و بادهای سخت و طوفانها را بر آنان مسلّط فرما، تا ایشان را به آتش وارد سازی، از آنچه بدانها پناه جسته‌اند آنان را فرود آور، و ما را بر نابودیشان قادر فرما، پروردگار جهانیان اجابت فرما.
خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی که پیشینیان همراه با نیکان بر آن شاهد باشند، پیشوای فرستاده شدگان، و آخرین پیامبران، راهبر خیر و کلید رحمت.
بارالها! ای پروردگار خانه مقدس- خانه کعبه-، و ماه مقدس- ماه ذیحجه-، و پروردگار مشعر حرام، و پروردگار رکن و مقام، و پروردگار حلّ و حرم، به روح مقدّس پیامبر از جانب ما سلام و درود فرست.
سلام بر تو ای فرستاده خدا، سلام بر تو ای امین خدا، سلام بر تو ای محمد بن عبداللَّه، سلام و رحمت و برکات الهی بر تو باد، و او آنچنانکه توصیفش فرموده‌ای به مؤمنان مهربان و دلسوز است.
خداوندا! برتر از آنچه از تو خواسته، و برای او تاکنون خواسته شده، و تا روز قیامت برای او خواسته می‌شود، به او عطا کن، ای پروردگار جهانیان اجابت فرما.

[صفحه 84]

سُبْحانَ مَنْ تَواضَعَ کُلُّ شَیْءٍ لِعَظَمَتِهِ، سُبْحانَ مَنْ ذَلَّ کُلُّ شَیْءٍ لِعِزَّتِهِ، سُبْحانَ مَنْ خَضَعَ کُلُّ شَیْءٍ بِاَمْرِهِ وَمُلْکِهِ، سُبْحانَ مَنِ انْقادَتْ لَهُ الْاُمُورُ بِاَزِمَّتِها.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی لایُنْسی مَنْ ذَکَرَهُ، اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی لایَخیبُ مَنْ دَعاهُ، اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی مَنْ تَوَکَّلَ عَلَیْهِ کَفاهُ.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ سامِکِ السَّماءِ، وَ ساطِحِ الْأَرْض، وَ حاصِرِ الْبِحارِ، ناضِدِ الْجِبالِ، وَ بارِیءِ الْحَیَوانِ، وَ خالِقِ الشَّجَرِ، وَ فاتِحِ یَنابیعِ الْأَرْضِ، وَ مُدَبِّرِالْاُمُورِ، وَ مُسَیِّرِ السَّحابِ، وَ مُجْری الرِّیحِ وَ الْماءِ وَ النَّارِ مِنْ اَغْوارِ الْأَرْضِ، مُتَسارِعاتٍ فِی الْهَواءِ، وَ مَهْبِطِ الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ، اَلَّذی بِنِعْمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحاتُ، وَ بِشُکْرِهِ تَسْتَوْجِبُ الزِّیاداتُ، وَ بِاَمْرِهِ قامَتِ السَّماواتُ، وَ بِعِزَّتِهِ اسْتَقَرَّتِ الرَّاسِیاتُ، وَ سَبَّحَتِ الْوُحُوشُ فِی الْفَلَواتِ وَ الطَّیْرُ فِی الْوَکَناتِ.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ رَفیعِ الدَّرَجاتِ، مُنْزِلِ الْایاتِ، واسِعِ

[صفحه 85]

(9) دعای آن حضرت در تعقیب نماز عشاء
پاک و منزّه است پروردگاری که تمامی موجودات در برابر عظمت او متواضعند، پاک و منزّه است آنکه همه اشیاء در برابر عزّت او خوار و ذلیلند، پاک و منزّه است کسی که هر چیز در برابر امر و پادشاهی او خاضع می‌باشد، پاک و منزّه است آنکه هر چیز در حیطه قدرت او قرار دارد.
سپاس خداوندی را سزاست که هر که او را یاد کند فراموشش نمی‌کند، سپاس از آن خداوندی است که هر که او را بخواند ناامیدش ننماید، سپاس شایسته خداوندی است که هر که بر او توکّل نماید او را کفایت کند.
سپاس و ستایش مخصوص خداوندی است که آسمانها را برافراشت، و زمین را مسطّح گردانید، و دریاها را محدود ساخت، و کوهها را بصورت رشته‌هایی درآورد، و حیوانات را آفرید، و درختان را ایجاد کرد، و چشمه‌سارهای زمین را گشود، و امور را تدبیر کرده، و ابرها را بگردش درآورد، و بخار و آب و آتش را از اعماق زمین بسوی آسمان جاری ساخت، و گرما و سرما را در زمین قرار داد.
خداوندی که با نعمتهایش کارهای نیک کامل شده، و شکر او موجب

[صفحه 86]

اَلْبَرَکاتِ، ساتِرِ الْعَوْراتِ، قابِلِ الْحَسَناتِ، مُقیلِ الْعَثَراتِ، مُنَفِّسِ الْکُرُباتِ، مُنْزِلِ الْبَرَکاتِ، مُجیبِ الدَّعواتِ، مُحْیِی الْاَمْواتِ، اِلهِ مَنْ فِی الْاَرْضِ وَالسَّماواتِ. اَلْحَمْدُلِلَّهِ عَلی کُلِّ حَمْدٍ وَ ذِکْرٍ، وَ شُکْرٍ وَ صَبْرٍ، وَ صَلاةٍ وَ زَکاةٍ، وَ قِیامٍ وَ عِبادَةٍ، وَ سَعادَةٍ وَ بَرَکَةٍ، وَ زِیادَةٍ وَ رَحْمَةٍ، وَ نِعْمَةٍ وَ کَرامَةٍ، وَ فَریضَةٍ، وَ سَرَّاءٍ وَ ضَرَّاءٍ، وَ شِدَّةٍ وَ رَخاءٍ، وَ مُصیبَةٍ وَ بَلاءٍ، وَ عَسْرٍ وَ یُسْرٍ، وَ غِناءٍ وَ فَقْرٍ، وَ عَلی کُلِّ حالٍ، وَ فِی کُلِّ اَوانٍ وَ زَمانٍ، وَ کُلِّ مَثْویً وَ مُنْقَلَبٍ وَ مُقامٍ.
اَللَّهُمَّ اِنّی عائِذٌ بِکَ فَاَعِذْنی، وَ مُسْتَجیرٌبِکَ فَاَجِرْنی، وَ مُسْتَعینٌ بِکَ فَاَعِنّی، وَ مُسْتَغیثٌ بِکَ فَاَغِثْنی، وَ داعیکَ فَاَجِبْنی، وَ مُسْتَغْفِرُکَ فَاغْفِرْلی، وَ مُسْتَنْصِرُکَ فَانْصُرْنی، وَ مُسْتَهْدیکَ فَاهْدِنی، وَ مُسْتَکْفیکَ فَاکْفِنی، وَ مُلْتَجِأٌ اِلَیْکَ فَآوِنی، وَ مُسْتَمْسِکٌ بِحَبْلِکَ فَاعْصِمْنی، وَ مُتَوَکِّلٌ عَلَیْکَ فَاکْفِنی.
وَ اجْعَلْنی فی عِیاذِکَ وَ جِوارِکَ، وَ حِرْزِکَ وَ کَهْفِکَ، وَ حِیاطَتِکَ وَ حَراسَتِکَ، وَ کَلاءَتِکَ وَ حُرْمَتِکَ، وَ اَمْنِکَ وَ تَحْتَ ظِلِّکَ وَ تَحْتَ جِناحِکَ.

[صفحه 87]

افزایش نعمتها می‌گردد، و با فرمانش آسمانها پایدار گردیده، و با عزّت او کوههای سر برافراشته مستقر گردیده‌اند، و حیوانات وحشی در بیابانها و پرندگان در آشیانه‌ها به تسبیح او مشغولند. سپاس خداوندی را سزاست که بالابرنده درجات، و نازل کننده آیات، و گستراننده برکات، و پوشاننده عیبها، و قبول‌کننده نیکیها، و درگذرنده از لغزشها، و برطرف‌کننده رنجها، و اجابت‌کننده خواسته‌ها، و زنده‌کننده مردگان، پروردگار زمین و آسمانهاست.
سپاس و ستایش بر خداوند بر هر مدح و ذکر، و شکر و صبر، و نماز و زکات، و قیام و عبادت، و سعادت، و برکت و زیادتی، و رحمت و نعمت و کرامت و واجب، و خوشی و ناراحتی، و شدّت و آسایش، و مصیبت و بلاء، و سختی و راحتی، و بی‌نیازی و فقر، و بر هر حال، و در هر زمان و هنگام، و هر مکان و جایگاه توقّف و کوچ.
پروردگارا! پناهنده به توام، مرا پناه ده، از تو یاری می‌جویم، یاریم نما، از تو فریادرسی می‌طلبم، بفریادم رس، و تو را می‌خوانم، مرا اجابت کن، از تو آمرزش می‌طلبم، مرا ببخش، از تو کمک می‌جویم، مرا کمک نما، و از تو هدایت می‌خواهم، مرا هدایت کن، و از تو کفایت می‌جویم، مرا کفایت نما، و بسوی تو پناه آورده‌ام، مرا پناه ده، و به ریسمان تو چنگ زده‌ام، مرا حفاظت نما، و بر تو توکل نموده‌ام، مرا کفایت کن.
بارالها! مرا در پناه و حفاظت، و حراست و کفایت، و حرمت و امنیّت، و در زیر سایه رحمت خود قرار ده.

[صفحه 88]

وَاجْعَلْ عَلَیَّ جُنَّةً و اقِیَةً مِنْکَ، وَ اجْعَلْ حِفْظَکَ وَ حِیاطَتَکَ، وَ حَراسَتَکَ وَ کَلاءَتَکَ، مِنْ وَرائی وَ اَمامی، وَ عَنْ یَمینی وَ عَنْ شِمالی، وَ مِنْ فَوْقی وَ مِنْ تَحْتی، وَ حَوالِیَّ، حَتّی لا یَصِلَ اَحَدٌ مِنَ الْمَخْلُوقینَ اِلی مَکْرُوهی وَ اَذایَ، بِحَقِّ لا اِلهَ اِلاّ اَنْتَ، اَنْتَ الْمَنّانُ بَدیعُ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ، ذُوالْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ.
اَللّهُمَّ اکْفِنی حَسَدَ الْحاسِدینَ، وَ بَغْیَ الْباغینَ، وَ کَیْدَ الْکائِدینَ، وَ مَکْرَ الْماکِرینَ، وَ حیلَةَ الْمُحْتالینَ، وَ غیلَةَ الْمُغْتالینَ، وَ ظُلْمَ الظّالِمینَ، وَ جَوْرَ الْجائِرینَ، وَ اِعْتِداءَ الْمُعْتَدینَ، وَ سَخَطَ الْمُسَخِّطینَ، وَ تَشَحُّبَ الْمُتَشَحِّبینَ، وَ صَوْلَةَ الصّائِلینَ، وَ اقْتِسارَ الْمُقْتَسِرینَ، وَ غَشْمَ الْغاشِمینَ، وَ خَبْطَ الْخابِطینَ، وَ سِعایَةَ السّاعینَ، وَ نَمیمَةَ النّامّینَ، وَ سِحْرَ السَّحَرَةِ وَ الْمَرَدَةِ وَ الشَّیاطینَ، وَ جَوْرَ السَّلاطینَ، وَ مَکْرُوهَ الْعالَمینَ.
اَللّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِاسْمِکَ الْمَخْزُونِ الطَّیِّبِ الطّاهِرِ، الَّذی قامَتْ بِهِ السَّماواتُ وَ الْاَرْضُ، وَ اَشْرَقَتْ لَهُ الظُّلَمُ وَ سَبَّحَتْ لَهُ الْمَلائِکَةُ، وَ وَجِلَتْ عَنْهُ الْقُلُوبُ، وَ خَضَعَتْ لَهُ

[صفحه 89]

و بر من سپر محکمی از جانب خود مقرّر فرما، از پیشاپیش و پشت‌رو، و سمت چپ و راست، و از بالا و پائین و اطرافم، مرا از جانب خودت حفظ و حراست فرما، تا هیچیک از مخلوقاتت نتواند بمن صدمه رسانده، و مرا مورد آزار خود قرار دهد، بحقّ آنکه جز تو معبودی نیست، تو منّان، آفریننده آسمانها و زمین، صاحب جلالت و بزرگواری هستی.
پروردگارا! حسد حسودان، و تجاوز تجاوزگران، و کید مکّاران، و نیرنگ نیرنگ‌بازان، و حیله حیله‌گران، و ظلم ستمگران، و جور جائرین، و دشمنی دشمنان،و اجبار اجبارکنندگان، و ستم ظالمین، و سعایت سعایتگران، وتهمت تهمت‌زنان، و سحر جادوگران، و رانده‌شده‌ها و شیاطین، و ظلم پادشاهان، و کارهای زشت جهانیان را از من دور دار.
خداوندا! بنام پوشیده و پاک و پاکیزه‌ات، که آسمانها و زمین بدان استوار شده،و تاریکیها بدان درخشان گردیده، و فرشتگان بدان تسبیح‌گو شده، و قلبها از آن در هراس بوده، و گردنها بخاطر آن خاضع شده، و مردگان را بدان زنده می‌کنی، از تو می‌خواهم هر گناهی که از روی عمد و خطا، آشکار و نهان،

[صفحه 90]

الرِّقابُ، وَ اَحْيَيْتَ بِهِ الْمَوْتى، اَنْ تَغْفِرَلى كُلَّ ذَنْبٍ اَذْنَبْتُهُ فى ظُلَمِ اللَّيْلِ وَضَوْءِ النَّهارِ، عَمْداً اَوْ خَطَأً، سِرّاً اَوْ عَلانِيَةً.
وَ اَنْ تَهَبَ لى يَقيناً وَ هَدْياً، وَ نَوْراً وَ عِلْماً وَ فَهْماً، حَتّى اُقيمَ كِتابَكَ، وَ اَحِلَّ حَلالَكَ وَ اُحَرِّمَ حَرامَكَ، وَ اُؤَدِّىَ فَرائِضَكَ، وَ اُقيمَ سُنَّةَ نَبِيِّكَ مُحَمَّدٍ.
اَللَّهُمَّ اَلْحِقْنى بِصالِحِ مَنْ مَضى، وَ اجْعَلْنى مِنْ صالِحِ مَنْ بَقِىَ، وَ اخْتِمْ لى عَمَلى بِاَحْسَنِهِ، اِنَّكَ غَفُورٌ رَحيمٌ.
اَللَّهُمَّ اِذا فَنى عُمْرى، وَ تَصَرَّمَتْ اَيَّامَ حَياتى، وَ كانَ لابُدَّ لى مِنْ لِقائِكَ، فَاَسْأَلُكَ يا لَطيفُ اَنْ تُوجِبَ لى مِنَ الْجَنَّةِ مَنْزِلاً، يَغْبِطُنى بِهِ الْاَوَّلُونَ وَ الْاخِرُونَ.
اَللَّهُمَّ اَقْبِلْ مِدْحَتى وَ التَّهافى، وَ ارْحَمْ ضُراعَتى وَ هَتافى، وَ اِقْرارى عَلى نَفْسى وَ اعْتِرافى، فَقَدْ اَسْمَعْتُكَ صَوْتى فِى الدَّاعينَ، وَ خُشُوعى فِى الضَّارِعينَ، وَ مِدْحَتى فِى الْقائِلينَ، وَ تَسْبيحى فِى الْمادِحينَ.
وَ اَنْتَ مُجيبُ الْمُضْطَرّينَ، وَ مُغيثُ الْمُسْتَغيثينَ، وَ غِياثُ الْمَلْهُوفينَ، وَ حِرْزُ الْهاربينَ، وَ صَريخُ الْمُؤْمِنينَ، وَ مُقيلُ الْمُذْنِبينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى الْبَشيرِ النَّذيرِ وَ السِّراجِ الْمُنيرِ، وَ عَلَى الْمَلائِكَةِ وَ النَّبِيّينَ.

[صفحه 91]

در تاريكيهاى شب و روشنائى روز، انجام داده‌ام را ببخشى، و به من يقين و هدايت، و نور و علم و فهمى عنايت كنى، تا كتابت را برپاداشته، و حلالت را حلال، و حرامت را حرام نموده، و واجباتت را انجام و سنّت پيامبرت محمّد را بر پا دارم.
بارالها! مرا به نيكان گذشته ملحق كن، و از صالحين باقيمانده قرار ده، و اعمالم را به نيكوترين آنها خاتمه بخش، بدرستيكه تو آمرزنده و مهربانى.
پروردگارا! آنگاه كه عمرم به پايان رسيده، و روزگار زندگيم خاتمه يافته، و بايد به ملاقات تو آيم، اى مهربان! از تو مى‌خواهم كه منزلى را در بهشت بمن عنايت كنى، كه تمام مخلوقات از اوّلين و آخرين بدان حسرت خورند.
خداوندا! ستايشم را بپذير، و به تضرّع و زاريم، و نيز به اقرار و اعترافم بر عليه نفسم رحم نما، صدايم را همراه خوانندگان تو، و خشوعم را همراه تضرّع كنندگان، و مدحم را همراه گويندگان، و تسبيحم را همراه ستايشگران، به گوش تو رساندم.
و تو اجابت‌كننده بيچارگان، و فريادرس فريادخواهان، و پناه پناهندگان، و جايگاه فراركنندگان، و فريادرس مؤمنان، و درگذرنده از گناه گناهكاران مى‌باشى، و درود خدا بر بشارت‌دهنده و بيم‌دهنده و نور درخشان- حضرت محمد- و بر فرشتگان و پيامبران.

[صفحه 92]

اَللَّهُمَّ داحِی الْمَدْحُوَّاتِ وَ بارِئَ الْمَسْمُوکاتِ، وَ جَبَّالَ الْقُلُوبِ عَلی فِطْرَتِها، شَقِیِّها وَ سَعیدِها، اِجْعَلْ شَرائِفَ صَلَواتِکَ وَ نَوامِیَ بَرَکاتِکَ وَ کَرائِمَ تَحِیَّاتِکَ، عَلی مُحَمَّدٍ عَبْدِکَ وَ رَسُولِکَ وَ اَمینِکَ عَلی وَحْیِکَ، الْقائِمِ بِحُجَّتِکَ، وَ الذَّابِّ عَنْ حَرَمِکَ، وَ الصَّادِعِ بِاَمْرِکَ، وَ الْمُشَیِّدِ لِایاتِکَ، وَ الْمُوفی لِنَذْرِکَ.
اَللَّهُمَّ فَاَعْطِهِ بِکُلِّ فَضیلَةٍ مِنْ فَضائِلِهِ، وَ نَقیبَةٍ مِنْ مَناقِبِهِ، وَ حالٍ مِنْ اَحْوالِهِ، وَ مَنْزِلَةٍ مِنْ مَنازِلِهِ، رَأَیْتَ مُحَمَّداً لَکَ فیها ناصِراً، وَ عَلی مَکْرُوهِ بَلائِکَ صابِراً، وَ لِمَنْ عاداکَ مُعادِیاً، وَ لِمَنْ والاکَ مُوالِیاً، وَ عَمَّا کَرِهْتَ نائِیاً، وَ اِلی ما اَحْبَبْتَ داعِیاً، فَضائِلَ مِنْ جَزائِکَ، وَ خَصائِصَ مِنْ عَطائِکَ وَ حِبائِکَ، تُسْنی بِها اَمْرَهُ، وَ تُعْلی بِها دَرَجَتَهُ، مَعَ الْقُوَّامِ بِقِسْطِکَ، وَ الذَّابّینَ عَنْ حَرَمِکِ، حَتّی لا یَبْقی سَناءٌ وَ لا بَهاءٌ، وَلارَحْمَةٌ وَ لا کَرامَةٌ، اِلاَّ خَصَصْتَ مُحَمَّداً بِذلِکَ وَ اتَیْتَهُ مِنْکَ الذُّری، وَ بَلَّغْتَهُ الْمَقاماتِ الْعُلی، امینَ رَبَّ الْعالَمینَ.
اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْتَوْدِعُکَ دینی وَ نَفْسی وَ جَمیعَ نِعْمَتِکَ عَلَیَّ، فَاجْعَلْنی فی کَنَفِکَ وَ حِفْظِکَ، وَ عِزِّکَ وَ مَنْعِکَ، عَزَّ جارُکَ

[صفحه 93]

پروردگارا! ای گستراننده زمینها، و آفریننده آسمانها، و خالق جانهای بدبخت و خوشبخت بر سرشت خود، شریفترین درودها، و روییانندهترین برکاتت، و ارزشمندترین تحیّاتت را، بر محمد، بنده و فرستاده و امین بر وحیت، برپادارنده حجتت، و نگاهبان حرمت، و انجام دهنده اوامرت، و محکم‌کننده آیاتت،و انجام‌دهنده نذرت، بفرست.
خداوندا! در مقابل هر فضیلتی از فضائل او، و هر منقبتی از مناقب او، و هر حالتی از حالات او، و هر منزلتی از منزلتهای او، که محمّد را در آن منزلتها یاور خود یافته، و بر رنجها صابر، و بر دشمنانت دشمن، و بر دوستانت دوست، و از مکروهاتت دور، و بسوی آنچه خوانده‌ای خواننده یافته‌ای، فضائلی از پاداشت و ویژگیهائی از عطایت، را به او عطا فرما، که امرش را برتر و درجه‌اش را بلند مرتبه گردانی، همراه بپادارندگان عدل تو و مدافعین از حرم تو، تا اینکه برتری و ارزش و رحمت و کرامتی باقی نماند، جز آنکه محمد را بدان مخصوص گردانی، و از جانب خود درجات عالی به او عطافرمایی، و او را به مقامات بلند برسانی، پروردگار جهانیان اجابت فرما.
بارالها! دین و جان و تمام نعمتهایی که بمن داده‌ای، را بتو می‌سپارم، پس مرا در حفظ و حراست و کفایت خود قرار ده، حفاظت تو پایدار، و مدح

[صفحه 94]

وَ جَلَّ ثَناؤُکَ، وَ تَقَدَّسَتْ اَسْماؤُکَ، وَ لا اِلهَ غَیْرُکَ، حَسْبی اَنْتَ فِی السَّرّاءِ وَ الضَّرّاءِ، وَ الشِّدَّةِ وَ الرَّخاءِ، وَ نِعْمَ الْوَکیلُ.
رَبَّنا عَلَیْکَ تَوَکَّلْنا وَ اِلَیْکَ اَنَبْنا وَ اِلَیْکَ الْمَصیرُ، رَبَّنا لا تَجْعَلْنا فِتْنَةً لِلَّذینَ کَفَرُوا، وَ اغْفِرْلَنا رَبَّنا اِنَّکَ اَنْتَ الْعَزیزُ الْحَکیمُ.
رَبَّنَا اصْرِفْ عَنّا عَذابَ جَهَنَّمَ، اِنَّ عَذابَها کانَ غَراماً، اِنَّها ساءَتْ مُسْتَقَرّاً وَ مُقاماً، رَبَّنَا افْتَحْ بَیْنَنا وَ بَیْنَ قَوْمِنا بِالْحَقِّ، وَ اَنْتَ خَیْرُ الْفاتِحینَ.
رَبَّنا اِنَّنا امَنّا فَاغْفِرْ لَنا ذُنُوبَنا، وَ کَفِّرْ عَنّا سَیِّئاتِنا، وَ تَوَفَّنا مَعَ الْأَبْرارِ، رَبَّنا وَ اتِنا ما وَعَدْتَنا عَلی رُسُلِکَ، وَ لا تُخْزِنا یَوْمَ الْقِیامَةِ، اِنَّکَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ.
رَبَّنا لا تُؤاخِذْنا اِنْ نَسینا اَوْ اَخْطَأْنا، رَبَّنا وَ لا تَحْمِلْ عَلَیْنا اِصْراً کَما حَمَلْتَهُ عَلَی الَّذینَ مِنْ قَبْلِنا.
رَبَّنا وَ لا تُحَمِّلْنا ما لا طاقَةَ لَنابِهِ، وَ اعْفُ عَنّا وَ اغْفِرْ لَنا وَ ارْحَمْنا، اَنْتَ مَوْلانا، فَانْصُرْنا عَلَی الْقَوْمِ الْکافِرینَ.
رَبَّنا اتِنا فِی الدُّنْیا حَسَنَةً، وَ فِی الْاخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنا عَذابَ النّارِ، وَ صَلَّی اللَّهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ النَّبِیِّ وَ الِهِ الطّاهِرینَ وَ سَلَّمَ تَسْلیماً.

[صفحه 95]

تو بلند مرتبه، و نامهایت مقدّس، و جز تو پروردگاری نیست، تو در خوشحالی و ناراحتی و شدّت و آسایش مرا کافی بوده، و تو بهترین نگهبانی.
پروردگارا! بر تو توکّل کرده، و بسوی تو زاری نموده، و بازگشتمان بسوی توست، خداوندا! ما را وسیله آزمایش کسانی که کافر می‌باشند، قرار مده، و ما را بیامرز، بدرستیکه تو استوار و پابرجائی.
خداوندا! عذاب جهنم را از ما دور گردان، چرا که عذاب آن جاودانه می‌باشد، و براستی که جهنم بد جایگاه و قرارگاهی است، پروردگارا بین ما و قوم ما با حق حکم نما، و تو بهترین حکم‌کنندگانی.
پروردگارا! ما ایمان آوردیم، پس گناهان مارا ببخشای، و خطاهایمان را بپوشان،و ما را با نیکان بمیران، خداوندا آنچه به فرستادگانت وعده داده‌ای را بما عطا فرما، و روز قیامت ما را عذاب منما،بدرستیکه تو خلف وعده نمی‌کنی.
بارالها! اگر فراموش کرده یا خطا نمودیم ما را مؤاخذه منما، پروردگارا تکلیف سخت بر عهده ما قرار مده، همچنانکه بر عهده کسانی که پیش از ما بوده‌اند قرار دادی.

خداوندا! چیزهایی را که ما بر آنها قدرت نداریم را بر دوشمان قرار مده، و از ما درگذر، و ما را ببخشای، و مورد رحمت خود قرارده، تو مولای ما هستی، پس ما را بر گروه کافران یاری کن.
خداوندا! در دنیا و آخرت بما نیکی عطا فرما، و به رحمتت ما را از عذاب آتش نگاهبان باش، و درود خدابر آقای ما پیامبر و خاندان پاک او.

سُبْحانَ اللَّهِ- عشراً.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ- عشراً.
اَللَّهُ اَکْبَرُ- عشراً.
(10) دعای آن حضرت بعد از هر نماز
خداوند برتر است- ده بار.
سپاس خداوند را سزاست- ده بار.
پاک و منزه است خداوند- ده بار.

اَللَّهُ اَکْبَرُ- أربعاً و ثلاثین.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ- ثلاثاً و ثلاثین.
سُبْحانَ اللَّهِ- ثلاثاً و ثلاثین.
لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ- مرة واحدة.
(11) دعای آن حضرت بعد از هر نماز
خداوند برتر است- سی و چهار بار.
سپاس خداوند را سزاست- سی و سه بار.
پاک و منزه است خداوند- سی و سه بار.
معبودی جز خداوند نیست- یک بار.

[صفحه 98]

اَللَّهُمَّ اِنّی اَصْبَحْتُ اُشْهِدُکَ وَ کَفی بِکَ شَهیداً، وَ اُشْهِدُ مَلائِکَتَکَ وَ حَمَلَةَ عَرْشِکَ، وَ سُکّانَ سَماواتِکَ وَ اَرَضیکَ، وَ اَنْبِیاءَکَ وَ رُسُلَکَ، وَ الصّالِحینَ مِنْ عِبادِکَ وَ جَمیعَ خَلْقِکَ.
بِاَنَّکَ اَنْتَ اللَّهُ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، وَحْدَکَ لا شَریکَ لَکَ، وَ اَنَّ کُلَّ مَعْبُودٍ مِنْ دُونِ عَرْشِکَ اِلی قَرارِالْاَرَضینَ السّابِعَةِ السُّفْلی باطِلٌ ماخَلا وَجْهِکَ الْکَریمِ.
فَاِنَّهُ اَعَزُّ وَ اَکْرَمُ وَ اَجَلُّ مِنْ اَنْ یَصِفَ الْواصِفُونَ کُنْهَ جَلالِهِ، اَوْ تَهْتَدِی الْقُلُوبُ لِکُلِّ عَظَمَتِهِ.
یا مَنْ فاقَ مَدْحَ الْمادِحینَ فَخْرُ مَدْحِهِ، وَ عَدا وَصْفَ الْواصِفینَ مَآثِرُ حَمْدِهِ، وَ جَلَّ عَنْ مَقالَةِ النّاطِقینَ تَعْظیمُ شَأْنِهِ- تقول ذلک ثلاثاً.
ثمَّ تقول:
لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، لَهُ الْمُلْکُ وَ لَهُ الْحَمْدُ،

[صفحه 99]

(12) دعای آن حضرت هنگام صبح
پروردگارا! در این صبحگاه تو را شاهد می‌گیرم- که برای شهادت و گواهی، ذات تو کفایت می‌کند- همچنین فرشتگانت، و حاملان عرشت، و ساکنین آسمانها و زمینهایت، و پیامبران و رسولانت، و بندگان صالح تو و تمام بندگانت را شاهد می‌گیرم، که تو خداوندی هستی که معبودی جز تو نیست، یگانه بوده، و شریکی نداری، و معبودهای دیگر غیر از تو، از فراز آسمانها تا ژرفای زمینها، موهوم و باطل می‌باشند.
تو برتر و گرامیتر و بزرگوارتر از آنی که توصیف‌کنندگان کنه تو را بوصف در آورند، یا قلبها عظمت تو را دریابند.
ای کسی که مدح و توصیف او از توصیف توصیف‌گران برتر، و اسباب ستایش او از وصف وصف‌کنندگان بیرون، و عظمت و کبریایی او از گفتار گویندگان والاتر است.
این قسمت از دعا را سه بار می‌گویی.
آنگاه یازده بار می‌گویی:
معبودی جز او نیست، یگانه بوده و شریکی ندارد، و پادشاهی و ستایش

[صفحه 100]

یُحْیی وَ یُمیتُ، وَ هُوَ حَیٌّ لایَمُوتُ، بِیَدِهِ الْخَیْرُ وَ هُوَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ-

تقول ذلک احد عشر مرة.
ثمَّ تقول:
سُبْحانَ اللَّهِ، وَ الْحَمْدُلِلَّهِ، وَ لا اِلهَ اِلا اللَّهُ وَ اللَّهُ اَکْبَرُ، ماشاءَاللَّهُ، لا حَوْلَ وَ لا قُوَّةَ اِلاَّ بِاللَّهِ، الْحَليمِ الْكَريمِ، الْعَلِیِّ الْعَظیمِ، الرَّحْمانِ الرَّحیمِ، الْمَلِکِ الْحَقِّ الْمُبینِ، عَدَدَ خَلْقِ اللَّهِ، وَزِنَةَ عَرْشِهِ، وَ مِلْ ءَ سَماواتِهِ وَ اَرْضِهِ، وَ عَدَدَ ماجَری بِهِ قَلَمُهُ، وَ اَحْصاهُ کِتابُهُ، وَ رِضا نَفْسِهِ- تقول ذلک احد عشر مرة.
ثمَّ تقول:
اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ الْمُبارَکینَ، وَ صَلِّ عَلی جِبْرئیلَ وَ میکائیلَ وَ اِسْرافیلَ وَ حَمَلَةِ عَرْشِکَ، وَ الْمَلائِکَةِ الْمُقَرَّبینَ، صَلِّ اللَّهُمَّ عَلَیْهِمْ حَتّی تُبَلِّغَهُمُ الرِّضا، وَ تَزیدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا، مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهُ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.
اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مَلِکِ الْمَوْتِ وَ اَعْوانِهِ، وَ رِضْوانٍ

[صفحه 101]

مخصوص اوست، زنده می‌کند و میمیراند، و او زنده‌ای است که مرگ و نیستی در او راه ندارد، خیر و برکت بدست او بوده، و بر هر کار قادر و تواناست.
و یازده بار می‌گویی:
پاک و منزّه است خداوند، و ستایش مخصوص اوست، و معبودی جز او نیست، و بزرگتر از آنست که بوصف درآید، آنچه خدا بخواهد انجام می‌پذیرد، و نیرو و توانی نیست جز با اراده خداوند بردبار و بزرگوار، و برتر و والاتر، و بخشنده و مهربان، و مالک و حق و آشکار، به تعداد مخلوقات الهی و وزن عرش الهی، و گنجایش آسمانها و زمین، و به تعداد آنچه قلم آفرینش بر آن جاری شده، و کتاب الهی آنها را نوشته، و به تعداد آنچه خداوند خشنود می‌گردد.
سپس می‌گویی:
پروردگارا! بر محمد و خاندان پاکش درود فرست، و بر جبرئیل و میکائیل و اسرافیل، و حاملان عرشت و فرشتگان مقرّبت، درود فرست، پروردگارا! بر آنان درود فرست تا خشنود گردند، و افزون فرما بعد از آنکه آنان خشنود شدند، از آنچه تو شایسته آنی، ای بهترین رحم‌کنندگان.
پروردگارا! بر فرشته مرگ و یاران او، و رضوان و نگاهبانان بهشت

[صفحه 102]

وَ خَزَنَةِ الْجَنانِ، وَ صَلِّ عَلی مالِکٍ وَ خَزَنَةِ النّیرانِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِمْ حَتّی تُبَلِّغَهُمُ الرِّضا، وَ تَزیدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا، مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهُ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.

اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلَى الْکِرامِ الْکاتِبینَ، وَ السَّفَرَةِ الْکِرامِ الْبَرَرَةِ، وَ الْحَفَظَةِ لِبَنی ادَمَ، وَ صَلِّ عَلی مَلائِکَةِ السَّماواتِ الْعُلی، وَ مَلائِکَةِ الْاَرَضینَ السَّابِعَةِ السُفْلی، وَ مَلائِکَةِ اللَّیْلِ وَ النَّهارِ، وَ الْاَرَضینَ وَ الْاَقْطارِ، وَ الْبِحارِ وَ الْاَنْهارِ، وَ الْبَراری وَ الْقِفارِ، وَ صَلِّ عَلی مَلائِکَتِکَ، الَّذینَ اَغْنَیْتَهُمْ عَنِ الطَّعامِ وَ الشَّرابِ بِتَقْدیسِکَ.
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَیْهِمْ حَتّی تُبَلِّغَهُمُ الرِّضا وَتَزیدَهُمْ بَعْدَالرِّضا مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهُ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.
اَللّٰهُمَّ وَ صَلِّ عَلی اَبی ادَمَ وَ اُمّی حَوَّاء، وَ ما وَلَدا مِنَ النَّبِیّینَ وَ الصِّدّیقینَ وَ الشُّهَداءِ وَ الصَّالِحینَ، صَلِّ اللّٰهُمَّ عَلَیْهِمْ حَتّی تُبَلِّغَهُمُ الرِّضا وَ تَزیدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهُ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عَلی اَهْلِ بَیْتِهِ الطَّیِّبینَ، وَ عَلی اَصْحابِهِ الْمُنْتَجَبینَ وَ اَزْواجِهِ الْمُطَهَّرینَ، وَعَلی ذُرِّیَّةِ

[صفحه 103]

و مالک و نگاهبانان جهنم درود فرست، پروردگارا بر آنان درود فرست تا خشنود گردند، و بر آنان افزون فرما بعد از آنکه خشنود شدند، از آنچه تو شایسته آنی، ای بهترین رحم‌کنندگان.
پروردگارا! بر فرشتگانی که نامه‌های اعمال انسانها را می‌نگارند، و فرشتگانی که حافظان انسانها هستند درود فرست، و بر فرشتگان آسمانها، و فرشتگان زمینهای هفتگانه، و فرشتگان شب و روز، و زمینها و تمام اماکن و دریاها و نهرها و بیابانها و دشتها، درود فرست، و بر فرشتگانی که با تقدیس و تنزیه تو، آنان را از خوردن و نوشیدن بی‌نیاز کرده‌ای درود فرست، پروردگارا بر آنان درود فرست تا ایشان خشنود گردند، و بر آنان افزون فرما بعد از آنکه خشنود شدند، از آنچه تو شایسته آنی، ای بهترین رحم‌کنندگان.
پروردگارا! و بر پدرم آدم و مادرم حوا، و آنچه از پیامبران و راستگویان و شهدا و صالحین از آندو بدنیا آمده‌اند، درود فرست، پروردگارا! بر آنان درود فرست تا خشنود گردند، و بر آنان افزون فرما بعد از آنکه خشنود شدند، از آنچه تو شایسته آنی، ای بهترین رحم‌کنندگان.
پروردگارا! بر محمد و خاندان پاکش، و بر یاران برگزیده‌اش و همسران پاکیزه‌اش،و بر فرزندان محمد، و بر هر پیامبری که بشارت به آمدن آن حضرت

[صفحه 104]

مُحَمَّدٍ وَ عَلی کُلِّ نَبِیٍّ بَشَّرَ بِمُحَمَّدٍ، وَ عَلی کُلِّ نَبِیٍّ وَلَدَ مُحَمَّداً، وَ عَلی کُلِّ مَرْأَةٍ صالِحَةٍ کَفَّلَتْ مُحَمَّداً، وَ عَلی کُلِّ مَنْ صَلاتُکَ عَلَیْهِ رِضاً لَکَ وَ رِضا لِنَبِیِّکَ مُحَمَّدٍ.
صَلِّ اَللّهُمَّ عَلَیْهِمْ حَتّی تُبَلِّغَهُمُ الرِّضا وَ تَزیدَهُمْ بَعْدَ الرِّضا مِمَّا اَنْتَ اَهْلُهُ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَ بارِکْ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ، وَ ارْحَمْ مُحَمَّداً وَ الَ مُحَمَّدٍ، کَما صَلَّیْتَ وَ بارَکْتَ وَ رَحِمْتَ عَلی اِبْراهیمَ وَ الِ اِبْراهیمَ اِنَّکَ حَمیدٌ مَجیدٌ، اَللّهُمَّ اَعْطِ مُحَمَّداً الْوَسیلَةَ وَ الْفَضْلَ وَ الْفَضیلَةَ وَ الدَّرَجَةَ الرَّفیعَةَ.
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و َالِ مُحَمَّدٍ کَما اَمَرْتَنا اَنْ نُصَلِّیَ عَلَیْهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ مَنْ صَلّی عَلَیْهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَالِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ کُلِّ صَلاةٍ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ.
اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ و َالِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ کُلِّ حَرْفٍ فی صَلاةٍ صَلَّیْتَ عَلَیْهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ شَعْرٍ مَنْ صَلّی عَلَیْهِ، اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ شَعْرٍ مَنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْهِ.

را داده، و بر هر پیامبری که ایشان از نسل آنان می‌باشد، و بر هر زن صالحه‌ای که کفالت ایشان را بعهده گرفته، و بر هر که درود بر او موجب خشنودی تو و پیامبرت می‌گردد، درود فرست، پروردگارا بر آنان درود فرست تا خشنود گردند، و بر آنان افزون فرما بعد از آنکه خشنود شدند، از آنچه تو شایسته آنی، ای بهترین رحم‌کنندگان.
پروردگارا! بر محمد و خاندان او درود فرست، و بر محمد و خاندانش برکت عطا کن، و بر محمد و خاندانش رحمت نما، همچنانکه بر ابراهیم و خاندانش درود فرستاده و برکت عطا کرده ورحمت نمودی، بدرستیکه تو ستوده و بخشنده‌ای، پروردگارا به محمد وسیله و فضیلت و درجات برتر عطا فرما.
پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، همچنانکه امر فرمودی تا بر او درود فرستیم، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد هر که بر او درود می‌فرستد، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد هر درودی که بر او فرستاده شده است.
پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد تمام حروفی که در درودهایت بر او وجود دارد، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد موهای هر که بر او درود فرستاد، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد موهای هر که بر او درود نفرستاد.

[صفحه 106]

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ نَفَسِ مَنْ صَلَّی عَلَیْهِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ نَفَسِ مَنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْهِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ سُکُونِ مَنْ صَلَّی عَلَیْهِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ سُکُونِ مَنْ لَمْ یُصَلِّ عَلَیْهِ.

اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ حَرَکَةِ مَنْ صَلَّی عَلَیْهِ، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ بِعَدَدِ حَرَکاتِهِمْ وَ دَقائِقِهِمْ وَ ساعاتِهِمْ، وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ ما عَمِلُوا اَوْلَمْ یَعْمَلُوا، اَوْ کانَ مِنْهُمْ اَوْ یَکُونُ اِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ.

اَللَّهم لک الحمد و الشکر و المن و الفضل و الطول و النعمه، و العظمه و الجبروت و الملک و الملکوت و القهر و الفخر و السودد و السلطان و الامتنان و الکرم و الجلال و الجبر و التوحید و التمجید و التهلیل و التکبیر و التقدیس و العظمه و الرحمه و المغفره و الکبریاء و لک ما زکی و طاب من الثناء الطیب و المدح الفاخر و القولِ الْحَسَنِ الْجَمیلِ، الَّذی تَرْضی بِهِ عَنْ قائِلِهِ وَ تَرْضی بِهِ مِمَّنْ قالَهُ، وَ هُوَ رِضاً لَکَ.

[صفحه 107]

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد نفسهای هر که بر او درود فرستاد، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد نفسهای هر که بر او درود نفرستاد، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد سکونهای هر که بر او درود فرستاد، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد سکونهای هر که بر او درود نفرستاد.

پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد حرکت هر که بر او درود فرستاد، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست، به تعداد حرکات و صفات و دقائق و ساعتها، و به تعداد وزن ذرّات آنچه عمل کرده یا عمل نکرده‌اند، یا از آنان صادر شده یا تا روز قیامت از آنان صادرمی‌شود.

پروردگارا! از آنِ توست ستایش، و شکر و منّت، و فضل و نعمت، و بخشش و عظمت و جبروت، و ملک و ملکوت، و قهر و افتخار، و هیبت و سلطنت، و امتنان و کرم، و جلالت و جبر، و توحید و تمجید، و تهلیل و تکبیر، و تنزیه، و رحمت و مغفرت و کبریاء.

و برای توست آنچه از ستایشها پاک و پاکیزه است، و نیز ستایشهای ارزشمند و گفتارهای زیبا، که از گوینده آن خشنود می‌شوی، و از گفتارش خشنود می‌باشی.

[صفحه 108]

فَتَقَبَّلْ حَمْدی بِحَمْدِ اَوَّلِ الْحامِدینَ، وَ ثَنائی بِثَناءِ اَوَّلِ الْمُثْنینَ، وَ تَهْلیلی بِتَهْلیلِ اَوَّلِ الْمُهَلِّلینَ، وَ تَکْبیری بِتَکْبیرِ اَوَّلِ الْمُکَبِّرینَ، وَ قَوْلِیَ الْحَسَنَ الْجَمیلَ بِقَوْلِ اَوَّلِ الْقائِلینَ الْمُجْمِلینَ الْمُثْنینَ عَلی رَبِّ الْعالَمینَ، مُتَّصِلاً ذلِکَ کَذلِکَ مِنْ اَوَّلِ الدَّهْرِ اِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ.
وَ بِعَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ الرِّمالِ وَ التِّلالِ وَ الْجِبالِ، وَ عَدَدِ جُرَعِ ماءِ الْبِحارِ، وَ عَدَدِ قَطَرِ الْاَمْطارِ، وَ وَرَقِ الْاَشْجارِ، وَ عَدَدِ النُّجُومِ، وَ عَدَدِ زِنَةِ ذلِکَ، وَ عَدَدِ الثَّری وَ النَّوی وَ الْحِصی، وَ عَدَدِ زِنَةِ ذَرِّ السَّماواتِ وَ الْاَرْضِ، وَ ما فیهِنَّ وَ ما بَیْنَهُنَّ وَ ما تَحْتَهُنَّ، وَ ما بَیْنَ ذلِکَ، وَ ما فَوْقَ ذلِکَ، مِنْ لَدُنِ الْعَرْشِ اِلی قَرارِ الْاَرْضِ السابِعَةِ السُّفْلی.
وَ عدد حروف الفاظ اهلهن و عدد ازمانهم [1] و دقائقهم و سکونهم و حرکاتهم و اشعارهم [2] و ابشارهم، و عدد زِنَةِ ما عَمِلُوا اَوْ لَمْ یَعْمَلُوا، اَوْ کانَ مِنْهُمْ اَوْ یَکُونُ اِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ.

[صفحه 109]

و حمد و ستایش مرا بپذیر، همراه حمد و ستایش اوّلین ستایشگر تو، و ثناء مرا همراه ثناء اوّلین ثناگویت، تهلیل مرا همراه اوّلین تهلیل گویت، تکبیرم را همراه اولین تکبیر گویت، و سخن زیبایم را همراه گفتار اولین کسی که سخن زیبا گفت و ثناء تو را نمود، در حالی که از اولین روز دنیا تا روز قیامت این امر اتصال داشته باشد.
و به تعداد وزن ذرات شنها و تپّه‌ها و کوهها، و تعداد جرعه‌های آب دریاها، و تعداد قطرات بارانها، و برگ درختان، و به تعداد ستارگان، و وزن آنها، و به تعداد خاکها و دانه‌ها و سنگریزه‌ها، و به تعداد وزن ذرّات آسمانها و زمین، و آنچه در آنهاست، و آنچه بین آنهاست، و آنچه زیر آنهاست، و آنچه بین آنهاست، و آنچه بالای آنهاست، از عرش تو تا ژرفای زمینهای هفتگانه.
و به تعداد حروف الفاظ اهل زمینهای هفتگانه، و تعداد زمانهای آنها، و دقیقه‌های آنها، و حرکت و سکونهای آنان، و موها و پوستهای آنان، و به تعداد وزن آنچه عمل کرده یا نکرده، یا آنچه از آنان صادر شده، یا تا روز قیامت از آنان صادرمی‌شود.

[صفحه 110]

اُعیذُ اَهْلَ بَیْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ الِهِ، وَ نَفْسی وَ مالی وَ ذُرِّیَّتی وَ اَهْلی

وَ وَلَدى وَ قَراباتى وَاَهْلَ بَيْتى، وَ كُلّ ذى رَحِمٍ لى دَخَلَ فِى الْاِسْلامِ وَ جيرانى وَ اِخْوانى، وَ مَنْ قَلَّدَنى دُعاءً اَوْ اَسْدى اِلَىَّ بِرّاً، اَوْ اِتَّخَذَ عِنْدى يَداً مِنَ الْمُؤْمِنينَ وَ الْمُؤْمِناتِ، بِاللَّهِ وَ بِأَسْمائِهِ التَّامَّةِ الشَّامِلَةِ الْكامِلَةِ، الْفاضِلَةِ الْمُبارَكَةِ الْمُتَعالِيَةِ، الزَّكِيَّةِ الشَّريفَةِ، الْمَنيعَةِ الْكَريمَةِ الْعَظيمَةِ، الْمَكْنُونَةِ الْمَخْزُونَةِ، الَّتى لا يُجاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَ لا فاجِرٌ، وَ بِاُمِّ الْكِتابِ وَ خاتِمَتِهِ وَ ما بَيْنَهُما، مِنْ سُورَةٍ شَريفَةٍ وَ ايَةٍ مُحْكَمَةٍ، وَ شَفاءٍ وَ رَحْمَةٍ، وَ عَوْذَةٍ وَ بَرَكَةٍ، وَ بِالتَّوْراةِ وَ الْاِنْجيلِ وَ الزَّبُورِ، وَ بِصُحُفِ اِبْراهيمَ وَ مُوسى.
وَ بِكُلِّ كِتابٍ اَنْزَلَ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ رَسُولٍ اَرْسَلَ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ حُجَّةٍ اَقامَهَا اللَّهُ، وَ بِكُلِّ بُرْهانٍ اَظْهَرَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ نُورٍ اَنارَهُ اللَّهُ، وَ بِكُلِّ الاءِ اللَّهِ وَ عَظَمَتِهِ.
اَعيذُ وَ اَسْتَعيذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ كُلِّ ذى شَرٍّ وَ مِنْ شَرِّ ما اَخافُ وَ اَحْذَرُ، وَ مِنْ شَرِّ ما رَبّى تَبارَكَ وَ تَعالى مِنْهُ اَكْبَرُ، وَ مِنْ شَرِّ فَسَقَةِ الْجِنِّ وَ الْاِنْسِ، وَ الشَّياطينَ وَ السَّلاطينَ،

[صفحه 111]

خاندان پیامبر، و جانم و مالم، و فرزندانم و خاندانم، و اولادم و نزدیکانم و خانواده‌ام، و هر فردی از بستگانم که مسلمان شده، و همسایگانم و برادرانم، و هر که از زنان و مردان مؤمن که بمن دعا کرده، یا کارنیکی در حق من‌انجام‌داده، یا نعمتی بمن ارزانی داشته‌اند را به خدا و نامهای تامّ و شامل، و کامل و برتر، و مبارک و والاتر، و پاک وشریف، و کریم و بزرگ، و پوشیده و پنهانی، که هیچ خوب و بدی راه بدان ندارد، پناهنده می‌سازم، و به قرآن کریم و پایان آن، و آنچه در مابین آنهاست، از سوره‌های شریف و آیات محکم، و شفاء و رحمت، و عوذة و برکت، و به تورات و انجیل و زبور، و به صحیفه‌های ابراهیم و موسی.
و به هر کتابی که خداوند نازل کرده، و به هر رسولی که خداوند فرستاده، و به هر حجتی که خداوند برپا داشته، و به هر برهانی که خداوند ظاهر ساخته، و به هر نوری که خداوند آنرا نورانی ساخته، و به تمام نعمتهای الهی، پناه می‌برم.
و از خداوند پناه می‌جویم از شر هر شروری، و از شر آنچه می‌ترسم و هراس دارم، و از شر آنچه خداوند از آنها برتر است، و از شر فاسقین از جن

[صفحه 112]

وَ اِبْليسَ وَ جُنُودِهِ وَ اَشْياعِهِ وَ اَتْباعِهِ، وَ مِنْ شَرِّ ما فِى النُّورِ وَ الظُّلْمَةِ.
وَ مِنْ شَرِّ مادَهَمَ اَوْ هَجَمَ، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ هَمٍّ وَ غَمٍّ وَافَةٍ وَ نَدَمٍ، وَ مِنْ شَرِّ ما

يَنْزِلُ مِنَ السَّماءِ وَ ما يَعْرُجُ فيها، وَ مِنْ شَرِّ ما يَلِجُ فِی الْأَرْضِ وَ ما يَخْرُجُ مِنْها، وَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ رَبّی اخِذٌ بِناصِيَتِها، اِنَّ رَبّی عَلی صِراطٍ مُسْتَقيمٍ، فَاِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِیَ اللَّهُ لا اِلهَ اِلاَّ هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ، وَ هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ.

و انس، و شياطين و پادشاهان، و ابليس و لشكريان و پيروان و دوستان آن، و از شر آنچه در نور و ظلمت است.

و از شرّ آنچه هجوم آورد، و از شر هر غم و اندوه و آفت و پشيمانی، و از شر آنچه از آسمان نازل شده يا به طرف آن صعود می‌كند، و از شر آنچه داخل زمين شده و از آن خارج می‌شود، و از شر هر جنبده‌ای كه پروردگارم زمام امورش را بدست دارد، بدرستيكه پروردگارم بر راه مستقيم است، پس اگر روی گرداندند بگو خدا مرا كفايت می‌كند، معبودی جز او نيست بر او توكل كرده، و او پروردگار فرمانروايی بزرگ است.

یا حَیُّ یا قَیُّومُ، بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغیثُ، اَصْلِحْ لی شَأْنی کُلَّهُ وَ لا تَکِلْنی اِلی نَفْسی.
و فی روایة:
یا حَیُّ یا قَیُّومُ، بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغیثُ، فَلا تَکِلْنی اِلی نَفْسی طَرْفَةَ عَیْنٍ، وَ اَصْلِحْ لی شَأْنی کُلَّهُ.
(13) دعای آن حضرت در صبح و شام
ای زنده، ای پایدار، به رحمتت پناه می‌جویم، تمام کارهایم را اصلاح گردان، و مرا بخودم وامگذار.
و در روایتی دیگر اینگونه آمده است:
ای زنده، ای پابرجا! به رحمتت پناه می‌برم، پس مرا یک چشم بر هم نهادن بخود واگذار مکن، و تمامی امورم را اصلاح فرما.

ادعیه‌ی آن حضرت در زوال اندوهها و قضاء حوائج

اشاره

برای برآورده شدن حاجات
برای قضاء حوائج
برای قضاء حوائج
برای قضاء دین و آسان شدن کارها
برای دفع شدائد
برای کارهای مهم
برای قضاء حوائج
در برطرف شدن غم و اندوه
برای رهائی از مهالک

يا اَعَزَّ مَذْكُورٍ، وَ اَقْدَمَهُ قِدَماً فِي الْعِزِّ وَ الْجَبَرُوتِ، يا رَحيمَ كُلِّ مُسْتَرْحِمٍ، وَ مَفْزَعَ كُلِّ مَلْهُوفٍ اِلَيْهِ، يا راحِمَ كُلِّ حَزينٍ يَشْكُو بَثَّهُ وَ حُزْنَهُ اِلَيْهِ، يا خَيْرَ مَنْ سُئِلَ الْمَعْرُوفُ مِنْهُ وَ اَسْرَعَهُ اِعْطاءً، يا مَنْ يَخافُ الْمَلائِكَةُ الْمُتَوَقِّدَةُ بِا لنُّورِ مِنْهُ.
اَسْاَلُكَ بِالْاَسْماءِ الَّتى يَدْعُوكَ بِها حَمَلَةُ عَرْشِكَ، وَ مَنْ حَوْلُ عَرْشِكَ بِنُورِكَ يُسَبِّحُونَ شَفَقَةً مِنْ خَوْفِ عِقابِكَ، وَبِا لْاَسْماءِ الَّتى يَدْعُوكَ بِها جَبْرَئيلُ وَ ميكائيلُ وَ اِسْرافيلُ اِلاَّ اَجَبْتَنى، وَ كَشَفْتَ يا اِلهى كُرْبَتى، وَ سَتَرْتَ ذُنُوبى.
يا مَنْ اَمَرَ بِالصَّيْحَةِ فى خَلْقِهِ، فَاِذاهُمْ بِالسَّاهِرَةِ مَحْشُورُونَ، وَ بِذلِكَ الْإِسْمِ الَّذى اَحْيَيْتَ بِهِ الْعِظامَ وَ هِىَ رَميمٌ، اَحْيِ قَلْبى، وَ اشْرَحْ صَدْرى، وَاَصْلِحْ شَأْنى.
يا مَنْ خَصَّ نَفْسَهُ بِالْبَقاءِ، وَ خَلَقَ لِبَرِيَّتِهِ الْمَوْتَ وَ الْحَياةَ وَ الْفَناءَ، يا مَنْ فِعْلُهُ قَوْلٌ، وَ قَوْلُهُ اَمْرٌ، وَاَمْرُهُ ماضٍ عَلى ما يَشاءُ.

[صفحه 117]

(14) دعای آن حضرت برای برآورده شدن حاجات
ای گرامی‌ترین نامی که یاد شده، و دیرینه‌ترین نام در عزّت و فرمانروایی، ای رحم‌کننده بر هر که از او طلب رحمت کند، و پناه هر که به او پناهنده شود، ای رحم کننده بر هر محزونی که شکوه و شکایت بسوی او برد، ای بهترین کسی که از او نیکی طلب شده و بسرعت آنرا اجابت فرمود، ای کسی که فرشتگان نورانی از او در هراسند.
بحقّ نامهایی که حاملان عرشت، و آنانکه در اطراف آن قرار دارند، و از هراس عقاب تو تسبیح و تنزیه تو را می‌گویند، تو را بدان نامهامی خوانند، و بحقّ نامهایی که جبرئیل و میکائیل و اسرافیل تو را بدان نامها می‌خوانند، از تو می‌خواهم دعایم را اجابت کنی، و مشکلم را بر طرف کرده، و گناهانم را بپوشانی.
ای کسی که فرمان داد نفخه صور در میان موجودات دمیده شود، تا آنان در اجتماع بزرگ قیامت گرد هم آیند، و بحق آن نامی که استخوانهای پوسیده را زنده کردی، از تو می‌خواهم که قلبم را زنده، سینه‌ام را گشاده، و امورم را اصلاح فرمائی.
ای کسی که بقاء و جاودانگی را ویژه‌ی خود قرار داد، و مرگ و زندگی و فناء را برای موجوداتش خلق فرمود، ای کسی که عملش مطابق گفتارش، و گفتارش همانند فرمانش، و فرمانش بر هر چه خواهد جاری می‌باشد.

[صفحه 118]

اسالک بالاسم الذی دعاک به خلیلک حین القی فی النار فدعاک به، فاستجب له و قلت: «یا نار کونی بردا و سلاما علی ابراهیم)، [3] و بالاسم الذی دعاک به موسی من جانب الطور الْأَیْمَنِ، فَاسْتَجَبْتَ لَهُ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذی خَلَقْتَ بِهِ عیسی مِنْ رُوحِ الْقُدُسِ.
وَ بِالْإِسْمِ الَّذی وَهَبْتَ بِهِ لِزَکَرِیَّا یَحْیی، وَ بِالْإِسْمِ الَّذی کَشَفْتَ بِهِ عَنْ اَیُّوبَ الضُّرَّ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذی تُبْتَ بِهِ عَلی داوُدَ، وَ سَخَّرْتَ بِهِ لِسُلَیْمانَ الرّیحَ تَجْری بِأَمْرِهِ، وَ الشَّیاطینَ، وَ عَلَّمْتَهُ مَنْطِقَ الطَّیْرِ.
وَ بِالْإِسْمِ الَّذی خَلَقْتَ بِهِ الْعَرْشَ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذی خَلَقْتَ بِهِ الْکُرْسِیَّ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذی خَلَقْتَ بِهِ الرُّوحانِیّینَ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذی خَلَقْتَ بِهِ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذی خَلَقْتَ بِهِ جَمیعَ الْخَلْقِ.
وَ بِالْإِسْمِ الَّذی خَلَقْتَ بِهِ جَمیعَ ما اَرَدْتَ مِنْ شَیْءٍ، وَ بِالْإِسْمِ الَّذی قَدَرْتَ بِهِ عَلی کُلِّ شَیْءٍ، اَسْاَلُکَ بِحَقِّ هذِهِ الْأَسْماءِ، اِلاَّ ما اَعْطَیْتَنی سُؤْلی وَ قَضَیْتَ حَوائِجی یاکَریمُ.

[صفحه 119]

بحقّ آن نامی که حضرت ابراهیم، خلیل تو، آنگاه که در آتش انداخته می‌شد، تو را بدان نام خواند، و تو دعایش را اجابت فرمودی، و گفتی: «ای آتش بر ابراهیم سرد و سلامت شو»، و بنامی که موسی از کنار کوه طور ایمن تو را بدان نام خواند، و تو او را اجابت فرمودی، و بنامی که عیسی را از روح‌القدس آفریدی.
و بنامی که یحیی را به زکریّا بخشیدی، و بنامی که رنج و مشقّت را از ایّوب مرتفع ساختی، و بنامی که توبه داود را پذیرفتی، و بادها را برای سلیمان مسخّر نمودی، که بفرمان او بگردش درمی‌آمدند، همچنین جنّ را برای او مسخّر کردی،و زبان پرندگان را به او آموختی. و بنامی که عرش را با آن آفریدی، و جهان را به آن خلق فرمودی، و فرشتگان را با آن ایجاد کردی، و جنّ و انس را با آن خلق کردی، و بنامی که تمامی مخلوقات را پدید آوردی.
و بنامی که آنچه خواستی خلق فرمودی، و بنامی که بر هر چیز قادر شدی، بحقّ این نامها از تو می‌خواهم که حاجتم را برآوری، و درخواستهایم را اجابت فرمایی، ای بخشنده.

[صفحه 120]

يا رَبَّ الْاَوَّلينَ وَ الْاخَرِينَ، وَ يا خَيْرَ الْاَوَّلينَ وَ الْاخِرينَ، يا ذَاالْقُوَّةِ الْمَتينِ، وَ يا راحِمَ الْمَساكينَ، وَ يا اَرْحَمَ الرَّاحِمينَ.
و فی روایة:
يا اَوَّلَ الْاَوَّلينَ، وَ يا اخِرَ الْاخِرينَ، وَ يا ذَاالْقُوَّةِ الْمَتينِ، وَيا اَرْحَمَ الرَّاحِمينَ، اَغْنِنا وَ اقْضِ حاجَتَنا.
(15) دعای آن حضرت برای قضاء حوائج
ای پروردگار اولین و آخرین، و ای بهترین اولین و آخرین، و ای دارای نیروی قوی، و ای رحم‌کننده به بیچارگان، و ای مهربانترین مهربانان.
و در روایتی آمده:
ای آغاز هر آغاز، و ای پایان هر انتها، و ای دارای نیروی قوی، و ای مهربانترین مهربانان، مرا بی‌نیاز گردان و حاجتم را ادا کن.

اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى لا یَنْسى مَنْ ذَکَرَهُ، وَ لا یَخیبُ مَنْ دَعاهُ، وَ لا یَقْطَعُ رَجاءَ مَنْ رَجاهُ.
ثم یسأل اللّه عز و جل ما یرید.
(16) دعای آن حضرت برای قضاء حوائج
سپاس خدای را سزاست که هر که او را یاد کند فراموش ننموده، و هرکه او را بخواند ناامید نمی‌سازد، و امید امیدوار بخود را زائل نمی‌کند.
آنگاه از خداوند آنچه می‌خواهد بخواهد.

اَللَّهُمَّ رَبَّنا وَ رَبَّ كُلِّ شَیْءٍ، مُنْزِلَ التَّوراةِ وَ الْإِنْجيلِ وَ الْفُرْقانِ، فالِقِ الْحَبِّ وَ النَّوی، اَعُوذُبِکَ مِنْ شَرِّ كُلِّ دابَّةٍ، اَنْتَ اخِذٌ بِناصِيَتِها.
اَنْتَ الْأَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَکَ شَیْءٌ، وَ اَنْتَ الْاخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَکَ شَیْءٌ، وَ اَنْتَ الظّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَکَ شَیْءٌ، وَ اَنْتَ الْباطِنُ فَلَيْسَ دُونَکَ شَیْءٌ.
صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ عَلی اَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ‌السَّلامُ، وَ اقْضِ عَنِّی الدَّيْنَ، وَ اَغْنِنی مِنَ الْفَقْرِ، وَ يَسِّرْ لی كُلَّ الْأَمْرِ، يااَرْحَمَ الرّاحِمينَ.
و فی رواية: اَللَّهُمَ رَبَّ السَّماواتِ السَّبْعِ وَ رَبَّ الْعَرْشِ الْعَظيمِ، رَبَّنا وَ رَبَّ كُلِّ شَیْءٍ، مُنْزِلَ التَّوْراةِ وَ الْاِنْجيلِ وَ الْفُرْقانِ، فالِقَ الْحَبِّ وَ النَّوی، اَعُوذُبِکَ مِنْ كُلِّ شَیْءٍ اَنْتَ اخِذٌ بِناصِيَتِهِ.

[صفحه 123]

(17) دعای آن حضرت برای قضاء دين و آسان شدن كارها
خداوندا! پروردگار ما و پروردگار هر چيز، نازل‌كننده تورات و انجيل و قرآن، شكافنده دانه‌ها، از شرّ هر جنبده‌ای كه زندگيش بدست توست، بتو پناه می‌برم.
تو اوّلی هستی كه قبل از تو چيزی نبوده، و آخری هستی كه بعد از تو چيزی نخواهد بود، و ظاهری هستی كه برتر از تو چيزی نيست، و باطنی هستی كه نزديكتر از تو چيزی وجود ندارد، بر محمد و خاندانش درود فرست و قرضم را ادا كن، و مرا از نيازمندی رهايی بخش، و تمامی كارها را برايم آسان فرما، ای بهترين رحم‌كنندگان.
اين دعا در روايتی ديگر چنين آمده است:
خداوندا! ای پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار فرمانروايی بزرگ، ای پروردگار ما و پروردگار هر چيز، نازل كننده تورات و انجيل و قرآن، شكافنده دانه، از هر چيز كه زمام امورش بدست توست، بتو پناه می‌برم.

[صفحه 124]

اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَيْسَ قَبْلَکَ شَیْءٌ، وَاَنْتَ الْآخِرُ فَلَيْسَ بَعْدَکَ شَیْءٌ، وَ اَنْتَ الظّاهِرُ فَلَيْسَ فَوْقَکَ شَیْءٌ، فَاَنْتَ الْباطِنُ فَلَيْسَ دُونَکَ شَیْءٌ، اِقْضِ عَنِّی الدَّيْنَ وَ اَغْنِنی مِنَ الْفَقْرِ.
و فی رواية: اَللَّهُمَّ رَبَّ السماواتِ وَ رَبَّ الْاَرَضينَ وَ رَبَّ كُلِّ شَیْءٍ، فالِقَ الْحَبِّ وَ النَّوی، وَ مُنْزِلَ التَّوْراةِ وَ الْاِنْجيلِ وَ الْقُرْانِ، اَعُوذُ بِکَ مِنْ كُلِّ ذيشَرٍّ

اَنْتَ اخِذٌ بِناصِيَتِهِ.
اَنْتَ الْاَوَّلُ فَلَیْسَ قَبْلَکَ شَیْءٌ، وَ اَنْتَ الْاخِرُ فَلَیْسَ بَعْدَکَ شَیْءٌ، وَ الظَّاهِرُ فَلَیْسَ فَوْقَکَ شَیْءٌ، وَ الْباطِنُ فَلَیْسَ دُونَکَ شَیْءٌ، اِقْضِ عَنِّی الدَّیْنَ، وَ اَغْنِنی مِنَ الْفَقْرِ.
تو اوّلی هستی که قبل از تو چیزی نبوده، و آخری هستی که بعد از تو چیزی نیست،و تو ظاهری هستی که برتر از تو چیزی نیست، و باطنی هستی که نزدیکتر از تو چیزی نیست، قرضم را ادا کرده و مرا از فقر و نیازمندی رهایی بخش.
و در روایتی دیگر اینگونه آمده است:
خدایا! ای پروردگار آسمانها و پروردگار زمینها و پروردگار هرچیز، شکافنده دانه و هسته، ونازل‌کننده تورات و انجیل و قرآن، بتو پناه می‌برم از هر شروری که زندگیش در اختیار توست.
تو اولی هستی که قبل از تو چیزی نیست، و تو آخری هستی که بعد از تو چیزی نیست، و ظاهری هستی که برتر از تو چیزی نیست، و باطنی هستی که غیر از تو چیزی نیست، قرضم را ادا کرده و مرا از فقر بی‌نیاز گردان.

[صفحه 125]

روی أنّ النبی صلی الله علیه و آله علّم علیّاً و فاطمة علیهماالسلام هذا الدعاء و قال لهما: إن نزلت بکما مصیبة او خفتما جور السّلطان او ضلّت لکما ضالة، فأحسنا الوضوء و صلّیا رکعتین و ارفعا أیدیکما إلی السّماء و قولا:

(18) دعای آن حضرت برای دفع شدائد

روایت شده که پیامبر این دعا را به حضرت علی و حضرت فاطمه علیهماالسلام یاد داد و فرمود: هر گاه مصیبتی بر شما وارد شد، یا از ستم پادشاهی ترسیدید، یا چیزی گم شد، نیکو وضو گرفته و دو رکعت نماز بخوانید و دستها را بلند کرده و بگوئید:

یا عالِمَ الْغَیْبِ وَ السَّرائِرِ، یا مُطاعُ یا عَلیمُ، یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ یا اَللَّهُ، یا هازِمَ الْاَحْزابِ لِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ الِهِ، یا کائِدَ فِرْعَوْنَ لِمُوسی، یا مُنْجِیَ عیسی مِنَ الظَّلَمَةِ، یا مُخَلِّصَ قَوْمِ نُوحٍ مِنَ الْغَرَقِ، یا راحِمَ عَبْدِهِ یَعْقُوبَ، یا کاشِفَ ضُرِّ اَیُّوبَ، یا مُنْجِیَ ذِیالنُّونِ مِنَ الظُّلُماتِ، یا فاعِلَ کُلِّ خَیْرٍ، یا هادِیاً اِلی کُلِّ خَیْرٍ،یا دالاً عَلی کُلِّ خَیْرٍ، یا امِراً بِکُلِّ خَیْرٍ، یا خالِقَ الْخَیْرِ، یا اَهْلَ الْخَیْراتِ، اَنْتَ اللَّهُ رَغِبْتُ اِلَیْکَ فیما قَدْ عَلِمْتَ وَ اَنْتَ عَلاَّمُ الْغُیُوبِ، اَسْاَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ.

ثم اسألا الحاجة تجاب ان‌شاءالله تعالی.

ای دانای غیب و اسرار، ای اطاعت شده‌ای دانا، ای خداوند، ای خداوند، ای خداوند، ای متفرق سازنده گروهها برای پیامبر، ای آنکه برای موسی فرعون را فریب داد، ای آنکه عیسی را از تاریکی نجات داد، ای آنکه قوم نوح را از غرق شدن رهانید، ای آنکه به بنده‌اش یعقوب رحم کرد، ای برطرف‌کننده ناراحتی ایوب، ای نجات‌دهنده حضرت یونس از تاریکیها، ای کننده هر کار نیک، ای هدایتگر به هر خیر و نیکی، ای راهنما به کار نیک، ای آنکه به کار نیک امر می‌کند، ای آفریننده خیر و نیکی، ای اهل خیر، تو معبودم هستی، در آنچه می‌دانی بسوی تو مشتاق شده‌ام و تو دانای پنهانیها هستی، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی.

آنگاه حاجتت را می‌طلبی، که به یاری خدا اجابت میشود.

بِحَقِّ یس وَ الْقُرْانِ الْحَکیمِ، وَ بِحَقِّ طه وَ الْقُرْانِ الْعَظیمِ، یا مَنْ یَقْدِرُ عَلی حَوائِجِ السَّائِلینَ، یا مَنْ یَعْلَمُ ما فِی الضَّمیرِ، یا مُنَفِّساً عَنِ الْمَکْرُوبینَ، یا مُفَرِّجاً عَنِ الْمَغْمُومینَ، یا راحِمَ الشَّیْخِ الْکَبیرِ، یا رازِقَ الطِّفْلِ الصَّغیرِ، یا مَنْ لا یَحْتاجُ اِلَی التَّفْسیرِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ افْعَلْ بی.

(19) دعای آن حضرت برای کارهای مهم

بحق یس و قرآن حکیم، و بحق طه و قران عظیم، ای آنکه بر حاجتهای نیازمندان قادر است، ای آنکه اسرار را می‌داند، ای برطرف‌کننده مشکل آنانکه دچارمشکل شده‌اند، ای گشاینده غم آنانکه دچار غم و اندوهند، ای رحم‌کننده به پیرمرد و ای روزی‌دهنده به طفل کوچک، ای آنکه نیازی به تفسیرندارد، بر محمد و خاندانش درود فرست و این کار را برایم انجام ده.

روی انّ النبی صلی الله علیه وآله علّم علیا و فاطمة علیهماالسلام و قال: یصلّی أحدکما رکعتین، یقرء فی کلّ رکعة فاتحة الکتاب وآیةالکرسی- ثلاث مرّات، و «قُلْ هُوَاللّهُ اَحَدٌ»- ثلاث مرات، و آخر الحشر- ثلاث مرات، من قوله: «لَوْ اَنْزَلْنا هذَا الْقُرْانَ عَلی جَبَلٍ» الی آخره، فاذا جلس فلیتشهّد و لیثن علی اللّه و لیصلّ علی النبی 9 ولیدع للمؤمنین والمؤمنات، ثم یدعو علی اثر ذلک فیقول:

اَللّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ بِحَقِّ کُلِّ اِسْمٍ هُوَ لَکَ، یَحِقُّ عَلَیْکَ فیهِ اِجابَةُ الدُّعاءِ اِذا دُعیتَ بِهِ، وَ اَسْأَلُکَ بِحَقِّ کُلِّ ذی حَقٍّ عَلَیْکَ، وَ اَسْأَلُکَ بِحَقِّکَ عَلی جَمیعِ ما هُوَ دُونَکَ اَنْ تَفْعَلَ بی کَذا وَ کَذا.

(20) دعای آن حضرت برای قضاء حوائج

روایت شده که پیامبر به حضرت علی و حضرت فاطمه علیهماالسلام این نماز را آموخت و فرمود: دو رکعت نماز خوانده، در هر رکعت یکبار سوره حمد و آیةالکرسی سه بار و سوره توحید سه بار، و آخر سوره حشر از «اگر این قرآن را به کوهها نازل می‌کردیم.» تا آخر سوره را می‌خوانی، آنگاه نشسته و تشهد خوانده و بر خداوند ثناء می‌گوید و بر پیامبر درود می‌فرستد و زنان و مردان با ایمان را دعا می‌کند، آنگاه می‌گوید:

پروردگارا! از تو می‌خواهم بحق تمام نامهایی که برای توست، که هرگاه تو را با آنها بخوانم اجابت دعا با آن محقّق می‌گردد، و از تو می‌خواهم بحق هر صاحب حقّی که بر تو حق دارد، و از تو می‌خواهم به حقّت بر تمامی آنانکه غیر تو هستند، که این کار را انجام دهی.

عن الصادق علیه‌السلام: کان لامی فاطمة علیهاالسلام صلاة تصلّیها علّمها جبرئیل، رکعتان تقرء فی الاولی الحمد مرة، و «اِنَّا اَنْزَلْناهُ فی لَیْلَةِ
(21) دعای آن حضرت در برطرف شدن غم و اندوه
از امام صادق علیه‌السلام روایت شده: مادرم فاطمه علیهاالسلام نمازی داشت که از جبرئیل فرا گرفته بود و آنرا می‌خواند، و آن دو رکعت بود: در رکعت اول یک

[صفحه 130]

الْقَدْرِ»، و فی الثانیة الحمد مرة و مائة مرة «قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ» فاذا سلّمت سبّحت تسبیح الطاهرة علیهاالسلام، و هو التسبیح الذی تقدّم، [7] تکشف عن رکبتیک و ذراعیک علی المصلّی، و تدعو بهذا الدعاء، و تسأل حاجتک تعطها ان‌شاءاللّه‌تعالی، الدعاء:
ترفع یدیک بعد الصلاة علی النبی صلی الله علیه وآله و تقول:
اَللّهُمَّ اِنّی اَتَوَجَّهُ اِلَیْکَ بِهِمْ، وَ اَتَوَسَّلُ اِلَیْکَ بِحَقِّهِمُ، الَّذی لا یَعْلَمُ کُنْهَهُ سِواکَ، وَ بِحَقِّ مَنْ حَقُّهُ عِنْدَکَ عَظیمٌ، وَ بِاَسْمائِکَ الْحُسْنی وَ کَلِماتِکَ التَّامَّاتِ الَّتی اَمَرْتَنی اَنْ اَدْعُوَکَ بِها.
وَ اَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ الَّذی اَمَرْتَ اِبْراهیمَ عَلَیْهِ‌السَّلامُ اَنْ یَدْعُوَ بِهِ الطَّیْرَ فَاَجابَتْهُ، وَ بِاسْمِکَ الْعَظیمِ الَّذی قُلْتَ لِلنَّارِ کُونی بَرْداً وَ سَلاماً عَلی اِبْراهیمَ، فَکانَتْ.
وَ بِاَحَبِّ اَسْمائِکَ اِلَیْکَ، وَ اَشْرَفِها عِنْدَکَ، و اعظمها لدیک و اسرعها اجابه، و انجحها طلبه و بما انت اهله و مستحقه و مستوجبه.

[صفحه 131]

بار سوره‌ی حمد و سوره‌ی قدر، و در رکعت دوم یک بار سوره‌ی حمد و صد بار سوره‌ی توحید و بعد از سلام و تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را می‌خواند، [5] سپس زانوها و پاها را روی سجّاده قرار داده و این دعا را خوانده و حاجتش را می‌خواهد.
دستهایت را بعد از صلوات فرستادن بلند کرده و می‌خوانی:
پروردگارا! با نام آنان- ائمه علیهم‌السلام- بتو روی می‌آورم، و بحقّ آنان، که جز تو کسی از ژرفای آن آگاه نیست، بتو توسل می‌جویم، و نیز بحق کسی که حق او نزد تو بسیار بزرگ است، و به نامهای نیکویت و موجودات

کامل تو، که مرا امر فرمودی با نام آنان تو را بخوانم، بتو متوسّل می‌شوم.
و به نام بزرگت که به ابراهیم امر فرمودی که با آن پرنده را صدا کند و پرنده او را پاسخ گفت: و بنام بزرگت که به آتش فرمان دادی که بر ابراهیم سرد و سلامت باشد، و آتش چنین شد.
و به محبوبترین نامهایت و شریفترین آنها در پیشگاهت و بزرگترین آنها نزد تو و به نامهایت که اجابت دعا با آنها سریعتر انجام می‌پذیرد و به مقصود بهتری نائل می‌شویم و به آنچه تو شایسته‌ی آنی تو را می‌خوانم.

[صفحه 132]

و اتوسل الیک و ارغب الیک، و اتصدق منک، و استغفرک و استمنحک، [6] و اتضرع الیک و اخضع بین یدیک و اخشع لک و کَ، وَاَخْشَعُ لَکَ، وَاُقِرُّ لَکَ بِسُوءِ صَنیعَتِی، وَ اَتَمَلَّقُ وَ اُلِحُّ عَلَیْکَ.
وَ اَسْأَلُکَ بِکُتُبِکَ الَّتی اَنْزَلْتَها عَلی اَنْبِیائِکَ وَ رُسُلِکَ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ اَجْمَعینَ، مِنَ التَّوْراةِ وَ الْإِنْجیلِ وَ الْقُرْانِ الْعَظیمِ، مِنْ اَوَّلِها اِلی اخِرِها، فَاِنَّ فیهَا اسْمَکَ الْأَعْظَمَ، وَ بِما فیها مِنْ اَسْمائِکَ الْعُظْمی اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ.
وَ اَسْأَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِهِ، وَ اَنْ تُفَرِّجَ عَنْ مُحَمَّدٍ وَ الِهِ، وَ تَجْعَلَ فَرَجی مَقْرُوناً بِفَرَجِهِمْ، وَ تُقَدِّمَهُمْ
فی کُلِّ خَیْرٍ وَ تَبْدَءَ بِهِمْ فیهِ، وَ تَفْتَحَ اَبْوابَ السَّماءِ لِدُعائی فی هذَا الْیَوْمِ، وَ تَأْذَنَ فی هذَا الْیَوْمِ، وَ هذِهِ اللَّیْلَةِ بِفَرَجی، وَ اِعْطائی سُؤْلی فی الدُّنْیا وَ الْأخِرَةِ.
فقَدْ مَسَّنِیَ الْفَقْرُ، وَ نالَنی الضُّرُّ، وَ سَلَّمَتْنِی الْخَصاصَةُ، وَ اَلْجَأَتْنِی الْحاجَةُ، وَ تَوَسَّمْتُ بِالذِّلَّةِ، وَ غَلَبَتْنِی الْمَسْکَنَةُ، وَ حَقَّتْ عَلَیَّ الْکَلِمَةُ، وَ أحاطَتْ بِیَ الْخَطیئَةُ.

[صفحه 133]

و به تو توسّل جسته، و به تو روی می‌آورم، و از تو کمک خواسته، و طلب بخشش گناه و احسان و فضل تو را دارم، و در پیشگاهت زاری کرده و خضوع و خشوع می‌نمایم، و به کردار زشتم اقرار کرده، و بر تو اصرار می‌نمایم.
و بحق کتابهایی که بر پیامبران و رسولانت- که درود تو بر تمامی‌آنان باد- فرستادی، از تورات و انجیل و قرآن بزرگ و دیگر کتب، که اسم اعظم تو در آنهاست، و بحق نامهای بزرگ تو که در آنست، بتو نزدیکی می‌جویم.
و از تو می‌خواهم، که بر محمد و خاندانش درود فرستاده و بر آنان گشایش عطا فرمایی، و گشایش کار مرا مقرون به گشایش کار آنان قرار

دهی، و آنان را در هر کار نیکی مقدم کرده و از ایشان آغاز نمائی، و در این روز درهای آسمان را برای دعایم بگشایی، و در این روز و این شب به گشایش کارم و دادن حاجتم در دنیا و آخرت، اجازه صادر فرمایی.
بدرستیکه فقر و بیچارگی مرا در خود فرو برده، و پریشانحالی بر من تسلط یافته، و نیاز و حاجت مرا به تو پناهنده ساخته، و ذلت و مسکنت بر چهره‌ام نقش بسته، و درماندگی بر من غالب شده، تو رافت و رحمت بر من واجب گردیده، و گناه مرا احاطه نموده است.

[صفحه 134]

و هذا وقت الذی وعدت اولیاءک فیه الاجابه، فصل علی محمد و آله و امسح مابی بیمینک الشافیه، و انظر الی بعینک الراحمه، و ادخلنی فی رحمتک الواسعه.
و اقبل الی بوجهک، الذی اذا اقبلت به علی اسیر فککته و علی ضال هدیته، و علی غائب [7] ادیته، و علی مُقْتَرٍّ اَغْنَیْتَهُ، وَ عَلی ضَعیفٍ قَوَّیْتَهُ، وَ عَلی خائِفٍ امَنْتَهُ، وَ لا تُخْلِنی لِقاءَ عَدُوِّکَ وَ عَدُوّی، یا ذَاالْجَلالِ وَ الْاِکْرامِ.
یا مَنْ لا یَعْلَمُ کَیْفَ هُوَ، وَ حَیْثُ هُوَ وَ قُدْرَتَهُ اِلاَّ هُوَ، یا مَنْ سَدَّ الْهَواءَ بِالسَّماءِ، وَ کَبَسَ الْأَرْضَ عَلَی الْماءِ، وَ اخْتارَ لِنَفْسِهِ اَحْسَنَ الْاَسْماءِ، یا مَنْ سَمّی نَفْسَهُ بِالْاِسْمِ الَّذی بِهِ یَقْضی حاجَةَ کُلِّ طالِبٍ یَدْعُوهُ بِهِ.
وَ اَسْأَلُکَ بِذلِکَ الاِسْمِ، فَلا شَفیعَ اَقْوی لی مِنْهُ وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، اَسْأَلُکَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تَقْضِیَ لی حَوائِجی، وَ تَسْمَعَ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً وَ فاطِمَةَ، وَ الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ، وَ عَلِیّاً وَ مُحَمَّداً، وَ جَعْفَراً وَ مُوسی، وَ عَلِیّاً وَ مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً، وَ الْحَسَنَ وَ الْحُجَّةَ، صَلَواتُکَ عَلَیْهِمْ

[صفحه 135]

و این زمان زمانی است که به دوستانت وعده اجابت دعا را داده‌ای، پس بر محمد و خاندانش درود فرست، و آنچه از فقر و بیچارگی مرا در خود گرفته، را با قدرتت از من دور دار، و با چشم رحمتت بر من نظر افکن، و مرا در رحمت واسعه خود داخل ساز.
و به من توجّه بنما، توجّهی که هرگاه بر اسیری افتد او را آزاد سازد، و آنگاه که بر گمراهی افتد هدایت شود، و آنهنگام که بر حیران و سرگردانی افتد او را از حیرت رها سازد، و وقتی بر فقیری افتد او را بی‌نیاز گرداند، و آنزمان که بر ناتوانی افتد نیرومند گردد، و هرگاه بر خائفی افتد او را ایمنی دهد، و مرا در معرض دشمنان خود و دشمنانم قرار ندهی، ای صاحب جلالت و بزرگواری.

ای کسی که هیچکس جز خودش به کیفیّت و جایگاه و قدرتش آگاه نیست، ای کسی که هوا را با آسمان بست، و زمین را بر روی آب گستراند، و بهترین نامها را برای خود برگزید،ای کسی که خود را بنامی نامید، که حاجت هر که با آن نام او را بخواند مستجاب می‌شود.
از تو می‌خواهم به آن نام، که برای من شفیعی نیرومندتر از او وجود ندارد، و بحق محمد و خاندانش، از تو می‌خواهم که بر محمد درود فرستی، و حاجتهایم را روا فرمائی، و صدایم را به گوش محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، علی، محمد، جعفر، موسی، علی، محمد، علی، حسن، حجّت- که

[صفحه 136]

وَ بَرَکاتُکَ وَ رَحْمَتُکَ، صَوْتی، فَیَشْفَعُوا لی اِلَیْکَ وَ تُشَفِّعُهُمْ فِیَّ، وَ لا تَرُدَّنی خائِباً، بِحَقِّ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، وَ بِحَقِّ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ، وَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَ افْعَلْ بی کَذا وَ کَذا یا کَریمُ.

دعاؤها للخلاص من المهالک

روی انّ رجلاً کان محبوساً بالشام مدّة طویلة مضیّقاً علیه، فرأی فی منامه کأنّ الزّهرا علیهاالسلام اتته، فقالت له: ادع بهذا الدعاء، فتعلّمه و دعا به، فتخلّص و رجع الی منزله، و هو:
اَللّٰهُمَّ بِحَقِّ الْعَرْشِ وَ مَنْ عَلاهُ، وَ بِحَقِّ الْوَحْیِ وَ مَنْ اَوْحاهُ، وَ بِحَقِّ النَّبِیِّ وَ مَنْ نَبَّأَهُ، وَ بِحَقِّ الْبَیْتِ وَ مَنْ بَناهُ.
یا سامِعَ کُلِّ صَوْتٍ، یا جامِعَ کُلِّ فَوْتٍ، یا بارِئَ النُّفُوسِ بَعْدَ الْمَوْتِ، صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ، وَ اتِنا وَ جَمیعَ الْمُؤْ مِنینَ وَ الْمُؤْمِناتِ، فی مَشارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغارِبِها،فَرَجاً مِنْ عِنْدِکَ عاجِلاً.
بِشَهادَةِ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللّٰهُ، وَ اَنَّ مُحَمَّداً عَبْدُکَ وَ رَسُولُکَ، صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ عَلی ذُرِّیَّتِهِ الطَّیِّبینَ الطّاهِرینَ وَ سَلَّمَ تَسْلیماً.

[صفحه 137]

درود و برکات و رحمتت بر آنان باد- برسانی، تا برایم نزد تو شفاعت کنند
درود و برکات و رحمتت بر آنان باد- برسانی، تا برایم نزد تو شفاعت کنند
و آنان را شفیعم گردانی، و مرا ناامید ننمائی، بحقّ آنکه خدائی جز تو نیست، و بحقّ آنکه خدائی جز تو نیست، و بحقّ محمد و خاندانش، این حاجاتم را روا ساز، ای بخشنده.
(22) دعای آن حضرت برای رهائی از مهالک
روایت شده که مردی در شهر شام مدتی طولانی زندانی بود، در خواب حضرت زهرا علیهاالسلام را دید که نزد او آمده و فرمود: این دعا را بخوان، آنمرد دعا را آموخته و خواند و رها شد و به منزلش برگشت، آن دعا اینست: پروردگارا! سوگند به عرش و کسی که آنرا را برافراشت، سوگند به وحی و هر که آنرا نازل کرد، و بحقّ پیامبر و هر که او را به نبوت رسانید، و بحقّ خانه کعبه و هر که آنرا ساخته است.
ای شنونده هر صدا، ای جمع‌کننده هر گمشده، ای خالق جانها بعد از مرگ، بر محمد و خاندانش درود فرست، و بما و تمامی زنان و مردان مؤمن در شرق و غرب زمین، بزودی از جانب خود گشایش عنایت فرما،به شهادت آنکه خدائی جز تو نیست، و محمد- که درود خدا بر او و بر فرزندان پاکش باد- بنده و فرستاده توست.

[صفحه 139]

ادعیه آن حضرت در رفع خطرات و بیماریها

اشاره

برای جلوگیری از خطرات
برای بیماری تب
برای بیماری تب
برای بیماری تب

[صفحه 140]

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیمِ، یا حَیُّ یا قَیُّومُ، بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغیثُ فَاَغِثْنی، وَ لا تَکِلْنی اِلی نَفْسی طَرْفَةَ عَیْنٍ، وَ اَصْلِحْ لی شَأْنی کُلَّهُ.

و فی روایة:

یا حَیُّ یا قَیُّومُ بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغیثُ، اَللَّهُمَّ لا تَکِلْنی اِلی نَفْسی طَرْفَةَ عَیْنٍ، وَ اَصْلِحْ لی شَأْنی کُلَّهُ.

(23) دعای آن حضرت برای جلوگیری از خطرات

بنام خداوند بخشنده مهربان، ای زنده ای پایدار، به رحمتت پناه آورده‌ام، مرا پناه ده، و یک چشم بر هم زدن مرا بحال خود وامگذار، و تمام امورم را اصلاح گردان.

و در روایتی آمده:

ای زنده، ای پایدار، به رحمتت پناهنده گردیده‌ام، خدایا یک لحظه مرا بخودم وامگذار، و تمام امورم را اصلاح کن.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیمِ، بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورِ النُّورِ، بِسْمِ اللَّهِ نُورٌ عَلی نُورٍ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذی هُوَ مُدَبِّرُ الْاُمُورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ.
(24) دعای آن حضرت برای بیماری تب
بنام خداوند بخشنده مهربان، بنام خداوند نور، بنام خداوندی که نور در نور است، بنام خداوندی که نور بر نور است، بنام خداوندی که تدبیر امور بدست اوست، بنام خداوندی که نور را از نور آفرید.

[صفحه 142]

الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ، وَ اَنْزَلَ النُّورَ عَلی الطُّورِ، فی کِتابٍ مَسْطُورٍ، فی رِقٍّ مَنْشُورٍ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، عَلی نَبِیٍّ مَحْبُورٍ.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی هُوَ بِالْعِزِّ مَذْکُورٌ، وَ بِالْفَخْرِ مَشْهُورٌ، وَعَلی السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ مَشْکُورٌ، وَ صَلیَّ اللَّهُ عَلی سَیِّدِنا مُحَمَّدٍ وَ الِهِ الطّاهِرینَ.
سپاس خداوندی را سزاست که نور را از نور آفریده، و نور را بر کوه طور نازل فرمود، در کتابی نوشته شده، و در کاغذی گشوده شده، به‌اندازه معین، بر پیامبری بزرگ.
سپاس شایسته خداوندی است که به عزّت مذکور، و به فخر و افتخار مشهور، و به رنج و سرور شکرگذار است، و درود خدا بر آقای ما محمّد و خاندان پاکش باد.

[صفحه 143]

و فی روایة:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحیم، بِسْمِ اللَّهِ النُّورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذی یَقُولُ لِلشَّیْءِ کُنْ فَیَکُونُ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذی یَعْلَمُ خائِنَةَ الْاَعْیُنِ وَ ما تُخْفِی الصُّدُورُ.
بِسْمِ اللَّهِ الَّذی خَلَقَ النُّورَ مِنَ النُّورِ، بِسْمِ اللَّهِ الَّذی هُوَ بِالْمَعْرُوفِ مَذْکُورٌ، بِسْمِاللَّهِ الَّذی اَنْزَلَ النُّورَ عَلَی الطُّورِ، بِقَدَرٍ مَقْدُورٍ، فی کِتابٍ مَسْطُورٍ، عَلی نَبِیٍّ مَحْبُورٍ.
و در روایتی دیگر این دعا اینگونه آمده است:
بنام خداوند بخشنده مهربان، بنام خداوند نور، بنام خداوندی که هرگاه اراده وجود چیزی را بکند، ایجاد می‌شود، بنام خداوندی که بر خیانتهای چشمها و آنچه قلبها پنهان می‌دارند، آگاهست.

بنام خداوندی که نور را از نور آفرید، بنام خداوندی که به کارهای نیک شناخته شده، بنام خداوندی که نور را بر کوه طور نازل فرمود، به‌اندازه معین، در کتابی نوشته شده، بر پیامبری بزرگ.

[صفحه 144]

دعاؤها فی العوذة للحمی

اَللّٰهُمَّ لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، ذُوالسُّلْطانِ الْقَدیمِ، وَ الْمَنِّ الْعَظیمِ، وَ الْوَجْهِ الْکَریمِ، لا اِلهَ اِلاَّ اَنْتَ الْعَلِیُّ الْعَظیمُ، وَلِیُّ الْکَلِماتِ التّامّاتِ، وَ الدَّعَواتِ الْمُسْتَجاباتِ، حَلِّ ما اَصْبَحَ بِفُلانٍ.

(25) دعای آن حضرت برای بیماری تب

پروردگارا! معبودی جز تو نیست که برتر و والاتری، صاحب فرمانروایی دیرینه و منّتی بزرگ و بزرگواری فراوان، معبودی جز تو نیست و برتر و والاتری، خالق موجودات، اجابت‌کننده دعاها می‌باشی، آنچه فلان شخص بدان گرفتار شده را بگشا.

وَ لَهُ ما سَکَنَ فِی اللَّیْلِ وَ النَّهارِ وَ هُوَ السَّمیعُ الْعَلیمُ، یا اُمِّمُلْدِمٍ اِنْ کُنْتِ امَنْتِ بِاللَّهِ الْعَظیمِ وَ رَسُولِهِ الْکَریمِ، فَلا تَهْشِمِی الْعَظْمَ، وَ لا تَأْکُلِی اللَّحْمَ، وَ لا تَشْرِبِی الدَّمَ.
اَخْرِجی مِنْ حامِلِ کِتابی هذا اِلی مَنْ لا یُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظیمِ وَ رَسُولِهِ الْکَریمِ وَ الِهِ، مُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَیْنِ عَلَیْهِمُ‌السَّلامُ.
(26) دعای آن حضرت برای بیماری تب
و برای اوست آنچه در شب و روز آرام می‌گیرد، و او شنوا و داناست، ای تب اگر بخدای بزرگ و فرستاده گرامیش ایمان داری، پس استخوانها را خورد نکرده، و گوشتها را نخور، و خونها را ننوش.
از حامل این نوشته بسوی کسی که بخدای بزرگ و پیامبر گرامیش و خاندان او، یعنی محمد و علی و فاطمه و حسن و حسین، ایمان ندارد، برو.

[صفحه 147]

دعای آن حضرت در ایام و ماهها

اشاره

در روز شنبه
در روز یکشنبه
در روز دوشنبه
در روز سه‌شنبه
در روز چهار شنبه
در روز پنج شنبه
در روز جمعه
در روز جمعه
هنگام آشکار شدن هلال ماه رمضان

[صفحه 148]

اَللَّهُمَّ افْتَحْ لَنا خَزائِنَ رَحْمَتِکَ، وَ هَبْ لَنَا اللَّهُمَّ رَحْمَةً لا تُعَذِّبُنا بَعْدَها فِی الدُّنْیا وَ الْأَخِرَةِ، وَ ارْزُقْنا مِنْ فَضْلِکَ الْواسِعِ رِزْقاً حَلالاً طَیِّباً، وَ لا تُحْوِجْنا وَ لا تُفْقِرْنا اِلی اَحَدٍ سِواکَ، وَ زِدْنا لَکَ شُکْراً، وَ اِلَیْکَ فَقْراً وَفاقَةً، وَ بِکَ عَمَّنْ سِواکَ غِناً وَ تَعَفُّفاً.
اَللَّهُمَّ وَسِّعْ عَلَیْنا فِی الدُّنْیا، اَللَّهُمَّ اِنَّا نَعُوذُبِکَ اَنْ تَزْوِیَ وَجْهَکَ عَنَّا فی حالٍ، وَ نَحْنُ نَرْغَبُ اِلَیْکَ فیهِ.
اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعْطِنا ما تُحِبُّ، وَ اجْعَلْهُ لَنا قُوَّةً فیما تُحِبُّ، یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.
(27) دعای آن حضرت در روز شنبه
پروردگارا! گنجهای رحمتت را برای ما بگشا، و ما را مشمول رحمتی قرار ده که بعد از آن در دنیا و آخرت عذابمان ننمائی، و از فضل گسترده‌ات، ما را از روزی حلال و پاکیزه‌ای بهره‌مند گردان، و ما را نیازمند و محتاج کسی جز خودت قرار نده، و شکرگذاری ما را نسبت بخودت، و نیز فقر و نیازمان را بتو، و بی‌نیازی و کرامت نفسمان از غیر خودت را، افزون فرما.
خداوندا! در دنیا بر ما گشایش عطا فرما، بارالها! از اینکه ما را در حالی که دیدارت را طالبیم، از دیدارت منع نمائی، بتو پناه می‌بریم.
پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و آنچه را که دوست داری بما عطا فرما، و آنرا نیرویی قرار ده در آنچه ما دوست می‌داریم، ای بهترین رحم‌کنندگان.

دعاؤها فی یوم الاحد

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ اَوَّلَ یَوْمی هذا فَلاحاً، وَ اخِرَهُ نَجاحاً، وَ اَوْسَطَهُ صَلاحاً، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَ اجْعَلْنا مِمَّنْ اَنابَ اِلَیْکَ فَقَبِلْتَهُ، وَ تَوَکَّلَ عَلَیْکَ فَکَفَیْتَهُ، وَ تَضَرَّعَ اِلَیْکَ فَرَحِمْتَهُ.

(28) دعای آن حضرت در روز یکشنبه

پروردگارا! آغاز این روزم را رستگاری، و پایانش را موفقیت، و وسط آنرا سعادتمندی قرار ده، خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما را از کسانی قرار ده که بسوی تو روی آورده، و تو آنان را پذیرفته‌ای، و بر تو توکّل کرده و آنان را کفایت نموده‌ای، و بسوی تو زاری کرده و آنان را مشمول رحمتت قرار داده‌ای.

دعاؤها فی یوم الإثنین

اَللّٰهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ قُوَّةً فی عِبادَتِکَ، وَ تَبَصُّراً فی کِتابِکَ، وَ فَهْماً فی حُکْمِکَ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَ لا تَجْعَلِ الْقُرانَ بِنا ماحِلاً، وَ الصِّراطَ زائِلاً، وَ مُحَمَّداً صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَ الِهِ عَنّا مُوَلِّیاً.

(29) دعای آن حضرت در روز دوشنبه

خداوندا! از تو نیرو در عبادت و بندگی، و بینش در درک آیات کتابت، و فهم در درک احکامت را خواستارم، پروردگارا بر محمد و خاندانش درود فرست، و قرآن را دور از دسترس فهم ما، و صراط را زائل از ما، و محمّد را روی گردان از ما قرار مده.

دعاؤها فی یوم الثلثاء

اَللَّهُمَّ اجْعَلْ غَفْلَةَ النَّاسِ لَنا ذِکْراً، وَ اجْعَلْ ذِکْرَهُمْ لَنا شُکْراً، وَ اجْعَلْ صالِحَ ما نَقُولُ بِأَلْسِنَتِنانِیَّةً فی قُلُوبِنا.
اَللَّهُمَّ اِنَّ مَغْفِرَتَکَ اَوْسَعُ مِنْ ذُنُوبِنا، وَ رحْمَتَکَ اَرْجی عِنْدَنا مِنْ اَعْمالِنا، اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَ وَفِّقْنا لِصالِحِ الْأَعْمالِ وَ الصَّوابِ مِنَ الْفِعالِ.
(30) دعای آن حضرت در روز سه شنبه
پروردگارا! در مقابل غفلت مردم ما را متذکّر قرار ده، و در برابر ذکر آنان برای ما شکر و سپاس مقرر فرما، و بهترین چیزی که بر زبانمان جاری می‌شود را نیّات قلبی ما قرار ده.
خداوندا، غفران و بخشش تو از گناهان ما گسترده‌تر و رحمت تو امیدوارکننده‌تر از اعمال ما می‌باشد، خداوندا بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما را بر اعمال صالح و کارهای نیک موفق دار.

اَللَّهُمَّ احْرُسْنا بِعَیْنِکَ الَّتی لا تَنامُ، وَ رُکْنِکَ الَّذی لا یُرامُ، وَ بِأَسْمائِکَ الْعِظامِ، وَ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِهِ، وَ احْفَظْ عَلَیْنا ما لَوْ حَفِظَهُ غَیْرُکَ ضاعَ، وَ اسْتُرْ عَلَیْنا ما لَوْ سَتَرَهُ غَیْرُکَ شاعَ، وَ اجْعَلْ کُلَّ ذلِکَ لَنا مِطْواعاً، اِنَّکَ سَمیعُ الدُّعاءِ، قَریبٌ مُجیبٌ.

(31) دعای آن حضرت در روز چهارشنبه

پروردگارا! ما را با دیدگانت که هرگز بخواب نمی‌رود، و با پایه و ستونی که مورد تجاوز قرار نمی‌گیرد، و با نامهای بزرگت مرا حفاظت فرما، و بر محمد و خاندانش درود فرست، و برایمان حفظ کن آنچه را که اگر حافظی غیر از تو داشته باشد ضایع می‌گردد، و بپوشان بر ما آنچه اگر غیر تو آنرا بپوشاند شیوع پیدا می‌کند، و همه اینها را فرمانبر ما قرار ده، بدرستیکه تو خواسته‌ها را می‌شنوی،و نزدیک بوده و اجابت‌کننده‌ای.

اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ الْهُدی وَ التُّقی، وَ الْعِفافَ وَ الْغِنی، وَ الْعَمَلَ بِما تُحِبُّ وَ تَرْضی، اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْأَلُکَ مِنْ قُوَّتِکَ لِضَعْفِنا، وَ مِنْ غِناکَ لِفَقْرِنا وَ فاقَتِنا، وَ مِنْ حِلْمِکَ وَ عِلمِکَ لِجَهْلِنا.
اَللَّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ، وَ اَعِنَّا عَلی شُکْرِکَ وَ ذِکْرِکَ، وَ طاعَتِکَ وَ عِبادَتِکَ، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرَّاحِمینَ.
(32) دعای آن حضرت در روز پنج‌شنبه
پروردگارا! هدایت و تقوی، و عفاف و بی‌نیازی، و عمل به آنچه که دوست داری و خشنود می‌گردی، را از تو خواستارم، خداوندا از تو در مقابل ناتوانیمان نیرو، و در مقابل نیازمان بی‌نیازی، و در مقابل جهالت و نادانیمان علم و حلم خواهانیم.
خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما را بر شکر و ذکر، و اطاعت و عبادتت یاری فرما، برحمتت ای بهترین رحم‌کنندگان.

اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا مِنْ اَقْرَبِ مَنْ تَقَرَّبَ اِلَیْکَ، وَ اَوْجَهِ مَنْ تَوَجَّهَ اِلَیْکَ، وَ اَنْجَحِ مَنْ سَأَلَکَ وَ تَضَرَّعَ اِلَیْکَ.
اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنا مِمَّنْ کَأَنَّهُ یَراکَ اِلی یَوْمِ الْقِیامَةِ الَّذی فیهِ یَلْقاکَ، وَ لا تُمِتْنا اِلاّٰ عَلی رِضاکَ، اَللّٰهُمَّ وَ اجْعَلْنا مِمَّنْ اَخْلَصَ لَکَ بِعَمَلِهِ، وَ اَحَبَّکَ فی جَمیعِ خَلْقِکَ.
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، وَ اغْفِرْلَنا مَغْفِرَةً جَزْماً حَتْماً لا نَقْتَرِفُ بَعْدَها ذَنْباً، وَ لا نَکْتَسِبُ خَطیئَةً وَ لا اِثْماً.
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ، صَلاةً نامِیَةً دائِمَةً، زاکِیَةً مُتَتابِعَةً، مُتَواصِلَةً مُتَرادِفَةً، بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ.

[صفحه 155]

(33) دعای آن حضرت در روز جمعه
بارالها! ما را از نزدیکترین کسانی که بتو تقرب جسته‌اند، و از آبرومندترین کسانی که بتو روی آورده‌اند، و پیروزمندترین کسانیکه از تو درخواست کرده و زاری نموده‌اند، قرار ده.
خداوندا! ما را از کسانی قرار ده که گویا تو را تا روز قیامت، که روز دیدار تست، می‌بینند، پروردگارا ما را از کسانی قرار ده که در عمل نسبت بتو اخلاص ورزیده، و در تمامی مخلوقاتت تو را دوست دارند.
پروردگارا! بر محمد و خاندانش درود فرست، و ما را مورد بخششی قرار ده که بعد از آن گناهی انجام نداده، و خطا و اشتباهی را مرتکب نشویم.
خداوندا! بر محمد و خاندانش درود فرست، درودی رشدکننده، همیشگی، پاکیزه، پی‌درپی و سلسله‌وار، برحمتت ای بهترین رحم کنندگان.

[صفحه 156]

روی عن صفوان انّه قال: دخل محمد بن علی الحلبی علی ابی‌عبداللّه علیه‌السلام فی یوم الجمعة، فقال له: تعلّمنی افضل ما اصنع فی هذا الیوم، فقال: یا محمد ما اعلم انّ احداً کان اکبر عند رسول اللّه صلی الله علیه وآله من فاطمة، و لا افضل ممّا علّمها ابوها محمد بن عبداللّه صلی الله علیه وآله قال:
من اصبح یوم الجمعة فاغتسل و صفّ قدمیه و صلّی اربع رکعات مثنّی مثنّی، یقرء فی اوّل رکعة فاتحة الکتاب و «قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ» خمسین مرة، و فی الثانیة فاتحة الکتاب والعادیات خمسین مرة، و فی الثالثة فاتحة الکتاب و «اِذا زُلْزِلَتِ» خمسین مرة، و فی الرابعة فاتحة الکتاب و «اِذا جاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَ الْفَتْحُ» خمسین مرة- و هذه سورة النصر و هی آخر سورة نُزلت- فاذا فرغ منها دعا فقال:
اِلهی وَ سَیِّدی مَنْ تَهَیَّاَ اَوْ تَعَبَّأَ، اَوْ اَعَدَّ اَوِ اسْتَعَدَّ، لِوِفادَةِ مَخْلُوقٍ رَجاءَ رِفْدِهِ وَ فَوائِدِهِ وَ نائِلِهِ، وَ فَواضِلِهِ وَ جَوائِزِهِ، فَاِلَیْکَ یا اِلهی کانَتْ تَهْیِأَتی وَ تَعْبِأَتی، وَ اِعْدادی وَ اسْتِعدادی، رَجاءَ فَوائِدِکَ وَ مَعْرُوفِکَ، وَ نائِلِکَ وَ جَوائِزِکَ.

[صفحه 157]

(34) دعای آن حضرت در روز جمعه
روایت شده که یکی از اصحاب امام صادق علیه‌السلام در روز جمعه نزد ایشان آمده و گفت: بهترین کاری که در این روز می‌توانم انجام دهم را بمن بیاموز،امام فرمود: کسی را نزد پیامبر صلی الله علیه و آله گرامیتر از فاطمه علیهاالسلام، و چیزی را بهتر از چیزی که آن حضرت به ایشان آموخت، نمی‌یابم:
روز جمعه غسل کرده و چهار رکعت نمازگذار- دو رکعت دو رکعت- در اولین رکعت حمد و پنجاه مرتبه «قل هو اللّه احد»، و در رکعت دوم حمد و پنجاه بار سوره العادیات، و در رکعت سوم حمد و پنجاه بار «اذازلزلت»، و در رکعت چهارم حمد و پنجاه بار «اذا جاء نصر اللّه و الفتح»- که آخرین سوره‌ای است که بر پیامبر نازل شده- بعد از نماز این دعا را بخواند:
ای معبودم و ای آقایم! هر کسی مهیّا و مجهّز، و آماده و توشه برگرفته است، تا به امید صله و عطا و بهره و عطیّه و بخشش و جائزه‌ای نزد مخلوقی برود، پس بسوی توست ای معبودم مهیّا شدنم، و مجهّز بودنم، و آمادگیم، و توشه برگرفتنم، به امید بهره‌هایت و نیکی شناخته شده‌ات، و عطیّه مطلوبت و جائزه‌هایت.

[صفحه 158]

فَلا تُخَیِّبْنی مِنْ ذلِکَ، یا مَنْ لا تَخیبُ عَلَیْهِ مَسْأَلَةُ السَّائِلِ، وَ لا تَنْقُصُهُ عَطِیَّةُ نائِلٍ، فَاِنّی لَمْ اتِکَ بِعَمَلٍ صالِحٍ قَدَّمْتُهُ، وَ لا شَفاعَةَ مَخْلُوقٍ رَجَوْتُهُ.
اَتَقَرَّبُ اِلَیْکَ بِشَفاعَتِهِ اِلاَّ شَفاعَةُ مُحَمَّدٍ وَ اَهْلِ بَیْتِهِ صَلَواتُکَ عَلَیْهِ وَ عَلَیْهِمْ، اَتَیْتُکَ اَرْجُو عَظیمَ عَفْوِکَ، الَّذی عُدْتَ بِهِ عَلَی الْخاطِئینَ عِنْدَ عُکُوفِهِمْ عَلَی الْمَحارِمِ، فَلَمْ یَمْنَعْکَ طُولُ عُکُوفِهِمْ عَلَی الْمَحارِمِ اَنْ جُدْتَ عَلَیْهِمْ بِالْمَغْفِرَةِ.
وَ اَنْتَ سَیِّدِی الْعَوَّادُ بِالنَّعْماءِ، وَ اَنَا الْعَوَّادُ بِالْخَطاءِ، اَسْأَلُکَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ الِهِ الطَّاهِرینَ اَنْ تَغْفِرَلی ذَنْبِیَ الْعَظیمَ، فَاِنَّهُ لا یَغْفِرُ الْعَظیمَ اِلاَّالْعَظیمُ، یا عَظیمُ یا عَظیمُ، یا عَظیمُ یا عَظیمُ، یا عَظیمُ یا عَظیمُ.

[صفحه 159]

پس ای آنکه درخواست سائلی نزد او محروم نشد، و بخشش خواهنده‌ای در او کاستی پدید نیاورد، مرا محروم مفرما، چرا که من با عمل صالحی که قبلاً انجام داده‌ام، و یا شفاعت مخلوقی که امید به او بسته، و تقرّب به او جسته‌ام، نزد تو نیامده‌ام، جز شفاعت محمد و خاندانش، که درود تو بر او و خاندان پاکش باد،به درگاه تو آمده‌ام، و امیدوار عفو و بخشش بزرگت، که بر خطاکارانی که محرّمات تو را انجام داده‌اند، وعده داده‌ای، می‌باشم، بطوریکه پافشاری طولانی آنان در انجام امور حرام، تو را از بخشش وجود به آنان باز نداشت.
و تو ای آقای من بسیار نعمت‌دهنده‌ای و من بسیار خطاکار، و بحق محمد و خاندان پاکش از تو می‌خواهم، که گناه بزرگم را ببخشی، چرا که گناه بزرگ را جز بزرگ نمی‌بخشد، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ، ای بزرگ.

[صفحه 160]

عن الرضا علیه‌السلام فی حدیث:
معاشر شیعتی اذا طلع هلال شهر رمضان فلا تشیروا الیه بالاصابع، و لکن استقبلوا القبلة و ارفعوا ایدیکم إلی السّماء، و خاطبوا الهلال و قولوا:
رَبُّنا وَ رَبُّکَ اللّٰهُ رَبُّ الْعالَمینَ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهُ عَلَیْنا هِلالاً مُبارَکاً، وَ وَفِّقْنا لِصِیامِ شَهْرِ رَمَضانَ، وَسَلِّمْنا فیهِ، وَ تَسَلَّمْنا مِنْهُ، فی یُسْرٍ وَ عافِیَةٍ، وَ اسْتَعْمِلْنا فیهِ بِطاعَتِکَ، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْءٍ قَدیرٌ.
ثم قال: و لقد کانت فاطمة سیدة نساءالعالمین علیهاالسلام، تقول ذلک سنة، فاذا طلع هلال شهر رمضان، فکان نورها یغلب الهلال یخفی، فاذا غابت عنه ظهر.

[صفحه 161]

(35) دعای آن حضرت هنگام آشکار شدن هلال ماه رمضان
از امام رضا علیه‌السلام روایت شده که در حدیثی فرمودند:
ای شیعیان من، آنگاه که هلال ماه رمضان آشکار شد، با دست بدان اشاره نکنید، بلکه رو به قبله ایستاده و دستهایتان را بسوی آسمان بلند کرده و این دعا را بخوانید:
پروردگار ما و تو خداوند جهانیان است، پروردگارا این هلال ماه را هلال مبارکی قرار ده، و ما را برای روزه ماه رمضان موفق نما، و ما را در آن سالم گردان، و این ماه را از ما در سلامت قرار ده، در راحتی و آسایش، و ما را در آن ماه به طاعت خود مشغول ساز، بدرستیکه تو بر هر کار توانا و نیرومند می‌باشی.
سپس فرمود: حضرت فاطمه علیهاالسلام این دعا را می‌خواند، آنگاه که هلال ماه رمضان آشکار می‌شد، نور آن حضرت بر نور هلال برتری داشت و هلال دیده نمی‌شد، و هرگاه که آن حضرت غائب می‌شد هلال آشکار می‌گشت.

[صفحه 163]

ادعیه‌ی آن حضرت در آداب خواب

اشاره

هنگام خواب
هنگام خواب
برای دفع رویای زشت
برای رفع بیخوابی

اَلْحَمْدُلِلَّهِ الْكافى، سُبْحانَ اللَّهِ الْاَعْلى، حَسْبِىَ اللَّهُ وَ كَفى، ماشاءَاللَّهُ قَضى، سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ دَعا، لَيْسَ مِنَ اللَّهِ مَلْجَأٌ، و لا وَراءَ اللَّهِ مُلْتَجأ.
تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَبّى وَ رَبِّكُمْ، ما مِنْ دابَّةٍ اِلاَّ هُوَ اخِذٌ بِناصِيَتِها، اِنَّ رَبّى عَلى صِراطٍ مُسْتَقيم.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ الَّذى لَمْ يَتَّخِذْ وَلَداً، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ شَريكٌ فِى الْمُلْكِ، وَ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِىٌّ مِنَ الذُّلِّ، وَ كَبِّرْهُ تَكْبيراً.
(36) دعاى آن حضرت هنگام خواب
سپاس مخصوص خداوندى است كه كفايت‌كننده است، پاک و منزّه است خداوند برتر، خداوند مرا كافى است، آنچه خدا مى‌خواهد انجام مى‌گيرد، خداوند سخن كسى كه او را خواند شنيد، غير از خدا پناهگاه و مأوايى نيست.
به پروردگار شما و خودم خداوند يكتا توكّل نمودم، هيچ جنبنده‌اى نيست جز آنكه خداوند زمام او را بدست دارد، بدرستيكه پروردگار من در راه راست مى‌باشد، سپاس خداوندى را سزاست كه فرزندى براى خود نگرفته، و در فرمانروائيش شريكى ندارد، و تحت سرپرستى كسى نبوده، و او را بسيار تكبيرگو.

دعاؤها اذا نامت

روی عنها علیه‌السلام: دخل علیّ رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله و قد افترشت فراشی للنوم، فقال: یا فاطمة لا تنامی الاّ و قد عملت اربعة: ختمت القرآن و جعلت الانبیاء شفعاءک و ارضیت المؤمنین عن نفسک و حججت واعتمرت- الی ان قالت:- قال: اذا قرأت «قُلْ هُوَ اللَّهُ اَحَدٌ» ثلاث مرات فکأنک ختمت القرآن، و اذا صلّیت علیّ و علی الانبیاء قبلی کنّا شفعاؤک یوم القیامة، و اذا استغفرت للمؤمنین رضوا کلهم عنک، و اذا قلت:

سُبْحانَ اللَّهِ وَ الْحَمْدُلِلَّهِ وَ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَ اللَّهُ اَکْبَرُ.

فقد حججت و اعتمرت.

(37) دعای آن حضرت هنگام خواب

از آن حضرت روایت شده: پیامبر بر من وارد شد درحالیکه بستر خواب را آماده کرده بودم، و فرمود: ای فاطمه نخواب جز آنکه چهار کار را انجام دهی، قرآن را ختم کرده و پیامبران را شفیع خود قرار داده و مؤمنین را از خود راضی نموده، و حج و عمره را انجام دهی- تا آنجا که فرمود:- پیامبر فرمود: هرگاه سوره توحید را سه بار بخوانی گویا قران را ختم کرده‌ای، و هرگاه بر من و پیامبران قبل از من درود فرستی ما شفیعان تو در روز قیامت می‌شویم، و هرگاه برای مؤمنان استغفار کنی آنان از تو راضی می‌گردند، و هرگاه بگویی:

پاک و منزه است خداوند، و سپاس مخصوص اوست، و معبودی جز او نمی‌باشد، و خداوند برتر است.

حج و عمره را انجام داده‌ای.

اَللَّهُ اَكْبَرُ- أربعاً و ثلاثين.
اَلْحَمْدُلِلَّهِ- ثلاثاً و ثلاثين.
سُبْحانَ اللَّهِ- ثلاثاً و ثلاثين.
(38) دعای آن حضرت هنگام خواب
خداوند برتر است- سی و چهار بار.
سپاس خداوند را سزاست- سی وسه بار.
خداوند پاک و منزه است- سی وسه بار.

دعاؤها لدفع رؤيا المكروهة

عن الصادق علیه‌السلام قال: شکت فاطمة علیهاالسلام الی رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله ما تلقاه فی المنام، فقال لها: اذا رأیت شیئاً من ذلک فقولی: اَعُوذُ بِما عاذَتْ بِهِ مَلائِکَةُ اللَّهِ الْمُقَرَّبُونَ، وَ اَنْبِیاءُ اللَّهِ الْمُرْسَلُونَ، وَ عِبادُ اللَّهِ الصَّالِحُونَ، مِنْ شَرِّ رُؤْیایَ الَّتی رَأَیْتُ، اَنْ تَضُرَّنی فی دینی وَ دُنْیای.
و اتفلی علی یسارک ثلاثاً.

[صفحه 167]

(39) دعای آن حضرت برای دفع رؤیای زشت
از امام صادق علیه‌السلام روایت است که فرمود: حضرت فاطمه علیهاالسلام از خوابهای پریشان به پیامبر شکایت کرد، آن حضرت فرمود: هرگاه چنین خوابی دیدی،بگو:
پناه می‌برم به کسی که فرشتگان مقرب الهی، و پیامبران برگزیده خداوند، و بندگان صالح او بدان پناهنده شدند، از شرّ و زشتی این خوابی که دیدم، تا به دین و دنیایم ضرر وارد نسازد.
و سه بار به سمت چپ خود آب دهان بینداز.

[صفحه 168]

دعاؤها لدفع الارق

عن على عليه‌السلام: انّ فاطمة عليهاالسلام شكت الى رسول‌اللَّه صلى الله عليه وآله الارق، فقال لها: قولى يا بنيّة:
يا مُشْبِعَ الْبُطُونِ الْجائِعَةِ، وَ يا كاسِىَ الْجُسُومِ الْعارِيَةِ، وَ يا ساكِنَ الْعُرُوقِ الضَّارِبَةِ، وَ يا مُنَوِّمَ الْعُيُونِ السَّاهِرَةِ، سَكِّنْ عُرُوقِىَ الضَّارِبَةِ، وَ أْذَنْ لِعَيْنى نَوْماً عاجِلاً.

[صفحه 169]

(40) دعاى آن حضرت براى رفع بيخوابى
اى سير كننده شكمهاى خالى، و اى پوشاننده بدنهاى عريان، و اى آرام‌كننده رگهاى زننده، و اى خواباننده چشمهاى بيدار، رگهاى مرا آرام گردان، و چشمهاى مرا بزودى بخواب بر.

[صفحه 171]

ادعیه‌ی آن حضرت در مدح یا مذمت افراد

اشاره

برای شوهرش
برای اسماء بنت عمیس
بر آنانکه به او ستم کردند
بر ابی‌بکر و عمر
بر آن دو نفر
بر آن دو نفر

[صفحه 172]

دعاؤها لبعله

قالت علیهاالسلام فی وصیّتها الیه علیه‌السلام: إذا أنا متّ فغسّلنی بیدک، و حنّطنی و کفّنّی، و ادفنّی لیلاً، و لا یشهدنی فلان و فلان، و لا زیادة عندک فی وصیتی الیک، و استودعک اللّه تعالی حتّی القاک،
جَمَعَ اللَّهُ بَیْنی وَ بَیْنَکَ فی دارِهِ وَ قُرْبِ جِوارِهِ.
(41) دعای آن حضرت برای شوهرش
آن حضرت در وصیّتش به حضرت علی علیه‌السلام فرمود: آنگاه که از دنیا رفتم، با دست خود مرا غسل ده و حنوط نموده و کفن کن و شبانه مرا دفن نما، و فلانی و فلانی را بر جنازه من حاضر منما، و در وصیتنامه‌ام چیزی زیاد نکن، و تو را بخدا سپردم تا بار دیگر تو را ملاقات نمایم.
خداوند من و تو را در بهشتش و جوار خود همنشین هم گرداند.

دعاؤها لاسماء بنت عميس

روی انها علیهاالسلام قالت لاسماء: انی نحلت و ذهب لحمی، الا تجعلین لی شیئاً یسترنی- الی ان قال:- فدعت بسریر فاکبّته لوجهه، ثم دعت بجرائد فشدّدته علی قوائمه، ثم جلّلته ثوباً، فقالت علیهاالسلام:اصنعی لی مثله، استرینی،
سترَکِ اللَّهُ مِنَ النَّارِ.
(42) دعای آن حضرت برای اسماء بنت عمیس
روایت شده: آن حضرت به اسماء گفت: من ضعیف شده وگوشتم از بین رفته است، مرا در چیزی قرار نمی‌دهی که مرا بپوشاند- تا آنجا که گوید:- اسماء تخته‌ای چوبی را برداشت و بر زمین نهاد و قطعه‌های چوبی را بر کنار آن با میخ کوبید و با پارچه‌ای آنرا پوشانید، آن حضرت آنرا دید و فرمود: همانند این برایم درست کن، مرا بپوشان
خداوند تو را از آتش دوزخ بپوشاند.

[صفحه 174]

دعاؤها علی من ظلمها

اَللّٰهُمَّ اِلَیْکَ نَشْکُوا فَقْدَ نَبِیِّکَ وَ رَسُولِکَ وَصَفِیِّکَ وَ ارْتِدادَ اُمَّتِهِ، وَ مَنْعَهُمْ اِیَّانا حَقَّنَا الَّذی جَعَلْتَهُ لَنا فی کِتابِکَ الْمُنْزَلِ عَلی نَبِیِّکَ بِلِسانِهِ.

(43) دعای آن حضرت برآنانکه به او ستم کردند

پروردگارا! بتو شکایت می‌کنیم فقدان پیامبر و رسول و برگزیده‌ات، و ارتداد امّت او، و منع نمودن ایشان حق ما را، حقی که در کتابی که بر پیامبرت نازل فرمودی برای ما قرار دادی.

[صفحه 175]

دعاؤها علی ابی‌بکر و عمر

عن الصادق علیه‌السلام قال: لمّا قُبض رسول‌اللّه صلی الله علیه وآله و جلس ابوبکر مجلسه، بعث الی وکیل فاطمة علیهاالسلام فاخرجه من فدک الی ان ذکر شهادة علی علیه‌السلام و امّ‌ایمن فقال عمر: انت امرأة و لا نجیز شهادة امرأة وحدها، و امّا علی فیجرّ الی نفسه، قال: فقامت مغضبة و قالت:
اَللَّهُمَّ اِنَّهُما ظَلَما اِبْنَةَ مُحَمَّدٍ نَبِیِّکَ حَقَّها، فَاشْدُدْ وَ طْأَتَکَ عَلَیْهِما.
(44) دعای آن حضرت بر ابی‌بکر و عمر
روایت شده که آن حضرت پس از آنکه عمر و ابوبکر وکیل ایشان را از فدک- که سرزمینی بود که پیامبر به ایشان بخشیده بود- بیرون کردند و شهادت حضرت علی علیه‌السلام و امّ‌ایمن را در خصوص مالکیّت آنجا نپذیرفتند، ایشان فرمود:
پروردگارا! این دو نفر به حق دختر پیامبرت محمد تجاوز کرده، و او را مورد ستم و آزار قرار دادند، پس غضب خود را بر آنان شدّت بخش.

دعاؤها علیهما

عن جابر: لما قبض رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله دخل الیها رجلان من الصحابة،فقالا لها: کیف أصبحت یا بنت رسول‌اللّه.
قالت: اصدقانی، هل سمعتما من رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله: فاطمة بضعة منّی فمن آذاها فقد آذانی، قالا: نعم، واللّه لقد سمعنا ذلک منه، فرفعت یدیهاالی السماء و قالت:
اَللَّهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ اَنَّهُما قَدْ اذَیانی وَ غَصَبا حَقّی.
و فی روایة:
اَللَّهُمَّ اِنَّهُما قَدْ اذَیانی، فَاَنَا اَشْکُوهُما اِلَیْکَ وَ اِلی رَسُولِکَ، لا وَ اللَّهِ لا اَرْضی عَنْکُما اَبَداً حَتّی اَلْقی اَبی رَسُولَ‌اللَّهِ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِ وَ الِهِ، وَ اَخْبَرَهُ بِما صَنَعْتُما،، فَیَکُونُ هُوَ الْحاکِمُ فیکُما.

[صفحه 177]

(45) دعای آن حضرت بر آن دو نفر
از جابر نقل شده: هنگامی‌که پیامبر رحلت فرمود دو نفر از اصحاب نزد ایشان رفته و گفتند: ای دختر پیامبر حالت چگونه است؟ فرمود: راست بگوئید، آیا از پیامبر شنیدید که فرمود: فاطمه پاره تن من است هر که او را بیازارد مرا آزرده است، گفتند: آری بخدا سوگند از او شنیدیم که این سخن را می‌فرمود، آن حضرت دست خود رابلند کرد و فرمود:
پروردگارا! تو را شاهد می‌گیرم که این دو مرا آزار داده و حقّم را غصب کردند.
و در روایتی دیگر آمده است:
پروردگارا! این دو مرا آزار داده‌اند، و من از این دو نزد تو وپیامبرت شکایت می‌کنم، نه، سوگند به خدا که هرگز از شما راضی نمی‌شوم، تا پدرم پیامبر را دیدار کرده، و کارتان را به او گزارش دهم، تا اینکه او بین ما حاکم باشد.

[صفحه 178]

دعاؤها علیهما

قالت علیهاالسلام لهما: انشد کما بالله هل سمعتما النبی صلی الله علیه و آله یقول: فاطمة بضعة منی و انا منها، من آذاها فی حیاتی کان کمن آذاها بعد موتی؟ قالا: اللهم نعم، فقالت:
اَلْحَمْدُلِلّهِ، اَللَّهُمَّ اِنّی اُشْهِدُکَ فَاشْهَدُوا یا مَنْ حَضَرَنی اَنَّهُما قَدْ اذَیانی فی حَیاتی وَ عِنْدَ مَوْتی.
واللّه لا اکلّمهما من رأسی کلمة حتّی ألقی ربی، فاشکو کما الیه بما صنعتما بی و ارتکبتما منی.

[صفحه 179]

(46) دعای آن حضرت بر آن دو نفر
آن حضرت به آن دو نفر فرمود: شما را بخدا سوگند آیا شنیدید که پیامبر می‌فرمود: فاطمه پاره تن من است و من از اویم، هر که او را در حال حیاتم آزار دهد مانند کسی است که بعد از مرگم او را آزار دهد، گفتند: خدایا آری، فرمود:
سپاس خدای را سزاست، خداوندا تو را شاهد می‌گیرم، پس ای حاضرین شاهد باشید، که این دو در حال حیات و هنگام مرگم مرا آزار دادند.
بخدا سوگند با شما سخن نمی‌گویم تا بمیرم و شکایت شما را در مقابل اعمالی که انجام داده و مرتکب شده‌اید به او بنمایم.

[صفحه 181]

ادعیه‌ی آن حضرت در روز قیامت

اشاره

در روز قیامت برای برطرف شدن عذاب از دوستانش
در محشر برای شفاعت دوستانش
در محشر برای شفاعت دوستانش
در محشر برای بخشیده شدن گناهان شیعیانش
در روز قیامت بر قاتلین فرزندش و شفاعت دوستدارانش
در محشر بر علیه قاتلان امام حسین علیه‌السلام
در محشر بر علیه قاتلان امام حسین علیه‌السلام
در محشر بر علیه قاتلان فرزندش
در محشر برای شناخته شدن حقش
در قیامت برای شفاعت امت پدرش
هنگام داخل شدن به بهشت

دعاؤها فی یوم القیامة لدفع العذاب عن محبیها

روی عن محمد بن مسلم الثقفی انه قال: سمعت اباجعفر علیه‌السلام یقول: لفاطمة علیهاالسلام وقفة علی باب جهنّم، فاذا کان یوم القیامة کتب بین عینی کل رجل مؤمن او کافر، فیؤمر بمحبّ قد کثرت ذنوبه الی النار، فتقرء فاطمة علیهاالسلام بین عینیه محبّاً، فتقول:

اِلهی وَ سَیِّدی سَمَّیْتَنی فاطِمَةَ، وَ فَطَمْتَ بی مَنْ تَوَلاَّنی وَ تَوَلّی ذُرِّیَّتی مِنَ النّارِ، وَ وَعْدُکَ الْحَقُّ، وَ اَنْتَ لا تُخْلِفُ الْمیعادَ.

فیقول الله عز و جل: صدقت یا فاطمة، انی سمیتک فاطمة و فطمت بک من احبک و تولاک و احب ذریتک و تولاهم من النار، و وعدی الحق، و انا لا اخلف المیعاد- الی ان قال:- فمن قرأت بین عینیه مؤمناً، فخذی بیده و ادخلیه الجنة.

[صفحه 183]

(47) دعای آن حضرت در روز قیامت برای بر طرف شدن عذاب از دوستانش

از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که فرمود: حضرت فاطمه علیهاالسلام لحظه‌ای در کنار جهنم توقف می‌کند- در آن روز در پیشانی هر کس ایمان و کفر او نقش بسته است- فرمان داده می‌شود که مؤمنی که بسیار گناه کرده را به جهنم بیندازند، آن حضرت در پیشانی او محبت و دلبستگی او را بخاندان پیامبر می‌بیند، و می‌گوید:

ای پروردگار من و ای مولایم! مرا فاطمه نامیدی، و دوستدارانم و دوستداران فرزندانم را بوسیله من از آتش رهانیدی، و وعده تو حق است و تو خلف وعده نمی‌کنی.

آنگاه خداوند می‌فرماید: ای فاطمه راست گفتی، من تو را فاطمه نامیدم، و هر که تو را دوست داشته باشد و از تو پیروی کند، و فرزندانت را دوست داشته و از آنان پیروی نماید، را از آتش جهنم بازداشته‌ام، و وعده من حق است، ومن خلف وعده نمی‌کنم- تا آنجا که فرماید:- پس روی چهره هر که ایمان را دیدی، دست او را گرفته و داخل بهشت گردان.

[صفحه 184]

دعاؤها فی المحشر لشفاعة محبیها

روی أنّه إذا کان یوم القیامة یبعث الیها ملک، لم یبعث الی احد قبلها و لا یبعث الی احد بعدها، فیقول: ان ربک یقرؤک السّلام و یقول: سلینی أعطک، فتقول:
قَدْ اَتَمَّ نِعْمَتَهُ وَ هَنَّأَنی کَرامَتَهُ وَ اَباحَنی جَنَّتَهُ، اَسْاَلُهُ وُلْدی وَ ذُرِّیَّتی وَمَنْ وَدَّهُمْ.
و فی روایة:
قَدْ اَتَمَّ عَلَیَّ نِعْمَتَهُ، وَ اَباحَنی جَنَّتَهُ، وَ هَنَّاَنی کَرا مَتَهُ، وَ فَضَّلَنی عَلی نِساءِ خَلْقِهِ، اَسْاَلُهُ اَنْ یُشَفِّعَنی فی وُلْدی وَ ذُرِّیَّتی وَ مَنْ وَدَّهُمْ بَعْدی وَ حَفِظَهُمْ بَعْدی.
فیعطیها اللّه ذریّتها و ولدها و من ودّهم لها و حفظهم فیها، فتقول:
اَلْحَمْدُلِلّهِ الَّذی اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ وَ اَقَرَّ عَیْنی.

[صفحه 185]

(48) دعای آن حضرت در محشر برای شفاعت دوستانش
روایت شده: در روز قیامت فرشته‌ای بسوی آن حضرت می‌آید که نزد کسی قبل و بعد ایشان نرفته است، و می‌گوید: پروردگارت سلام رسانده و می‌گوید: بخواه تا عطا کنم، و حضرت فاطمه علیهاالسلام می‌فرماید:
نعمتش را بر من تمام کرده و کرامتش را گوارایم نمود، و بهشتش را به من ارزانی داشت، از او فرزندانم و نسلم و دوستان آنان را خواستارم.
و در روایتی اینگونه آمده است:
نعمتش را بر من تمام کرده و بهشتش را بر من ارزانی داشت، و کرامتش را گوارایم نمود، و مرا بر تمامی زنان برتری داد، از او می‌خواهم که مرا در مورد فرزندانم و نسلم و دوستان آنان شفیع قرار دهد.
و خداوند فرزندان و ذرّیه ایشان و دوستانشان و حفاظت آنان را به آن حضرت عطا کرده، آنگاه آن حضرت می‌فرماید:
سپاس خدای را سزاست که حزن و اندوه را از ما زدود، و چشمم را روشن کرد.

[صفحه 186]

دعاؤها فی المحشر لشفاعة محبیها

عن علی علیه‌السلام: دخل رسول‌اللّه صلی الله علیه وآله ذات یوم علی فاطمة علیهاالسلام و هی حزینة، فقال لها: ما حزنک یا بنیّة؟ قالت: یا ابت ذکرت المحشر و وقوف الناس عراة یوم القیامة، قال: یا بنیّة انه لیوم عظیم- الی ان قال:- ثم یقول جبرئیل: یا فاطمه سلی حاجتک؟ فتقولین:
یا رَبِّ اَرِنِی الْحَسَنَ وَ الْحُسَیْنَ.
فیأتیانک و اوداج الحسین علیه‌السلام تشخب دماً- الی ان قال:- ثم یقول جبرئیل:یا فاطمة سلی حاجتک، فتقول:
یا رَبِّ شیعَتی.
فیقول اللّٰه عز و جل: قد غفرت لهم، فتقولین:
یا رَبِّ شیعَةَ وُلْدی.
فیقول اللّٰه: قد غفرت لهم، فتقولین:
یا رَبِّ شیعَةَ شیعَتی.
فیقول اللّٰه: انطلقی فمن اعتصم بک فهو معک فی الجنّة.

[صفحه 187]

(49) دعای آن حضرت در محشر برای شفاعت دوستانش
از حضرت علی علیه السلام روایت شده: روزی پیامبر نزد فاطمه علیهاالسلام که محزون بود آمد و فرمود: دخترم از چه محزونی؟ فرمود: پدرم به یاد محشر و عریان بودن مردم در آن روز افتادم، فرمود: دخترم آن روز روز بزرگی است- تا آنجا که فرمود:- جبرئیل می‌گوید: ای فاطمه حاجتت را بگو، و می‌گوئی:
پروردگارا! حسن و حسین را به من نشان ده.
آنگاه آن دو نزد تو می‌آیند، در حالیکه از رگهای گردن امام حسین علیه‌السلام خون می‌ریزد- تا آنجا که فرمود:- آنگاه جبرئیل گوید: ای فاطمه حاجتت را بخواه، و تو می‌گوئی:
پروردگارا! شیعیانم.
و خداوند می‌فرماید: آنان را بخشیدم، و می‌گویی:
پروردگارا! شیعیان فرزندم.
و خداوند می فرماید: آنان را بخشیدم، و می‌گویی:
پروردگارا! شیعیان شیعیانم.
و خداوند می فرماید: برو، هر که به تو چنگ زند در بهشت است.

[صفحه 188]

دعاؤها فی المحشر لغفران ذنوب شیعتها

عن السجاد علیه‌السلام: اذا کان یوم القیامة نادی مناد: لاخوف علیکم الیوم و لاانتم تحزنون- الی ان قال:- ثم ینادی: هذه فاطمة علیهاالسلام بنت محمد صلی الله علیه وآله تمرّ بکم هی و من معها الی الجنة، ثم یرسل اللّه لها ملکاً فیقول: یا فاطمة سلینی حاجتک، فتقول:
یا رَبِّ حاجَتی اَنْ تَغْفِرَلی وَ لِمَنْ نَصَرَ وُلْدی.
(50) دعای آن حضرت در محشر برای بخشیده شدن گناهان شیعیانش
از امام سجاد علیه‌السلام روایت شده: در روز قیامت منادی ندا می‌کند: امروز بر شما حزن و اندوهی وجود ندارد- تا آنجا که فرمود:- سپس ندا می‌کند: این فاطمه دختر پیامبر است، او و هر که با اوست داخل بهشت می‌شود، سپس خداوند فرشته‌ای را می‌فرستد که ای فاطمه حاجتت رابگو، و می‌گویی:
پروردگار! حاجتم آنستکه مرا و یاوران فرزندم را ببخشی.

دعاؤها فی یوم القیامة علی قتلة ولدها و لشفاعة محبیها

عن الباقر علیه‌السلام قال: سمعت جابر بن عبداللّه الانصاری یقول: قال رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله: اذا کان یوم القیامة تقبل ابنتی فاطمة علی ناقة من نوق الجنة- الی ان قال:- فتسیر حتّی تحاذی عرش ربها جل جلاله، فتنزخ بنفسها عن ناقتها، و تقول:
اِلهی وَ سَیِّدی اُحْکُمْ بَیْنی وَ بَیْنَ مَنْ ظَلَمَنی، اَللَّهُمَّ احْکُمْ بَیْنی وَ بَیْن مَنْ قَتَلَ وَلَدی.
(51) دعای آن حضرت در روز قیامت بر قاتلین فرزندش و شفاعت دوستدارانش
امام باقر علیه‌السلام روایت شده که فرمود: از جابر بن عبداللّه انصاری شنیدم که می‌گفت: پیامبر فرمود: در روز قیامت حضرت فاطمه علیهاالسلام در پیشگاه عرش الهی قرار گرفته و گوید:
ای پروردگار من و ای آقایم! بین من و هر که بمن ظلم کرده حکم کن، پروردگارا بین من و قاتلین فرزندم حکم کن.

فاذا النداء من قبل اللّه جل جلاله: یا حبیبتی و ابنة حبیبی، سلینی تعطی و اشفعی تشفّعی، فو عزّتی و جلالی لا جازنی ظلم ظالم، فتقول:
الهی وَ سَیِّدی ذُرِّیَّتی وَ شیعَتی، وَ شیعَةَ ذُرِّیَّتی وَ مُحِبّی وَ مُحِبّی ذُرِّیَّتی.
فاذا النداء من قبل اللّه جل جلاله: این ذریة فاطمة و شیعتها و محبوها و محبوا ذریتها، فیقبلون و قد احاط بهم الرحمة، فتقدمهم فاطمة علیهاالسلام حتی تدخلهم الجنة.
آنگاه از جانب خدا ندا می‌آید: ای حبیبه من و دختر حبیب من، از من بخواه تا بتو بدهم، و شفاعت کن تا بپذیرم، سوگند به عزت و جلالم که ستم ستمگری از دید من پنهان نمی‌ماند، آنگاه آنحضرت می‌فرماید:
ای پروردگار من و ای آقایم! فرزندانم و شیعیانم، و شیعیان فرزندانم، و دوستدارانم و دوستداران فرزندانم را حفظ فرما.
در این هنگام از جانب خداوند ندا می‌آید: کجایند فرزندان فاطمه و شیعیان او، دوستداران او و دوستداران فرزندان او، آنگاه ایشان در حالیکه فرشتگان رحمت الهی پیشاپیش آنان قرار دارند به حرکت در می‌آیند، و فاطمه علیهاالسلام در جلوی آنان حرکت می‌کند، تا ایشان را به بهشت داخل گرداند.

[صفحه 191]

دعاؤها فی المحشر علی قتلة الحسین

عن علی علیه‌السلام، عن النبی صلی الله علیه و آله: اذا کان یوم القیامة نادی مناد من بطنان العرش: یا أهل القیامة اغمضوا أبصارکم لتجوز فاطمة بنت محمد صلی الله علیه و آله مع قمیص مخضوب بدم الحسین علیه‌السلام، فتحتوی علی ساق العرش فتقول:
اَنْتَ الْجَبَّارُ الْعَدْلُ، اِقْضِ بَیْنی وَ بَیْنَ مَنْ قَتَلَ وَلَدی.
فیقضی اللّه لبنتی و ربَّ الکعبة، ثم تقول:
اَللَّهُمَّ شَفِّعْنی فیمَنْ بَکی عَلی مُصیبَتِهِ.
فیشفّعها اللّه فیهم.
(52) دعای آن حضرت در محشر بر علیه قاتلان امام حسین علیه‌السلام
از حضرت علی علیه‌السلام روایت شده که پیامبر فرمودند: در روز قیامت منادی از عرش الهی ندا می‌کند: ای حاضران در محشر چشمهایتان را ببندید تا فاطمه دختر پیامبر همراه با پیراهن خون‌آلود امام حسین علیه‌السلام بگذرد، آنگاه آن حضرت بر ساق عرش الهی قرار گرفته و گوید:
تو نیرومند و عادلی، بین من و قاتلان فرزندم حکم نما.
سوگند به پروردگار کعبه که خداوند به سود دخترم حکم می‌کند، آنگاه می‌فرماید:
پروردگارا! مرا در مورد کسانیکه بر مصیبت فرزندم گریستند شفیع قرار ده. و خداوند او را شفیع آنان قرار می‌دهد.

عن الصادق علیه‌السلام: اذا کان یوم القیامة جمع اللّه الاولین و الآخرین فی صعید واحد- الی ان قال:- فتأتی فاطمة علیهاالسلام فتأخذ قمیص الحسین بن علی علیهماالسلام بیدها مضمخّا بدمه و تقول:
یا رَبِّ هذا قَمیصُ وَلَدی وَ قَدْ عَلِمْتَ ما صُنِعَ بِهِ.
فیأتیها النداء من قبل اللّه عزوجل: یا فاطمة لک عندی الرضا، فتقول:
یا رَبِّ اِنْتَصِرْ لی مِنْ قاتِلِهِ.
فیأمر اللّه تعالی عنقاً من النار، فتخرج من جهنم فتلتقط قتلة الحسین بن علی علیهماالسلام کما یلتقط الطیر الحب، ثم یعود العنق بهم الی النار، فیعذّبون فیها بانواع العذاب.

[صفحه 193]

(53) دعای آن حضرت در محشر بر قاتلان امام حسین علیه‌السلام
از امام صادق علیه‌السلام روایت شده: در روز قیامت خداوند تمامی آدمیان، از آغاز تاکنون را، در یک جا جمع می‌کند- تا آنجا که می‌گوید:- فاطمه علیهاالسلام آمده و لباس خون‌آلود امام حسین علیه‌السلام را بدست گرفته و گوید:
پروردگارا! این پیراهن فرزندم است و تو می‌دانی که در مورد آن چه عملی انجام داده‌اند.
آنگاه از جانب خدای بزرگ ندا می‌آید: ای فاطمه من از تو خشنودم، و آن حضرت میگوید:
پروردگارا! از قاتلانش انتقام گیر.
و خداوند دستور می‌دهد که گروهی را از آتش خارج سازند، قاتلان آن حضرت را از جهنم بیرون می‌آورند، همچنانکه پرندگان دانه بر می‌دارند، آنگاه آنان را به آتش برمی‌گردانند و در آن به انواع عذابها عذاب می‌کنند.

[صفحه 194]

دعاؤها فی المحشر علی قتلة ولدها

عن النبی صلی الله علیه و آله: تحشر ابنتی فاطمة علیهاالسلام یوم القیامة و معها ثیاب مصبوغة بالدماء، تتعلّق بقائمة من قوائم العرش، تقول:
یا عَدْلُ، اُحْکُمْ بَیْنی وَ بَیْنَ قاتِلِ وَلَدی.
و فی روایة:
یا عَدْلُ، یا جَبَّارُ، اُحْکُمْ بَیْنی وَ بَیْنَ قاتِلِ وَلَدی.
و فی روایة:
یا حَکَمُ، اُحْکُمْ بَیْنی وَ بَیْنَ قاتِلِ وَلَدی.
فیحکم الله لا بنتی و رب الکعبة.

[صفحه 195]

(54) دعای آن حضرت در محشر بر علیه قاتلان فرزندش
از پیامبر صلی الله علیه وآله روایت شده: دخترم فاطمه در روز قیامت محشور می‌شود در حالیکه لباسی خون‌آلود در دست دارد، به کنار عرش الهی آمده و گوید:
ای عادل، بین من و قاتل فرزندم حکم نما.
و در روایتی آمده:
ای عادل، ای نیرومند، بین من و قاتل فرزندم حکم نما.
و در روایتی آمده:
ای حاکم، بین من و قاتل فرزندم حکم کن.
و سوگند به پروردگار کعبه، که خداوند به سود فرزندم فاطمه علیهاالسلام حکم می‌کند.

[صفحه 196]

قال جابر لابی‌جعفر علیه‌السلام: جعلت فداک یابن رسول‌الله، حدثنی بحدیث فی فضل جدّتک فاطمة، إذا أنا حدّثت به الشیعة فرحوا بذلک- إلی أن قال علیه‌السلام:
فیقول الله تعالی: یا أهل الجمع إنّی قد جعلت الکرم لمحمّد و علی و الحسن و الحسین و فاطمة، یا أهل الجمع طأطؤوا الرؤوس و غضّوا الابصار، فانّ هذه فاطمة تسیر إلی الجنّة- إلی أن قال:
فاذا صارت عند باب الجنّة تلتفت، فیقول الله: یابنت حبیبی ما التفاتک و قد أمرت بک إلی جنتی، فتقول:
یا رَبِّ اَحْبَبْتُ اَنْ یُعْرَفَ قَدْری فی هذَا الْیَوْمِ.
فیقول اللّه: یا بنت حبیبی، إرجعی فانظری من کان فی قلبه حبّ لک أو لاحد من ذرّیتک، خذی بیده فادخلیه الجنّة.

[صفحه 197]

(55) دعای آن حضرت در روز قیامت برای شناخته شدن حقّش
روایت شده که جابر به امام باقر علیه‌السلام گفت: فدایت شوم ای پسر پیامبر، حدیثی از فضیلتهای جدّت فاطمه علیهاالسلام را برایم بازگو کن، که اگر آنرا به شیعیان بگویم خرسند شوند- تا آنجا که امام فرمود: خداوند می‌فرماید: ای اهل محشر من بزرگواری را برای محمد و علی و حسن و حسین و فاطمه: قرار دادم، ای اهل محشر سرهایتان را فرودآورده و چشمانتان را پائین اندازید، این فاطمه است که بسوی بهشت می‌رود- تا آنجا که فرمود:
آنگاه که ایشان به کنار در بهشت می‌رسند توقّف می‌کنند، خداوند می‌فرماید: ای دختر دوستم چرا توقف کردی در حالیکه دستور دادم که به بهشت روی، فرمود:
پروردگارا: دوست دارم ارزشم در این روز شناخته شود.
و خداوند می‌فرماید: ای دختر دوستم، بازگرد، در قلب هر کس محبت تو یا یکی از فرزندانت بود، دست او را بگیر و داخل بهشت گردان.

دعاؤها فی القیامة لشفاعة امة ابیها

روی انّ فی جملة ما اوصته الزّهرا علیهاالسلام الی علی علیه‌السلام: اذا دفنتنی ادفن معی هذا الکاغذ الّذی فی الحقه- الی ان قالت علیهاالسلام:- فرجع جبرئیل، ثم جاء بهذا الکتاب مکتوب فیه: شفاعة امة محمّد صداق فاطمة علیهاالسلام، فاذا کان یوم القیامة اقول:

اِلهی هذِهِ قَبالَةُ شَفاعَةِ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ الِهِ.

(56) دعای آن حضرت در روز قیامت برای شفاعت امت پدرش

روایت شده که در بین آنچه آن حضرت به همسرش وصیت کرد آن بود که: هنگامی که مرا دفن کردی کاغذی که در آن ظرف قرار دارد را همراه من دفن کن- تا آنجا که آن حضرت فرمود:- پس جبرئیل بازگشت، و این نوشته را آورد: شفاعت امت پیامبر مهر حضرت فاطمه علیهاالسلام است، پس در روز قیامت می‌گویم:

خداوندا! این قباله شفاعت امت پیامبر می‌باشد.

روی انّها علیهاالسلام لما دخلت الجنّة و نظرت الی ما اعدّ اللّه لها من الکرامة، قرأت:
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمنِ الرَّحِیم، الْحَمْدُلِلَّهِ الَّذی اَذْهَبَ عَنَّا الْحَزَنَ اِنَّ رَبَّنا لَغَفُورٌ شَکُورٌ، اَلَّذی اَحَلَّنا دارَالْمُقامَةِ مِنْ فَضْلِهِ، لایَمَسُّنا فیها نَصَبٌ وَ لا یَمَسُّنا فیها لُغُوبٌ.
فیوحی اللّه عز و جل الیه: یا فاطمة سلینی اعطک و تمنی علیّ ارضک، فقالت:
اِلهی اَنْتَ الْمُنی وَ فَوْقَ الْمُنی، اَسْأَلُکَ اَنْ لا تُعَذِّبَ مُحِبّی وَ مُحِبَّ عِتْرَتی بِالنَّارِ.
فیوحی اللّه عز و جل الیها: یا فاطمة و عزتی و جلالی و ارتفاع مکانی، لقد آلیت علی نفسی من قبل أن اخلق السماوات و الارض بالفی عام، أن لا اعذّب محبّیک و محبّی عترتک.

[صفحه 199]

(57) دعای آن حضرت هنگام داخل شدن به بهشت
روایت شده: هنگامی‌که آن حضرت داخل بهشت شده و به آنچه خداوند برای او آماده ساخته می‌نگرد، این آیه را می‌خواند:
بنام خداوند بخشنده مهربان، سپاس خداوندی را سزاست که حزن و اندوه را از ما زدود، بدرستیکه پروردگار ما آمرزنده و شکرگذار است، کسی که ما را از فضل خود در بهشت ساکن گردانید، که در آن رنج و تعبی بما نمی‌رسد.
در این هنگام خداوند به او وحی می‌کند: ای فاطمه از من بخواه تا به تو بدهم، و آرزویت را بگو تا تو را خشنود سازم، و آن حضرت گوید:
پروردگارا! تو آروزی من و بالاتر از آرزوی من هستی، از تو می‌خواهم که دوستدارانم و دوستداران فرزندانم را در آتش عذاب نکنی.
در این هنگام خداوند به او وحی می‌کند: ای فاطمه سوگند به عزت و جلالم و بلند مرتبه بودن جایگاهم، دو هزار سال قبل از آنکه آسمانها و زمین را خلق کنم، بر خود سوگند یاد کرده‌ام که دوستانت و دوستان خاندانت را به آتش جهنّم عذاب نکنم.

[صفحه 201]

ادعیه‌ی آن حضرت در امور متفرقه

اشاره

برای طلب نزول سفره‌ی آسمانی
در پناه بردن به خدا از غضب او و رسولش
در پناه بردن به خدا از کمی یاور
برای بخشیده شدن گناهان
در هنگام بیماری برای کسب رحمت الهی
در شب وفاتش برای طلب رحمت الهی
در هنگام بیماری، برای بخشش گناهان شیعیانشان
در طلب مرگ، بعد از آنکه بر ایشان ظلم واقع شد
برای تعجیل در وفاتش
در هنگام وفات
هنگام وفات، برای کسب رحمت الهی

دعاؤها لطلب نزول مائدة من السماء

روی عن ابن عباس فی حدیث طویل ان النبی صلی الله علیه وآله دخل علی فاطمة علیهاالسلام فنظر الی صفار وجهها و تغیّر حد قتیها، فقال لها: یا بنیّة، ما الذی اراه من صفار وجهک و تغیّر حدقتیک؟ فقالت: یا ابه انّ لنا ثلاثاً ما طعمنا طعاماً الی ان قال: ثم و ثبت حتّی دخلت الی مخدع لها فصفّت قدمیها فصلّت رکعتین، ثم رفعت باطن کفّیها الی السماء و قالت:
اِلهی وَ سَیِّدی هذا مُحَمَّدٌ نَبِیُّکَ، وَهذا عَلِیٌّ ابْنُ عَمِّ نَبِیِّکَ، وَ هذانِ الْحَسَنُ وَالْحُسَیْنُ سِبْطا نَبِیّکَ.
اِلهی اَنْزِلْ عَلَیْنا مائِدَةً مِنَ السَّماءِ کَما اَنْزَلْتَها عَلی بَنیاِسْرائیلَ، اَکَلُوا مِنْها وَ کَفَرُوا بِها، اَللّٰهُمَّ اَنْزِلْها عَلَیْنا فَاِنّا بِها مُؤْمِنُونَ.
و فی روایة:
اَللّٰهُمَّ اِنَّ فاطِمَةَ بِنْتَ نَبِیِّکَ قَدْ اَضَرَّبِهَا الْجُوعُ، وَ هذا عَلِیُّ بْنُ اَبیطالِبٍ اِبْنُ عَمِّ نَبِیِّکَ قَدْ اَضَرَّ بِهِ الْجُوعُ، فَاَنْزِلِ اللّٰهُمَّ عَلَیْنا مائِدَةً مِنَ السَّماءِ کَما اَنْزَلْتَها عَلی بَنیاِسْرائیلَ فَکَفَروُا وَ اِنّا مُؤْمِنُونَ.
قال ابن عباس: واللّه ما استتمّت الدعوة، فاذا هی بصحفة من ورائها- الخبر.

[صفحه 203]

(58) دعای آن حضرت برای طلب نزول سفره آسمانی
روایت شده که روزی پیامبر بر آن حضرت وارد شد و دید چهره ایشان زرد شده است،پیامبر اکرم از علّت آن جویا شد، فرمودند: سه روز است که غذا نخورده‌ایم، حضرت فاطمه علیهاالسلام آنگاه به اتاقی رفته و دو رکعت نماز گذارد و دستها را بلند کرده و فرمود:
ای پروردگار من و ای مولای من! این محمد پیامبر تو، این علی پسر عموی پیامبرت، این دو حسن و حسین دو نوه پیامبرت می‌باشند.
پروردگارا! همچنانکه برای بنی‌اسرائیل از آسمان غذا نازل فرمودی، برای ما نیز غذا نازل فرما، اگر بنی‌اسرائیل غذا را خورده و بدان کافر شدند، خداوندا غذا را برای ما نازل فرما، چرا که ما بدان ایمان داریم.
و در روایتی آمده:
پروردگارا! به فاطمه دختر پیامبرت گرسنگی فشار آورده، و به علی بن ابی‌طالب پسر عموی پیامبرت گرسنگی فشار آورده، پس برای ما غذائی از آسمان بفرست، همچنانکه بر بنی‌اسرائیل فرستادی، آنان به تو کافر شدند، و مابه تو ایمان داریم

ابن عباس گوید، بخدای سوگند که دعای ایشان تمام نشده بود که سفره‌ای در پشت آن حضرت قرار گرفت- تا آخر حدیث

[صفحه 204]

دعاؤها فی التعویذ من سخط الله و رسوله

اَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ سَخَطِ اللَّهِ وَ سَخَطِ رَسُولِهِ.

(59) دعای آن حضرت در پناه بردن به خدا از غضب او و رسولش

پناه می‌برم به خدا از غضب او و غضب پیامبرش

اَعُوذُ بِکَ یا رَبِّ مِنَ الْحَوْرِ بَعْدَ الْکَوْرِ.
(60) دعای آن حضرت در کمی یاور
پروردگارا بتو پناه می‌برم از کمی یاران پس از پیروزی و فراوانی آنها.

روی عنها علیهاالسلام انها قالت: علّمنی رسول‌الله صلی الله علیه و آله صلاة لیلة الاربعاء، فقال: من صلّی ست رکعات، یقرء فی کل رکعة الحمد و «قل اللهم مالک الملک توتی الملک من تشاء- الی قوله:- بغیر حساب» [8] ، فاذا فرغ من صلاته قال:
جزی الله محمدا ما هو اهله.
غفر الله له کل ذنب الی سبعین سنه و عطاه من الثواب ما لا یحصی.
(61) دعای آن حضرت برای بخشیده شدن گناهان
از آن حضرت روایت شده که فرمود: پیامبر نماز شب چهارشنبه را به من -تعلیم داد و فرمود: هر که شش رکعت نماز بگذارد، در هر رکعت حمد، و «بگو خداوند صاحب اختیار جهان است، به هر که بخواهد می‌دهد- تا آنجا که فرمود:- بدون حساب» را بخواند، و بعد از نماز بگوید:
خداوند پیامبر را آنگونه که شایسته اوست پاداش دهد.
خداوند گناهانش را تا هفتاد سال می‌آمرزد، و ثواب بسیاری را به او می‌دهد.

دعاؤها فی شکواها لطلب الرحمة من الله تعالی

عن الباقر علیه‌السلام قال: ان فاطمة بنت رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله مکثت بعد رسول‌اللّه ستین یوماً، ثم مرضت فاشتدّت علیها، فکان من دعائها فی شکواها:
یا حَیُّ یا قَیُّومُ، بِرَحْمَتِکَ اَسْتَغیثُ فَاَغِثْنی، اَللَّهُمَّ زَحْزِحْنی عَنِ النَّارِ، وَ اَدْخِلْنیِ الْجَنَّةَ، وَ اَلْحِقْنی بِاَبی مُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْه وَ الِهِ.

[صفحه 207]

(62) دعای آن حضرت در هنگام بیماری برای کسب رحمت الهی
از امام باقر علیه‌السلام روایت شده که فرمود: فاطمه علیه‌السلام دختر پیامبر، بعد از پدرش شصت روز زندگی کرد، آنگاه ایشان بیمار شد و بیماری آن حضرت شدت یافت، از جمله دعاهای ایشان در هنگام بیماریش این دعا بود که فرمود: ای زنده، ای پایدار، به رحمتت پناه آورده‌ام، مرا پناه ده، خداوندا مرا از آتش دور دار و به بهشت وارد ساز، و مرا به پدرم محمد- که درود تو بر او و خاندانش باد- ملحق ساز، و در خانه امنت بهشت مرا ساکن گردان.

[صفحه 208]

روی عن علی علیه‌السلام انه قال: فلمّا کانت اللیلة التی اراد الّله ان یکرمها و یقبضها الیه اقبلت تقول: و علیکم السلام، و هی تقول لی: یابن عم قد اتانی جبرئیل مسلّماً- الی ان قال:- فسمعناها تقول: و علیک السلام یا قابض الارواح، عجّل بی و لا تعذبنی، ثم سمعناها تقول:
اِلَیْکَ رَبّی، لا اِلَی النَّارِ.
ثم غمضت عینیها و مدّت یدیها و رجلیها، کأنّها لم تکن حیة قط.
(63) دعای آنحضرت در شب وفاتش برای طلب رحمت الهی
از حضرت علی علیه‌السلام روایت شده: در شبی که حضرت فاطمه علیهاالسلام به لقاءالله پیوست و خداوند او را بسوی خود فراخواند، گفت: و سلام بر شما، و بمن گفت: پسر عمویم جبرئیل سلام گویان نزد من آمد- تا آنجا که فرمود:- شنیدیم که گفت: و بر تو سلام باد ای گیرنده روحها، جان مرا سریعتر بگیر و مرا آزار مده، آنگاه شنیدیم که گفت:
پروردگارم بسوی تو می‌آیم، نه بسوی آتش و عذابت.
آنگاه چشمهایش را بر هم نهاد و دستها و پاهایش را دراز کرد، گویا هرگز زنده نبوده است.

دعاؤها فی شکواها، لغفران ذنوب شیعتهم

عن اسماء بنت عمیس: رأیتها علیهاالسلام فی مرضها جالسة الی القبلة، رافعة یدیها الی السماء، قائلة:
اِلهی وَ سَیِّدی اَسْاَلُکَ بِالَّذینَ اصْطَفَیْتَهُمْ، وَ بِبُکاءِ وَلَدی فی مُفارَقَتی، اَنْ تَغْفِرَ لِعُصاةِ شیعَتی وَ شیعَةِ ذُرِّیَّتی.
(64) دعای آن حضرت در هنگام بیماری برای بخشش گناهان شیعیانشان
از اسماء بنت عمیس روایت شده: در زمانی که آن حضرت بیمار بود دیدم که رو به قبله نشسته و دستها را بسوی آسمان بلند کرده و می‌گفت:
پروردگارا و معبودا! تو را سوگند میدهم به آنانکه ایشانرا برگزیدی، و تو را سوگند میدهم به گریستن فرزندانم در فراق من، که گناهکاران شیعیانم و شیعیان فرزندانم را بیامرزی.

[صفحه 210]

دعاؤها لطلب الموت لما وقع عليها من الظلم

يا رَبِّ اِنّی قَدْ سَئِمْتُ الْحَیاةَ، وَ تَبَرَّمْتُ بِاَهْلِ الدُّنْیا، فَاَلْحِقْنی بِاَبی.
(65) دعای آن حضرت در طلب مرگ، بعد از آنکه بر ایشان ظلم واقع شد
پروردگارا! از زندگی دنیا خسته شده و از اهل آن بیزار گشته‌ام، پس مرا به پدرم ملحق نما.

دعاؤها لتعجيل وفاتها

يا اِلهی عَجِّلْ وَفاتی سَریعاً، فَلَقَدْ تَنَغَّصَتِ الْحَیاةُ.
(66) دعای آن حضرت برای تعجیل در وفاتش
بارالها! لحظه مرگم را زودتر برسان که زندگی برایم تنگ گردیده است.

دعاؤها عند وفاتها

اَللَّهُمَّ اِنّی اَسْاَلُکَ بِمُحَمَّدٍ الْمُصْطَفی وَ شَوْقِهِ اِلَیَّ، وَ بِبَعْلی عَلِیٍّ الْمُرْتَضی وَ حُزْنِهِ عَلَیَّ، وَ بِالْحَسَنِ الْمُجْتَبی وَ بُکائِهِ عَلَیَّ، وَ بِالْحُسَیْنِ الشَّهیدِ وَ کَآبَتِهِ عَلَیَّ، وَ بِبَناتِیَ الْفاطِمِیّاتِ وَ تَحَسُّرِهِنَّ عَلَیَّ، اَنَّکَ تَرْحَمُ وَ تَغْفِرُ لِلْعُصاةِ مِنْ اُمَّةِ مُحَمَّدٍ وَ تُدْخِلُهُمْ الْجَنَّةَ، اِنَّکَ اَکْرَمُ الْمَسْؤُولِینَ، وَ اَرْحَمُ الرّاحِمینَ.
(67) دعای آن حضرت در هنگام وفات
خداوندا! از تو می‌خواهم بحق محمد مصطفی و شوق او بمن، و به شوهرم علی مرتضی و حزن او بر من، و به حسن مجتبی و گریه او بر من، و به حسین شهید و اندوهش بر من، و به فرزندانم و حسرت خوردنشان بر من، که گناهکاران امت پیامبر را بخشیده و برآنان رحم نموده، و داخل بهشت نمائی، تو بزرگوارترین سؤال شده و مهربانترین مهربانانی.

روی عن عبداللّه بن الحسن، عن ابیه، عن جده علیه‌السلام انّ فاطمة بنت رسول اللّه صلی الله علیه وآله لمّا احتضرت نظرت نظراً حادّاً، ثم قالت:
اَلسَّلامُ عَلی جَبْرَئیلَ، اَلسَّلامُ عَلی رَسُولِ‌اللَّهِ، اَللَّهُمَّ مَعَ رَسُولِکَ، اَللَّهُمَّ فی رِضْوانِکَ وَ جِوارِکَ وَ دارِکَ دارِالسَّلامِ.
ثم قالت: اترون ما رای، فقیل لها: ما تری؟ قالت: هذه مواکب اهل السماوات، و هذا جبرئیل و هذا رسول‌الله و یقول: یا بنیّة اقدمی، فما امامک خیر لک.

[صفحه 213]

(68) دعای آن حضرت هنگام وفات، برای کسب رحمت الهی
روایت شده که آن حضرت هنگام احتضار به جانبی توجه کرده و فرمودند:
سلام بر جبرئیل، سلام بر رسول خدا، پروردگارا مرا همراه پیامبرت قرار ده، پروردگارا در رضوان تو و همسایگی تو و در خانه امنت بهشت مرا ساکن گردان.
آنگاه فرمود: آیا آنچه من می‌بینم را شما نیز می‌بینید، به ایشان گفته شد:چه‌می‌بینی؟ فرمود: اینها دسته‌هایی از اهل آسمان می‌باشند، و این جبرئیل، و این پیامبر است که‌می‌فرماید: دخترم بیا، آنچه در پیش روی توست برای تو بهتر است

[صفحه 215]

خطبه‌های آن حضرت بعد از غصب فدک

اشاره

در بیماریش برای زنان مهاجرین و انصار
برای مردمی که حق شوهرش را غصب کردند

[صفحه 216]

خطبتها بعد غصب الفدک

روی انّه لمّا أجمع أبوبکر و عمر علی منع فاطمة علیهاالسلام فدکاً و بلغها ذلک،لاثت خمارها علی رأسها، و اشتملت بجلبابها، و أقبلت فی لِمّة من حفدتها و نساء قومها، تطأ ذیولها، ما تخرم مشیتها مشیة رسول‌اللَّه صلی الله علیه و آله،حتّی دخلت علی أبی‌بکر، و هو فی حشد من المهاجرین و الانصار و غیر هم، فنیطت دونها ملاءة فجلست، ثم أنّت أنّة أجهش القوم لها بالبکاء، فارتجّ المجلس، ثم أمهلت هنیئة.
حتّی اذا سکن نشیج القوم و هدأت فورتهم، افتتحت الکلام بحمداللَّه و الثناء علیه و الصلاة علی رسوله، فعاد القوم فی بکائهم، فلمّا أمسکوا عادت فی کلامها فقالت علیهاالسلام:
اَلْحَمْدُلِلَّهِ عَلی ما اَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّکْرُ عَلی ما اَلْهَمَ، وَ الثَّناءُ بِما قَدَّمَ، مِنْ عُمُومِ نِعَمٍ اِبْتَدَاَها، وَ سُبُوغِ الاءٍ اَسْداها، وَ تَمامِ مِنَنٍ اَوْلاها، جَمَّ عَنِ الْاِحْصاءِ عَدَدُها، وَ نَأی عَنِ الْجَزاءِ اَمَدُها، وَ تَفاوَتَ عَنِ الْاِدْراکِ اَبَدُها، وَ نَدَبَهُمْ لاِسْتِزادَتِها بِالشُّکْرِ لاِتِّصالِها، وَ اسْتَحْمَدَ اِلَی الْخَلائِقِ بِاِجْزالِها، وَ ثَنی بِالنَّدْبِ اِلی اَمْثالِها.

[صفحه 217]

(1) خطبه آن حضرت بعد از غصب فدک
روایت شده: هنگامی که ابوبکر و عمر تصمیم گرفتند فدک را از حضرت فاطمه علیهاالسلام بگیرند و این خبر به ایشان رسید، لباس بتن کرده و چادر بر سر نهاد، و با گروهی از زنان فامیل و خدمتکاران خود بسوی مسجد روانه شد، در حالیکه چادرش به زمین کشیده می‌شد، و راه رفتن او همانند راه رفتن پیامبر خدا بود، بر ابوبکر که در میان عده‌ای از مهاجرین و انصار و غیر آنان نشسته بود وارد شد، در این هنگام بین او و دیگران پرده‌ای آویختند، آنگاه ناله‌ای جانسوز از دل برآورد که همه مردم بگریه افتادند و مجلس و مسجد بسختی به جنبش درآمد.
سپس لحظه‌ای سکوت کرد تا همهمه مردم خاموش و گریه آنان ساکت شد و جوش و خروش ایشان آرام یافت، آنگاه کلامش را با حمد و ثنای الهی آغاز فرمود و درود بر رسول خدا فرستاد، در اینجا دوباره صدای گریه مردم برخاست، وقتی سکوت برقرار شد، کلام خویش را دنبال کرد و فرمود:
حمد و سپاس خدای را برآنچه ارزانی داشت، و شکر او را در آنچه الهام فرمود، و ثنا و شکر براو برآنچه پیش فرستاد، از نعمتهای فراوانی که خلق

فرمود و عطایای گسترده‌ای که اعطا کرد، و منّتهای بی‌شماری که ارزانی داشت، که شمارش از شمردن آنها عاجز، و نهایت آن از پاداش فراتر، و دامنه آن تا ابد از ادراک دورتر است، و مردمان را فراخواند، تا با شکرگذاری آنها نعمتها را زیاده گرداند، و با گستردگی آنها مردم را به سپاسگزاری خود متوجّه ساخت، و با دعوت نمودن به این نعمتها آنها را دو چندان کرد.

[صفحه 218]

وَ اَشْهَدُ اَنْ لا اِلهَ اِلاَّ اللَّهُ وَحْدَهُ لا شَریکَ لَهُ، کَلِمَةٌ جَعَلَ الْاِخْلاصَ تَأْویلَها، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَها، وَ اَنارَ فِی التَّفَکُّرِ مَعْقُولَها، الْمُمْتَنِعُ عَنِ الْاَبْصارِ رُؤْیَتُهُ، وَ مِنَ الْاَلْسُنِ صِفَتُهُ، وَ مِنَ الْاَوْهامِ کَیْفِیَّتُهُ.
اِبْتَدَعَ الْاَشْیاءَ لا مِنْ شَیْ‌ءٍ کانَ قَبْلَها، وَ اَنْشَاَها بِلااَحْتِذاءِ اَمْثِلَةٍ اِمْتَثَلَها، کَوَّنَها بِقُدْرَتِهِ وَ ذَرَأَها بِمَشِیَّتِهِ، مِنْ غَیْرِ حاجَةٍ مِنْهُ اِلی تَکْوینِها، وَ لا فائِدَةٍ لَهُ فی تَصْویرِها، اِلاَّ تَثْبیتاً لِحِکْمَتِهِ وَ تَنْبیهاً عَلی طاعَتِهِ، وَ اِظْهاراً لِقُدْرَتِهِ وَ تَعَبُّداً لِبَرِیَّتِهِ، وَ اِعْزازاً لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوابَ عَلی طاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقابَ عَلی مَعْصِیَتِهِ، ذِیادَةً لِعِبادِهِ مِنْ نِقْمَتِهِ وَ حِیاشَةً لَهُمْ اِلی جَنَّتِهِ.
وَ اَشْهَدُ اَنَّ اَبی‌مُحَمَّداً عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اِخْتارَهُ قَبْلَ اَنْ اَرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ اَنْ اِجْتَباهُ، وَ اصْطَفاهُ قَبْلَ اَنْ اِبْتَعَثَهُ، اِذِ الْخَلائِقُ بِالْغَیْبِ مَکْنُونَةٌ، وَ بِسَتْرِ الْاَهاویلِ مَصُونَةٌ، وَ بِنِهایَةِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عِلْماً مِنَ اللَّهِ تَعالی بِمائِلِ الْاُمُورِ، وَ اِحاطَةً بِحَوادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَواقِعِ الْاُمُورِ.

[صفحه 219]

و گواهی می‌دهم که معبودی جز خداوند نیست و شریکی ندارد، که این امر بزرگی است که اخلاص را تأویل آن و قلوب را متضمّن وصل آن ساخت، و در پیشگاه تفکر و اندیشه شناخت آنرا آسان نمود، خداوندی که چشم‌ها از دیدنش بازمانده، و زبانها از وصفش ناتوان، و اوهام و خیالات از درک او عاجز می‌باشند.
موجودات را خلق فرمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شوند، و آنها را پدید آورد بدون آنکه از قالبی تبعیّت کنند، آنها را به قدرت خویش ایجاد و به مشیّتش پدید آورد، بی‌آنکه در ساختن آنها نیازی داشته و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش، واظهار قدرت خود،و شناسائی راه عبودیت و گرامی داشت دعوتش، آنگاه بر طاعتش پاداش و بر معصیتش عقاب مقرر داشت، تا بندگانش را از نقمتش بازدارد و آنان را بسوی بهشتش رهنمون گردد.

و گواهی می‌دهم که پدرم محمّد بنده و فرستاده اوست، که قبل از فرستاده شدن او را انتخاب، و قبل از برگزیدن نام پیامبری بر او نهاد، و قبل از مبعوث شدن او را برانگیخت، آن هنگام که مخلوقات در حجاب غیبت بوده، و در نهایت تاریکی‌ها بسر برده، و در سر حد عدم و نیستی قرار داشتند، او را برانگیخت بخاطر علمش به عواقب کارها، و احاطه‌اش به حوادث زمان، و شناسائی کاملش به وقوع مقدّرات.

[صفحه 220]

اِبْتَعَثَهُ اللَّهُ اِتْماماً لِاَمْرِهِ، وَ عَزيمَةً عَلى اِمْضاءِ حُكْمِهِ، وَ اِنْفاذاً لِمَقاديرِ رَحْمَتِهِ، فَرَأَى الْاُمَمَ فِرَقاً فى اَدْيانِها، عُكَّفاً عَلى نيرانِها، عابِدَةً لِاَوْثانِها، مُنْكِرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفانِها.
فَاَنارَ اللَّهُ بِاَبى‌مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ و الِهِ ظُلَمَها، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهَمَها، وَ جَلى عَنِ الْاَبْصارِ غُمَمَها، وَ قامَ فِى النَّاسِ بِالْهِدايَةِ، فَاَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغِوايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعِمايَةِ، وَ هَداهُمْ اِلَى الدّينِ الْقَويمِ، وَ دَعاهُمْ اِلَى الطَّريقِ الْمُسْتَقيمِ.
ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ اِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيارٍ، وَ رَغْبَةٍ وَ ايثارٍ، فَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ و الِهِ مِنْ تَعَبِ هذِهِ الدَّارِ في راحَةٍ، قَدْ حُفَّ بِالْمَلائِكَةِ الْاَبْرارِ وَ رِضْوانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ مُجاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلى أَبى نَبِيِّهِ وَ آمينِهِ وَ خِيَرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ صَفِيِّهِ، وَ السَّلامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُاللَّهِ وَ بَرَكاتُهُ.
ثم التفت الى اهل المجلس و قالت:
اَنْتُمْ عِبادَ اللَّهِ نُصُبُ اَمْرِهِ وَ نَهْيِهِ، وَ حَمَلَةُ دينِهِ وَ وَحْيِهِ، وَ اُمَناءُ اللَّهِ عَلى اَنْفُسِكُمْ، وَ بُلَغاؤُهُ اِلَى الْاُمَمِ، زَعيمُ حَقٍّ لَهُ

[صفحه 221]

او را برانگیخت تا امرش را کامل و حکم قطعی‌اش را امضا و مقدّراتش را اجرا نماید، و آن حضرت امّتها را دید که در آئینهای مختلفی قرار داشته، و در پیشگاه آتشهای افروخته معتکف و بت‌های تراشیده شده را پرستنده، و خداوندی که شناخت آن در فطرتشان قرار دارد را منکرند.
پس خدای بزرگ بوسیله پدرم محمد صلی الله علیه و آله تاریکی‌های آنرا روشن، و مشکلات قلبها را برطرف، و موانع رؤیت دیده‌ها را از میان برداشت، و با هدایت در میان مردم قیام کرده و آنان را از گمراهی رهانید، و بینایشان کرده،وایشان را به دین استوار و محکم رهنمون شده، و به راه راست دعوت نمود.
تا هنگامی که خداوند او را بسوی خود فراخواند، فراخواندنی از روی

مهربانی و آزادی و رغبت و میل، پس آن حضرت از رنج این دنیا در آسایش بوده، و فرشتگان نیکوکار در گرداگرد او قرار داشته، و خشنودی پروردگار آمرزنده او را فراگرفته، و در جوار رحمت او قرار دارد، پس درود خدا بر پدرم، پیامبر و امینش و بهترین خلق و برگزیده‌اش باد، و سلام و رحمت و برکات الهی براو باد.
آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود:
شما ای بندگان خدا پرچمداران امر و نهی او، و حاملان دین و وحی او، و امینهای خدا بر یکدیگر، و مبلّغان او بسوی امّتهایید، زمامدار حق در میان

[صفحه 222]

فیکُمْ، وَ عَهْدٍ قَدَّمَهُ اِلَیْکُمْ، وَ بَقِیَّةٍ اِسْتَخْلَفَها عَلَیْکُمْ: کِتابُ اللَّهِ النَّاطِقُ وَ الْقُرْانُ الصَّادِقُ، وِ النُّورُ السَّاطِعُ وَ الضِّیاءُ اللاَّمِعُ، بَیِّنَةً بَصائِرُهُ، مُنْکَشِفَةً سَرائِرُهُ، مُنْجَلِیَةً ظَواهِرُهُ، مُغْتَبِطَةً بِهِ اَشْیاعُهُ، قائِداً اِلَی الرِّضْوانِ اِتِّباعُهُ، مُؤَدٍّ اِلَی النَّجاةِ اِسْتِماعُهُ.
بِهِ تُنالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَ مَحارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَ بَیِّناتُهُ الْجالِیَةُ، وَ بَراهینُهُ الْکافِیَةُ، وَ فَضائِلُهُ الْمَنْدُوبَةُ، وَ رُخَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَ شَرائِعُهُ الْمَکْتُوبَةُ.
فَجَعَلَ اللَّهُ الْایمانَ تَطْهیراً لَکُمْ مِنَ الشِّرْکِ، وَ الصَّلاةَ تَنْزیهاً لَکُمْ عَنِ الْکِبْرِ، وَ الزَّکاةَ تَزْکِیَةً لِلنَّفْسِ وَ نِماءً فِی الرِّزْقِ، وَ الصِّیامَ تَثْبیتاً لِلْاِخْلاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْییداً لِلدّینِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسیقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طاعَتَنا نِظاماً لِلْمِلَّةِ، وَ اِمامَتَنا اَماناً لِلْفُرْقَةِ، وَ الْجِهادَ عِزّاً لِلْاِسْلامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَی اسْتیجابِ الْاَجْرِ.
وَ الْاَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعامَّةِ، وَ بِرَّ الْوالِدَیْنِ وِقایَةً مِنَ السَّخَطِ، وَ صِلَةَ الْاَرْحامِ مَنْساءً فِی الْعُمْرِ وَ مَنْماةً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصاصَ حِقْناً لِلدِّماءِ، وَ الْوَفاءَ بِالنَّذْرِ تَعْریضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِیَةَ الْمَکائیلِ وَ الْمَوازینِ تَغْییراً لِلْبَخْسِ.

[صفحه 223]

شما بوده، و پیمانی است که از پیشاپیش بسوی تو فرستاده، و باقیمانده‌ای است که برای شما باقی گذارده، و آن کتاب گویای الهی و قرآن راستگو و نور فروزان و شعاع درخشان است، که بیان و حجّتهای آن روشن، اسرار باطنی آن آشکار، ظواهر آن جلوه‌گر می‌باشد، پیروان آن مورد غبطه جهانیان بوده، وتبعیّت از او خشنودی الهی را باعث می‌گردد، و شنیدن آن راه نجات است. بوسیله آن می‌توان به حجّتهای نورانی الهی، و واجباتی که تفسیر شده، و محرّماتی که از ارتکاب آن منع گردیده، و نیز به گواهیهای جلوه‌گرش وبرهانهای کافیش و فضائل پسندیده‌اش، و رخصتهای

بخشیده شده‌اش و قوانین واجبش دست یافت.
پس خدای بزرگ ایمان را برای پاک کردن شما از شرک، و نماز را برای پاک نمودن شما از تکبّر، و زکات را برای تزکیه نفس و افزایش روزی، و روزه را برای تثبیت اخلاص، و حج را برای استحکام دین، و عدالت‌ورزی را برای التیام قلبها، و اطاعت ما خاندان را برای نظم یافتن ملتها، و امامتمان را برای رهایی از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای کمک در بدست آوردن پاداش قرار داد.

[صفحه 224]

وَ النَّهْىَ عَنْ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزیهاً عَنِ الرِّجْسِ، وَ اجْتِنابَ الْقَذْفِ حِجاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْکَ السِّرْقَةِ ایجاباً لِلْعِصْمَةِ، وَ حَرَّمَ اللَّهُ الشِّرْکَ اِخْلاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِیَّةِ.
فَاتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقاتِهِ، وَ لا تَمُوتُنَّ اِلاَّ وَ اَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ اَطیعُوا اللَّهَ فیما اَمَرَکُمْ بِهِ وَ نَهاکُمْ عَنْهُ، فَاِنَّهُ اِنَّما یَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبادِهِ الْعُلَماءُ.
ثم قالت:
اَیُّهَا النَّاسُ! اِعْلَمُوا اَنّى فاطِمَةُ وَ اَبى‌مُحَمَّدٌ، اَقُولُ عَوْداً وَ بَدْءاً، وَ لا اَقُولُ ما اَقُولُ غَلَطاً، وَ لا اَفْعَلُ ما اَفْعَلُ شَطَطاً، لَقَدْ جاءَکُمْ رَسُولٌ مِنْ اَنْفُسِکُمْ عَزیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ حَریصٌ عَلَیْکُمْ بِالْمُؤْمِنینَ رَؤُوفٌ رَحیمٌ.
فَاِنْ تَعْزُوهُ وَتَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ اَبى دُونَ نِسائِکُمْ،وَ اَخَا ابْنِ عَمّى دُونَ رِجالِکُمْ، وَ لَنِعْمَ الْمَعْزِىُّ اِلَیْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ.
فَبَلَّغَ الرِّسالَةَ صادِعاً بِالنَّذارَةِ، مائِلاً عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِکینَ، ضارِباً ثَبَجَهُمْ، اخِذاً بِاَکْظامِهِمْ، داعِیاً اِلى سَبیلِ رَبِّهِ بِالْحِکْمَةِ و الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، یَجُفُّ الْاَصْنامَ وَ یَنْکُثُ الْهامَّ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ وَ لُّوُا الدُّبُرَ.

[صفحه 225]

و امر به معروف را برای مصلحت جامعه،و نیکی به پدر و مادر را برای رهایی از غضب الهی، وصله ارحام رابرای طولانی شدن عمر وافزایش جمعیت، و قصاص را وسیله حفظ خونها، و وفای به نذر را برای در معرض مغفرت الهی قرار گرفتن، و دقت در کیل و وزن را برای رفع کم‌فروشی مقرر فرمود.
و نهی از شرابخواری را برای پاکیزگی از زشتی، و حرمت نسبت ناروا دادن را برای عدم دوری از رحمت الهی، و ترک دزدی را برای پاکدامنی قرار داد، و شرک را حرام کرد تا در یگانه‌پرستی خالص شوند.
پس آن گونه که شایسته است از خدا بترسید، و از دنیا نروید جز آنکه

مسلمان باشید، و خدا را در آنچه بدان امر کرده و از آن بازداشته اطاعت نمائید، همانا که فقط دانشمندان از خاک می‌ترسند.
آنگاه فرمود:
ای مردم! بدانید که من فاطمه و پدرم محمد است، آنچه ابتدا گویم در پایان نیز می‌گویم، گفتارم غلط نبوده و ظلمی در آن نیست، پیامبری از میان شما برانگیخته شد که رنجهای شما بر او گران آمده و دلسوز بر شما است، و بر مؤمنان مهربان و عطوف است.
پس اگر او را بشناسید می‌دانید که او در میان زنانتان پدر من بوده، و در میان مردانتان برادر پسر عموی من است، چه نیکو بزرگواری است آنکه من این نسبت را به او دارم.
رسالت خود را با انذار انجام داد، از پرتگاه مشرکان کناره‌گیری کرده، شمشیر بر فرقشان نواخت، گلویشانرا گرفته و با حکمت و پند واندرز نیکو بسوی پروردگارشان دعوت نمود، بتها را نابود ساخته، و سر کینه‌توزان را می‌شکند، تا جمعشان منهزم شده و از میدان گریختند.

[صفحه 226]

حَتَّی تَفَرَّی اللَّیْلُ عَنْ صُبْحِهِ، وَ اَسْفَرَ الْحَقُّ عَنْ مَحْضِهِ، و نَطَقَ زَعیمُ‌الدّینِ، وَ خَرَسَتْ شَقاشِقُ الشَّیاطینِ، وَ طاحَ وَ شیظُ النِّفاقِ، وَ انْحَلَّتْ عُقَدُ الْکُفْرِ وَ الشِّقاقِ، وَ فُهْتُمْ بِکَلِمَةِ الْاِخْلاصِ فی نَفَرٍ مِنَ الْبیضِ الْخِماصِ.
وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذْقَةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قُبْسَةَ الْعِجْلانِ، وَ مَوْطِیءَ الْاَقْدامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتاتُونَ الْقِدَّ، اَذِلَّةً خاسِئینَ، تَخافُونَ اَنْ یَتَخَطَّفَکُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِکُمْ، فَاَنْقَذَکُمُ اللَّهُ تَبارَکَ وَ تَعالی بِمُحَمَّدٍ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ الِهِ بَعْدَ اللَّتَیَّا وَ الَّتی، وَ بَعْدَ اَنْ مُنِیَ بِبُهَمِ الرِّجالِ، وَ ذُؤْبانِ الْعَرَبِ، وَ مَرَدَةِ اَهْلِ الْکِتابِ.
کُلَّما اَوْقَدُوا ناراً لِلْحَرْبِ اَطْفَأَهَا اللَّهُ، اَوْ نَجَمَ قَرْنُ الشَّیْطانِ، اَوْ فَغَرَتْ فاغِرَةٌ مِنَ الْمُشْرِکینَ، قَذَفَ اَخاهُ فی لَهَواتِها، فَلا یَنْکَفِیءُ حَتَّی یَطَأَ جِناحَها بِأَخْمَصِهِ، وَ یَخْمِدَ لَهَبَها بِسَیْفِهِ، مَکْدُوداً فی ذاتِ اللَّهِ، مُجْتَهِداً فی اَمْرِ اللَّهِ، قَریباً مِنْ رَسُولِ‌اللَّهِ، سَیِّداً فی اَوْلِیاءِ اللَّهِ، مُشَمِّراً ناصِحاً مُجِدّاً کادِحاً، لا تَأْخُذُهُ فِی اللَّهِ لَوْمَةَ لائِمٍ.
وَ اَنْتُمْ فی رَفاهِیَّةٍ مِنَ الْعَیْشِ، و ادِعُونَ فاکِهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوائِرَ، وَ تَتَوَکَّفُونَ الْاَخْبارَ، وَ تَنْکُصُونَ عِنْدَ النِّزالِ، وَ تَفِرُّونَ مِنَ الْقِتالِ.

[صفحه 227]

تا آنگاه که صبح روشن از پرده شب برآمد، و حق نقاب از چهره برکشید،

زمامدار دین به سخن درآمد، و فریاد شیطانها خاموش گردید، خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گره‌های کفر و تفرقه از هم گشوده گردید، و دهانهای شما به کلمه اخلاص باز شد، در میان گروهی که سپیدرو و شکم به‌پشت چسبیده بودند.
و شما بر کناره پرتگاهی از آتش قرار داشته، و مانند جرعه‌ای آب بوده و در معرض طمع طمّاعان قرار داشتید، همچون آتش‌زنه‌ای بودید که بلافاصله خاموش می‌گردید، لگدکوب روندگان بودید، از آبی می‌نوشیدید که شتران آنرا آلوده کرده بودند، و از پوست درختان بعنوان غذا استفاده می‌کردید، خوار و مطرود بودید، می‌ترسیدند که مردمانی که در اطراف شما بودند شما را بربایند، تا خدای تعالی بعد از چنین حالاتی شما را بدست آن حضرت نجات داد، بعد از آنکه از دست قدرتمندان و گرگهای عرب و سرکشان اهل کتاب ناراحتیها کشیدید.
هرگاه آتش جنگ برافروختند خداوند خاموشش نموده، یا هر هنگام که شیطان سر برآورد یا اژدهائی از مشرکین دهان بازکرد، پیامبر برادرش را در کام آن افکند، و او تا زمانی که سرآنان را به زمین نمی‌کوفت و آتش آنها را به آب شمشیرش خاموش نمی‌کرد، باز نمی‌گشت، فرسوده از تلاش در راه خدا، کوشیده در امر او، نزدیک به پیامبر خدا، سروری از اولیاء الهی، دامن به کمر بسته، نصیحت‌گر، تلاشگر، و کوشش کننده بود، و در راه خدا از ملامت ملامت‌کننده نمی‌هراسید. و این در هنگامه‌ای بود که شما در آسایش زندگی می‌کردید، در مهد امن متنعّم بودید، و در انتظار بسر می‌بردید تا ناراحتی‌ها ما را در برگیرد، و گوش به زنگ اخبار بودید، و هنگام کارزار عقب گرد می‌کردید، و به هنگام نبرد فرار می‌نمودید.

[صفحه 228]

فَلَمَّا اِختارَ اللَّهُ لِنَبِیِّهِ دارَ اَنْبِیائِهِ وَ مَأْوی اَصْفِیائِهِ، ظَهَرَ فیکُمْ حَسْکَةُ النِّفاقِ، وَ سَمَلَ جِلْبابُ الدّینِ، وَ نَطَقَ کاظِمُ الْغاوینَ، وَ نَبَغَ خامِلُ الْاَقَلّینَ، وَ هَدَرَ فَنیقُ الْمُبْطِلینَ، فَخَطَرَ فی عَرَصاتِکُمْ، وَ اَطْلَعَ الشَّیْطانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ، هاتِفاً بِکُمْ، فَأَلْفاکُمْ لِدَعْوَتِهِ مُسْتَجیبینَ، وَ لِلْغِرَّةِ فیهِ مُلاحِظینَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَکُمْ فَوَجَدَکُمْ خِفافاً، وَ اَحْمَشَکُمْ فَاَلْفاکُمْ غِضاباً، فَوَسَمْتُمْ غَیْرَ اِبِلِکُمْ، وَ وَرَدْتُمْ غَیْرَ مَشْرَبِکُمْ.
هذا، وَ الْعَهْدُ قَریبٌ، وَالْکَلْمُ رَحیبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمَّا یَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا یُقْبَرُ، اِبْتِداراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ، اَلا فِی الْفِتْنَةِ سَقَطُوا، وَ اِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحیطَةٌ بِالْکافِرینَ.
فَهَیْهاتَ مِنْکُمْ، وَ کَیْفَ بِکُمْ، وَ اَنَّی تُؤْفَکُونَ، وَ کِتابُ اللَّهِ بَیْنَ اَظْهُرِکُمْ، اُمُورُهُ ظاهِرَةٌ، وَ اَحْکامُهُ زاهِرَةٌ، وَ اَعْلامُهُ باهِرَةٌ، و زَواجِرُهُ لائِحَةٌ، وَ اَوامِرُهُ واضِحَةٌ،

وَ قَدْ خَلَّفْتُمُوهُ وَراءَ ظَهُورِكُمْ، أَرَغْبَةً عَنْهُ تُرِيدُونَ؟ اَمْ بِغَيْرِهِ تَحْكُمُونَ؟ بِئْسَ لِلظّالِمينَ بَدَلاً، وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْاِسْلامِ ديناً فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ، وَ هُوَ فِی الْاخِرَةِ مِنَ الْخاسِرينِ.

[صفحه 229]

و آنگاه که خداوند برای پیامبرش خانه انبیاء و آرامگاه اصفیاء را برگزید، علائم نفاق در شما ظاهر گشت، و جامه دین کهنه، و سکوت گمراهان شکسته، و پست رتبه‌گان با قدر و منزلت گردیده، و شتر نازپرورده اهل باطل به صدا درآمد، و در خانه‌هایتان بیامد، و شیطان سر خویش را از مخفی‌گاه خود بیرون آورد، و شما را فراخواند، مشاهده کرد پاسخگوی دعوت او هستید، و برای فریب خوردن آماده‌اید، آنگاه از شما خواست که قیام کنید، و مشاهده کرد که به آسانی این کار را انجام می‌دهید، شما را به غضب واداشت، و دید غضبناک هستید، پس بر شتران دیگران نشان زدید، و بر آبی که سهم شما نبود وارد شدید.
این درحالی بود که زمانی نگذشته بود، و موضع شکاف زخم هنوز وسیع بود، و جراحت التیام نیافته، و پیامبر به قبر سپرده نشده بود، بهانه آوردید که از فتنه می‌هراسید، آگاه باشید که در فتنه قرار گرفته‌اید، و براستی جهنم کافران را احاطه نموده است.
این کار از شما بعید بود، و چطور این کار را کردید، بکجا روی می‌آوردید، در حالیکه کتاب خدا رویاروی شماست، امورش روشن، و احکامش درخشان، و علائم هدایتش ظاهر، و محرّماتش هویدا، و اوامرش واضح است، ولی آنرا پشت سر انداختید، آیا بی‌رغبتی به آن را خواهانید؟ یا بغیر قرآن حکم می‌کنید؟ که این برای ظالمان بدل بدی است، و هر کس غیر از اسلام دینی را جویا باشد از او پذیرفته نشده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

[صفحه 230]

ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا اِلی رَیْثَ اَنْ تَسْکُنَ نَفْرَتَها، وَ یَسْلَسَ قِیادَها،ثُمَّ اَخَذْتُمْ تُورُونَ وَ قْدَتَها، وَ تُهَیِّجُونَ جَمْرَتَها، وَ تَسْتَجیبُونَ لِهِتافِ الشَّیْطانِ الْغَوِیِّ، وَ اِطْفاءِ اَنْوارِالدّینِ الْجَلِیِّ، وَ اِهْمالِ سُنَنِ النَّبِیِّ الصَّفِیِّ، تُسِرُّونَ حَسْواً فِی ارْتِغاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِاَهْلِهِ وَ وَلَدِهِ فِی الْخَمَرِ وَ الضَّرّاءِ، وَ نَصْبِرُ مِنْکُمْ عَلی مِثْلِ حَزِّ الْمَدی، وَ وَخْزِالسنان‌فی‌الحشا.
و انتم الان تزعمون ان لا ارث لنا افحکم الجاهلیه تبغون، و من احسن من الله حکما لقوم یوقنون، افلا تعلمون؟ بلی، قد تجلی لکم کالشمس الضاحیه

انی ابنته.
ایها المسلمون! ااغلب علی ارثی؟ یابن ابی قحافه! افی کتاب الله ترث اباک و لا ارث ابی؟ لقد جئت شیئا فریا، افعلی عمد ترکتم کتاب الله و نبذتموه وراء ظهمورکم، اذ یقول «و ورث سلیمان داود» [9] ، و قال فیما اقتص من خَبَرِ زَکَرِیَّا اِذْ قالَ: «فَهَبْ لی مِنْ لَدُنْکَ وَلِیّاً یَرِثُنی وَ یَرِثُ مِنْ الِ یَعْقُوبَ»، [10] وَ قالَ: «وَ اوُلُوا الْاَرْحامِ بَعضهم اولی

[صفحه 231]

آنگاه آنقدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و کشیدن آن سهل گردد، پس آتش‌گیره‌ها را افروخته‌تر کرده، و به آتش دامن زدید تا آن را شعله‌ور سازید،و برای اجابت ندای شیطان، و برای خاموش کردن انوار دین روشن خدا، و از بین بردن سنن پیامبر برگزیده آماده بودید، به بهانه خوردن، کف شیر را زیر لب پنهان می‌خورید، و برای خانواده و فرزندان او در پشت تپه‌ها و درختان کمین گرفته و راه می‌رفتید، و ما باید بر این امور که همچون خنجر برّان و فرورفتن نیزه در میان شکم است، صبر کنیم.
و شما اکنون گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست، آیا خواهان حکم جاهلیت هستید، و برای اهل یقین چه حکمی بالاتر از حکم خداوند است، آیا نمی‌دانید؟ در حالیکه برای شما همانند آفتاب درخشان روشن است، که من دختر او هستم.
ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند، ای پسر ابی‌قحافه،آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و از ارث پدرم محروم باشم امر تازه و زشتی آوردی، آیا آگاهانه کتاب خدا را ترک کرده و پشت سر می‌اندازید، آیا قران نمی‌گوید «سلیمان از داود ارث برد»، و در مورد خبر زکریا آنگاه که گفت: «پروردگار مرا فرزندی عنایت فرما تا از من و خاندان یعقوب ارث برد»، و فرمود: «و خویشاوندان رحمی به یکدیگر سزاوارتر از

[صفحه 232]

ببعض فی کتاب الله»، [11] و قال «یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثین»، [12] و قال «ان ترک خیر الوصیه الْوَصِیَّةَ لِلْوالِدَیْنِ وَ الْاَقْرَبَیْنِ بِالْمَعْرُوفِ حَقّاً عَلَی الْمُتَّقینَ». [13] .
وَ زَعَمْتُمْ اَنْ لا حَظْوَةَ لی، وَ لا اَرِثُ مِنْ اَبی، وَ لا رَحِمَ بَیْنَنا، اَفَخَصَّکُمُ اللَّهُ بِایَةٍ اَخْرَجَ اَبی مِنْها؟ اَمْ هَلْ تَقُولُونَ: اِنَّ اَهْلَ مِلَّتَیْنِ لا یَتَوارَثانِ؟ اَوَ لَسْتُ اَنَا وَ اَبی مِنْ اَهْل مِلَّةٍ واحِدَةٍ؟ اَمْ اَنْتُمْ اَعْلَمُ بِخُصُوص الْقُرْان وَ عُمُومِهِ مِنْ اَبی

وَابْنِ عَمّى؟ فَدُونَکَها مَخْطُومَةً مَرْحُولَةً تَلْقاکَ یَوْمَ حَشْرِکَ.
فَنِعْمَ الْحَکَمُ اللّهُ، وَ الزَّعیمُ مُحَمَّدٌ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِیامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ یَخْسِرُ الْمُبْطِلُونَ، وَ لا یَنْفَعُکُمْ اِذْ تَنْدِمُونَ، وَ لِکُلِّ نَبَأٍ مُسْتَقَرٌّ، وَ لَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ یَأْتیهِ عَذابٌ یُخْزیهِ، وَ یَحِلُّ عَلَیْهِ عَذابٌ مُقیمٌ.
ثم رمت بطرفها نحو الانصار، فقالت:

[صفحه 233]

دیگرانند»، و فرموده: «خدای تعالی به شما در باره فرزندان سفارش می‌کند که بهره پسر دو برابر دختر است»، و می‌فرماید: «هنگامی که مرگ یکی از شما فرارسد بر شما نوشته شده که برای پدران و مادران و نزدیکان وصیت کنید، و این حکم حقّی است برای پرهیزگاران».
و شما گمان می‌برید که مرا بهره‌ای نبوده و سهمی از ارث پدرم ندارم، آیا خداوند آیه‌ای به شما نازل کرده که پدرم را از آن خارج ساخته؟ یا می‌گوئید: اهل دو دین از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ آیا من و پدرم را از اهل یک دین نمی‌دانید؟ و یا شما به عام و خاص قرآن از پدر و پسرعمویم آگاهترید؟ اینک این تو و این شتر، شتری مهار زده و رحل نهاده شده، برگیر و ببر، با تو در روز رستاخیز ملاقات خواهد کرد.
چه نیک داوری است خداوند، و نیکو دادخواهی است پیامبر، و چه نیکو وعده‌گاهی است قیامت، و در آن ساعت و آن روز اهل باطل زیان می‌برند، و پشیمانی به شما سودی نمی‌رساند، و برای هرخبری قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوارکننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاودانه که را شامل می‌شود. آنگاه رو بسوی انصار کرده و فرمود:

[صفحه 234]

یا مَعْشَرَ النَّقیبَةِ وَ اَعْضادَ الْمِلَّةِ وَ حَضَنَةَ الْاِسْلامِ! ما هذِهِ الْغَمیزَةُ فی حَقّی وَ السِّنَةُ عَنْ ظُلامَتی؟ اَما کانَ رَسُولُ‌اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ الِهِ اَبی یَقُولُ: «اَلْمَرْءُ یُحْفَظُ فی وُلْدِهِ»، سَرْعانَ ما اَحْدَثْتُمْ وَ عَجْلانَ ذا اِهالَةٍ، وَ لَکُمْ طاقَةٌ بِما اُحاوِلُ، وَ قُوَّةٌ عَلی ما اَطْلُبُ وَ اُزاوِلُ.
اَتَقُولُونَ ماتَ مُحَمَّدٌ؟ فَخَطْبٌ جَلیلٌ اِسْتَوْسَعَ وَ هْنُهُ، وَاسْتَنْهَرَ فَتْقُهُ، وَ انْفَتَقَ رَتْقُهُ، وَ اُظْلِمَتِ الْاَرْضُ لِغَیْبَتِهِ، وَ کُسِفَتِ الشَّمْسُ وَ الْقَمَرُ وَ انْتَثَرَتِ النُّجُومُ لِمُصیبَتِهِ، وَ اَکْدَتِ الْامالُ، وَ خَشَعَتِ الْجِبالُ، وَ اُضیعَ الْحَریمُ، وَ اُزیلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَماتِهِ.
فَتِلْکَ وَاللَّهِ النَّازِلَةُ الْکُبْری وَ الْمُصیبَةُ الْعُظْمی، لامِثْلُها نازِلَةٌ، وَ لا بائِقَةٌ عاجِلَةٌ

اَعْلِنَ بِها، کِتابُ اللّهِ جَلّ ثَناؤُهُ فی اَفْنِیَتِکُمْ، وَ فی مُمْساکُمْ وَ مُصْبِحِکُمْ، یَهْتِفُ فی اَفْنِیَتِکُمْ هُتافاً وَ صُراخاً وَ تِلاوَةً وَ اَلْحاناً، وَ لَقَبْلَهُ ما حَلَّ بِاَنْبِیاءِ اللّهِ وَ رُسُلِهِ، حُکْمٌ فَصْلٌ وَ قَضاءٌ حَتْمٌ.
«وَ ما مُحَمَّدٌ اِلاَّ رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ اَفَاِنْ ماتَ اَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلی اَعْقابِکُمْ وَ مَنْ یَنْقَلِبْ عَلی عَقِبَیْهِ

ای گروه نقباء، و ای بازوان ملت، ای حافظان اسلام، این ضعف و غفلت در مورد حق من و این سهل‌انگاری از دادخواهی من چرا؟ آیا پدرم پیامبر نمی‌فرمود: «حرمت هرکس در فرزندان او حفظ می‌شود»، چه بسرعت مرتکب این اعمال شدید، و چه با عجله این بز لاغر، آب از دهان و دماغ او فرو ریخت، در صورتیکه شما را طاقت و توان بر آنچه در راه آن می‌کوشیم هست، و نیرو برای حمایت من در این مطالبه و قصدم می‌باشد.
آیا می‌گوئید محمد صلی الله علیه و آله بدرود حیات گفت، این مصیبتی است بزرگ و در نهایت وسعت، شکاف آن بسیار، و درز دوخته آن شکافته، و زمین در غیاب او سراسر تاریک گردید، و ستارگان بی‌فروغ، و آرزوها به ناامیدی گرائید، کوهها از جای فروریخت، حرمتها پایمال شد، و احترامی برای کسی پس از وفات او باقی نماند.
بخدا سوگند که این مصیبت بزرگتر و بلیّه عظیم‌تر است، که همچون آن مصیبتی نبوده و بلای جانگدازی در این دنیا به پایه آن نمی‌رسد، کتاب خدا آن را آشکار کرده است، کتاب خدایی که در خانه‌هایتان، و در مجالس شبانه و روزانه‌تان، آرام و بلند، و با تلاوت و خوانندگی آنرا می‌خوانید، این بلائی است که پیش از این به انبیاء و فرستاده شدگان وارد شده است، حکمی است حتمی، و قضائی است قطعی، خداوند می‌فرماید:
محمد پیامبری است که پیش از وی پیامبران دیگری درگذشتند،پس اگر او بمیرد و یا کشته گردد به عقب بر می‌گردید، و آنکس که به عقب برگردد

فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین». [14] .
ایهاَ بَنی‌قیلَةَ! ءَ اُهْضَمُ تُراثَ اَبی وَ اَنْتُمْ بِمَرْأی مِنّی وَ مَسْمَعٍ وَ مُنْتَدی وَ مَجْمَعٍ، تَلْبَسُکُمُ الدَّعْوَةُ وَ تَشْمَلُکُمُ الْخُبْرَةُ، وَ اَنْتُمْ ذَوُو الْعَدَدِ وَ الْعُدَّةِ وَ الْاَداةِ وَ الْقُوَّةِ، وَ عِنْدَکُمُ السِّلاحُ وَ الْجُنَّةُ، تُوافیکُمُ الدَّعْوَةُ فَلا تُجیبُونَ، وَ تَأْتیکُمُ الصَّرْخَةُ فَلا تُغیثُونَ، وَ اَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْکِفاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَیْرِ وَ الصَّلاحِ، وَ

النَّخْبَةُ الّتی انْتُخِبَتْ، وَ الْخِیَرَةُ الّتِی اخْتیرَتْ لَنا اَهْلَ الْبَیْتِ.
قاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ الْکَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ ناطَحْتُمُ الْاُمَمَ، وَ کافَحْتُمُ الْبُهَمَ، لا نَبْرَحُ اَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُکُمْ فَتَأْتَمِرُونَ، حَتَّی اِذا دارَتْ بِنا رَحَی الْاِسْلامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْاَیَّام، وَ خَضَعَتْ نُعْرَةُ الشِّرْکِ، وَ سَکَنَتْ فَوْرَةُ الْاِفْکِ، وَ خَمَدَتْ نیرانُ الْکُفْرِ، وَ هَدَأَتْ دَعْوَةُ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظامُ الدّین، فَاَنّی حِزْتُمْ بَعْدَ الْبَیانِ، وَاَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْاِعْلانِ، وَ نَکَصْتُمْ بَعْدَ الْاِقْدامِ، وَاَشْرَکْتُمْ بَعْدَ الْایمانِ؟
بُؤْساً لِقَوْمٍ نَکَثُوا اَیْمانَهُمْ مِنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ، وَ هَمُّوا

[صفحه 237]

بخدا زیانی نمی‌رساند، و خدا شکر کنندگان را پاداش خواهد داد».
ای پسران قیله- گروه انصار- آیا نسبت به میراث پدرم مورد ظلم واقع شوم در حالیکه مرا می‌بینید و سخن مرا می‌شنوید، و دارای انجمن و اجتماعید، صدای دعوت مراهمگان شنیده و از حالم آگاهی دارید، و دارای نفرات و ذخیره‌اید، و دارای ابزار و قوه‌اید، نزد شما اسلحه و زره و سپر هست، صدای دعوت من به شما می‌رسد ولی جواب نمی‌دهید، و ناله فریاد خواهیم را شنیده ولی به فریادم نمی‌رسید، در حالیکه به شجاعت معروف و به خیر و صلاح موصوف می‌باشید، و شما برگزیدگانی بودید که انتخاب شده، و منتخباتی که برای ما اهل‌بیت برگزیده شدید!
با عرب پیکار کرده و متحمّل رنج و شدتها شدید، و با امتها رزم نموده و با پهلوانان به نبرد برخاستید، همیشه فرمانده بوده و شما فرمانبردار، تا آسیای اسلام به گردش افتاد، و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک آمیز خاموش شده، و دیگ طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش و دعوت ندای هرج و مرج آرام گرفت، و نظام دین کاملاً ردیف شد، پس چرا بعد از اقرارتان به ایمان حیران شده، و پس از آشکاری خود را مخفی گرداندید، و بعد از پیشقدمی عقب نشستید، و بعد ایمان شرک آوردید.
وای بر گروهی که بعد از پیمان بستن آنرا شکستند، و خواستند پیامبر

[صفحه 238]

بِاِخْراجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدَؤُکُمْ اَوَّلَ مَرَّةٍ، اَتَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ اَحَقُّ اَنْ تَخْشَوْهُ اِنْ کُنْتُمْ مُؤمِنینَ.
اَلا، وَ قَدْ أَری اَنْ قَدْ اَخْلَدْتُمْ اِلَی الْخَفْضِ، وَ اَبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ اَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِالدَّعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ بِالضّیقِ مِنَ السَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ ما وَعَیْتُمْ، وَ دَسَعْتُمُ الَّذی تَسَوَّغْتُمْ، فَاِنْ تَکْفُرُوا اَنْتُمْ وَ مَنْ فِی الْاَرْض جَمیعاً فَاِنَّ اللَّهَ

لَغَنِیٌّ حَمیدٌ.
اَلا، وَ قَدْ قُلْتُ ما قُلْتُ هذا عَلی مَعْرِفَةٍ مِنّی بِالْخِذْلَةِ الَّتی خامَرْتُکُمْ، وَ الْغَدْرَةِ الَّتِی اسْتَشْعَرَتْها قُلُوبُکُمْ، وَ لکِنَّها فَیْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْثَةُ الْغَیْظِ، وَ حَوَرُ الْقَناةِ، وَ بَثَّةُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ، فَدُونَکُمُوها فَاحْتَقِبُوها دَبِرَةَ الظَّهْرِ، نَقِبَةَ الْخُفِّ، باقِیَةَ الْعارِ، مَوْسُومَةً بِغَضَبِ الْجَبَّارِ وَ شَنارِ الْاَبَدِ، مَوْصُولَةً بِنارِ اللَّهِ الْمُوقَدَةِ الَّتی تَطَّلِعُ عَلَی الْاَفْئِدَةِ.
فَبِعَیْنِ اللَّهِ ما تَفْعَلُونَ، وَ سَیَعْلَمُ الَّذینَ ظَلَمُوا اَیَّ مُنْقَلَبٍ یَنْقَلِبُونَ، وَ اَنَا اِبْنَةُ نَذیرٍ لَکُمْ بَیْنَ یَدَیْ عَذابٌ شَدیدٌ، فَاعْمَلُوا اِنَّا عامِلُونَ، وَ انْتَظِرُوا اِنَّا مُنْتَظِرُونَ.
فأجابها أبوبکر عبداللَّه بن عثمان، و قال:

[صفحه 239]

را اخراج کنند، با آنکه آنان جنگ را آغاز نمودند، آیا از آنان هراس دارد در حالیکه خدا سزاوار است که از او بهراسید، اگر مؤمنید.
آگاه باشید می‌بینم که به تن آسائی جاودانه دل داده، و کسی را که سزاوار زمامداری بود را دور ساخته‌اید، با راحت طلبی خلوت کرده، و از تنگنای زندگی به فراخنای آن رسیده‌اید، در اثر آن آنچه را حفظ کرده بودید را از دهان بیرون ریختید، و آنچه را فروبرده بودید را بازگرداندند، پس بدانید اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای بزرگ از همگان بی‌نیاز و ستوده است.
آگاه باشید آنچه گفتم با شناخت کاملم بود، به سستی پدید آمده در اخلاق شما، وبی‌وفائی و نیرنگ ایجاد شده در قلوب شما، و لیکن اینها جوشش دل اندوهگین، و بیرون ریختن خشم و غضب است، و آنچه قابل تحمّلم نیست، و جوشش سینه‌ام و بیان دلیل و برهان، پس خلافت را بگیرید، ولی بدانید که پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن سوراخ و تاول‌دار، عار و ننگش باقی و نشان از غضب خدا و ننگ ابدی دارد، و به آتش شعله‌ور خدا که بر قلبها احاطه می‌یابد متصل است. آنچه می‌کنید در برابر چشم بینای خداوند قرار داشته، و آنانکه ستم کردند بزودی می‌دانند که به کدام بازگشتگاهی باز خواهند گشت، و من دختر کسی هستم که شما را از عذاب دردناک الهی که در پیش دارید خبر داد، پس هرچه خواهید بکنید و ما هم کار خود را می‌کنیم، و شما منتظر بمانید و ما هم در انتظار بسر می‌بریم. آنگاه ابوبکر پاسخ داد:

[صفحه 240]

یا بِنْتَ رَسُولِ‌اللّهِ! لَقَدْ کانَ اَبُوکِ بِالْمُؤمِنینَ عَطَوفاً کَریماً، رَؤُوفاً رَحیماً، وَ عَلَی الْکافِرینَ عَذاباً اَلیماً وَ عِقاباً عَظیماً، اِنْ عَزَوْناهُ وَجَدْناهُ اَباکِ دُونَ النِّساءِ، وَ اَخا اِلْفِکِ دُونَ الْاَخِلاَّءِ، اثَرَهُ عَلی کُلِّ حَمیمٍ وَ ساعَدَهُ فی کُلِّ اَمْرٍ جَسیمٍ، لا یُحِبُّکُمْ اِلاَّ سَعیدٌ، وَ لا یُبْغِضُکُمْ اِلاَّ شَقِیٌّ بَعیدٌ.
فَاَنْتُمْ عِتْرَةُ رَسُولِ‌اللَّهِ الطَّیِّبُونَ، الْخِیَرَةُ الْمُنْتَجَبُونَ، عَلَی الْخَیْرِ اَدِلَّتُنا وَ اِلَی الْجَنَّةِ مَسالِکُنا، وَ اَنْتِ یا خِیَرَةَ النِّساءِ وَ ابْنَةَ خَیْرِ الْاَنْبِیاءِ، صادِقَةٌ فی قَوْلِکِ، سابِقَةٌ فی وُفُورِ عَقْلِکِ، غَیْرَ مَرْدُودَةٍ عَنْ حَقِّکِ، وَ لا مَصْدُودَةٍ عَنْ صِدْقِکِ.
وَ اللَّهِ ما عَدَوْتُ رَأْیَ رَسُولِ‌اللَّهِ، وَ لا عَمِلْتُ اِلاَّ بِاِذْنِهِ، وَ الرَّائِدُ لا یَکْذِبُ اَهْلَهُ، وَ اِنّی اُشْهِدُ اللَّهَ وَ کَفی بِهِ شَهیداً، اَنّی سَمِعْتُ رَسُولَ‌اللَّهِ یَقُولُ: «نَحْنُ مَعاشِرَ الْاَنْبِیاءِ لا نُوَرِّثُ ذَهَباً وَ لا فِضَّةً، وَ لا داراً وَ لا عِقاراً، وَ اِنَّما نُوَرِّثُ الْکِتابَ وَ الْحِکْمَةَ وَ الْعِلْمَ وَ النُّبُوَّةَ، وَ ما کانَ لَنا مِنْ طُعْمَةٍ فَلِوَلِیِّ الْاَمْرِ بَعْدَنا اَنْ یَحْکُمَ فیهِ بِحُکْمِهِ».

ای دختر رسول خدا! پدر تو بر مؤمنین مهربان و بزرگوار و رئوف و رحیم، و بر کافران عذاب دردناک و عقاب بزرگ بود، اگر به نسب او بنگریم وی در میان زنانمان پدر تو، و در میان دوستان برادر شوهر توست، که وی را بر هر دوستی برتری داد، و او نیز در هر کار بزرگی پیامبر را یاری نمود، جز سعادتمندان شما را دوست نمی‌دارند، و تنها بدکاران شما را دشمن می‌شمرند.
پس شما خاندان پیامبر، پاکان برگزیدگان جهان بوده، و ما را به خیر راهنما، و بسوی بهشت رهنمون بودید، و تو ای برترین زنان و دختر برترین پیامبران، در گفتارت صادق، در عقل فراوان پیشقدم بوده، و هرگز از حقت بازداشته نخواهی شد و از گفتار صادقت مانعی ایجاد نخواهد گردید.
و بخدا سوگند از رأی پیامبر قدمی فراتر نگذارده، و جز با اجازه او اقدام نکرده‌ام، و پیشرو قوم به آنان دروغ نمی‌گوید، و خدا را گواه می‌گیرم که بهترین گواه است، از پیامبر شنیدم که فرمود: «ما گروه پیامبران دینار و درهم و خانه و مزرعه به ارث نمی‌گذاریم، و تنها کتاب و حکمت و علم و نبوت را به ارث می‌نهیم، و آنچه از ما باقی می‌ماند در اختیار ولیّ امر بعد از ماست، که هر حکمی که بخواهد در آن بنماید.»

وَ قَدْ جَعَلْنا ما حاوَلْتِهِ فِی الْکِراعِ وَ السِّلاحِ، یُقاتِلُ بِهَا الْمُسْلِمُونَ وَ یُجاهِدُونَ الْکُفَّارَ، وَ یُجالِدُونَ الْمَرَدَةَ الْفُجَّارَ، وَ ذلِکَ بِاِجْماعِ الْمُسْلِمینَ، لَمْ اَنْفَرِدْ بِهِ

وَحْدی،وَ لَمْ اَسْتَبِدْ بِما کانَ الرَّأئُ عِنْدی، وَ هَذِهِ حالَی وَ مالی، هِیَ لَکِ وَ بَیْنَ یَدَیْکِ، لا تَزْوِی عَنْکِ وَ لا نَدَّخِرُ دُونَکِ، وَ اَنَّکِ، وَ اَنْتِ سَیِّدَةُ اُمَّةِ اَبیکِ وَ الشَّجَرَةُ الطَّیِّبَةُ لِبَنیکِ، لا یُدْفَعُ مالَکِ مِنْ فَضْلِکِ، وَ لا یُوضَعُ فی فَرْعِکِ وَ اَصْلِکِ، حُکْمُکِ نافِذٌ فیما مَلَّکَتْ یَدایَ، فَهَلْ تَرَیِنَّ اَنْ اُخالِفَ فی ذاکَ اَباکِ (صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ اِلِهِ وَ سَلَّمَ). فقالت:
سُبْحانَ اللَّهِ، ما کانَ اَبی‌رَسُولُ‌اللَّهِ عَنْ کِتابِ اللَّهِ صادِفاً، وَ لا لِاَحْکامِهِ مُخالِفاً، بَلْ کانَ یَتْبَعُ اَثَرَهُ، وَ یَقْفُو سُوَرَهُ، اَفَتَجْمَعُونَ اِلَی الْغَدْرِ اِعْتِلالاً عَلَیْهِ بِالزُّورِ، وَ هذا بَعْدَ وَفاتِهِ شَبیهٌ بِما بُغِیَ لَهُ مِنَ الْغَوائِلِ فی حَیاتِهِ، هذا کِتابُ اللَّهِ حُکْماً عَدْلاً وَ ناطِقاً فَصْلاً، یَقُولُ: «یَرِثُنی وَ یَرِثُ مِنْ الِیَعْقُوبَ»، وَ یَقُولُ: «وَ وَرِثَ سُلَیْمانُ داوُدَ».

و ما آنچه را که می‌خواهی در راه خرید اسب و اسلحه قرار دادیم، تا مسلمانان با آن کارزار کرده و با کفّار جهاد نموده و با سرکشان بدکار جدال کنند، و این تصمیم به اتفاق تمام مسلمانان بود، و تنها دست به این کار نزدم، و در رأی و نظرم مستبدّانه عمل ننمودم، و این حال من و این اموال من است که برای تو و در اختیار توست، و از تو دریغ نمی‌شود و برای فرد دیگری ذخیره نشده، توئی سرور بانوان امّت پدرت، و درخت بارور و پاک برای فرزندانت، فضائلت انکار نشده، و از شاخه و ساقه‌ات فرونهاده نمی‌گردد، حُکمت در آنچه من مالک آن هستم نافذ است، آیا می‌پسندی که در این زمینه مخالف سخن پدرت عمل کنم.
حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود:
پاک و منزه است خداوند، پدرم پیامبر، از کتاب خدا روی‌گردان و با احکامش مخالف نبود، بلکه پیرو آن بود و به آیات آن عمل می‌نمود، آیا می‌خواهید علاوه بر نیرنگ و مکر به زور او را متهم نمائید، و این کار بعد از رحلت او شبیه است به دامهائی که در زمان حیاتش برایش گسترده شد، این کتاب خداست که حاکمی است عادل، و ناطقی است که بین حق و باطل جدائی می‌اندازد، و می‌فرماید:- زکریا گفت: خدایا فرزندی به من بده که- «از من و خاندان یعقوب ارث ببرد»، و می‌فرماید: «سلیمان از داود ارث برد».

وَ بَیَّنَ عَزَّوَجَلَّ فیما وَزَّعَ مِنَ الْاَقْساطِ، وَ شَرَعَ مِنَ الْفَرائِضِ وَالْمیراثِ، وَ اَباحَ مِنْ حَظِّ الذَّکَران وَ الْاِناثِ، ما اَزاحَ بِهِ عِلَّةَ الْمُبْطِلِینَ وَ اَزالَ التَّظَنّی وَ

الشَّبَهاتِ فِی الْغابِرینَ، کَلاّ بَلْ سَوَّلَتْ لَکُمْ اَنْفُسُکُمْ اَمْراً، فَصَبْرٌ جَمیلٌ وَ اللّهُ الْمُسْتَعانُ عَلی ما تَصِفُونَ.
فقال أبوبکر:
صَدَقَ اللَّهُ وَ رَسُولُهُ وَ صَدَقَتْ اِبْنَتُهُ، مَعْدِنُ الْحِکْمَةِ، وَ مَوْطِنُ الْهُدی وَ الرَّحْمَةِ، وَ رُکْنُ الدّینِ، وَ عَیْنُ الْحُجَّةِ، لا اَبْعَدُ صَوابَکِ وَ لا اُنْکِرُ خِطابَکِ، هؤُلاءِ الْمُسْلِمُونَ بَیْنی وَ بَیْنَکِ قَلَّدُونی ما تَقَلَّدْتُ، وَ بِاتِّفاقٍ مِنْهُمْ اَخَذْتُ ما اَخَذْتُ، غَیْرَ مَکابِرٍ وَ لا مُسْتَبِدٍّ وَ لا مُسْتَأْثِرٍ، وَ هُمْ بِذلِکَ شُهُودٌ.
فالتفت فاطمة علیهاالسلام الی النساء، و قالت:
مَعاشِرَ الْمُسْلِمینَ الْمُسْرِعَةِ اِلی قیلِ الْباطِلِ، الْمُغْضِیَةِ عَلَی الْفِعْلِ الْقَبیحِ الْخاسِرِ، اَفَلا تَتَدَبَّرُونَ الْقُرْآنَ اَمْ عَلی قُلُوبٍ اَقْفالُها، کَلاَّ بَلْ رانَ عَلی قُلُوبِکُمْ ما اَسَأْتُمْ مِنْ اَعْمالِکُمْ، فَاَخَذَ بِسَمْعِکُمْ وَ اَبْصارِکُمْ، وَ لَبِئْسَ ما تَأَوَّلْتُمْ،

و خداوند در سهمیه‌هائی که مقرر کرد، و مقادیری که در ارث تعیین فرمود، و بهره‌هائی که برای مردان و زنان قرار داد، توضیحات کافی داده، که بهانه‌های اهل باطل، و گمانها و شبهات را تا روز قیامت زائل فرموده است، نه چنین است، بلکه هواهای نفسانی شما راهی را پیش پایتان قرار داده، و جز صبر زیبا چاره‌ای ندارم، و خداوند در آنچه می‌کنید یاور ماست.
ابوبکر گفت:
خدا و پیامبرش راست گفته، و دختر او نیز، که معدن حکمت و جایگاه هدایت و رحمت، و رکن دین و سرچشمه حجت و دلیل می‌باشد و راست می‌گوید، سخن حقّت را دور نیفکنده و گفتارت را انکار نمی‌کنم، این مسلمانان بین من و تو حاکم هستند، و آنان این حکومت را بمن سپردند، و به تصمیم آنها این منصب را پذیرفتم، نه متکبّر بوده و نه مستبدّ به رأی هستم، و نه چیزی را برای خود برداشته‌ام، و اینان همگی گواه و شاهدند.
آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام رو به مردم کرده و فرمود:
ای مسلمانان! که برای شنیدن حرفهای بیهوده شتابان بوده، و کردار زشت را نادیده میگیرید، آیا در قرآن نمی‌اندیشید، یا بر دلها مهر زده شده است، نه چنین است بلکه اعمال زشتتان بر دلهایتان تیرگی آورده، و گوشها و چشمانتان را فراگرفته، و بسیار بد آیات قرآن را تأویل کرده، و بد راهی را به او

وَ ساءَ ما بِهِ اَشَرْتُمْ، وَ شَرَّ ما مِنْهُ اِعْتَضْتُمْ، لَتَجِدَنَّ وَ اللَّهِ مَحْمِلَهُ ثَقیلاً، وَ غِبَّهُ وَ بیلاً، اِذا کُشِفَ لَکُمُ الْغِطاءُ، وَ بانَ ما وَرائَهُ الضَّرّاءُ، وَ بَدا لَکُمْ مِنْ رَبِّکُمْ ما لَمْ تَکُونُوا تَحْتَسِبُونَ، وَ خَسِرَ هُنالِکَ الْمُبْطِلُونَ.

ثم عطفت علی قبر النبیّ (صلی الله علیه و آله)، و قالت:

قَدْکانَ بَعْدَکَ اَنْباءٌ وَهَنْبَثَةٌ
لَوْ کُنْتَ شاهِدَها لَمْ تَکْثِرِ الْخُطَبُ

اِنَّا فَقَدْ ناکَ فَقْدَ الْاَرْضِ وابِلَها
وَ اخْتَلَّ قَوْمُکَ فَاشْهَدْهُمْ وَ لا تَغِبُ

وَ کُلُّ اَهْلٍ لَهُ قُرْبی وَ مَنْزِلَةٌ
عِنْدَ الْاِلهِ عَلَی الْاَدْنَیْنِ مُقْتَرِبُ

اَبْدَتْ رِجالٌ لَنا نَجْوی صُدُورِهِمُ
لمَّا مَضَیْتَ وَ حالَتْ دُونَکَ التُّرَبُ

تَجَهَّمَتْنا رِجالٌ وَ اسْتُخِفَّ بِنا
لَمَّا فُقِدْتَ وَ کُلُّ الْاِرْثِ مُغْتَصَبُ

وَ کُنْتَ بَدْراً وَ نُوراً یُسْتَضاءُ
بِهِ عَلَیْکَ تُنْزِلُ مِنْ ذِیالْعِزَّةِ الْکُتُبُ

نشان‌داده، و با بدچیزی معاوضه نمودید، بخدا سوگند تحمّل این بار برایتان سنگین، و عاقبتش پر از وزر و وبال است، آنگاه که پرده‌ها کنار رود و زیانهای آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید و برای شما آشکار گردد، آنجاست که اهل باطل زیانکار گردند.
سپس آن حضرت رو به سوی قبر پیامبر کرد و فرمود:
بعد از تو خبرها و مسائلی پیش آمد، که اگر بودی آنچنان بزرگ جلوه نمی‌کرد.
ما تو را از دست دادیم مانند سرزمینی که از باران محروم گردد، و قوم تو متفرّق شدند، بیا بنگر که چگونه از راه منحرف گردیدند.
هر خاندانی که نزد خدا منزلت و مقامی داشت نزد بیگانگان نیز محترم بود، غیر ازما.
مردانی چند از امت تو همینکه رفتی، و پرده خاک میان ما و تو حائل شد، اسرار سینه‌ها را آشکار کردند.

بعد از تو مردانی دیگر از ما روی برگردانده و خفیفمان نمودند، و میراثمان دزدیده شد.
تو ماه شب چهارده و چراغ نوربخشی بودی، که از جانب خداوند بر تو کتابها نازل می‌گردید.

[صفحه 248]

وَ کانَ جِبْریلُ بِالْاِیاتِ یُؤْنِسُنا
فَقَدْ فُقِدْتَ وَ کُلُّ الْخَیْرِ مُحْتَجَبُ

فَلَیْتَ قَبْلَکَ کانَ الْمَوْتُ صادِفُنا
لَمَّا مَضَیْتَ وَ حالَتْ دُونَکَ الْکُتُبُ

ثم انکفأت علیهاالسلام و امیرالمؤمنین علیه‌السلام یتوقّع رجوعها الیه و یتطلّع طلوعها علیه، فلمّا استقرّت بها الدار، قالت لامیرالمؤمنین علیهماالسلام:
یَابْنَ اَبی‌طالِبٍ! اِشْتَمَلْتَ شِمْلَةَ الْجَنینِ، وَ قَعَدْتَ حُجْرَةَ الظَّنینِ، نَقَضْتَ قادِمَةَ الْاَجْدَلِ، فَخانَکَ ریشُ الْاَعْزَلِ.
هذا اِبْنُ اَبی‌قُحافَةَ یَبْتَزُّنی نِحْلَةَ اَبی وَ بُلْغَةَ ابْنَیَّ! لَقَدْ اَجْهَرَ فی خِصامی وَ اَلْفَیْتُهُ اَلَدَّ فی کَلامی حَتَّی حَبَسَتْنی قیلَةُ نَصْرَها وَ الْمُهاجِرَةُ وَصْلَها، وَ غَضَّتِ الْجَماعَةُ دُونی طَرْفَها، فَلا دافِعَ وَ لا مانِعَ، خَرَجْتُ کاظِمَةً، وَ عُدْتُ راغِمَةً.
اَضْرَعْتَ خَدَّکَ یَوْمَ اَضَعْتَ حَدَّکَ، اِفْتَرَسْتَ الذِّئابَ وَ افْتَرَشت التُّرابَ، ما کَفَفْتَ قائِلاً وَ لا اَغْنَیْتَ باطلاً وَ لا خِیارَ لی، لَیْتَنی مِتُّ قَبْلَ هَنیئَتی وَ دُونَ ذَلَّتی، عَذیرِیَ اللَّهُ مِنْکَ عادِیاً وَ مِنْکَ حامِیاً.

[صفحه 249]

جبرئیل با آیات الهی مونس ما بود، و بعد از تو تمام خیرها پوشیده شد.
ای کاش پیش از تو مرده بودیم، آنگاه که رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد.
آنگاه حضرت فاطمه علیهاالسلام به خانه بازگشت و حضرت علی علیه‌السلام در انتظار او بسر برده و منتظر طلوع آفتاب جمالش بود، وقتی در خانه آرام گرفت به حضرت علی علیه‌السلام فرمود:
ای پسر ابوطالب! همانند جنین در شکم مادر پرده‌نشین شده، و در خانه اتهام به زمین نشسته‌ای، شاه‌پرهای شاهین را شکسته، و حال آنکه پرهای

کوچک هم در پرواز به تو خیانت خواهد کرد. این پسر ابی‌قحافه است که هدیه پدرم و مایه زندگی دو پسرم را از من گرفته است، با کمال وضوح با من دشمنی کرد، و من او را در سخن گفتن با خود بسیار لجوج و کینه‌توز دیدم، تا آنکه انصار حمایتشان را از من باز داشته، و مهاجران یاریشان را از من دریغ نمودند، و مردم از یاریم چشم‌پوشی کردند، نه مدافعی دارم و نه کسی که مانع از کردار آنان گردد، در حالیکه خشمم را فرو برده بودم از خانه خارج شدم و بدون نتیجه بازگشتم.
آنروز که شمشیرت را بر زمین نهادی همان روز خویشتن را خانه‌نشین نمودی، تو شیرمردی بودی که گرگان را می‌کشتی، و امروز بر روی زمین آرمیده‌ای، گوینده‌ای را از من دفع نکرده، و باطلی را از من دور نمی‌گردانی، و من از خود اختیاری ندارم، ای کاش قبل از این کار و قبل از اینکه این چنین خوار شوم مرده بودم، از اینکه اینگونه سخن می‌گویم خداوندا عذر می‌خواهم، و یاری و کمک از جانب توست.

[صفحه 250]

وَیْلایَ فی کُلِّ شارِق، وَیْلایَ فی کُلِّ غارِب، ماتَ الْعَمَدُ وَ وَهَنَ الْعَضُدُ، شَکْوایَ اِلی اَبی وَ عَدْوایَ اِلی رَبّی، اَللّٰهُمَّ اِنَّکَ اَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَ حَوْلاً، وَ اَشَدُّ بَأساً وَ تَنْکیلاً.
فقال امیرالمؤمنین علیه‌السلام:
لا وَیْلَ لَکِ، بَلِ الْوَیْلُ لِشانِئِکِ، نَهْنِهْنی عَنْ وُجْدِکِ، یا اِبْنَةَ الصَّفْوَةِ وَ بَقِیَّةَ النُّبُوَّةِ، فَما وَنَیْتُ عَنْ دینی، وَ لا اَخْطَأتُ مَقْدُوری، فَاِنْ کُنْتِ تُریدینَ الْبُلْغَةَ فَرِزْقُکِ مَضْمُونٌ، وَ کَفیلُکِ مَأمُونٌ، وَ ما اُعِدَّ لَکِ اَفْضَلُ مِمَّا قُطِعَ عَنْکِ، فَاحْتَسِبِی اللّٰهَ. فقالت: حَسْبِیَ اللّٰهُ، و أمسکت.
از این پس وای بر من در هر صبح و شام، پناهم از دنیا رفت، و بازویم سست شد، شکایتم بسوی پدرم بوده و از خدا یاری می‌خواهم، پروردگارا نیرو و توانت از آنان بیشتر، و عذاب و عقابت دردناکتر است.
حضرت علی علیه‌السلام فرمود: شایسته تو نیست که وای بر من بگوئی، بلکه سزاوار دشمن ستمگر توست، ای دختر برگزیده خدا و ای باقیمانده نبوت، از اندوه و غضب دست بردار، من در دینم سست نشده و از آنچه در حدّ توانم است مضائقه نمی‌کنم، اگر تو برای گذران روزیت ناراحتی، بدانکه روزی تو نزد خدا ضمانت شده و کفیل تو امین است، و آنچه برایت آماده شده از آنچه از تو گرفته شده بهتر است، پس برای خدا صبرکن.
حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: خدا مرا کافی است، آنگاه ساکت شد.

[صفحه 251]

قال سوید بن غفلة: لمّا مرضت فاطمة علیهاالسلام المرضة الّتی توفّیت فیها، دخلت علیها نساء المهاجرین و الانصار یعدنها، فقلن لها: کیف أصبحت من علّتک یا ابنة رسول‌اللَّه؟
فحمدت اللَّه و صلّت علی أبیها، ثم قالت:
(2) خطبه آن حضرت در بیماریش برای زنان مهاجرین و انصار
سوید بن غفله گوید: هنگامی که حضرت فاطمه علیهاالسلام بیمار شد، به همان بیماری که در اثر آن از دنیا رفت، زنان مهاجرین و انصار به عیادت ایشان آمده و گفتند: ای دختر پیامبر خدا با این بیماری حالت چطور است؟
آن حضرت حمد و سپاس الهی را گفته و برپدرش درود فرستاد و فرمود:

[صفحه 252]

اَصْبَحْتُ وَاللَّهِ عائِفَةً لِدُنْیا کُنَّ، قالِیَةً لِرِجالِکُنَّ، لَفَظْتُهُمْ بَعْدَ اَنْ عَجَمْتُهُمْ، وَ سَئِمْتُهُمْ بَعْدَ اَنْ سَبَرْتُهُمْ، فَقُبْحاً لِفُلُولِ الْحَدِّ وَ اللَّعْبِ بَعْدَ الْجِدِّ، وَ قَرْعِ الصَّفاةِ وَ صَدْعِ الْقَناةِ، وَ خَطَلِ الْاراءِ وَ زَلَلِ الْاَهْواءِ، وَ بِئْسَ ما قَدَّمَتْ لَهُمْ اَنْفُسُهُمْ اَنْ سَخِطَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ، وَ فِی الْعَذابِ هُمْ خالِدُونَ، لا جَرَمَ لَقَدْ قَلَّدَتْهُمْ رِبْقَتُها وَ حَمَّلَتْهُمْ اَوْقَتُها، وَ شَنَّتْ عَلَیْهِمْ عارَتُها، فَجِدْعاً وَ عَقْراً وَ بُعْداً لِلْقَوْمِ الظَّالِمینَ.
وَ یْحَهُمْ اَنَّی زَحْزِحُوها عَنْ رَواسِی الرِّسالَةِ وَ قَواعِدِ النُّبُوَّةِ وَ الدِّلالَةِ، وَ مَهْبِطِ الرُّوحِ الْاَمینِ وَ الطِّبّینِ بِاُمُورِالدُّنْیا وَ الدّینِ، اَلا ذلِکَ هُوَ الْخُسْرانُ الْمُبینُ، وَ مَا الَّذی نَقِمُوا مِنْ اَبِی‌الْحَسَنِ عَلَیْهِ‌السَّلامُ، نَقِمُوا وَاللَّهِ مِنْهُ نَکیرَ سَیْفِهِ، وَ قِلَّةَ مُبالاتِهِ لِحَتْفِهِ، وَ شِدَّةَ وَ طْأَتِهِ، وَ نَکالَ وَقْعَتِهِ، وَ تَنَمُّرَهُ فی ذاتِ اللَّهِ.
وَ تَا للَّهِ لَوْ مالُوا عَنِ الْمَحَجَّةِ اللائِحَةِ، وَ زالُوا عَنْ قَبُولِ الْحُجَّةِ الْواضِحَةِ لَرَدَّهُمْ اِلَیْها وَ حَمَلَهُمْ عَلَیْها،وَ لَسارَ بِهِمْ سَیْراً سُجُحاً، لایَکْلَمُ خُشاشُهُ، وَ لا یَکِلُّ سائِرُهُ، وَ لا یَمِلُّ راکِبُهُ، وَ لَاَوْرَدَهُمْ مَنْهَلاً نَمیراً صافِیاً رَوِیّاً، تَطْفَحُ ضِفَّتاهُ وَ لا یَتَرَنَّقُ جانِباهُ، وَ لَاَ صْدَرَهُمْ بِطاناً وَ نَصَحَ لَهُمْ سِرّاً وَ اِعْلاناً.

[صفحه 253]

بخدا سوگند صبح کردم در حالیکه نسبت به دنیای شما بی‌میل و نسبت به مردان شما ناراحتم، آنان را از دهان خویش بدور افکنده، و بعد از شناخت حالشان به آنان بغض ورزیدم، پس چه زشت است کندی شمشیرها و سستی بعد از تلاش و سر بر سنگ خارا زدن، و شکاف نیزه‌ها وفساد آراء

و انحراف انگیزه‌ها، و چه زشت است ذخیره‌هائی که پیش فرستادند، و خداوند بر آنان خشم گرفته و در عذاب جاودانه خواهند بود، بدون شک مسئولیت این عمل بعهده ایشان بود و سنگینی آن بدوششان است، و ننگ و عارش دامنگیرشان می‌گردد، پس این شتر بینی‌بریده و زخم‌خورده باشد، و گروه ستمکاران از رحمت الهی بدورند.
وای بر آنان، چگونه خلافت را از مواضع ثابت و بنیانهای نبوت و ارشاد، و محل هبوط جبرئیل، و آگاهان به امور دین و دنیا دور ساختند، آگاه باشید که این زیان بزرگی است، و چه عیبی از علی علیه‌السلام گرفتند، بخدا سوگند عیب او شمشیر برّانش، و بی‌اعتنائی به مرگ، و شدّت برخوردش، و عقوبت دردناکش، و اینکه غضبش در راه رضای الهی بود.
بخدا سوگند اگر از راه روشن بدور رفته، و از پذیرش طریق مستقیم کناره می‌گرفتند، آنانرا بسوی آن آورده و بر آن وامی‌داشت، و به سهولت براهشان می‌برد، واین شتر را سالم به مقصد می‌رساند، که راهبرش را دچار زحمت نکند و سواره‌اش را ملول نگرداند، وآنان را به محل آب خوردنی می‌رساند، که آبش صاف و فراوان بوده و از آن لبریز باشد و هرگز کدر نگردد، و ایشان را از آنجا سیراب بیرون می‌آورد، و در پنهان و آشکار برایشان ناصح بود.

[صفحه 254]

وَ لَمْ یَکُنْ یَتَحَلَّی مِنَ الدُّنْیا بِطائِلٍ، وَ لا یَحْظی مِنْها بِنائِلٍ، غَیْرَ رَیِّ النّاهِلِ وَ شَبْعَةِ الْکافِلِ، وَ لَبانَ لَهُمُ الزّاهِدُ مِنَ الرّاغِبِ وَ الصّادِقُ مِنَ الْکاذِبِ.
وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُری امَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیْهِمْ بَرَکاتٍ مِنَ السَّماءِ وَ الْاَرْضِ وَ لکِنْ کَذَّبُوا فَاَخَذْناهُمْ بِما کانُوا یَکْسِبُونَ، وَ الَّذینَ ظَلَمُوا مِنْ هؤُلاءِ سَیُصیبُهُمْ سَیِّئاتُ ما کَسَبُوا وَ ما هُمْ بِمُعْجِزینَ.
اَلا هَلُمَّ فَاسْمَعْ، وَ ما عِشْتَ اَراکَ الدَّهْرَ عَجَباً، وَ اِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ، لَیْتَ شِعْری اِلی اَیِّ سِنادٍ اسْتَنَدُوا، وَ اِلی اَیِّ عِمادٍ اِعْتَمَدُوا، وَ بِاَیَّةِ عُرْوَةٍ تَمَسَّکُوا، وَ عَلی اَیَّةِ ذُرِّیَّةٍ اَقْدَمُوا وَاحْتَنَکُوا؟ لَبِئْسَ الْمَوْلی وَ لَبِئْسَ الْعَشیرُ، وَبِئْسَ لِلظّالِمینَ بَدَلاً.
اِسْتَبْدَلُوا وَاللّهِ الذَّنابی بِالْقَوادِمِ، وَالْعَجُزَ بِالْکاهِلِ، فَرَغْماً لِمُعاطِسِ قَوْمٍ یَحْسَبُونَ اَنَّهُمْ یُحْسِنُونَ صُنْعاً، اَلا اِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَ لکِنْ لا یَشْعُرُونَ، وَیْحَهُمْ اَفَمَنْ یَهْدی اِلی الْحَقِّ اَحَقُّ اَنْ یُتَّبَعَ اَمَّنْ لایَهِدّی اِلاّ اَنْ یُهْدی، فَما لَکُمْ کَیْفَ تَحْکُمُونَ.

[صفحه 255]

اگر او در محل خلافت می‌نشست هرگز ثروت دنیوی برای خود قرار نمی‌داد، و از آن بهره فراوانی برنمی‌داشت، جز به‌اندازه فرونشاندن تشنگی و رفع گرسنگی، و به ایشان می‌شناساند تا بین زاهد و دنیا پرست، و راستگو و دروغگو تشخیص دهند. و اگر ملّتها ایمان آورده وتقوی پیشه کنند برکات آسمان و زمین را بر آنان فرو می‌ریختیم، و لکن آیات الهی را تکذیب کردند و از اینرو آنانرا در برابر آنچه انجام دادند گرفتار ساختیم، و کسانی که از این گروه ستم نمودند نتایج زشتی کارشان بزودی دامنگیرشان شده و هرگز بر ما غالب و پیروز نخواهند شد.
آگاه باش، بیا و بشنو، هر چه زندگی کنی روزگار عجائبی را بتو نشان خواهد داد، و اگر تعجب کنی، گفتار اینان تعجب آور است، ای کاش می‌دانستم که به چه پناهگاهی پناهنده شده، وبه کدام ستونی تکیه داده، و بر کدام فرزندانی تجاوز نموده و استیلا جسته‌اند؟ چه بد رهبر و دوستی را انتخاب کرده‌اند، و برای ستمکاران بد بدلی است.
بخدا سوگند، بجای پرهای بزرگ، روی بال دم را انتخاب، و بجای پشت، دم را برگزیدند، ذلیل گردد قومی که می‌پندارد با این اعمال کار خوبی انجام داده است، بدانید که اینان فاسدند اما نمی‌دانند، وای بر اینان، آیا کسی که هدایت یافته سزاوار پیروی است، یا کسی که هدایت نیافته و نیازمند هدایت است، وای برشما چگونه حکم می‌کنید.

اَما لَعَمْری لَقَدْ لَقَحَتْ، فَنَظِرَةٌ رَیْثَما تُنْتِجُ ثُمَّ احْتَلِبُوا مِلْاَ الْقَعْبِ دَماً عَبیطاً وَ ذِعافاً مُبیداً، هُنالِکَ یَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ وَ یَعْرِفُ التّالُونَ غِبَّ ما اَسَّسَ الْاَوَّلُونَ، ثُمَّ طیبُوا عَنْ دُنْیاکُمْ اَنْفُساً وَاطْمَئِنُّوا لِلْفِتْنَةِ جاشاً، وَ اَبْشِرُوا بِسَیْفٍ صارِمٍ وَ سَطْوَةٍ مَعْتَدٍ غاشِمٍ، وَ بِهَرَجٍ شامِلٍ، وَ اسْتِبْدادٍ مِنَ الظّالِمینَ، یَدَعُ فَیْئَکُمْ زَهیداً، وَ جَمْعَکُمْ حَصیداً، فَیا حَسْرَتا لَکُمْ، وَ اَنّی بِکُمْ وَ قَدْ عُمِّیَتْ عَلَیْکُمْ، اَنُلْزِمُکُمُوها وَ اَنْتُمْ لَها کارِهُونَ.
قال سوید بن غفلة: فأعادت النساء قولها علیهاالسلام علی رجالهنّ، فجاء الیها قوم من المهاجرین و الانصار معتذرین، و قالوا: یا سیدة النساء لو کان أبوالحسن ذکر لنا هذا الامر قبل أن یبرم العهد و یحکم العقد لما عدلنا عنه الی غیره.
فقالت علیهاالسلام: اِلَیْکُمْ عَنّی، فَلا عُذْرَ بَعْدَ تَعْذیرِکُمْ، وَ لا اَمْرَ بَعْدَ تَقْصیرِکُمْ.

بجان خودم سوگند، نطفه این فساد بسته شد، در انتظار باشید تا این مرض فساد در پیکر جامعه منتشر شود، آنگاه از پستان شیر خون تازه و زهری هلاک کننده بدوشید، در اینجاست که رهپیمایان راه باطل زیانکار شده، و آیندگان عاقبت اعمال گذشتگان را می‌یابند، آنگاه جانتان با دنیایتان، و قلبتان با فتنه‌ها آرام می‌گیرد، و بشارت باد شما را به شمشیرهای کشیده و حمله متجاوز ستمکار، و به هرج و مرج عمومی و استبداد زورگویان، که حقوقتان رااندک داده و اجتماع شما را بوسیله شمشیرهایش درو خواهد کرد، پس حسرت برشما باد که کارتان به کجا می‌رسد، آیا من می‌توانم شما را به کاری وادارم که از آن روی گردانید.
سوید بن غفله گوید: زنان سخنان آن حضرت را برای شوهرانشان بازگو کردند، گروهی از مهاجرین و انصار برای عذرخواهی نزد ایشان آمده و گفتند: ای سرور زنان، اگر حضرت علی علیه‌السلام این مطالب را قبل از بیعت با ابوبکر برایمان می‌گفت کسی را بر او ترجیح نمی‌دادیم.
آن حضرت فرمود: از نزدم دور شوید، بعد از ارتکاب گناه و سهل‌انگاری، عذرخواهی برای شما مفهومی ندارد.

روی أن بعد رحلة النبی صلی الله علیه و آله و غصب ولایة وصیّه، احتزم عمر بازاره و جعل یطوف بالمدینة و ینادی: ان ابابکر قد بویع له، فهلمّوا الی البیعة، فینثال الناس فیبایعون، حتی اذا مضت أیام أقبل فی جمع کثیر الی منزل علی علیه‌السلام فطالبه بالخروج، فأبی، فدعا عمر بحطب و نار و قال: والذی نفس عمر بیده لیخرجن أو لا حرقنه علی ما فیه- الی ان قال:- و خرجت فاطمة بنت رسول‌الله صلی الله علیه و آله الیهم، فوقفت علی الباب ثم قالت:

لا عَهْدَ لی بِقَوْمٍ اَسْوَءَ مَحْضَرٍ مِنْکُمْ، تَرَکْتُمْ رَسُولَ‌اللّهِ جِنازَةً بَیْنَ اَیْدینا، وَ قَطَعْتُمْ اَمْرَکُمْ فیما بَیْنَکُمْ، فَلَمْ تُؤَمَّرُونا وَ لَمْ تَرَوْا لَنا حَقًّا، کَأَنَّکُمْ لَمْ تَعْلَمُوا ما قالَ یَوْمَ غَدیرِ خُمٍّ.

وَاللَّهِ لَقَدْ عَقَدَ لَهُ یَوْمَئِذٍ الْوَلاءَ، لِیَقْطَعَ مِنْکُمْ بِذلِکَ مِنْهَا الَّرجاءَ، وَ لکِنَّکُمْ قَطَعْتُمُ الْاَسْبابَ بَیْنَکُمْ وَ بَیْنَ نَبِیِّکُمْ، وَ اللَّهُ حَسیبٌ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ فِی الدُّنیا وَالْاخِرَةِ.

[صفحه 259]

(3) خطبه آن حضرت برای مردمی که حق شوهرش را غصب کردند

روایت شده: بعد از رحلت پیامبر و غصب شدن ولایت وصی آن حضرت، عمر شمشیر به کمر بسته و دور شهر مدینه می‌چرخید و می‌گفت: با ابوبکر بیعت شده است، بشتابید به بیعت کردن با او، مردم از هر طرف برای بیعت می‌آمدند، چند روز که گذشت همراه با گروه کثیری به در خانه حضرت علی علیه‌السلام آمده و خواستار خروج ایشان از منزل شد، ایشان امتناع کرد، عمر خواستار هیزم و آتش گردید و گفت: سوگند به کسی که جان عمر در اختیار اوست یا خارج می‌شود یا او را با تمامی‌اهل خانه آتش می‌زنم- تا آنجا که گوید:- و حضرت فاطمه علیهاالسلام بسوی ایشان آمده و کنار درب خانه ایستاد و فرمود: ملتی را همانند شما نمی‌شناسم که اینگونه عهدشکن و بد برخورد باشند، جنازه رسول خدا را در دست ما رها کردید و عهد و پیمانهای میان خود را بریده و فراموش نمودید، و ما را به فرمانروائی نرسانده و حقّی را برای ما قائل نیستید، گویا از حادثه روز غدیرخم آگاهی ندارید. سوگند بخدا که پیامبر در آن روز ولایت حضرت علی علیه‌السلام را مطرح کرد و از مردم بیعت گرفت تا امید شما فرصت‌طلبان را قطع نماید، ولی شما رشته‌های پیوند معنوی میان خود و پیامبر را پاره کردید، این را بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد

کرد. «سخنان آن حضرت»

[صفحه 261]

گزیده‌ای از گفتار آن حضرت

اشاره

در توصیف خداوند
در توصیف قرآن
در توصیف قرآن
در توصیف قرآن
در توصیف پدرش
در توصیف پدرش
در فضل پدر و شوهرش
در فضل پدر و شوهرش
در فضل شوهرش
در کیفیت خلقتش
در شناسائی اهل‌بیت
در توصیف شیعه
در توصیف شیعه
در فضل دانشمندان شیعه
در محبت او به امت پدرش
در مورد قاتل فرزندش امام حسین علیه‌السلام
در مورد قاتل فرزندش امام حسین علیه‌السلام
در فضیلت درود فرستادن به ایشان
در آنچه محبوب آن حضرت است
در فضیلت تلاوت بعضی از سور قرآن

[صفحه 262]

قولها فی وصف الله

اِبْتَدَعَ الْاَشْیاءَ لا مِنْ شَیْءٍ کانَ قَبْلَها، وَ اَنْشَأَها بِلاَ احْتِذاءِ اَمْثِلَةٍ اِمْتَثَلَها، کَوَّنَها بِقُدْرَتِهِ، وَ ذَرَأَها بِمَشِیَّتِهِ، مِنْ غَیْرِ حاجَةٍ مِنْهُ اِلی تَکْوینِها، وَ لا فائِدَةٍ لَهُ فی تَصْویرِها، اِلاَّ تَثْبیتاً لِحِکْمَتِهِ، وَ تَنْبیهاً عَلی طاعَتِهِ، وَ اِظْهاراً لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعَبُّداً لِبَرِیَّتِهِ، وَ اِعْزازاً لِدَعْوَتِهِ.
(1) سخن آن حضرت در توصیف خداوند
موجودات را خلق نمود بدون آنکه از ماده‌ای موجود شود، و آنان را بدون هیچ مشابهی پدید آورد، با قدرتش آنها را خلق و با مشیتّش ایجاد نمود، بدون آنکه در ایجاد آن و پدید آوردنشان نیازی داشته، و در تصویرگری آنها فائده‌ای برایش وجود داشته باشد، جز تثبیت حکمتش و آگاهی بر طاعتش و اظهار قدرت خود، و شناسائی راه عبودیّت، و گرامی‌داشت دعوتش.

قولها فی وصف القرآن

بِهِ تُنالُ حُجَجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَ مَحارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَ بَيِّناتُهُ الْجالِيَةُ، وَ بَراهينُهُ الْكافِيَةُ، وَ فَضائِلُهُ الْمَنْدُوبَةُ، وَ رُخَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَ شَرائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ.
(2) سخن آن حضرت در توصیف قرآن
با قرآن حجتّهای فروزان الهی، و واجبات تفسیر شده، و محرّمات برحذر گردانده شده، و براهین روشن، و دلائل کافی، و فضائل ارزشمند، و مجوزات بخشیده شده، و قوانین نوشته شده روشن می‌شود.

قولها فی وصف القرآن

اِسْتَخْلَفَ عَلَيْكُمْ كِتابَ اللَّهِ النّاطِقَ، وَ الْقُرْآنَ الصّادِقَ، وَ النُّورَ السّاطِعَ، وَ الضِّياءَ اللاَّمِعَ، بَيِّنَةً بَصائِرُهُ، مُنْكَشِفَةً سَرائِرُهُ، مُنْجَلِيَةً ظَواهِرُهُ، مُغْتَبَطَةً بِهِ اَشْياعُهُ، قائِداً اِلَى الرِّضْوانِ اَتْباعَهُ، مُؤَدٍّ اِلَى النَّجاةِ اسْتِماعُهُ.

(3) سخن آن حضرت در توصیف قرآن

نزد شما کتاب گویای خدا، و قرآن راستگو، و نور فروزان، و پرتو درخشنده را بر جای نهاد، که براهینش روشن و رازهایش آشکار، و ظواهرش نمایان، پیروانش مورد غبطه بوده، و آنانرا بسوی بهشت رهنمون و شنیدن آن راه نجات است.

قولها فی وصف القرآن

اُمُورُهُ ظاهِرَةٌ، وَ اَحْكامُهُ زاهِرَةٌ، وَ اَعْلامُهُ باهِرَةٌ، وَ زَواجِرُهُ لائِحَةٌ، وَ اَوامِرُهُ واضِحَةٌ.

(4) سخن آن حضرت در توصیف قرآن

امور آن نمایان، و احکامش شکوفا، و نشانه‌هایش روشن، و محرمّاتش آشکار، و اوامرش هویدا است.

اِبْتَعَثَهُ اللّٰهُ اِتْماماً لِاَمْرِهِ، وَ عَزیمَةً عَلی اِمْضاءِ حُکْمِهِ، وَ اِنْفاذاً لِمَقادیرِ رَحْمَتِهِ.

(5) سخن آن حضرت در توصیف پدرش

خداوند پیامبر را برای پایان بخشیدن فرمانش، و به پایان رسانیدن احکامش، و تثبیت رحمت بیکرانش مبعوث کرد.

[صفحه 266]

قولها فی وصف أبیه

بَلَّغَ الرِّسالَةَ صادِعاً بِالنَّذارَةِ، مائِلاً عَنْ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِکینَ، ضارِباً ثَبَجَهُمْ، اخِذاً بِاَکْظامِهِمْ، داعِیاً اِلی سَبیلِ رَبِّهِ بِالْحِکْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، یَجُفُّ الْاَصْنامَ، وَ یَنْکُثُ الْهامَّ.

(6) سخن آن حضرت در توصیف پدرش

رسالت خود را باانذاز ابلاغ کرد، و از روش مشرکین دوری، با رؤسای آنان دشمنی و درگیر با آنان بود، با حکمت و پند نیکو بسوی پروردگارش رهنمون شد، بتها را سرنگون و گردنهای زورمندان را به خاک مذلّت انداخت.

قولها فی فضل أبیه و بعله

اَبَوا هذِهِ الْاُمَّةِ مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ، یُقیمانِ اِوَدَهُمْ، وَ یُنْقِذانِهِمْ مِنَ الْعَذابِ الْاَلیمِ اِنْ اَطاعُو هُما، وَ یُبیحانِهِمُ النَّعیمَ الدَّائِمَ اِنْ وافَقُو هُما.
(7) سخن آن حضرت در فضل پدر و شوهرش
پدران این امت محمد و علی علیهماالسلام هستند، اگر از آنان تبعیت کنند کژی‌های ایشان را برطرف، و آنان را از عذاب دردناک نجات می‌دهد، و اگر پیروی ایشان را نمایند بهشت جاودان را ارزانی ایشان می‌کند.

اَرْضی اَبَوَیْ دینِکِ، مُحَمَّداً وَ عَلِیّاً، بِسَخَطِ اَبَوَیْ نَسَبِکِ، وَ لا تَرْضی اَبَوَیْ نَسَبِکِ بِسَخَطِ اَبَوَیْ دینِکِ، فَاِنَّ اَبَوَیْ نَسَبِکِ اِنْ سَخَطَ اَرْضا هُما مُحَمَّدٌ وَ عَلِیٌّ علیهماالسلام بِثَوابِ جُزْءٍ مِنْ اَلْفِ اَلْفِ جُزْءٍ مِنْ ساعَةٍ مِنْ طاعاتِهِما، وَ اِنَّ اَبَوَیْ دینِکِ اِنْ سَخَطا لَمْ یَقْدِرْ اَبَوَیْ نَسَبِکِ اَنْ یُرْضِیاً هُما، لِاَنَّ ثَوابَ طاعاتِ اَهْلِ الدُّنْیا کُلِّهِمْ لا یَفی بِسَخَطِهِما.

(8) سخن آن حضرت در فضل پدر و شوهرش

پدران دینیت- پیامبر و علی علیهماالسلام- را با ناراحتی پدر نسبی‌ات خشنود ساز، ولی پدر نسبی‌ات را با ناراحتی آنان خشنود نکن، چرا که پدر نسبی‌ات اگر ناراحت شود آنان او را با پاداش قسمتی از هزاران قسمت ساعتی از اطاعتشان خشنود می‌سازند، و اگر پدران دینیت ناراحت شوند پدر نسبی‌ات قادر نیست که ایشان را خرسند سازند، چرا که پاداش طاعتهای تمامی اهل دنیا با ناراحتی ایشان قابل مقایسه نیست.

[صفحه 268]

اِنَّ السَّعیدَ کُلَّ السَّعیدِ حَقَّ السَّعیدِ، مَنْ اَحَبَّ عَلِیّاً فی حَیاتِهِ وَ بَعْدَ مَوْتِهِ.
(9) سخن آن حضرت در فضیلت شوهرش
سعادت و رستگاری، همه سعادتها و رستگاریها، حقانیت و واقعّیت سعادت و رستگاری در کسی است که علی علیه‌السلام را در دوران زندگی و پس از شهادتش دوست داشته باشد.

قولها فی کیفیة خلقتها

اِنَّ اللّهَ تَعالی خَلَقَ نُوری، وَ کانَ یُسَبِّحُ الَّلهَ جَلَّ جَلالُهُ، ثُمَّ اَوْدَعَهُ شَجَرَةً مِنْ شَجَرِ الْجَنَّةِ، فَاَضاءَتْ، فَلَمَّا دَخَلَ اَبی الْجَنَّةَ اَوْحَی الَّلهُ تَعالی اِلَیْهِ اِلْهاماً اَنْ اَقْتَطِفَ الثَّمَرَةَ مِنْ تِلْکَ الْشَّجَرَةِ وَ اَدِرْها فی لَهَواتِکَ، فَفَعَلَ، فَاَوْدَعَنِی الّلهُ سُبْحانَهُ صُلْبَ اَبی، ثَمَّ اَوْدَعَنی خَدیجَةَ بِنْتَ خُوَیْلَدَ، فَوَضَعَتْنی، وَ اَنَا مِنْ ذلِکَ النُّورِ، اَعْلَمُ ما کانَ وَ ما یَکُونُ وَ ما لَمْ یَکُنْ.

[صفحه 269]

(10) سخن آن حضرت در کیفیت خلقتش
خداوند نورم را خلق فرمود، و آن تسبیح و تنزیه او را می‌نمود، آنگاه آنرا در درختی از درختان بهشتی به ودیعت نهاد، که به سبب آن نور درخشان گردید، هنگامی که پدرم داخل بهشت شد، خداوند به او الهام کرد که میوه آن درخت را بچیند و بخورد، پیامبر این کار را انجام داد، خداوند نورم را در صلب پدرم به ودیعت نهاد، آنگاه آنرا در رحم مادرم قرار داد، تا آنکه ایشان مرا به دنیا آوردند، و من از آن نور هستم، آنچه اتفاق افتاده، و آنچه اتفاق خواهد افتاد و آنچه نبوده است را می‌دانم.

[صفحه 270]

قولها فی التعریف بأهل البیت

نَحْنُ وَسیلَتُهُ فی خَلْقِهِ، وَ نَحْنُ خاصَّتُهُ، وَ مَحَلُّ قُدْسِهِ، وَ نَحْنُ حُجَّتُهُ فی غَیْبِهِ، وَ نَحْنُ وَرَثَةُ اَنْبِیائِهِ.

(11) سخن آن حضرت در شناسائی اهل‌بیت

ما وسیله‌های الهی در میان مخلوقاتش، و خواص او، و تنزیه‌کنندگانش، و حجت او و وارثان پیامبرانش می‌باشیم.

قولها فی وصف الشیعة

اِنْ كُنْتِ تَعْمَلُ بِما اَمَرْناكِ، وَ تَنْتَهی عَمَّا زَجَرْناكِ عَنْهُ، فَاَنْتِ مِنْ شیعَتِنا، وَ اِلاَّ فَلا.

(12) سخن آن حضرت در توصیف شیعه

اگر به آنچه تو را بدان امر نمودیم عمل كنی، و از آنچه نهی كردیم بازایستی، از شیعیان ما می‌باشی، و در غیر اینصورت از آنان شمرده نمی‌شوی.

اِنَّ شیعَتَنا مِنْ خِیارِ اَهْلِ الْجَنَّةِ، کُلُّ مُحِبّینا وَ مَوالی اَوْلِیائِنا وَ مُعادی اَعْدائِنا وَ الْمُسَلِّمِ بِقَلْبِهِ وَ لِسانِهِ لَنا، لَیْسُوا من شیعَتِنا اِذا خالَفُوا اَوامِرَنا وَ نَواهینا فی سائِرِ الْمُوْبِقاتِ، وَ هُمْ مَعَ ذلِکَ فِی الْجَنَّةِ، وَ لکِنْ بَعْدَ ما یَطَّهَّرُونَ مِنْ ذُنُوبِهِمْ بِالْبَلایا وَ الرَّزایا، اَوْ فی عَرَصاتِ الْقِیامَةِ بِاَنْواعِ شَدائِدِها، اَوْ فِی الطَّبَقِ الْاَعْلی مِنْ جَهَنَّمَ بِعَذابِها، اِلی اَنْ نَسْتَنْقِذَهُمْ بِحُبِّنا مِنْها، وَ نَنْقُلَهُمْ اِلی حَضْرَتِنا.

(13) سخن آن حضرت در توصیف شیعه

شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشت می‌باشند، دوستان ما و دوستداران دوستان ما، و دشمنان دشمنان ما و کسانی که با قلب و زبان تسلیم ما هستند از شیعیان ما شمرده نمی‌شوند، آنگاه که با او امر ما مخالفت نموده و از نواهی ما اجتناب نکنند، و با اینهمه در بهشت می‌باشند، ولیکن بعد از آنکه با ناراحتی‌ها و گرفتاریها از گناهان پاک شوند، یا در موقفهای قیامت با انواع دردها، یا در طبقه اول از جهنم قرار داده شوند و با عذابهای الهی عقاب شوند، تا با محبت ما از آن نجات یابند و به حضور ما برسند.

قولها فی فضل علماء الشیعة

حضرت امرأة عند الصدیقة فاطمة الزهراء علیهاالسلام فقالت: ان لی والدة ضعیفة و قد لبس علیها فی امر صلاتها شیء، و قد بعثتنی الیک اسالک، فاجابتها فاطمة علیهاالسلام عن ذلک، ثم ثنّت فاجابت، ثم ثلّثت فاجابت، الی ان عشّرت فاجابت، ثم خجلت من الکثرة، فقالت: لا اشق علیک یا بنت رسول‌الله، قالت فاطمة علیهاالسلام: هاتی و سلی عمّا بدا لک- الی ان قالت:-
سمعت ابی‌رسول‌الله صلی الله علیه وآله یقول: ان علماء شیعتنا یحشرون، فیخلع علیهم من خلع الکرامات علی قدر کثرة علومهم و جدّهم فی ارشاد عبادالله، حتی یخلع علی الواحد منهم الف الف خلعة من نور- الی ان قالت: یا اَمَةَ اللّهِ اِنَّ سِلْکاً مِنْ تِلْکَ الْخُلَعِ لَاَفْضَلُ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَیْهِ الشَّمْسُ اَلْفَ اَلْفِ مَرَّةً وَ ما فَضُلَ فَاِنَّهُ مَشُوبٌ بِالتَّنْغیصِ وَ الْکَدِرِ.

[صفحه 273]

(14) سخن آن حضرت در فضیلت دانشمندان شیعه
زنی نزد آن حضرت آمده و گفت: مادر ناتوانی دارم که بعضی از مسائل نماز برای او مورد سؤال قرار گرفته است و مرا نزد تو فرستاده تا سؤال نمایم، آن حضرت پاسخ او را داد، دوباره پرسید پاسخ شنید، مرحله سوم پرسید باز پاسخ شنید، تا ده سؤال مطرح کرد و باز پاسخ خود را دریافت، در اینجا از کثرت سؤال خجالت کشید و گفت: ای دختر پیامبر دچار مشکل شدی، آن حضرت فرمود: سؤالاتت را مطرح کن- تا آنجا که فرمود:
از پدرم شنیدم که می‌فرمود: دانشمندان شیعه در روز قیامت که محشور می‌شوند به اندازه کثرت علومشان و جدّیتشان در ارشاد بندگان خداوند خلعتهای کرامت بر آنان می‌پوشانند، تا آنجا که بر بعضی از آنان میلیونها خلعت نور پوشانده می‌شود- تا آنجا که فرمود: ای کنیز، رشته‌ای از آن خلعتها میلیونها بار برتر است از آنچه خورشید بر آن تابیده است.

[صفحه 274]

قولها فی محبتها لامة ابیها

روی انها لّما سمعت بان اباها زوّجها و جعل الدراهم مهراً لها سألت اباها أن یجعل مهرها الشفاعة فی عصاة امته، نزل جبرئیل و معه بطاقة من حریر مکتوب فیها: جعل الله مهر فاطمة الزهراء شفاعة المذنبین من امة ابیها، فلّما احتضرت اوصت بان توضع تلک البطاقة صدرها تحت الکفن فوضعت و قالت:

اِذا حَشَرْتُ یَوْمَ الْقِیامَةِ رَفَعْتُ تِلْکَ الْبِطاقَةَ بِیَدَیَّ وَ شَفَّعْتُ فی عُصاةِ اُمَّةِ اَبی.

(15) سخن آن حضرت در محبّتش به امت پدرش

روایت شده: آنگاه که شنید پدرش او را تزویج کرده و مهرش را مبلغی پول قرار داده، از پدرش خواست که مهرش را شفاعت گناهکاران امت او قرار دهد، آنگاه جبرئیل نازل شد و در دستش پارچه‌ای قرار داشت که روی آن نوشته بود: خداوند مهر فاطمه را شفاعت گناهکاران امت پدرش قرار داده است، هنگامی که آن حضرت به حال احتضار رسیده وصیت کرد که آن پارچه را روی سینه و زیر کفنش قرار دهند، و فرمود:

آنگاه که محشور گردیدم این پارچه را با دستم بلند کرده در مورد گناهکاران امت پدرم شفاعت می‌نمایم.

قولها فی قاتل ولدها الحسین

قاتِلُ الْحُسَیْنِ فِی النَّارِ.

(16) سخن آن حضرت در مورد قاتل فرزندش امام حسین علیه‌السلام

قاتل حسین علیه‌السلام در آتش دوزخ است.

قولها فیمن قتل ولدها

خابَتْ اُمَّةٌ قَتَلَتْ اِبْنَ بِنْتِ نَبِیِّها.
(17) سخن آن حضرت در مورد قاتل فرزندش علیه‌السلام
زیان‌کار است امتی که پسر دختر پیامبرش را به شهادت می‌رساند.

[صفحه 276]

قولها فی فضل التسلیم علیهم

عن یزید بن عبدالملک النوفلی، عن ابیه، عن جده قال: دخلت علی فاطمة بنت رسول‌الله علیهماالسلام فبد أتنی بالسلام، قال: و قالت: قال ابی، و هو ذا حی:من سلّم علی و علیک ثلاثة ایام فله الجنة، قلت له: ذا فی حیاته و حیاتک او بعد موته و موتک؟ قالت:
فی حَیاتِنا وَ بَعْدَ وَفاتِنا.
(18) سخن آن حضرت در فضیلت درود فرستادن به ایشان
یزید بن عبدالملک از پدرش، از جدش روایت می‌کند، که گفت: به خدمت آن حضرت رسیدم، ابتدا به سلام نمود، و فرمود: پدرم در زمان زنده بودن فرمود: هر که بر من یا بر تو سه بار درود فرستد داخل بهشت می‌شود، او گوید: به آن حضرت گفتم: این مطلب در زمان زندگی پیامبر و شماست یا بعد از رحلت ایشان و شما؟ فرمود:
در زمان زندگی ما و بعد از رحلتمان از این دنیا.

[صفحه 277]

قولها فيما يحبها

حُبِّبَ اِلَیَّ مِنْ دُنْیاکُمْ ثَلاثٌ: تِلاوَةُ کِتابِ اللَّهِ، وَالنَّظَرُ فی وَجْهِ رَسُولِ‌اللَّهِ، وَ الْاِنْفاقُ فی سَبیلِ‌اللَّهِ.
(19) سخن آن حضرت در آنچه محبوب آن حضرت است
از دنیای شما سه چیز محبوب من است: تلاوت قرآن، نگاه به چهره پیامبر، انفاق در راه خدا.

قارِیءُ «الْحَدیدِ» وَ «اِذا وَقَعَتْ» وَ «سُورَةِ الرَّحْمنِ» یُدْعی فی مَلَکُوتِ السَّماواتِ: ساکِنُ الْفِرْدَوْسِ.

[صفحه 279]

(20) سخن آن حضرت در فضیلت قرائت بعضی از سور قرآن
خواننده سوره حدید و واقعه و رحمان در ملکوت آسمانها ندا کرده می‌شود: تو ساکن بهشت فردوس می‌باشی.

[صفحه 281]

گزیده‌ای از گفتار آن حضرت

اشاره

در آداب غذا خوردن
در شدت عذاب جهنم
در تحریض به دعا نمودن بر مرده
در ترغیب به تلاوت قرآن و دعا در شب اول دفن
در فضیلت شب قدر
در گرامی‌داشتن میهمان
در تقدیم همسایه بر خود
در فضیلت مقام مادر
در تعیین حدود وظایف زن و مرد
در توصیف بهترین مردان
در توصیف بهترین زنان
در مورد بهترین چیز برای زن
در اهمیت حجاب
در نزدیکترین حالت زن نسبت به پروردگارش
در تعیین ساعت اجابت دعا
در فضیلت عمل خالص
در مورد خرسندی فرشتگان از پیروزی مومنان
در توصیف مومن
در فضیلت خوشروئی
در وظیفه‌ی روزه‌دار

قولها فی خصال المائدة

فِی الْمائِدَةِ اِثْنَتا عَشَرَةَ خَصْلَةً، یَجِبُ عَلی کُلِّ مُسْلِمٍ اَنْ یَعْرِفَها، اَرْبَعٌ فیها فَرْضٌ وَ اَرْبَعٌ فیها سُنَّةٌ، وَ اَرْبَعٌ فیها تَأْدیبٌ.
فَاَمَّا الْفَرْضُ: فَالْمَعْرِفَةُ وَ الرِّضا وَ التَّسْمِیَةُ وَ الشُّکْرُ.
وَ اَمَّا السُّنَّةُ: فَالْوُضُوءُ قَبْلَ الطَّعامِ وَ الْجُلُوسُ عَلَی الْجانِبِ الْاَ یْسَرِ، وَ الْاَکْلُ بَثَلاثِ اَصابِعَ.
وَ اَمَّا التَّأْدیبُ: فَالْاَکْلُ بِما یَلیکَ وَ تَصْغیرُ اللُّقْمَةِ وَ الْمَضْغُ الشَّدیدُ، وَ قِلَّةُ النَّظَرِ فی وُجُوهِ النَّاسِ.

[صفحه 283]

(21) سخن آن حضرت در آداب غذا خوردن
در غذاخوردن دوازده ویژگی می‌باشد که بر هر مسلمانی واجب است آنها را بداند، چهار ویژگی واجب، چهار ویژگی مستحب، و چهار ویژگی از ادب است.
اما واجبات آن: شناخت و رضایت و خشنودی، و نام خدا را بردن و شکر او را نمودن.
و اما مستحبّات آن: شستن دست قبل از غذا، و نشستن بر طرف چپ، و خوردن به سه انگشت.
و اما آنچه از ادب است: خوردن از جلوی ظرف غذا، و کوچک گرفتن لقمه، و جویدن زیاد، و کمتر نگریستن به چهرهای مردم.

قولها فی شدة عذاب النار

اَلْوَیْلُ ثُمَّ الْوَیْلُ لِمَنْ دَخَلَ النَّارَ.
(22) سخن آن حضرت در شدت عذاب جهنم
وای، وای، بر آنکه داخل آتش دوزخ شود.

[صفحه 284]

قولها فی التحریض للدعاء للمیت

عن علی علیه‌السلام: مروا اهالیکم بالقول الحسن عند موتاکم، فان فاطمة علیهاالسلام لمّا قبض ابوها صلی الله علیه و آله اسعدتها بنات هاشم، فقالت:
أُتْرُکْنَ التِّعْدادَ وَ عَلَیْکُنَّ بِالدُّعاءِ.
(23) سخن آن حضرت در تحریض به دعا نمودن بر مرده
از حضرت علی علیه‌السلام روایت شده که فرمود: به خانواده‌های خود دستور دهید تا در مورد مردگانتان سخن زیبا گویند، هنگام رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله دختران بنی‌هاشم حضرت فاطمه علیهاالسلام را یاری می‌نمودند، آن حضرت فرمود:
از ذکر مناقب و مفاخر بپرهیزید و بر شما باد به دعا کردن.

قولها فی الحث علی قراءة القرآن و الدعاء فی لیلة الدفن

روی انها علیهاالسلام لما احتضرت اوصت علیا علیه‌السلام فقالت: اذا انا متّ فتولّ انت غسلی- الی ان قالت:- و اجلس عند رأسی قبالة وجهی
فَاَکْثِرْ مِنْ تِلاوَةِ الْقُرْانِ وَ الدُّعاءِ، فَاِنَّها ساعَةٌ یَحْتاجُ الْمَیِّتُ فیها اِلی اُنْسِ الْاَحْیاءِ.
(24) سخن آن حضرت در ترغیب به تلاوت قرآن و دعا در شب اول دفن
روایت شده: آن حضرت هنگام احتضار به حضرت علی علیه‌السلام وصیت کرد و فرمود: هنگامی که از دنیا رفتم غسلم را به عهده گیر- تا آنجا که فرمود:- و بالای سرم در حالیکه روبرویم قرار داری بنشین و بسیار قرآن بخوان و دعا بنما، زیرا آن ساعتی است که شخص مرده به همنشینی زنده‌ها نیازمند است.

قولها فی فضل لیلة القدر

روی انها علیهاالسلام لا تدع احداً من اهلها ینام تلک اللیلة (لیلة القدر)، و تداویهم بقلة الطعام و تتأهّب لها من النهار، و تقول:
مَحْرُومٌ مَنْ حُرِمَ خَیْرَها.
(25) سخن آن حضرت در فضیلت شب قدر
روایت شده: در شب قدر آن حضرت نمی‌گذاشت افراد خانواده‌اش به خواب روند، و با کم غذا دادن به ایشان، آنان را بیدار نگاه می‌داشت، و برای این منظور در روز قبل مواردی را آماده می‌کرد، و می‌فرمود:
محروم و زیانکار کسی است که از خیر شب قدر محروم باشد.

قولها فی ایثار الضیف

روی ان رجلاً جاء الی النبی صلی الله علیه و آله، فشکا الیه الجوع، فقال رسول‌الله: من لهذا الرجل اللیلة؟ فقال علی علیه‌السلام: انا له یا رسول‌الله، فاتی فاطمة علیهاالسلام فقال لها: ما عندک یا ابنة رسول‌الله؟ فقالت:
ما عِنْدَنا اِلاَّ قُوتُ الصَّبِیَّةِ، لکِنَّا نُؤْثِرُ بِهِ ضَیْفَنا.
(26) سخن آن حضرت در گرامی داشتن میهمان
روایت شده: مردی نزد پیامبر آمد و از گرسنگی شکایت کرد، آن حضرت فرمود: امشب چه کسی او را سیر می‌کند، حضرت علی علیه‌السلام فرمود: ای پیامبر من، آنگاه نزد حضرت فاطمه علیهاالسلام آمده و گفت: ای دختر پیامبر نزد تو چیزی هست؟ فرمود:
نزد ما غذائی جز غذای کودکان باقی نمانده است، امّا ما میهمانمان را بر خود مقدم می‌داریم.

قولها فی تقدیمها الجار علی نفسها

عن الحسن علیه‌السلام: رأیت امی فاطمة علیهاالسلام قامت فی محرابها لیلة جمعتها، فلم تزل راکعة ساجدة، حتّی اتّضح عمود الصبح، و سمعتها تدعو للمؤمنین و المؤمنات و تسمّیهم و تکثر الدعاء لهم، و لا تدعو لنفسها بشیء، فقلت لها: یا امّاه، لم لا تدعین لنفسک کما تدعین لغیرک؟ قالت:
یا بُنَیَّ! اَلْجارُ ثُمَّ الدّارُ.
(27) سخن آن حضرت در مقدم داشتن همسایه بر خود
از امام حسن علیه‌السلام روایت شده که فرمود: مادرم حضرت فاطمه علیهاالسلام را در شب جمعه‌ای در محراب عبادت دیدم، همواره در رکوع و سجود بود، تا آنکه طلوع فجر شد، و می‌شنیدم که زنان و مردان را نام برده و بسیار برای آنها دعا می‌کند ولی برای خود دعائی نفرمود، گفتم: ای مادر چرا همانگونه که برای دیگران دعا می‌کنی برای خودت دعا نمی‌نمائی؟ فرمود:
پسرم! ابتدا همسایه آنگاه خاندان خود.

قولها فی فضل مقام الام

اَلْزِمْ رِجْلَها فَاِنَّ الْجَنَّةَ تَحْتَ اَقْدامِها.

(28) سخن آن حضرت در فضیلت مقام مادر

همواره در کنار مادر باش، زیرا بهشت زیر پای مادران است.

قولها فی تحدید خدمة الزوجین

تقاضی علیّ و فاطمة علیهماالسلام الی رسول‌اللّه صلی الله علیه و آله فی الخدمة، فقضی علی فاطمة بخدمة ما دون الباب، و قضی علی علیّ ما خلفه، فقالت فاطمة علیهماالسلام:
فَلا یَعْلَمُ ما داخَلَنی مِنَ السُّرُورِ اِلاَّ اللَّهُ بِاِكْفائی رَسُولُ‌اللَّهِ صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَ آلِهِ تَحَمُّلَ رِقابِ الرِّجالِ.
(29) سخن آن حضرت در تعیین حدود وظائف زن و مرد
حضرت علی و فاطمه علیهماالسلام در مورد تعیین وظائف‌شان در خانه از پیامبر نظرخواهی نمودند، پیامبر کارهای درون خانه را بحضرت فاطمه علیهاالسلام و کارهای بیرون خانه را به علی علیه‌السلام سپرد، حضرت فاطمه علیهاالسلام فرمود: از سرور و خوشحالی من از اینکه پیامبر مرا از برخورد با مردان معاف کرد کسی جز خداوند آگاه نیست.

قولها فی توصیف خیر الرجال

خِیارُکُمْ اَلْیَنُکُمْ مَناکِبُهُ وَ اَکْرَمُهُمْ لِنِسائِهِمْ.

(30) سخن آن حضرت در توصیف بهترین مردان

بهترین شما کسی است که اخلاقش نیکو بوده و نسبت به همسرش مهربانتر باشد.

[صفحه 290]

قولها فی وصف خیر النساء

روی أنّ أمیرالمؤمنین علیه‌السلام سألها: ما خیر النساء؟ قالت: اَنْ لا یَرَیَنَّ الرِّجالَ وَ لا یَرُونَهُنَّ.
و فی روایة:
لا یَراهُنَّ الِّرجالُ.
(31) سخن آن حضرت در توصیف بهترین زنان
روایت شده که حضرت علی علیه‌السلام از حضرت فاطمه علیهاالسلام پرسید: بهترین زنان کیانند؟ فرمود:
آنانکه مردان را نبینند، و مردان نیز آنان را نبینند.
و در روایتی دیگر اینگونه آمده:
اینکه مردان او را نبینند.

قولها فی ما هو خیر للمرأة

روی أن النبی صلی الله علیه و آله قال لها:ای شی خیر للمرأة؟ قالت: اَنْ لا تَری رَجُلاً، وَ لا یَراها رَجُلٌ.
و فی روایة:
اَنْ لا تَری الِّرجالَ وَ لا یَرُوها.
(32) سخن آن حضرت در مورد بهترین چیز برای زن
روایت شده که پیامبر پرسید: چه چیز برای زن نیکوست؟ فرمود: مردی را نبیند، و مردی نیز او را نبیند.
و در روایتی دیگر اینگونه آمده:
مردی او نبیند و مردان او را نبینند.

[صفحه 292]

قولها فی اهمیة الحجاب

عن علی علیه‌السلام: استأذن أعمی علی فاطمة علیهاالسلام فحجبته، فقال رسول اللَّه صلی الله علیه و آله: لم حجبتیه و هو لا یراک؟ فقالت:
اِنْ لَمْ یَکُنْ یَرانی فَاِنّی اَراهُ، وَ هُوَ یَشُمُّ الرِّیحَ.
(33) سخن آن حضرت در اهمیت حجاب
از حضرت علی علیه‌السلام روایت شده که فرمود: مرد کوری از حضرت فاطمه علیهاالسلام اجازه ورود خواست، ایشان خود را در پوشش قرار داد،پیامبر فرمود:چرا خودت را در پوشش قرار دادی در حالیکه او تو را نمی‌بیند؟ فرمود:
اگر مرا نمی‌بیند من او را می‌بینم، و او بو را احساس می‌کند.

قولها فی أدنی ما تکون المرأة من ربها

سأل رسول اللّٰه صلی الله علیه و آله عن المرأة متی تکون أدنی من ربّها؟ قالت:

اَدْنی ما تَکُونُ مِنْ رَبِّها اَنْ تَلْزَمَ قَعْرَ بَیْتِها.

(34) سخن آن حضرت در نزدیکترین حالت زن نسبت به پروردگارش

پیامبر پرسید: نزدیکترین زمانیکه زن نسبت به پروردگارش قرار دارد چه هنگام است؟ فرمود:

نزدیکترین زمان زن نسبت به پروردگارش هنگامی است که در کنج خانه‌اش قرار دارد.

قولها فی تعیین ساعة الاجابة

کانت علیها السلام تقول لغلامها:
اِصْعَدْ عَلَی السَّطْحِ، فَاِنْ رَأَیْتَ عَیْنَ الشَّمْسِ قَدْ تَدَلَّی لِلْغُرُوبِ فَاَعْلِمْنی حَتّی اَدْعُو.
(35) سخن آن حضرت در تعیین ساعت اجابت دعا
آن حضرت در روز جمعه به غلام خود می‌فرمود: بر بلندی قرار گیر، آنگاه که دیدی قرص خورشید در حال غروب است مرا آگاه کن، تا دعا نمایم.

قولها فی فضل العمل الخالص

مَنْ اَصْعَدَ اِلَی اللَّهِ خالِصَ عِبادَتِهِ، اَهْبَطَ اللَّهُ اِلَیْهِ اَفْضَلَ مَصْلَحَتِهِ.
(36) سخن آن حضرت در فضیلت عمل خالص
هر که خالصترین عباداتش را نزد خداوند بفرستد، او بهترین مصلحتش را برای او مقدّر می‌فرماید.

قولها لمن غلب علی عدوه

اختصم الیها امرأتان فتنازعتا فی شیء من امر الدین: احداهما معاندة و الاخری مؤمنة، ففتحت علی المؤمنة حجّتها فاستظهرت علی المعاندة، ففرحت فرحاً شدیداً، فقالت علیهاالسلام:
اِنَّ فَرَحَ الْمَلائِکَةِ بِاسْتِظْهارِکِ عَلَیْها اَشَدُّ مِنْ فَرَحَکِ، وَ اِنَّ حُزْنَ الشَّیْطانِ وَ مَرَدَتِهِ بِحُزْنِهَا عَنْکِ اَشَدُّ مِنْ حُزْنِها.

[صفحه 295]

(37) سخن آن حضرت در مورد خرسندی فرشتگان از پیروزی مؤمنان
دو زن در مسأله‌ای از مسائل دینی با یکدیگر گفتگو می‌کردند، یکی دشمن و دیگری مؤمن، برهان زن مؤمن غالب گردید، و او بسیار خرسند شد، آن حضرت فرمود:
خرسندی فرشتگان از پیروزی تو بیشتر از خوشحالی توست، و ناراحتی شیطان و یارانش از ناراحتی دشمن تو افزونتر است.

قولها فی وصف المؤمن

اَلْمُؤْمِنُ یَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ تَعالی.
(38) سخن آن حضرت در توصیف مؤمن
مؤمن با نور الهی می‌نگرد.

[صفحه 296]

قولها فی فضیلة حسن الوجه

اَلْبُشْرُ فی وَجْهِ الْمُؤْمِنِ یُوجِبُ لِصاحِبِهِ الْجَنَّةَ، الْبُشْرُ فی وَجْهِ الْمُعادی یَقی صاحِبَهُ عَذابَ النّارِ.

(39) سخن آن حضرت در فضیلت خوشروئی

روی خندان نسبت به انسان مؤمن آدمی را به بهشت رهنمون می‌سازد، روی خندان در چهره معاند و دشمن آدمی را از عذاب دوزخ نگاه می‌دارد.

قولها فی ادب الصائم

مَا يَصْنَعُ الصَّائِمُ بِصِيامِهِ، اِذا لَمْ يَصُنْ لِسانَهُ وَ سَمْعَهُ وَ بَصَرَهُ وَ جَوارِحَهُ.
(40) سخن آن حضرت در وظيفه روزه‌دار
روزه‌دار آنگاه كه زبان و گوش و چشم و اندامش را حفظ ننمايد، روزه‌اش چه اثرى دارد.

[صفحه 299]

استغاثه‌هائی به آن حضرت

اشاره

استغاثه به آن حضرت با دعا و نماز
استغاثه به آن حضرت با دعا و نماز
استغاثه به آن حضرت با دعا و نماز
استغاثه به آن حضرت با دعا
استغاثه به آن حضرت با دعا

[صفحه 300]

الاستغاثة الیها بالصلاة و الدعاء

عن الصادق علیه‌السلام: اذا کانت لاحدکم استغاثة الی الله تعالی، فلیصل رکعتین، ثم یسجد و یقول:
یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ‌اللَّهِ، یا عَلِیُّ یا سَیِّدَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الْمُؤْمِناتِ، بِکُما اَسْتَغیثُ اِلَی اللَّهِ تَعالی، یا مُحَمَّدُ یا عَلِیُّ اَسْتَغیثُ بِکُما، یا غَوْثاهُ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ وَ عَلِیٍّ وَ فاطِمَةَ- و تعدّ الائمة علیهم السلام- بِکُمْ اَتَوَسَّلُ اِلَی اللَّهِ تَعالی.
فانک تغاث من ساعتک ان‌شاءالله‌تعالی.
(1) استغاثه به آن حضرت با نماز و دعا
از امام صادق علیه‌السلام روایت شده: هر کدام از شما استغاثه‌ای به خداوند داشتید، دو رکعت نماز گذارده، آنگاه سجده نموده و گوئید:
ای محمد ای پیامبر خدا، ای علی ای آقای زنان و مردان مؤمن، به شما از خداوند طلب یاری می‌جویم، ای محمد ای علی به شما از خداوند فریادرسی می‌طلبم، ای فریادرس به خدا و به محمد و علی و فاطمه- و تمامی ائمه علیهم‌السلام را نام برده- با شما به خداوند توسّل می‌جویم.
که در همان لحظه حاجتت بر آورده می‌شود.

الاستغاثة الیها بالصلاة و الدعاء

عن الصادق علیه‌السلام: اذا کانت لک حاجة الی الله تعالی و تضیق بها ذرعاً، فصلّ رکعتین، فاذا سلّمت کبّر الله ثلاثاً، و سبّح تسبیح فاطمة علیهاالسلام، ثم اسجد و قل مائة مرة:
یا مَوْلاتی فاطِمِةُ، اَغیثینی.
ثم ضع خدّک الأیمن علی الارض و قل مثل ذلک، ثم عد الی السجود و قل ذلک مائة مرة و عشر مرّات، و اذکر حاجتک، فان الله یقضیها.
(2) استغاثه به آن حضرت با نماز و دعا
از امام صادق علیه‌السلام روایت شده: هر گاه حاجتی داشتید که نسبت به آن بسیار در سختی قرار گرفته‌اید، دو رکعت نماز گذارده، پس از نماز سه بار تکبیر گفته،آنگاه تسبیح حضرت زهرا علیهاالسلام را بگوید، سپس سجده کرده و صد بار بگو:
ای مولای من ای فاطمه، بفریادم رس.
آنگاه گونه‌ی راستت را بر زمین قرار ده و همین ذکر را تکرار کن، آنگاه دوباره سجده کن و صد و ده بار آن را بگو، و حاجتت را ذکر کن، خداوند حاجتت را برآورد.

الاستغاثة الیها بالصلاة و الدعاء

تصلّی رکعتین، ثم تسجد و تقول: یا فاطِمَةُ- مائة مرة، ثم تضع خدّک الایمن علی الارض و قل مثل ذلک، و تضع خدّک الایسر علی الارض و تقول مثله، ثم اسجد و قل ذلک مائة و عشر دفعات، و قل:
یا امِناً مِنْ کُلِّ شَیْ‌ءٍ وَ کُلُّ شَیْ‌ءٍ مِنْکَ خائِفٌ حَذِرٌ، اَسْاَلُکَ بِاَمْنِکَ مِنْ کُلِّ شَیْ‌ءٍ وَ خَوْفِ کُلِّ شَیْ‌ءٍ منْکَ، اَنْ تُصَلِّیَ عَلی مُحَمَّدٍ وَ الِ مُحَمَّدٍ وَ اَنْ تُعْطِیَنی اَماناً لِنَفْسی وَ اَهْلی وَ مالی وَ وَلَدی، حَتَّی لا اَخافُ اَحَداً وَ لا اَحْذَرُ مِنْ شَیْ‌ءٍ اَبَداً، اِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ‌ءٍ قَدیر.

[صفحه 303]

(3) استغاثه به آن حضرت با نماز و دعا
دو رکعت نماز می‌خوانی، آنگاه سجده کرده و صد بار می‌گوئی: ای فاطمه، سپس گونه راستت را بر زمین نهاده و همین ذکر را می‌گوئی، آنگاه گونه چپ خود را بر زمین نهاده و آن را تکرار می‌نمائی، آنگاه سجده کرده و صد و ده بار آن را ذکر نموده، و می‌گوئی:
ای آنکه از هر چیز در امنیت بوده و هر چیز از تو در خوف و هراس می‌باشد، به امنیتت از هر چیز و هراس هر چیز از تو، از تو می‌خواهم که بر محمد و خاندانش درود فرستی و در جان و خاندان و اموال و فرزندانم به من امنیتی عطا نمائی که از کسی نترسم و هرگز از چیزی هراسی به دل راه ندهم، تو بر هر چیز قادری.

[صفحه 304]

الاستغاثة اليها بالدعاء

تقول خمسمائة و ثلاثين مرة:
اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلی فاطِمَةَ وَ اَبیها، وَ بَعْلِها وَ بَنیها، بِعَدَدِ ما اَحاطَ بِهِ عِلْمُکَ.
(4) استغاثه به آن حضرت با دعا
پانصد و سی بار بگو:
خداوندا! بر فاطمه و پدرش و شوهرش و فرزندانش، به اندازه آنچه علمت بدان احاطه دارد، درود فرست.

الاستغاثة الیها بالدعاء

اِلهی بِحَقِّ فاطِمَةَ وَ اَبیها، وَ بَعْلِها وَ بَنیها، وَ السِّرِّ الْمُسْتَوْدَعِ فیها.
(5) استغاثه به آن حضرت با دعا
بارالها! به حق فاطمه و پدرش و شوهرش و فرزندانش و سرّی که در او به امانت نهاده شده است.

اشعاری در مدح آن حضرت

اشاره

از جوی تو شبنمی است زمزم، و از بحر تو شعبه‌ای است کوثر
- این فخر بس که بوسه زند دست او پدر
- خیر دو سرا، درخت طوبی زهرا
- قره‌ی باصره شمس حقیقت‌آرا
- اولین محبوبه‌ی رب رفت در خاک ای دریغ

[صفحه 309]

ای دخت گرامی پیمبر، ای سرّ رسول در تو مُضمر
در بیت شریف وحی خاتون، بر چرخ رفیع مَجد اختر

ای شبه نبّی به خُلق و اوصاف، ای نور مجسَّم مصوّر
ای خادم خانه تو حوّا، و ای حاجب درگه تو هاجر

در طور لقا یگانه بانو، در مُلک وجود زیب و زیور
با شیر خدا علیّ عالی،هم سنگر و هم پیام و همسر

مانند تو زن جهان ندیده است، غمخوار و نگاهبانِ شوهر
ای عین کمال و جان بینش، ای شخص شخیص عصمت و فرّ

بر رفعت قدر تو گواه است، بیت و حجر و مقام و مشعر
ای سیده زنان عالم، ای بضعه حضرت پیمبر

تو اصلی و دیگران همه فرع، تو جانی و دیگران چو پیکر
در ملک و لا ولیّة اللّه، بر نخل وجود احمدی بر

قرآن به فضیلت تو نازل، برهان تو محکم و مقرّر
روی تو جمال کبریایی، کوی تو رواق قرب داور

از جوی تو شبنمی است زمزم، و از بحر تو شعبه‌ای است کوثر
زان خطبه آتشین که پیچید، در ارض و سما بسان تَندر

محکوم شد آن نظام و گردید، حق روشن و غالب و مظفّر
من عاجزم از بیان وصفت، تو بحری و من ز قطره کمتر

[صفحه 310]

ای امّ محامد و معالی، ای از تو مشام جان معطّر

با اینهمه عزّ و رفعت شأن، با آن همه فخر بی‌حد و مرّ

از ظلم منافقین امّت، شد قلب منیر تو مکدّر
آن را که نمود حق مقدّم، کردند معاندان مؤخّر

بردند فدک به غصب و بستند، بر باب تو گفته‌ای مزوّر
افسوس شکست دشمن دین، پهلوی تو را به ضربت در

بازوی تو را به تازیانه، زد قنفذ ملحد ستمگر
از سیلی و شرح آن نگویم، کافتد به دل از بیانش آذر

در ماتم محسن شهیدت، مائیم به سوگ و ناله اندر
بر لطفی صافی از سر لطف، بنگر که بود پریش و مضطر

بس فخر از آن کند که دارد
بر سر ز ستایش تو افسر

«شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی»

این فخر بس که بوسه زند دست او پدر

من خواستم ز طبع روان تا کنم زبان
شیرین به مدح فاطمه بانوی بانوان

یاری کند مرا که بیارم به مدح او
عقد گهر به محفل یاران و دوستان

لب را بدان معطّر و یاری از او کنم
از او مدد بگیرم و از فیض او توان

اندر جواب گفت به من با زبان حال
ما را کجا و راه بدان جا و آن مکان

دست تو کی باوج جلالش توان رسید
از قطره کمتری بَر آن بحر بیکران

زین حالناامید نگشتم من و رسید
از حضرتش توجه و این است ارمغان

هم کوچک و حقیرم و هم ذره‌ای فقیر
وین خانواده را نبود مثل و هم عنان

ره کس نبرده است بجاه و جلالشان
غیر از خدا که خلق زمین کرد و آسمان

امّا باین حقارت و ناقابلی مرا
باشد سر خلوص باین عرش آستان

[صفحه 312]

سر تا به آستانه ایشان نموده‌ام

هم امن شد نصیب من اینجا و هم امان

روز ولادت گل گلزار مصطفی است
از بهر افتخار کنم مدح او بیان

فضلی است بهر من که بگویم ز فضل او
با مدح او ز خویش کمالی کنم عیان

صالح نمی‌شود عملی بی ولایشان
ناجح کسی بود که از این ره شده روان

لب تر کنم بمدحت زهرا به آن امید
تا با شفاعتش ببرم حظّ جاودان

بر او درود باد که بر او خدای او
بنموده افتخار بخیل فرشتگان

قدرش برو به سوره کوثر نما نظر
در هل اتی و آیه تطهیر رو بخوان

این فخر بس که بوسه زند دست او پدر
یا در بغل رسول خدا گیردش چو جان

یک زن که هست سیّده و سرور زنان
مردی بجز علی نبُدش مثل و هم عنان

ای فاطمه کدام ابیها تو را پدر
خواند و بس است بهر تو این نام و این نشان

سیمای دین برحلتْ باب گرامیت
آنگونه شد مشوّه و دید آن همه زیان

لات و عزی بحیله گرفتند ملک دین
حقِّ علی و حق تو بردند از میان

امید ما بود به مهین یادگار تو
کاید برون ز پرده و عدلش شود عیان

ما را از این مذلت و خواری دهد نجات
آید (علی) بهار وصال از پی خزان

«شیخ علی صافی گلپایگانی»

[صفحه 314]

دنیاست چو قطره‌ایّ و دریا، زهرا
کی فرصت جلوه دارد اینجا، زهرا

قدرش بود امروز نهان چون دیروز
هنگامه کند ولیک فردا، زهرا

خالق چو کتاب خلقت انشا فرمود
عالم چو الفبا شد و معنی، زهرا

احمد که خدا گفت به مدحش: لولاک
کی می‌شدی آفریده، لولا زهرا

طاها و علی، دو بیکران دریایند
و آن برزخ ما بین دو دریا، زهرا

او سِّر خدا و لیلةالقدر نبی است
خیر دو سرا، درخت طوبی زهرا

بر تخت جلال، از همه والاتر
بر مسند افتخار یکتا، زهرا

در آل‌کسا محور شخصَّیتهاست
ما بین اَب و بَعل و بنیها، زهرا

سر سلسله نسل پیمبر کوثر
سرچشمه نور چشم طاها، زهرا

[صفحه 315]

تنها نه همین مادر سبطین است او

فرمود نبی: ام‌ابیها، زهرا

آن پایه که دیروز پیمبر بنهاد
امروز نگهداشته برپا، زهرا

از احمد و مرتضی چه باقی ماند
از مجمعشان شود چو منها، زهرا

حرمت بنگر که در صفوف محشر
یک زن نبود سواره، الاّ زهرا

هنگام شفاعت چو رسد روز جزا
کافی است برای شیعه، تنها زهرا

حیف است حسانا که در آتش سوزد
آن شیعه که ورد اوست: زهرا زهرا

«حبیب چایچیان، حسان»

[صفحه 316]

دل افسرده‌ام از زندگی آمد بیزار
می‌رسد بسکه به گوش دل من ناله زار

ناله واأبتاه می‌رسد از سوخته‌ای
کز دل مادر گیتی ببرد صبر و قرار

صد چو قمری کند از ناله او نوحه‌گری
می‌چکد خون دل و دیده ز منقار هزار

شرری زهره زهرا زده در خرمن ماه
که نه ثابت به فلک ماند و نه دیگر سیار

جورها دید پس از دور پدر در دوران
نه مساعد ز مهاجر نه معین از انصار

بت‌پرستی به در کعبه مقصود و امید
آتشی زد، که برافروخته تا روز شمار

شرر آتش و آن صورت مهوش عجب است
نور حق کرد تجلّی مگر از شعله نار

طور سینای تجلّی متزلزل گردید
چون بدان سینه بی‌کینه فرو شد مسمار

نه ز سیلی شده نیلی رخ صدّیقه و بس
شده از سیل سیه، روی جهان تیره و تار

بشنو از بازو و پهلو که چه دید آن بانو
من نگویم چه شد اینک در و اینک دیوار

دل سنگ آب شد از صدمه پهلو که فتاد
گوهری از صدف بحر نبوّت به کنار

بسکه خستند و شکستند زناموس اله
بازوی کفر قوی، پهلوی دین گشت نزار

محتجب شد به حجاب ازلی وقت هجوم
گر شنیدی که نبودش به سر و روی خمار

قرّه باصره شمس حقیقت‌آرا
چون کند جلوه در او خیره بماند ابصار

بند در گردن مردافکن عالم افکند
بت‌پرستی که همی داشت به گردن زنّار

منکر حق شد و بیعت ز حقیقت طلبید
آنکه از اوّل به خداوندی او کرد اقرار

رفت از کف فدک و ناله بانو به فلک
که نه حرفش شرفی داشت نه قدرش مقدار

هیچکس اصل اصیلی نفروشد به نخیل
جز خبیثی که بود نخل شقاوت را بار

نیّر برج حیا شد چو هلالی ز هزال
یا چو آهی که برآید ز درون بیمار

روز او چون شب دیجور و تن او رنجور
لاله‌سان داغ و چون نرگس همه شب را بیدار

غیرتش بسکه جفا دید ز امّت نگذاشت
که پس از مرگ وی آیند به گردش اغیار

«کمپانی»

[صفحه 318]

اولین محبوبه رب رفت در خاک ای دریغ

تا در بیت‌الحرام از آتش بیگانه سوخت
کعبه ویران شد حرم از سوز صاحبخانه سوخت

شمع بزم آفرینش با هزاران اشک و آه
شد چنان کز دود آ هش سینه کاشانه سوخت

آتشی در بیت معمور ولایت شعله زد
تا ابد زان شعله هر معمور و هر ویرانه سوخت

آه از آن پیمان‌شکن کز کینه خمّ غدیر
آتشی افروخت تا هم خمّ و هم پیمانه سوخت

لیلی حسن قدم چون سوخت از سر تا قدم
همچو مجنون عقل رهبر را دل دیوانه سوخت

گلشن فرَّخ فر توحید آن دم شد تباه
کز سموم شرک آن شاخ گل فرزانه سوخت

گنج علم و معرفت شد طعمه افعی صفت
تا که از بیداد دونان گوهر یک دانه سوخت

حاصل باغ نبوت رفت بر باد فنا
خرمنی در آرزوی خام آب و دانه سوخت

کرکس دون پنجه زد بر روی طاووس ازل
عالمی از حسرت آن جلوه مستانه سوخت

آتشی آتش‌پرستی در جهان افروخته
خرمن اسلام و دین را تا قیامت سوخته

سینه‌ای کز معرفت گنجینه اسرار بود
کی سزاوار فشار آن در و دیوار بود

طور سینای تجلَّی مشعلی از نور شد
سینه سینای وحدت مشتعل از نار بود

ناله بانو زد اندر خرمن هستی شرر
گوئی اندر طور غم چون نخل آتش‌بار بود

آنکه کردی ماه تابان پیش او پهلو تهی
از کجا پهلوی او را تاب آن آزار بود

گردش گردون دون بین کز جفای سامری
نقطه پرگار وحدت مرکز سمار بود

صورتش نیلی شد از سیلی که چون سیل سیاه
روی گیتی، زین مصیبت تا قیامت تار بود

شهریاری شد به بند بنده‌ای از بندگان
آنکه جبریل امینش بنده دربار بود

از قفای شاه، بانو با نوای جانگداز
تا توانایی به تن، تا قوت رفتار بود

گر چه بازو خسته شد، وز کار دستش بسته شد
لیک پای همَّتش بر گنبد دوَّار بود

دست بانو گرچه از دامان شه کوتاه شد
لیک بر گردن بلند از دست آن گمراه شد

گوهری سنگین‌بهااز ابر گوهر بار ریخت
کز غم جانسوز او خون از در و دیوار ریخت

تا ز گلزار حقایق نوگلی بر باد رفت
یک چمن صرصر بیداد ز آن گلزار ریخت

غنچه نشکفته‌ای از لاله‌زار معرفت
از فراز شاخساری از جفای خار ریخت

اختر فرَّخ‌فری افتاد از برج شرف
کاسمان خوناب غم از دیده خونبار ریخت

طوطی‌ای زین خاکدان پرواز کرد و خاک غم
بر سراسر طوطیان عالم اسرار ریخت

بسملی در خون تپید از جور جبَّار عنید
یا که عنقاء ازل خون دل از منقار ریخت

زهره زهرا چه از آسیب پهلو درگذشت
چشمه‌های خون ز چشم ثابت و سیّار ریخت

مهبط روح‌الامین تا پایمال دیو شد
شورشی سر زد که سقف گنبد دوّار ریخت

از هجوم عام بر ناموس خاص لا یزال
عقل حیران، طبع سرگردان، زبان لال است لال

نور حق در ظلمت شب رفت در خاک ای دریغ
با دلی از خون لبالب رفت در خاک ای دریغ

طلعت بیت‌الشرف را زهره تابنده بود
آه کان تابنده کوکب رفت در خاک ای دریغ

آفتاب چرخ عصمت با دلی از غم کباب
با تنی بیتاب و پر تب رفت در خاک ای دریغ

پیکری آزرده از آزار افعی سیرتان
چون قمر در برج عقرب رفت در خاک ای دریغ

کعبه کرّ و بیان و قبله روحانیان
مستجار دین و مذهب رفت در خاک ای دریغ

لیلی حسن قدم با عقل اقدم هم قدم
اولین محبوبه ربَّ رفت در خاک ای دریغ

حامل انوار و اسرار رسالت آنکه بود
جبرئیلش طفل مکتب، رفت در خاک ای دریغ

آن مهین بانو که بانوئی از آن بانو نبود
در بساط قرب اقرب، رفت در خاک ای دریغ

آنکه بودی از محیط فیض و جودش کامیاب
هر بسیط و هر مرکب، رفت در خاک ای دریغ

شد ظهور غیب مکنون باز غیب مستتر
تربتش از خلق پنهان همچو سرّ مستتر

«کمپانی»

پاورقی

[1] ارماقهم (خ ل).
[2] شعائرهم (خ ل).
[3] الانبیاء 69.
[4] المراد به التسبیح الذی ذکرناه تحت الرقم: 1.
[5] مراد دعای شماره‌ی یک این مجموعه می‌باشد
[6] استمیحک (خ ل)
[7] جائر، جائر (خ ل)
[8] آل عمران: 26.
[9] النمل: 16
[10] مریم: 6
[11] الاحزاب: 6.
[12] النساء 11
[13] البقره: 180.
[14] آل عمران: 144.

بسم الله الرحمن الرحیم
جاهِدُوا بِأَمْوالِكُمْ وَ أَنْفُسِكُمْ في سَبيلِ اللَّهِ ذلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ
(سوره توبه آیه 41)
با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السّلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند
بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص 159
بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهلبیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال 1340 هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.
مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال 1385 هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.
اهداف :دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السّلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز :
الف)چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی
ب)تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن سهمراه
ج)تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما ، انیمیشن ، بازيهاي رایانه اي و ... اماکن مذهبی، گردشگری و...
د)ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار هاي تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر
ه)تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای
و)راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط 2350524)
ز)طراحی سیستم هاي حسابداري ، رسانه ساز ، موبایل ساز ، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک ، SMS و...
ح)همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...
ط)برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه
ی)برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضوری و مجازی) در طول سال
دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگي مذهبي قائمیه اصفهان
تاریخ تأسیس: 1385 شماره ثبت : 2373 شناسه ملی : 10860152026
وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com
فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com
تلفن 25-2357023- (0311) فکس 2357022 (0311) دفتر تهران 88318722 (021) بازرگانی و فروش 09132000109 امور کاربران 2333045(0311)
نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی ، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت

امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشاالله.
شماره حساب 621060953 ، شماره کارت :6273-5331-3045-1973و شماره حساب شبا : IR90-0180-0000-0000-0621-0609-53به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان – خیابان مسجد سید
ارزش کار فکری و عقیدتی
الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام -: هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنتِ غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می‌فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کَرَم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».
التفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست‌تر می‌داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می‌رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، امّا تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می‌گشایی که آن بینوا، خود را بِدان، نگاه می‌دارد و با حجّت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می‌سازد و او را می‌شکند؟».
[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی‌گمان، خدای متعال می‌فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».
مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».